

سوکندبه قلم و آنچه می نویسند

موفقیت در آزمون‌های حقوقی آرزوی شیرینی است؛ شوقی برای قبولی در آزمون‌های وکالت، قضاوت و کارشناسی ارشد، دل هر حقوقی را می‌زباید. این موفقیت هیچ معجون جادویی یا فرمول سری ندارد! این نخستین بار است که کامل‌ترین و ساده‌ترین جزوه آیین دادرسی کیفری به صورت رایگان قابل دریافت است. این جزوه به روشی ساده - اما شگفت‌انگیز - موفقیت شما را تضمین می‌کند. این جزوه، در کنار خواندن قوانین و توکل، برای هر آزمونی کافی است! بسیار مهم: آخرین نسخه بروزرسانی شده را از وبسایت بگیرید چون دائماً با توجه به تغییرات قوانین، نسخه موجود در وبسایت را تعویض می‌کنیم!

آخرین بروزرسانی جزوه: ۱۴۰۰

جزوه آیین دادرسی کیفری

دکتر امید ملاکریمی

(وکیل پایه یک دادگستری، مدرس دانشگاه و عضو هیأت علمی)

به کوشش انور یوسفی و سمیرا سبجانی

بسیاری از اوونهایی که می‌خوان در آزمون‌های حقوقی قبول بشن در انبوه کتاب‌ها و تست‌های موجود در آشفته‌بازار حقوقی و همچنین شمار زیاد مؤسسات آموزشی، سردرگم هستند و نمی‌دانند چگونه تصمیم بگیرند و یا نمی‌توانند به یک تصمیم قطعی برسند. این سردرگمی، طبیعی است اما فقط یک روز آن! انتخاب هم جزوه و هم کتاب مرجع، انتخاب خوبی نیست؛ نباید دور خود را شلوغ کنیم! تضمین می‌کنم این جزوه در کنار خواندن قانون آیین دادرسی کیفری و قوانین خاص، برای آزمون‌های حقوقی، کافی است. نکات مهم قوانین خاص مرتبط با آیین دادرسی کیفری که توسط اسکودا برای آزمون وکالت اعلام شده در این جزوه آورده شده است.

آیین دادرسی کیفری در همهٔ آزمون‌های حقوقی مثل وکالت، کارشناسی ارشد و قضاوت مورد سؤال قرار می‌گیرد. با توجه به تدریس در دانشگاه، تصمیم گرفتیم که برای این درس که داوطلبان برای فراگیری آن دچار مشکل بوده و متأسفانه به منبع جامع و ساده‌فهم دسترسی نداشته و بعضاً درگیر تشوّش منابع می‌شوند جزوهٔ کاملی رو تهیه کنیم که شرح ساده‌ای دارد. مطالعه‌ی این جزوه به دانشجویان دورهٔ کارشناسی و کارشناسی ارشد و علی‌الخصوص داوطلبان شرکت در آزمون‌های تخصصی حقوقی مانند آزمون‌های کارشناسی ارشد، وکالت، قضاوت و سردفتری، توصیه می‌شود. ضمناً باید بگم: ده‌ها جزوهٔ سبک و روان حقوقی که به طور شگفت‌انگیزی شیوا و گیرا و رسا توضیح دادم و قول می‌دم که اگه فقط یکی از اوونها رو از سایتیم (www.mollakarimi.ir) بگیرید و مطالعه کنید به جزواتم اعتیاد پیدا می‌کنید!

تمرکز اصلی کار من در این نوشته و بقیهٔ جزوات گذاشته‌شده در وبسایتم (مثل جزوات آیین دادرسی مدنی، حقوق مدنی، اصول و حقوق تجارت و جزا) اینه که مثل یه گاو بنفش در بین سایر گاوها که سیاه و سفید هستند متمایز باشم!! در واقع این، هدف من است که متفاوت باشم و در حوزهٔ آموزش و نویسندگی در رشتهٔ حقوق، کارهای متفاوتی نسبت به دیگران انجام بدم. می‌خوام نوشته‌هام مثل گاو بنفش باشه که واقعاً در خور توجه باشه. حتماً دیدید آدم‌هایی رو که با یه ویژگی خاص، خودشون رو متفاوت و منحصر به فرد نشون می‌دن؛ مثلاً عینک زرد می‌زنن یا یه مدل موی خاص خودشون رو دارن؛ من هم می‌خوام با «ساده‌نویسی» و آوردن مثال‌های ساده‌فهم متفاوت باشم و با این ویژگی، به چشم بیام. من کمترین می‌خوام که بهترین تبلیغ برای کارهام، تمایز و انجام کاری نو و جالب‌توجه باشه. نمی‌خوام از این جمله کلیشه‌ای‌ها بگم ولی «کلید موفقیت، متفاوت بودن». من این «متفاوت بودن» رو در جزوه‌هایی که به رایگان در دسترس دانشجویان حقوق گذاشتم، نشون دادم.

باید بگم که جزوات سایت MollaKarimi.ir و حتی این نوشته دائماً با توجه به سرفصل‌های جدید و آخرین تغییرات قوانین و تست‌های آزمون‌های هر سال، به روز می‌شه و چنانچه پی.دی.اف یا نسخهٔ چاپ‌شدهٔ جزوه رو در دست دارید بهتره مجدداً از سایت، نسخهٔ به‌روز رو دانلود کنید. ضمناً ما کارگاهی داریم که متفاوت از بقیهٔ کارگاه‌هاست! اسم کارگاه ما، «کارگاه تولید محتوای حقوقی» است که می‌تونید اینستاگرام ([@vekalatyar](https://www.instagram.com/vekalatyar)) و تلگرام ما ([@omidmollakarimi](https://www.t.me/omidmollakarimi)) رو دنبال کنید تا کلی محتوای حقوقی خوب رو مشاهده و دریافت کنید. در آخر هم باید بگم کافیه نام و نام خانوادگی خودتون رو به فارسی به شمارهٔ ۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ پیامک کنید تا از آخرین تغییرات این جزوات و اخبار حقوقی و جزوات جدیدی که نگارش می‌شه مطلعتون کنیم.

توجه: این جزوه برای تدریس در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی توسط معلم (امید ملاکریمی) تهیه و تکثیر شده و جنبهٔ انتفاعی نداشته و تکثیر و نسخه‌برداری از آن، بدون قصد سودجویی و «تنها با ذکر منبع» مجاز می‌باشد، در غیر این صورت، قانوناً ضمان آور است. نگارنده، سپاسگزار خوانندگانی خواهد بود که نظرات، پیشنهادها و انتقادات خود را پیرامون این نوشتار از طریق شمارهٔ واتس‌آپ ۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ یا ایمیل «mollakarimi.omid@gmail.com» بیان فرمایند.

به صورت چریکی، کل حقوق مدنی، کل حقوق تجارت، کل حقوق جزا و کل آیین دادرسی مدنی، کل اصول فقه را آموزش داده‌ایم به گونه‌ای که به سادگی خوردن یک سوپ مرغ (همانطور که سوپ مرغ برای بسیاری از بیماری‌ها درمان و علاج است) به صورت شیوا و رسا آن را بفهمید. مفاهیم حقوقی اگر بدون مثال‌های ساده توضیح داده بشه مثل یک قورباغه زشت، تحمل اوون سخت است اما در این نوشته، کاری می‌کنیم که این قورباغه را ببوسید. ما اوون قدیم که دانشجوی کارشناسی بودیم، استادامون بهمون کتابای مرحوم کاتوزیان رو معرفی می‌کردند. وقتی کتاب‌های ایشان رو دستمون می‌گرفتیم با یک سری اصطلاحات قلمبه‌سلمبهٔ چقر فقهی و حقوقی مواجه می‌شدیم که ازش چیزی نمی‌فهمیدیم و نهایتاً حوصله‌مون سر می‌رفت و زده می‌شدیم؛ البته باید گفت که مشکل از خودمون بود که اوون اصطلاحات رو در سال‌های دورهٔ کارشناسی نمی‌فهمیدیم، چون مفاهیم پایه رو نمی‌دونستیم و یکی باید اول به زبون داستانی و با مثال‌های روشن برامون قصه می‌گفت و بعد، برامون خواندن اصطلاحات ثقیل و دشوار، مثل خوردن هلو می‌شد! در سال‌های اخیر که «شبکه‌های اجتماعی»، ادبیات عامیانه رو ترویج دادن و مخاطب عمدهٔ این شبکه‌ها، دهه هفتادی‌ها و هشتادی‌ها هستند، معلم حقوق باید به زبون اینستاگرامی برای اوونها تدریس کنه! اصلاً هنر معلمی یعنی «ساده‌گویی»؛ خلاصه اینکه، مدنی و تجارت و آیین دادرسی رو به طور کامل می‌گم و شما رو معتاد به روش خودم می‌کنم؛ قول می‌دم! در شبکه‌های اجتماعی مون ما رو دنبال کنید.

دو هفته اول تقدیم به پدر و مادر و سپس تقدیم به تمام کسانی که تابه حال هیچ‌به‌آن تقدیم نشده است؛ تقدیم به کنمان!

تعریف آیین دادرسی کیفری: آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجی‌گری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود. «ماده ۱ ق.آ.د.ک»

✓ در این ماده به دو موضوع مهم از مقررات آیین دادرسی کیفری، «صلاحیت مراجع رسیدگی» و «ادله اثبات اتهام» اشاره نشده است.

تعریف دیگری که حقوق دانان از آیین دادرسی کیفری ارائه داده‌اند:

تعریف عام: در این تعریف به تمام مراحل دادرسی کیفری، از مرحله شکایت تا اجرای حکم اشاره می‌شود.

تعریف خاص: در این تعریف آیین دادرسی کیفری از مرحله صدور کیفرخواست به بعد ملاک می‌باشد.

موضوع آیین دادرسی کیفری

رسیدگی به حیثیت و جنبه عمومی جرم موضوع اصلی آیین دادرسی کیفری و رسیدگی به حیثیت و جنبه خصوصی جرم موضوع فرعی آیین دادرسی کیفری است.

اهداف آیین دادرسی کیفری

آیین دادرسی کیفری ۲ هدف مهم و در عرض یکدیگر را دنبال می‌کند:

۱. تأمین منافع جامعه از طریق اعاده نظم لطمه دیده

۲. حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی افراد

جرم از هر نوع و میزانی که باشد، ناقض نظم است؛ چه در حیطة خصوصی و چه در حیطة عمومی باشد. به همین دلیل است که آیین دادرسی کیفری اهداف خود را حفظ و اعاده نظم جامعه و دفاع از فرد و جامعه معرفی می‌کند. به طور کلی هدف جامع آیین دادرسی کیفری، حفظ حقوق اشخاص جامعه اعم از بزه‌کار و بزه‌دیده، همچنین تأمین منافع جامعه می‌باشد.

منابع آیین دادرسی کیفری: آیین دادرسی کیفری در سیر تکمیلی خود از منابعی الهام گرفته است، این منابع عبارت است از:

منابع اصلی:

✓ **قانون:** از مهم‌ترین منابع آیین دادرسی کیفری قانون می‌باشد؛ به طور کلی در قانون اساسی در اصل‌های ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲ به تبیین مبانی آیین دادرسی کیفری پرداخته است. با این وجود، نحوه رسیدگی و آیین دادرسی نباید مغایر با اصول فوق باشد.

قانون آیین دادرسی کیفری، بدون شک مهم‌ترین منبع آیین دادرسی کیفری محسوب می‌شود و قضات ملزم به رعایت این قانون در تشریفات دادرسی می‌باشند.

✓ **مصوبات کمیسیون‌های مجلس و مصوبه‌های دولت:** مانند آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده ۲۹۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۸۰/۶/۱۴ هیأت وزیران که مشتمل بر ۱۶ ماده می‌باشد.

✓ **منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر:** مطابق اصل ۱۶۷ قانون اساسی: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.»

✓ **رویه قضایی:** رویه قضایی در دو معنای عام و خاص به کار می‌رود، معنای عام آن به مجموع آراء و احکامی که از سوی محاکم در موضوعات خاص حقوقی صادر می‌شود، اطلاق می‌گردد.

معنای خاص رویه قضایی، آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور که تبعیت از آن در مواردی که عنوان وحدت رویه را به خود می‌گیرند، الزامی است.

منابع مکمل:

- ✓ **عرف و عادت:** عرف و عادت را می‌توان جزء منابع غیرمستقیم آیین دادرسی کیفری دانست که در تفسیر قوانین نقش ایفاء می‌کنند.
- ✓ **نظریات علمای حقوق «دکترین»:** نظریات علمای حقوق می‌تواند به صورت غیرمستقیم و با هدف ارائه راهکار در مواردی که با خلاء قانونی مواجه هستیم ارائه طریق نماید.

تعامل آیین دادرسی کیفری با آیین دادرسی مدنی: با تفکیک عناوین و موضوعات در دو حیطه امور حقوقی و جزایی در جهت احقاق حق ۲ قانون آیین دادرسی کیفری و قانون آیین دادرسی مدنی به کار می‌آید.

اگر عنوان واجد وصف حقوقی بود، قانون آیین دادرسی مدنی حاکم است؛ مثل: طلاق.

اگر عنوان واجد وصف جزایی بود، قانون آیین دادرسی کیفری حاکم است؛ مثل: جعل.

اما این ۲ قانون طبق ۲ مؤلفه از هم تفکیک می‌شوند: ۱- وجوه اشتراک ۲- وجوه افتراق

افتراق و اشتراک آیین دادرسی کیفری با آیین دادرسی مدنی:

اشتراک:

بارزترین وجه اشتراک این ۲ قانون آن است که هر ۲ قانون به صورت شکلی می‌باشند و فرایند محور هستند.

افتراق:

موضوع: قوانین مربوط به آیین دادرسی مدنی با محوریت امور حقوقی اکثراً موضوعات مالی را دربردارد؛ مثل: مطالبه جهیزیه، مطالبه وجه، پرداخت غرامت و ... اما در آیین دادرسی کیفری موضوعات عام‌تر هستند مثل: کلاهبرداری، سرقت، چک و ... جرائم علیه اموال، زنا و لواط جرائم منافی عفت، جاسوسی جرم علیه امنیت، قتل و ضرب جرائم علیه شخصیت جسمانی و توهین و قذف جرائم علیه شخصیت معنوی می‌باشد.

اصحاب دعوا: در آیین دادرسی مدنی اصحاب دعوا خواهان و خوانده می‌باشند، امور حقوقی علی‌الاصول در همه مقاطع بدوی، تجدیدنظر، دیوان عالی و یا اجرای احکام قابل صلح می‌باشند ولی در امور کیفری علاوه بر شخص شاکی، دادستان هم یکی از افرادی است که در جهت حفظ نظم حقوق جامعه اعلام جرم می‌کند، به همین خاطر برخلاف امور حقوقی در امور کیفری، مقامات متعدد می‌باشند. همچنین در امور کیفری علی‌الاصول حق صلح و سازش وجود ندارد، مگر به حکم قانون.

ادله اثبات: در آیین دادرسی مدنی فقط ادله پیوست‌شده به دادخواست ملاک می‌باشد و قاضی دادگاه حقوقی بر اساس همان ادله پس از دریافت دادخواست رأی صادر می‌کند بدون آنکه الزامی به کشف حقیقت داشته باشد؛ اما در آیین دادرسی کیفری قضات مراجع کیفری حتی در صورت فقدان دلیل هم در جهت کشف حقیقت گام برمی‌دارند، چون می‌دانیم که بسیاری از جرائم به صورت پنهانی و غیرآشکار رخ می‌دهد و همیشه دلیل در اختیار نیست، با این وجود قاضی دادگاه کیفری علاوه بر ادله ارائه‌شده به سایر دلایل مثل علم قاضی استناد می‌کند.

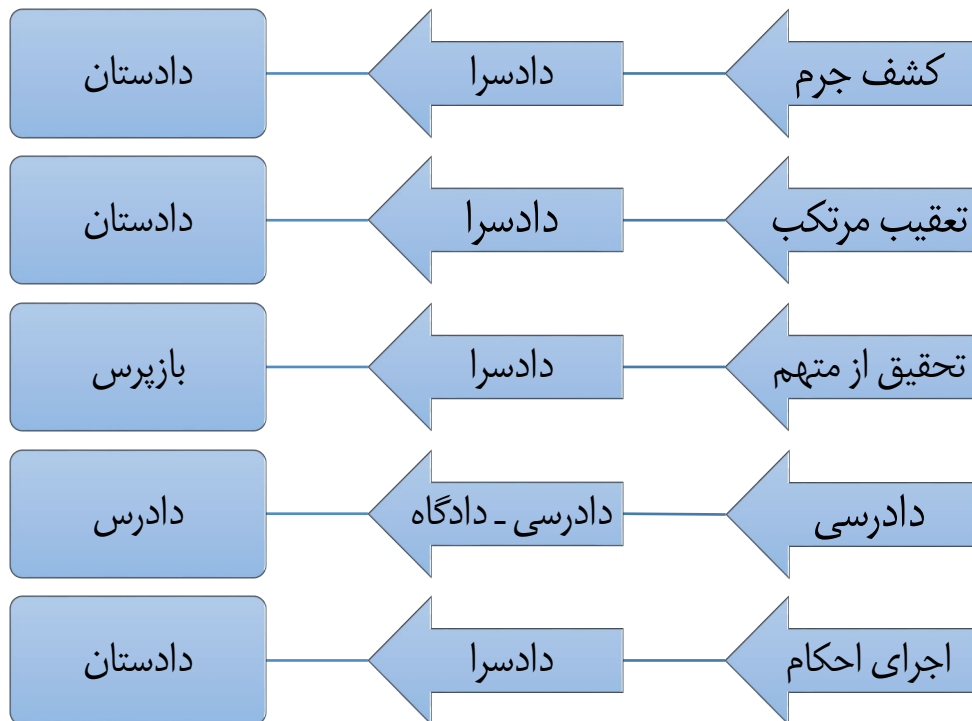
مرجع رسیدگی: از حیث مرجع رسیدگی، وجودی نهادی به نام دادسرا بر اساس ماده ۲۲ ق.آ.د.ک در امور کیفری می‌باشد، در حالی که در آیین دادرسی مدنی چنین نهادی وجود ندارد.

هدف: اهداف دادرسی کیفری تأمین منافع اجتماع در رابطه با لطمه و صدمه‌ای است که به واسطه وقوع جرم به آن وارد گردیده است و همچنین حفظ حقوق و آزادی‌های افراد هم‌زمان با دفاع از منافع اجتماع است، در حالی که هدف دادرسی مدنی، تنها ارائه طریق و حل اختلاف دعاوی مدنی یا موضوع حقوقی است.

اصول آیین دادرسی کیفری: آیین دادرسی کیفری مستند به اصول مناسب و منصفانه است، اصل به معنای قاعده است، پس اصول قابل تغییر نمی‌باشد. برای آیین دادرسی کیفری اصولی پیش‌بینی شده است که از ماده ۲ الی ۷ ق.آ.د.ک به آن اشاره شده است؛ که اهم آن عبارتند از:

۱. قانونی بودن دادرسی کیفری: دادرسی کیفری مستند به قانون است و حقوق طرفین را تضمین می‌کند. «ماده ۲ ق.آ.د.ک» اصل قانونی بودن حقوق جزا یکی از اصول بنیادین حقوق کیفری است که دارای دو جنبه ماهوی و شکلی است. جنبه ماهوی این اصل، تحت عنوان «اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها» در حقوق کیفری ماهوی مورد بحث قرار می‌گیرد و جنبه شکلی آن، «اصل قانونی بودن دادرسی کیفری» می‌باشد.
۲. بی‌طرفی مراجع قضایی: مراجع قضایی باید با بی‌طرفی به اتهام انتسابی به اشخاص رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند. «ماده ۳ ق.آ.د.ک» این اصل به معنای عدم تمایل مرجع قضایی به یک طرف دعوا می‌باشد.
۳. استقلال کامل مراجع قضایی: مراجع قضایی باید با استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند. «ماده ۳ ق.آ.د.ک»
۴. رسیدگی به اتهام در کوتاه‌ترین مهلت ممکن: مراجع قضایی باید به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند. «ماده ۳ ق.آ.د.ک» مراجع قضایی تابع اصل تسریع در دادرسی هستند.
۵. اصل برائت: اصل، برائت است. «ماده ۴ ق.آ.د.ک» این ماده ناظر بر جنبه قضایی اصل برائت می‌باشد، اصل برائت از جنبه قضایی مقتضی آن است که شخصی که به عنوان متهم در یک دعوی عمومی تحت تعقیب قرار گرفته است، تا زمان صدور حکم محکومیت قطعی، بی‌گناه فرض شده و اوضاع و احوالی مانند متواری بودن یا سابقه محکومیت کیفری، سبب شکل‌گیری اعتقاد به مجرمیت او نگردد.
۶. حفظ حریم خصوصی و رعایت کرامت و حیثیت اشخاص: هرگونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند. «ماده ۴ ق.آ.د.ک»
۷. حق تفهیم اتهام و ادله انتسابی به اتهام: متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه ... شود. «ماده ۵ ق.آ.د.ک»
۸. حق دسترسی به وکیل: متهم باید ... از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود. «ماده ۵ ق.آ.د.ک»
۹. آگاهی اشخاص در حقوق خود در فرایند دادرسی: متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود. «ماده ۶ ق.آ.د.ک»
۱۰. رعایت حقوق شهروندی از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاص که در فرایند دادرسی مداخله دارند: در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. «ماده ۷ ق.آ.د.ک»

✓ برای دادرسی کیفری، طبق آموزه‌های حقوق کیفری و بر اساس قانون جدید ۵ مرحله لحاظ می‌شود. این ۵ مرحله با توجه به رویکرد نظام مختلط بررسی می‌شود؛ یعنی هم شناخت دادرسی لازم است و هم شناخت محاکم یا دادگاه‌ها. متذکر می‌شویم که این ۵ مرحله به صورت طولی بیان می‌شود و رعایت آن الزامی است:



کشف جرم: به موجب ماده ۸ ق.آ.د.ک جرم که دارای جنبه‌ی حقّ الهی است ۲ حیث یا جنبه دارد:

الف - حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی

ب - حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین

اصل بر این است که تمامی جرائم واجد جنبه‌ی عمومی هستند و اینکه برخی جرائم به عنوان جرم خصوصی یا قابل گذشت معرفی می‌شوند به این معناست که مقنن جنبه‌ی خصوصی را بر جنبه‌ی عمومی ترجیح داده است. جرائم خصوصی یا قابل گذشت در ماده ۱۰۴ ق.م.ا. ۱۳۹۲ احصاء شده‌اند.

وظایف و اهداف دادسرا: به منظور کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوی لازم در این مورد، اجرای احکام کیفری، انجام امور حسبی و سایر وظایف قانونی، در حوزه قضایی هر شهرستان و در معیت دادگاه‌های آن حوزه، دادرسی عمومی و انقلاب و همچنین در معیت دادگاه‌های نظامی استان، دادرسی نظامی تشکیل می‌شود. «ماده ۲۳ ق.آ.د.ک»

علی‌الاصول امور حقوقی به دادسرا ارجاع نمی‌شود.

پیشینه دادسرا: دادسرا نهادی است فرانسوی که در قانون اصول محاکمات جزایی ۱۲۹۰ به نام پارکه از آن یاد شده است، اما پس از مدتی و همراه با اصلاحات پارکه حذف شد و یک نام ایرانی به نام «اداره مدعی‌العموم» جایگزین آن شد؛ که البته امروزه دادسرا نامیده می‌شود.

تعریف دادسرا: دادسرا وظیفه آماده کردن پرونده‌ها را برای دادگاه دارد. چون دادسرا حق رسیدگی ماهیتی و به تبع آن صدور حکم را نداشته، به همین خاطر دادسرا در صورت وقوع جرم وظیفه کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات و اجرای احکام را دارد.

دادرسی عمومی در حوزه قضایی هر شهرستان و در معیت دادگاه‌های آن حوزه تشکیل می‌شود؛ لذا در حوزه قضایی بخش دادرسی تشکیل نمی‌شود و مطابق ماده ۲۴ ق.آ.د.ک در حوزه قضایی بخش، وظایف دادستان بر عهده رییس حوزه قضایی و در غیاب وی بر عهده‌ی دادرسی‌علی‌البدل دادگاه است.

دادرسی نظامی نه در حوزه قضایی شهرستان بلکه در معیت دادگاه‌های نظامی استان، در شهرستان مرکز استان تشکیل می‌شود.

ویژگی‌های دادرسی:

- ۱. سلسله‌مراتب:** طبق ماده ۲۳ ق.آ.د.ک ریاست دادرسی با دادستان است و همچنین دادرسی به تعداد لازم معاون، دادیار، بازپرس و کارمند اداری دارد. دادستان، معاون دادستان و دادیار از لحاظ سلسله‌مراتب در یک ردیف نیستند و در طول هم قرار دارند. به موجب این اصل، ماده ۹۲ ق.آ.د.ک در بخشی از عبارات خود می‌گوید: «... چنانچه دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به دادیار ارجاع دهد، قرارهای نهایی دادیار و همچنین قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم باید در همان روز صدور به نظر دادستان برسد...». البته این سلسله‌مراتب مربوط به قضات حوزه یک دادرسی می‌باشد.
✓ دادستان رییس دادرسی می‌باشد و وظیفه تعقیب جرم را دارد و بازپرس وظیفه تحقیق راجع به جرم را دارد؛ جمع این ۲ نفر در یک نفر جایز نیست. (در صورت بروز اختلاف بین بازپرس و دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است).
✓ در صورتی که دادستان حاضر نباشد، دادیار وظایف دادستان را انجام می‌دهد.
- ۲. استقلال دادرسی:** دادرسی به عنوان نهاد تعقیب و به منظور وصول به حقیقت و با هدف ایجاد دادرسی منصفانه و انجام تحقیقاتی فارغ از تعصبات باید دارای استقلال باشد.
✓ استقلال دادرسی در مقابل بازپرس: دادرسی یا همان مقام تعقیب در مقابل بازپرس دارای استقلال است و رسیدگی بازپرسان منوط به ارجاع دادستان است؛ و در جرائمی که ارجاع دادستان وجود ندارد بازپرس حق تحقیق ندارد.
✓ استقلال دادرسی در مقابل دادگاه: دادرسی در جریان دادرسی به شکایات، انجام تحقیقات و اتخاذ تصمیم نهایی و کیفرخواست تابع نظر هیچ دادگاهی نیست و به طور مستقل و بر اساس نظر قضایی خود اقدام می‌کند.
✓ استقلال دادرسی در مقابل اصحاب دعوا: دادرسی در تحقیقات و تصمیمانی که اتخاذ می‌کند نسبت به شاکی و مشتکی عنه از استقلال برخوردار است.
- ۳. وحدت دادرسی:** قضات دادرسی یک حوزه قضایی، در حکم یک پیکر واحد می‌باشند، به واسطه این ویژگی دادرسی است که ماده ۸۸ ق.آ.د.ک بیان می‌دارد که: «در اموری که از طرف دادستان به معاون دادستان یا دادیار ارجاع می‌شود، آنان در امور محوله تمام وظایف و اختیارات دادستان را دارند...».
- ۴. عدم مسؤلیت دادرسی:** دادرسی به خاطر نیاز به وسعت عمل و عدم محدودیت و انجام تحقیقات هر تصمیمی که متکی به قانون باشد می‌تواند اختیار کند، در صورتی که تصمیم قاضی موجب ضرر گردد، دادرسی مسؤول نیست؛ مگر از مدار قانون خارج شده باشد؛ مانند اینکه تعمداً شکنجه کند، تعمداً بازداشت کند.

ارجاع مستقیم:

دادرسی عهده‌دار تکمیل پرونده و آماده کردن برای صدور رأی است که در دادگاه صالح با کیفرخواست نسبت به آن تصمیم مقتضی اتخاذ می‌شود.

عناوین مجرمانه‌ای که به دادرسی ارجاع نمی‌شود و به دادگاه ارجاع مستقیم می‌شود:

۱. جرائم منافی عفت

۲. جرائم درجات ۷ و ۸

۳. در صورتی که افراد زیر ۱۵ سال مرتکب جرمی شوند.

ارجاع مستقیم در جرائم منافی عفت:

جرائم منافی عفت در قانون مجازات در ۲ فصل وجود دارد:

۱. در کتاب دوم: حدود شامل عناوین: زنا، لواط، تفریض و مساحقه
 ۲. در کتاب پنجم: جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی شامل عناوین: تقبیل و مضاجعه
- ✎ حال سؤال این است که این جرائم منافی عفت به کدام دادگاه ارجاع می‌شود؟
ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک جواب این سؤال را داده است.
ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک: «به جرائم منافی عفت به طور مستقیم، در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود»
ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک مقرر می‌دارد: «انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان‌یافته باشد که در این صورت تعقیب و تحقیق فقط در محدوده‌ی شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضایی انجام شود.»
به استناد ماده ۳۰۱ ق.آ.د.ک: «دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد...»
به استناد ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک: «به جرائم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود: الف - جرائم موجب مجازات سلب حیات...»

پس با این وجود:

- ✓ به جرائم منافی عفتی که مجازات آن سلب حیات است در دادگاه کیفری ۱ رسیدگی می‌شود؛ مانند اینکه:
- الف مرتکب لواط با مجازات سلب حیات (اعدام) می‌شود: پرونده به دادگاه کیفری ۱ ارجاع مستقیم می‌شود.
- ✓ به جرائم منافی عفتی که مجازات آن سلب حیات نیست در دادگاه کیفری ۲ رسیدگی می‌شود؛ مانند اینکه:
- الف و ب مرتکب زنا با مجازات ۱۰۰ ضربه شلاق می‌شوند، پرونده به دادگاه کیفری ۲ ارجاع مستقیم می‌شود.

ارجاع مستقیم در درجات ۷ و ۸:

خفیف‌ترین مجازات‌ها، مجازات درجات ۷ و ۸ می‌باشد، این درجات در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ذکر شده است، مقام مقنن به دلیل خفیف بودن تحقیق در رابطه با این درجات را نیاز به دادرسی ندانسته و پرونده به دادگاه ارجاع مستقیم می‌شود.

- ✓ اگر جرم ارتكابی مجازات آن از نوع درجه ۷ باشد: از هر نوع و میزان پرونده به دادگاه ارجاع مستقیم می‌شود.
- ✓ اگر جرم ارتكابی مجازات آن از نوع درجه ۸ باشد:
- اگر مجازات قانونی عمل ارتكابی فقط جزای نقدی باشد: پرونده به **شورای حل اختلاف** ارجاع می‌شود.
- اگر مجازات قانونی عمل ارتكابی حبس یا شلاق باشد: پرونده به دادگاه ارجاع مستقیم می‌شود.

✎ تخلیه اطلاعاتی که مجازات آن، به موجب ماده ۵۰۶ قانون تعزیرات؛ یک تا شش ماه حبس و تحت عنوان درجه ۷ مجازات‌ها می‌باشد، چون جرم علیه امنیت است پرونده این عنوان مجرمانه به دادگاه انقلاب ارجاع مستقیم می‌شود.
✎ توهین به رییس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن که در قلمرو خاک ایران به موجب ماده ۵۱۷ قانون تعزیرات؛ یک تا سه ماه حبس و تحت عنوان درجه ۸ مجازات‌ها می‌باشد، چون جرم سیاسی است پرونده این عنوان مجرمانه به دادگاه کیفری ۱ ارجاع مستقیم می‌شود.

✎ البته لازم به ذکر است اگر جرمی مستلزم دو مجازات باشد، یکی تعزیری درجه ۷ یا ۸ و دیگری دیه، از آنجا که چنین جرمی به دلیل اهمیت آن مستلزم دو مجازات است، این جرم از جرائم کم‌اهمیت مورد نظر قانونگذار **نبوده** و در نتیجه لازم است که

تحقیقات مقدماتی نسبت به آن‌ها در **دادسرا** انجام شده و پس از تکمیل آن و صدور کیفرخواست، جهت رسیدگی به دادگاه ارسال گردد.

ارجاع مستقیم افراد زیر ۱۵ سال:

تبصره ۱ ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک: «تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم افراد زیر پانزده سال به‌طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادسرا است انجام می‌دهد.»

ارجاع مستقیم در حوزه بخش: بخش به واحدی گفته می‌شود کوچک‌تر از شهرستان و بزرگ‌تر از دهستان است.

✓ در بخش دادسرا تشکیل نمی‌شود، پس به ناچار پرونده به دادگاه ارجاع مستقیم می‌شود.

✓ در بخش‌هایی که دادگاه وجود ندارد، دادرسی و رسیدگی با دادسرای شهرستان است.

✓ در حوزه بخش که خود یک صلاحیت مجزا است، اقدامات توسط ۲ نفر صورت می‌گیرد:

۱. رییس حوزه بخش

۲. دادرس علی‌البدل

دادستان: دادستان یا مدعی‌العموم شخصی است که به موجب ماده ۲۳ ق.آ.د.ک رییس دادسرا می‌باشد، اما از نظر حقوقدانان به قاضی تعقیب معروف است. دادستان مسؤول تأمین نظم است و بر اساس تشکیلاتی که در اختیار دارد باید در حفظ و تأمین نظم اهتمام ورزد.

وظایف و اختیارات دادستان: در قانون برای دادستان وظایف و اختیاراتی تعیین شده که اهم آن به شرح ذیل است:

۱. ریاست دادسرا

۲. تصمیم راجع به قرار تعلیق تعقیب

۳. تصمیم راجع به قرار ترک تعقیب

۴. ریاست و نظارت بر ضابطان

۵. دستور ضبط وثیقه

۶. دستور اخذ وجه‌الکفاله

۷. صدور کیفرخواست و دفاع از آن

۸. اجرای احکام

۹. نظارت بر واحدهای ضابطان

۱۰. نظارت بر تحقیقات بازپرس

انواع دادیار و وظایف آنان:

✓ **دادیار تحقیق:** انجام تحقیقات مقدماتی از وظایف دادسرا و بر عهده رییس دادسرا یعنی دادستان است. دادستان به عنوان اداره‌کننده دادسرای تحت پوشش خود می‌تواند این وظایف را بین معاونین دادسرا و دادیاران تقسیم کند؛ بنابراین در صورتی که دادستان انجام این وظیفه را بر عهده دادیار قرار دهد، او دادیار تحقیق خواهد شد. همچنین گاهی در صورت غیاب دادستان، یکی از دادیاران عهده‌دار انجام این وظیفه خواهد شد. دادیار تحقیق ۳ شاخصه اصلی دارد: ۱ - می‌تواند مرد یا زن باشد. ۲ - تابع دادستان است. ۳ - پرونده‌های با نسبت خفیف به او ارجاع می‌شود.

✓ **دادیار اظهارنظر:** دادیار اظهارنظر به عنوان کارشناس تحت نظر دادستان در دادسرا فعالیت می‌کنند. وقتی حکمی توسط بازپرس صادر می‌شود، دادیار اظهارنظر به بررسی این احکام می‌پردازد و آن را رد و یا تأیید می‌کند و به دادستان ارجاع می‌دهد تا

تصمیم نهایی را بگیرد. در واقع دادیار اظهارنظر در حکم دستیار دادستان عمل می‌کند و نقش با اهمیتی در دادرسی دارد زیرا می‌تواند درباره احکام بازپرس نظر بدهد.

✓ **دادیار اجرای احکام:** یکی از وظایف دادستان اجرای احکام کیفری است که در دادگاه‌ها صادر می‌شود. دادیار اجرای احکام، نماینده دادستان برای اجرای احکام کیفری است.

✓ **دادیار ناظر زندان:** نماینده دادستان در انجام امور مربوط به زندان و زندانیان است. مسائلی مانند مرخصی زندانیان، موافقت با پیشنهاد دادن آزادی مشروط به زندانیان، بررسی شرایط اعطای عفو به زندانیان و موضوعاتی از این قبیل در حوزه وظایف دادیار ناظر زندان است.

✓ **دادیار نماینده دادستان در دادگاه:** یکی از وظایف دادستان این است که بعد از بررسی جرم و انجام تحقیقات مقدماتی اقدام به صدور کیفرخواست کند. در کیفرخواست اینکه طبق تحقیقات مجرم کیست و به چه علت جرم رخ داده است نوشته شده است تا قاضی دادگاه با استفاده از آن‌ها بتواند حکم صادر کند. دادستان وظیفه دارد برای دفاع از آنچه در کیفرخواست نوشته شده و توضیح درباره اینکه جرم واقعاً رخ داده است، در دادگاه حضور پیدا کند. دادستان می‌تواند وظیفه حضور در دادگاه را به دادیار نماینده دادستان در دادگاه محول کند.

✓ دادیاران از هر مقام و مرتبه‌ای که باشند تابع دادستان هستند، چون تابع دادستان هستند، اختلافی حاصل نمی‌شود. برخلاف بازپرس که ممکن است بین بازپرس و دادستان اختلاف پیش آید.

✓ در قانون خاص نظارت بر رفتار قضات فرضی پیش‌بینی شده است که طبق این فرض و اختلاف بین دادیار و دادستان پیش آید، پرونده جهت حل اختلاف به دادگاه عالی ارسال می‌شود و رأی دادگاه متبع خواهد بود.

✓ طبق ماده ۸۸ ق.آ.د.ک: در غیاب دادستان و معاون او، دادیاری جانشین او می‌شود که:

- سابقه قضایی بیشتری دارد
- و در صورت تساوی، دادیاری که سن بیشتری دارد.

✓ در هر صورت انتخاب بازپرس به جانشینی دادستان جایز نیست، چون جمع مقام تعقیب و مقام تحقیق در شخص واحد قانونی نیست.

بازپرس: بازپرس همان مستنطق سابق است که امروزه به **قاضی تحقیق** معروف است، بازپرس قاضی مجربی است که برای انجام تحقیقات علی‌الاصول مستقل است.

مواردی که شخص بازپرس مطلقاً مستقل است:

- ✓ احضار نمودن
- ✓ جلب
- ✓ معاینه محل
- ✓ تفتیش
- ✓ ارجاع به کارشناس

اصل استقلال بازپرس است، اما در ۳ مورد باید از دادستان تبعیت کند:

۱. انجام تحقیق یا اقدام مورد تقاضای دادستان، قبل از واگذاری جریان تحقیقات به بازپرس: ماده ۷۶ ق.آ.د.ک: «دادستان پیش از آنکه تحقیق در جرمی را از بازپرس بخواهد یا جریان تحقیقات را به‌طور کلی به بازپرس واگذار کند، می‌تواند اجرای برخی تحقیقات و اقدامات لازم را از بازپرس تقاضا کند. در این صورت، بازپرس مکلف است فقط تحقیق یا اقدام مورد تقاضای دادستان را انجام دهد و نتیجه را نزد وی ارسال کند.»

۲. تردید در صلاحیت کفیل: ماده ۲۲۱ ق.آ.د.ک: «...چنانچه بازپرس ملائت کفیل را احراز نکند، مراتب را فوری به نظر دادستان می‌رساند. دادستان موظف است در همان روز، رسیدگی و در این باره اظهارنظر کند. تشخیص دادستان برای بازپرس الزامی است.»

۳. انجام تحقیقات مورد تقاضای دادستان که برای کشف حقیقت لازم است: ماده ۲۶۶ ق.آ.د.ک: «چنانچه دادستان تحقیقات بازپرس را کامل نداند، صرفاً مواردی را که برای کشف حقیقت لازم است به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در پرونده درج می‌کند و تکمیل آن را می‌خواهد. در این صورت، بازپرس مکلف به انجام این تحقیقات است.»

ممنوعیت رسیدگی مقامات قضایی دادسرا در صورت وجود جهات ردّ دادرسی: «ماده ۴۲۴ ق.آ.د.ک»

«مقامات قضایی دادسرا نیز باید در صورت وجود جهات ردّ دادرسی، از رسیدگی امتناع کنند. شاکی، مدعی خصوصی یا متهم نیز می‌توانند دادستان یا بازپرس را رد و مراتب را به صورت کتبی به او اعلام کنند. در صورت قبول ایراد، دادستان یا بازپرس از رسیدگی و مداخله در موضوع امتناع می‌نماید و رسیدگی حسب مورد، به جانشین دادستان یا بازپرس دیگر محول می‌شود و در غیر این صورت، باید قرار رد ایراد صادر و به مدعی رد، ابلاغ شود. مدعی رد می‌تواند در مهلتی که برای اعتراض به سایر قرارها مقرر شده است، به دادگاه صالح برای رسیدگی به جرم اعتراض کند. رأی دادگاه در این مورد قطعی است.»

✓ اصل بر آن است که قضات دادسرا قابل رد نیستند، اما بر اساس اصل بی‌طرفی در سیستم قضایی می‌پذیریم که جهات ردّ دادرسی باعث می‌شود که قضات دادسرا قابل رد باشند، به همین خاطر جهات ردّ دادرسی، به مقامات قضایی دادسرا نیز قابل انتساب است.

✓ جهات ردّ دادرسی طبق ماده ۴۲۱ ق.آ.د.ک ۶ مصداق می‌باشد که وجود یک مصداق برای رد کافی است.

✓ جهات ردّ دادرسی کاملاً **حصری** می‌باشند. این حصر از دو جهت دارای اهمیت است، اول آنکه قضات به دلخواه از رسیدگی به پرونده‌های سنگین یا دارای مشکل خودداری نوززند. دوم آنکه طرفین دعوا به دلایل واهی رد دادرسی را درخواست نکنند.

ممنوعیت کارشناس از کارشناسی در صورت وجود جهات ردّ دادرسی:

ماده ۱۵۸: «کارشناس منتخب از سوی بازپرس مکلف به انجام موضوع کارشناسی است، مگر آنکه به تشخیص بازپرس عذر موجه داشته باشد یا موضوع از موارد ردّ کارشناس محسوب شود که در این صورت، کارشناس باید پیش از اقدام به کارشناسی، مراتب را به‌طور کتبی به بازپرس اعلام دارد. تبصره: جهات ردّ کارشناس همان جهات ردّ دادرسی است.»

ممنوعیت وکیل تسخیری از وکالت در صورت وجود جهات ردّ دادرسی:

ماده ۳۴۹ ق.آ.د.ک: «وجود یکی از جهات ردّ دادرسی بین وکیل تسخیری با طرف مقابل، شرکا و معاونان جرم یا وکلای آنان موجب ممنوعیت از انجام وکالت در آن پرونده است.»

جهات ردّ دادرسی: ماده ۴۲۱ ق.آ.د.ک:

«دادرس در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع کند و طرفین دعوی نیز می‌توانند در این موارد ایراد ردّ دادرسی کنند:

الف - قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس و یکی از طرفین دعوی یا شریک یا معاون جرم؛ وجود داشته باشد.

ب - دادرس، قیم یا مخدوم یکی از طرفین دعوی باشد یا یکی از طرفین، مباشر امور دادرس یا امور همسر وی باشد.

پ - دادرس، همسر و یا فرزند او، وارث یکی از طرفین دعوی یا شریک یا معاون جرم باشند.

ت - دادرس در همان امر کیفری قبلاً تحت هر عنوان یا سمتی اظهارنظر ماهوی کرده یا شاهد یکی از طرفین بوده باشد.

ث - بین دادرس، پدر و مادر، همسر و یا فرزند او و یکی از طرفین دعوی یا پدر و مادر، همسر و یا فرزند او، دعوی حقوقی یا کیفری مطرح باشد یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور رأی قطعی، بیش از دو سال نگذشته باشد.

ج - دادرس، همسر و یا فرزند او نفع شخصی در موضوع مطروحه داشته باشند.»

دادسرای عمومی و انقلاب: دادسراهای عمومی و انقلاب به تحقیقات مقدماتی تمامی جرائمی که در صلاحیت دادگاههای کیفری و انقلاب می‌باشد، البته به جز مواردی که قانون آنها را مستثنا نموده، می‌پردازند.

در رأس دادسرای عمومی و انقلاب، دادستان قرار دارد که به تعداد لازم معاون، دادیار، بازپرس و کارمند اداری خواهد داشت.

دادسرای دیوان عالی کشور:

در حال حاضر دیوان عالی کشور در تهران مستقر بوده و شعبی نیز در شهرهای مشهد و قم دارد و همچون دیوان عالی کشور قلمرو صلاحیت آن تمام کشور است. دادستانی کل کشور نیز در معیت دیوان عالی کشور در تهران مشغول انجام وظیفه است. دادسرای دیوان عالی کشور، به ریاست دادستان کل کشور اداره می‌شود، دادستان کل کشور از قضات مجتهد به مدت ۵ سال توسط رییس قوه قضاییه و بعد از مشورت رییس قوه قضاییه با قضات دیوان عالی کشور به این سمت منصوب می‌شود. دادستان کل کشور دارای معاون اول، معاون قضایی، معاون سیاسی و تعدادی دادیار است.

وظایف و اختیارات دادستان کل کشور:

۱. نظارت بر کلیه دادسراهای عمومی و انقلاب و نظامی «م ۲۸۸ ق.آ.د.ک»
۲. پیشنهاد انتصاب، جابه‌جایی و تغییر شغل و محل خدمت دادستان‌های عمومی و انقلاب و نظامی سراسر کشور «تبصره ۱ و ماده ۲۸۹ ق.آ.د.ک»
۳. پیشنهاد انتصاب، جابه‌جایی و تغییر شغل و محل خدمت مقامات قضایی دادسراها به رییس قوه قضاییه «ماده ۲۸۹ ق.آ.د.ک»
۴. مکلف به طرح دعوا و پیگیری نسبت به اموال و منافع عمومی «م ۲۹۰ ق.آ.د.ک»
۵. اقدامات مقدماتی و انجام تحقیقات لازم جهت تعقیب و رسیدگی به تخلفات مقامات و مسؤولان کشوری «ماده ۲۹۱ ق.آ.د.ک»
۶. ممنوعیت خروج اشخاص از کشور «م ۲۹۲ ق.آ.د.ک»
۷. پیشنهاد احاله پرونده از حوزه‌ای به حوزه‌ای دیگر «م ۴۲۰ ق.آ.د.ک»
۸. درخواست نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور به منظور ایجاد وحدت رویه «م ۴۷۱ ق.آ.د.ک»
۹. شرکت در جلسات هیأت عمومی دیوان عالی کشور به منظور ایجاد وحدت رویه «م ۴۷۱ ق.آ.د.ک»
۱۰. درخواست تجویز اعاده دادرسی از دیوان عالی کشور نسبت به احکام صادره قطعیت یافته از محاکم «م ۴۷۵ ق.آ.د.ک»
۱۱. درخواست تجویز اعاده دادرسی فوق‌العاده از رییس قوه قضاییه «م ۴۷۷ ق.آ.د.ک»
۱۲. اعلان نظر مشورتی در مورد تغییر سمت یا محل خدمت قضات «اصل ۱۶۴ ق.ا.»
۱۳. صدور کیفرخواست نسبت به تخلف اعضای دادگاه‌های عالی و عالی تجدیدنظر و دادستان «م ۷ قانون نظارت بر رفتار قضات»

دادسراهای اختصاصی:

دادسرای ویژه روحانیت: دادسرای ویژه روحانیت طبق آیین‌نامه تشکیل شده است.

- ✓ دادستان ویژه روحانیت توسط مقام معظم رهبری منصوب خواهد شد. «ماده ۲ آیین نامه داسراها و دادگاه های ویژه روحانیت»
- ✓ مسؤولیت، ریاست و نظارت همه داسراها به عهده دادستان منصوب خواهد بود. «ماده ۳ آیین نامه داسراها و دادگاه های ویژه روحانیت»
- ✓ این داسرا فاقد بازپرس است.
- ✓ ریاست، نظارت و بودجه این داسرا خارج از اختیارات قوه قضائیه است.
- ✓ تشکیلات هر داسرا عبارت است از: دادستان، معاون ارشاد، معاون تحقیقات و امور اجرائی، مدیر اداری و مالی و به تعداد کافی دادیار و کادر اداری «ماده ۶ آیین نامه داسراها و دادگاه های ویژه روحانیت»
- ✓ این داسرا صرفاً به کلیه جرائم و اعمال خلاف شأن روحانیون، کلیه اختلافات محلی مخل به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد و همچنین اموری که از سوی مقام رهبری ارجاع گردد، رسیدگی می نماید.

داسرای نظامی «داسرای نیروهای مسلح»: ماده ۵۷۸ ق.آ.د.ک.

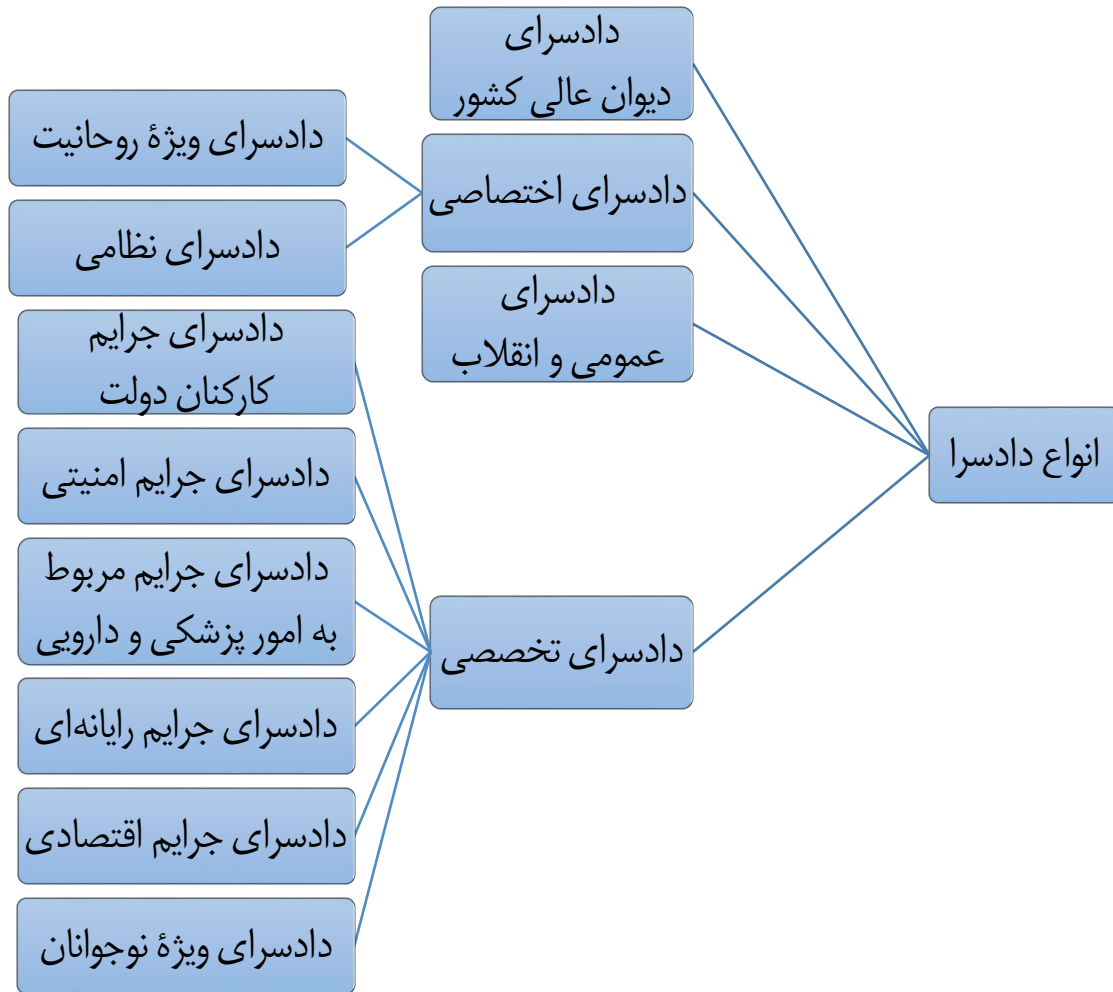
- ✓ داسرای نظامی، در مرکز هر استان تشکیل می شود.
- ✓ در شهرستان ها در صورت نیاز، داسرای نظامی ناحیه تشکیل می شود.
- ✓ حوزه قضائی داسرای نظامی نواحی به تشخیص رییس قوه قضائیه تعیین می شود.

داسرای ویژه نوجوانان: «ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک»

- ✓ این داسرا شعبه ای از داسرای عمومی و انقلاب است.
- ✓ سرپرست آن یکی از معاونان دادستان می باشد.
- ✓ مقام تحقیق در آن بازپرس می باشد.
- ✓ تحقیقات مقدماتی جرائم افراد ۱۵ تا ۱۸ سال در این داسرا به عمل می آید.
- ✓ هرگاه افراد ۱۵ تا ۱۸ سال جرائم منافی عفت و جرائم درجه ۷ یا ۸ را مرتکب شوند، به جرائم آنان به صورت مستقیم در دادگاه رسیدگی می شود.

داسراهای تخصصی:

- «ماده ۲۵ ق.آ.د.ک»: «به تشخیص رییس قوه قضائیه، داسراهای تخصصی (نه اختصاصی) از قبیل داسرای جرائم کارکنان دولت، جرائم امنیتی، جرائم مربوط به امور پزشکی و دارویی، رایانه ای، اقتصادی و حقوق شهروندی زیر نظر داسرای شهرستان تشکیل می شود.»



تعقیب مرتکب: گام دوم در دادرسی تعقیب مرتکب است.

جهات قانونی شروع به تعقیب: دانستیم که مقام **تعقیب** داستان و مقام **تحقیق** بازپرس است، استثنائاتی چون مجازات‌های تعزیری درجه ۷ و ۸ ارتباطی به دادستان ندارد، مگر در هنگام اجرای احکام، اما کلیت موضوع با داستان در ارتباط است. اولین مطلب آن است که دارا بودن سمت قضایی هرگز دلیلی بر اعمال سلیقه و تعقیب‌های شخصی نیست، به همین خاطر ماده ۶۴ ق.آ.د.ک برای تعقیب از جهات قانونی یاد نموده است. این مصادیق در ۵ مورد معرفی شده‌اند؛ که مورد پنجم از ماده ۶۴ ق.آ.د.ک چون از باب تمثیل مطرح شده همچنان دست دادستان را باز گذاشته است، با این اوصاف جهات قانونی که هر یک شرح تفصیلی دارند به شرح ذیل است:

الف - شکایت شاکی یا مدعی خصوصی

ب - گزارش ضابطان دادگستری «ضابط عام، ضابط خاص، ضابط نظامی» گزارش مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن

پ - وقوع جرم مشهود، در برابر دادستان یا بازپرس

ت - اظهار و اقرار متهم

ث - اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر

شکایت شاکی یا مدعی خصوصی

اولین و مهم‌ترین جهت از جهات شروع به تعقیب، شکایت شاکی است. هرگاه شاکی جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود.

✓ ۲ عنوان شاکی و مدعی خصوصی با یکدیگر متفاوت است، در ماده ۱۰ ق.آ.د.ک با ۳ اصطلاح مواجه می‌شویم:

- بزه‌دیده: شخصی که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده است.
 - شاکی خصوصی: شخصی که به موجب شکواییه از یک مقام ذی‌صلاح امر تعقیب را مطالبه می‌کند.
 - مدعی خصوصی: شخصی که از مقام ذی‌صلاح با رعایت تشریفات تقاضای جبران ضرر و زیان وارده را می‌کند.
- ✓ هر مدعی خصوصی شاکی هم می‌باشد، برخی از شاکی‌ها مدعی خصوصی می‌باشند و برخی هم مدعی خصوصی نمی‌باشند.

شکواییه: شاکی به موجب شکواییه شکایت خود را مطرح می‌کند، در امور کیفری تا حد امکان از تشریفات پرهیز شده است، به همین دلیل قانون‌گذار صرف یک برگه برای ثبت شکایت کافی می‌داند، در صورتی که دادخواست یک فرم چاپی مخصوص است.

شرایط شکواییه: شکواییه یا همان عرض حال طبق ماده ۶۸ ق.آ.د.ک باید دارای شرایطی از قرار ذیل باشد:

الف - نام و نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، تابعیت، مذهب، شماره شناسنامه، شماره ملی، نشانی دقیق و در صورت امکان نشانی پیام‌نگار (ایمیل)، شماره تلفن ثابت و همراه و کد پستی شاکی

ب - موضوع شکایت، تاریخ و محل وقوع جرم

پ - ضرر و زیان وارده به مدعی و مورد مطالبه وی

ت - ادله وقوع جرم، اسامی، مشخصات و نشانی شهود و مطلعان در صورت امکان

ث - مشخصات و نشانی مشتکی‌عنه یا مظنون در صورت امکان

✓ به موجب بند «ب» در شکواییه لازم است «موضوع شکایت» قید شود. منظور از موضوع شکایت، یک واقعه یا رخداد است، نه عنوان مجرمانه؛ به عبارت دیگر، شاکی موظف نیست که عنوان مجرمانه عملی را که مدعی وقوع آن علیه خود است تعیین نماید و حتی به صلاح او نیست چنین کند تا از عواقب احتمالی انتساب صریح جرمی به دیگری در امان بماند. شاکی باید موضوع قضیه‌ای که مدعی وقوع عمل مجرمانه در جریان آن علیه خود است را بیان نماید، پس از آن تشخیص و تطبیق عنوان مجرمانه با عمل مشتکی‌عنه بر عهده مقام قضایی است. با فرض تعیین آن توسط شاکی نیز، مقام مزبور ملزم به تبعیت از وصفی که شاکی برای عمل مورد نظر برگزیده، نیست.

✓ در بند «ب» ذکر تاریخ وقوع جرم از نظر تشخیص قانون حاکم بر عمل متهم (مسأله عطف بماسبق نشدن قانون) و محاسبه مرور زمان (در صورت مرور زمان پذیر بودن جرم) و ذکر محل وقوع جرم از لحاظ تشخیص مرجع قضایی صالح به رسیدگی (مسأله صلاحیت محلی) حائز اهمیت است.

✓ در مورد لزوم ذکر تاریخ وقوع جرم باید به این مطلب توجه داشت که به عنوان یک اصل کلی، جرائم تابع قانونی هستند که در زمان ارتکاب آن‌ها حاکم است و اگر بعد از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم، قانون جدیدی وضع و لازم‌الاجراء شود (و حتی صریحاً هم قانون سابق را نسخ نماید)، قانون جدید فقط باید در مورد جرائمی اعمال شود که پس از تاریخ لازم‌الاجراء شدن آن ارتکاب یافته‌اند، ولی جرائم ارتکابی قبل از لازم‌الاجراء شدن قانون جدید، تحت حاکمیت قانون سابق باقی می‌مانند. در این حال، نباید تصور نمود که قانون منسوخ قابلیت استناد ندارد، زیرا نسخ یک قانون، مانع حکومت آن بر جرائمی است که پس از تاریخ نسخ ارتکاب می‌یابند، ولی جرائمی که قبل از این تاریخ واقع شده‌اند، تحت حکومت قانون سابق باقی می‌مانند.

از اصل یادشده قاعده‌ای شکل گرفته که از آن به عنوان قاعده عدم تأثیر قانون در گذشته (یا عطف بماسبق نشدن قانون) یاد می‌شود.

- ✓ شکواییه فرم مخصوصی نیست، اما قوه قضاییه مکلف شده است که اوراق چایی را تهیه و در اختیار مراجعان قرار دهد، در صورتی که شخصی شکواییه خود را در این فرم مخصوص تنظیم نکند، منعی برای استماع شکایت وجود ندارد.
- ✓ نظریه شماره ۷/۹۳/۱۳۲۴ مورخ ۹۳/۶/۸ اداره حقوقی قوه قضاییه «موارد ذکر شده در ماده ۶۸ ... مواردی است که برای تعقیب متهم، تحقیقات دادرسی، رسیدگی دادگاه‌ها و حتی دیوان عالی کشور ضروری است ... (ولی) قانون‌گذار ضمانت‌اجرایی نیز برای برطرف کردن نواقص ماده ۶۸ ذکر نکرده و نمی‌توان به علت عدم تکمیل یک یا چند مورد از موارد مذکور در این ماد، شکواییه را بایگانی کرد یا نادیده گرفت.»
- ✓ برای امور کیفری هزینه دادرسی ثابت می‌باشد و در حال حاضر ۱۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد، برخلاف دعاوی حقوقی، در دعاوی کیفری اگر شخص، ناتوان از پرداخت هزینه دادرسی باشد از پرداخت آن معاف می‌شود.
- ✓ بر اساس مواد ۳۷ و ۶۹ ق.آ.د.ک پذیرش شکواییه یک تکلیف برای دادستان که مقام تعقیب و همچنین ضابطان می‌باشد.
- ✓ به موجب ماده ۶۹ ق.آ.د.ک، دادستان مکلف به قبول شکایت کتبی و شفاهی در همه وقت می‌باشد.
- ✓ اما به دلیل فراموش شدن، شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضاء یا اثر انگشت شاکی می‌رسد.
- ✓ در صورت عدم پذیرش شکایت توسط مقامات ذی‌ربط، عمل آنان به موجب ماده ۵۹۷ ق.م.ا (بخش تعزیرات) جرم تلقی می‌شود.

بزه‌دیدۀ محجور: (مواد ۷۰ و ۷۱ ق.آ.د.ک)

توضیح ماده ۷۰ ق.آ.د.م:

حالت اول ماده ۷۰ ق.آ.د.ک: هرگاه تعقیب کیفری، منوط به شکایت شاکی باشد و بزه‌دیدۀ محجور باشد و ولی یا قیم نداشته باشد یا بزه‌دیدۀ به ولی یا قیم دسترسی نداشته باشد و نصب قیم نیز موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم دادستان شخصی را به‌عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند.

حالت دوم ماده ۷۰ ق.آ.د.ک: هرگاه تعقیب کیفری، منوط به شکایت شاکی باشد: در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد: دادستان شخصی را به‌عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند.

حالت سوم ماده ۷۰ ق.آ.د.ک: هرگاه تعقیب کیفری، منوط به شکایت شاکی باشد: در مواردی که بزه‌دیدۀ، ولی و یا قیم او به عللی از قبیل بیهوشی قادر به شکایت نباشد: دادستان شخصی را به‌عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند.

حالت چهارم ماده ۷۰ ق.آ.د.ک: هرگاه تعقیب کیفری، منوط به شکایت شاکی باشد: شخص سفیه فقط در دعاوی کیفری که جنبه مالی دارد: ولی یا قیم نداشته باشد یا بزه‌دیدۀ به ولی یا قیم دسترسی نداشته باشد و نصب قیم نیز موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم: دادستان شخصی را به‌عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند.

توضیح ماده ۷۱ ق.آ.د.ک:

حالت اول ماده ۷۱ ق.آ.د.ک: هرگاه تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است: اگر بزه‌دیدۀ طفل یا مجنون باشد و ولی قهری یا سرپرست قانونی او با وجود مصلحت مؤلفی علیه اقدام به شکایت نکند: دادستان موضوع را تعقیب می‌کند.

حالت دوم ماده ۷۱ ق.آ.د.ک: هرگاه تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است: بزه‌دیدگانی که به عللی از قبیل معلولیت جسمی یا ذهنی یا کهولت سن، ناتوان از اقامه دعوا هستند، دادستان موضوع را با جلب موافقت آنان تعقیب می‌کند.

نکات مربوط به مواد ۷۰ و ۷۱ ق.آ.د.ک:

- ✓ ملاک اهلیت برای طرح شکایت کیفری، سن بلوغ قانونی (۹ سال تمام قمری برای دختران و ۱۵ سال تمام قمری برای پسران) است، مگر اینکه جرم جنبه مالی داشته باشد (مثلاً صدمات بدنی ناشی از تصادفات رانندگی یا ترک انفاق پدر نسبت به فرزند) که در این صورت با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۳۰ مورخ ۶۴/۱۰/۳ و ملاک حکم مقرر در تبصره ماده فوق، تعیین قیم موقت برای او ضروری است.
- ✓ حکم عام ماده فوق، ناسخ حکم خاص مندرج در ماده ۳۵۶ ق.م.ا مصوب ۹۲ نیست که در مورد جنایت بر اشخاص و صاحبان حق قصاص وضع شده و در صورت فقدان ولی، نیاز به تعیین قیم اتفاقی در مورد آنها وجود ندارد.
- ✓ در مرتکب جرم بودن ولی یا قیم، تفاوتی ندارد که ولی یا قیم مباشر، شریک یا معاون در جرم باشند.

حقوق شاکی:

۱. حق حضور در تحقیقات مقدماتی: صدر ماده ۱۰۰ ق.آ.د.ک: «شاکی می‌تواند در هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و ادله‌اش را اظهار کند و در تحقیقات حضور یابد، ...»
۲. حق مطالعه و اخذ تصویر برخی اوراق پرونده: تبصره ماده ۱۰۰ ق.آ.د.ک: «در صورت درخواست شاکی، چنانچه بازپرس مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده را منافی با ضرورت کشف حقیقت بداند، با ذکر دلیل، قرار رد درخواست را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به شاکی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. تصمیم دادگاه قطعی است.»
۳. حق درخواست تأمین خواسته: ماده ۱۰۷ ق.آ.د.ک: «شاکی می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را از بازپرس بخواهد. هرگاه این تقاضا مبتنی بر ادله قابل قبول باشد، بازپرس قرار تأمین خواسته صادر می‌کند.»
۴. حق داشتن مترجم: ماده ۲۰۰ ق.آ.د.ک: «بازپرس برای شاکی ... که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق ... تعیین می‌کند.»
- ماده ۲۰۱ ق.آ.د.ک: «بازپرس برای شاکی ... که ناشنوا است یا قدرت تکلم ندارد، فرد مورد وثوقی که توانایی بیان مقصود را از طریق اشاره یا وسایل فنی دیگر دارد، به عنوان مترجم انتخاب می‌کند.»

رد مال:

در قانون مجازات، هرگاه ذکر شده باشد که: مَحْكُومٌ عَلَیْهِ مَحْكُومٌ بر رد عین مال می‌شود، دادگاه باید علاوه بر تعیین مجازات، مَحْكُومٌ عَلَیْهِ را محکوم بر رد عین مال کند؛ اما در صورتی که در قانون مجازات حکم به رد عین مال علاوه بر مجازات تعیین نشده باشد، مدعی خصوصی برای رد عین مال باید دادخواست تقدیم کند.

جبران ضرر و زیان:

با توجه به مقررات آیین دادرسی کیفری و با الهام از قانون مجازات و دیگر قوانین درمی‌یابیم که در ابتدای امر باید شکواییه تنظیم شود، و بعد دادخواست جبران ضرر و زیان تقدیم شود، مگر مواردی که مقام دادستان اعلام‌کننده جرم باشد. برای جبران ضرر و زیان به ۲ روش عمل می‌شود:

۱. مواردی که به صرف شکواییه مقام قضایی علاوه بر مجازات، حکم به رد مال می‌دهد، در این موارد جبران ضرر و زیان نیازمند تقدیم دادخواست نیست، مانند کلاهبرداری، سرقت، تحصیل مال نامشروع، اختلاس.
۲. مواردی که علاوه بر تنظیم شکواییه نیازمند تنظیم و ثبت دادخواست می‌باشد، مانند چک بلامحل، خرید اموال مسروقه، ترک انفاق، خیانت در امانت و مواردی که در قانون اشاره به رد مال نشده است.

ماده ۱۵ ق.آ.د.ک صریحاً اعلام می‌کند که زیان دیده از جرم می‌تواند با آغاز تعقیب مدارک و اسناد خود را ارائه کند، اما این حق را دارد که تا ختم دادرسی ضرر و زیان خود را با رعایت تشریفات مطالبه کند.

مطابق رأی وحدت رویه شماره ۵۸۲ مورخ ۷۱/۱۲/۲: «مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم که ... در دادگاه کیفری مطرح می‌شود عنوان دعوای حقوقی دارد. شروع رسیدگی به دعوای حقوقی در دادگاه‌های دادگستری هم ... مستلزم دادن دادخواست با شرایط قانونی آن می‌باشد.»

به موجب ماده ۱۵ ق.آ.د.ک: «زیان دیده از جرم می‌تواند ...» این بدان معنا نیست که شاکی و زیان دیده الزامی به تنظیم دادخواست جهت مطالبه در مرجع کیفری ندارد، بلکه این یک حق قلمداد می‌شود، نه یک تکلیف.

اگر زیان دیده در مواردی که دادخواست لازم است، اقدام به تنظیم دادخواست نکند در اینجا از حق خود عدول نموده، اما این انصراف به معنای اسقاط حق نیست، چون می‌تواند به دادگاه حقوقی مراجعه کند.

مثال: با وقوع جرم سرقت، بزه‌دیده از این جرم با تنظیم شکواییه، محکوم علیه هم به مجازات و هم به رد عین محکوم می‌شود.

مثال: با وقوع جرم خیانت در امانت، بزه‌دیده از این جرم در ابتدا شکواییه تنظیم می‌کند، سپس در جایگاه شاکی خصوصی قرار می‌گیرد و پس از تحت تعقیب قرار گرفتن متهم، شاکی ۲ اقدام را انجام می‌دهد:

۱. دادخواست مطالبه ضرر و زیان را تنظیم می‌کند، که دادگاه کیفری به موجب این دادخواست رد مال را حکم می‌کند.
۲. دادخواست مطالبه ضرر و زیان را تنظیم نمی‌کند، که دادگاه کیفری دیگر حق ورود به مطالبه ضرر و زیان را ندارد.

گزارش ضابطان

گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که بر خلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد و بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شود. «ماده ۳۶ ق.آ.د.ک»

شروط اعتبار گزارش ضابطان:

۱. بر خلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد.
۲. بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه شده باشد.

تعریف ضابط:

ماده ۲۸ ق.آ.د.ک: «ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.»

انواع ضابط: «مواد ۲۹ و ۶۰۲ ق.آ.د.ک»

ضابط عام: شامل فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند.

وظایف این نیرو به استناد بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷ به این شرح احصاء شده است: «انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضائیه به عهده نیروی انتظامی محول است از قبیل: الف - مبارزه با مواد مخدر ب - مبارزه با قاچاق ج - مبارزه با منکرات و فساد د - پیشگیری از وقوع جرم ه - کشف جرائم

و - بازرسی و تحقیق ز- حفظ آثار و دلایل جرم ح - دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفاء آنها ط - اجرا و ابلاغ احکام قضایی»

ضابط خاص: مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند.

ضابط نظامی: مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان نظامی و دیگر مقامات قضائی مربوط در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن متهم و جلوگیری از فرار و یا مخفی شدن او، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی به موجب قانون اقدام می‌کنند.

وظایف ضابطان:

طبق ماده ۲۸ ق.آ.د.ک:

۱. کشف جرم،
۲. حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم،
۳. شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم،
۴. تحقیقات مقدماتی،
۵. ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی.

وظایف ضابطان در جرائم غیر مشهود و مشهود: «ماده ۴۴ ق.آ.د.ک»

۶. به محض اطلاع از وقوع جرم (در جرائم غیر مشهود) مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام می‌کنند.
۷. در جرائم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. همچنین چنانچه شاهد یا مطلع در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد؛ اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را اخذ و در پرونده درج می‌کنند. (نکته: ضابطان فقط در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد.)

طبق ماده ۴۶ ق.آ.د.ک:

۸. ضابطان دادگستری مکلفند نتیجه اقدامات خود را فوری به دادستان اطلاع دهند.

وظایف خاص ضابطان:

وظایف خاص ضابطان در مواد ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۱۳۳، ۱۸۴ و ۱۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری بیان شده است.

جرائم مشهود: ماده ۴۵ ق.آ.د.ک: «جرم در موارد زیر مشهود است:

الف - در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا مأموران یادشده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.

ب - بزه‌دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند.

پ - بلافاصله پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت شود و یا تعلق اسباب و ادله یادشده به متهم محرز گردد.

ت - متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شود.

ث - جرم در منزل یا محل سکنای افراد، اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکنای خود درخواست کند.

ج - متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد.

چ - متهم ولگرد باشد و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد.»

✓ جرم مشهود جرمی است که به راحتی پس از وقوع، مرتکب آن قابل تشخیص و علایم و آثار ارتکاب جرم قابل جمع‌آوری است.

جرمی که در مرئی و منظر ضابطین دادگستری به وقوع نپیوندد، ذاتاً جرم مشهود نیست اما مقنن در بندهای ب تا ج ماده ۴۵ با آوردن قید «بلافاصله» که بیانگر گذشت زمان اندکی از وقوع جرم است، جرائم **در حکم** مشهود را بیان کرده است.

نظریه شماره ۷/۹۳/۹۶۳ مورخ ۹۳/۴/۲۳ اداره حقوقی قوه قضاییه: «منظور از شخص ساکن، در بند (ث) ماده ۴۵ ... کلیه افرادی است که در محل موردنظر در ماده (منزل یا محل سکنای افراد) به صورت دائم یا موقت سکونت دارند، اعم از اینکه بزه‌دیده واقع شده باشند یا خیر؛ اما افرادی نظیر همسایگان در مجتمع‌های آپارتمانی و نظایر آن را شامل نمی‌گردد و در فرض قضیه در اینجا تنها شامل آن قسمتی از آپارتمان می‌گردد که اختصاص به سکونت افراد ذی‌ربط دارد؛ اما بدیهی است که چنانچه جرم در مشاعات اماکن مسکونی نظیر پارکینگ، حیاط و مانند آن رخ دهد، کلیه افرادی که در این اماکن به اعتبار سکونت در قسمت اختصاصی سهمیم می‌باشند، ساکن شناخته شده و مشمول شخص ساکن مذکور در بند (ث) ماده ۴۵ ... می‌باشد.»

در جرائم **مشهود**، ضابطان دادگستری موظفند پس از اطلاع از وقوع جرم، آن را به دادسرا گزارش نمایند ولی قبل اقدام به این کار بنابر ماده ۴۴ ق.آ.د.ک «... تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند؛ تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به‌دست‌آمده را به اطلاع **دادستان** می‌رسانند...»

«تمام اقدامات» در ماده فوق دلالتی قوی‌تر از اطلاق دارد و بدین معنی که اختیارات ضابطان در جرائم **مشهود** به اندازه‌ای است که اگر برای حفظ آثار و ادله جرم و جلوگیری از فرار متهم یا تبانی او با دیگران لازم باشد، حتی می‌توانند بدون اجازه مالک وارد منزل او شوند و دست به تفتیش محل بزنند، اشخاص یا اشیاء را بازرسی کنند و یا حتی متهم را جلب نمایند. برای اعمال این اختیارات در جرائم **مشهود** نیازی به کسب اجازه قبلی از مقام قضایی نیست و لزوم اجازه مقام قضایی برای ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آن‌ها و بازرسی اشخاص و اشیاء محدود به جرائم **غیر مشهود** است. همانطور که قانونگذار در ماده ۵۵ ق.آ.د.ک مقرر کرده: (ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آن‌ها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم **غیر مشهود** با اجازه موردی مقام قضایی است، هرچند وی اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد.)

✓ در تبصره ماده ۴۵ ق.آ.د.ک مقام مقنن شرایطی را پیش‌بینی نموده است که در صورت وجود این شرایط تمام شهروندان می‌توانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند. این شرایط از قرار ذیل است:

- جرم به صورت مشهود رخ دهد.
- در صورت عدم حضور ضابطان دادگستری،
- جرم از مصادیق بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون باشد.
- ✓ این اختیار به تمام شهروندان اعطاء شده است.
- ✓ مداخله شهروندان به صورت **اختیاری** است نه الزامی، به عبارت دیگر شهروندان **تکلیفی** ندارند.
- ✓ مداخله شهروندان در حدود حفظ صحنه جرم است.
- ✓ بند «الف» ماده ۳۰۲: جرائم موجب مجازات سلب حیات
- ✓ بند «ب» ماده ۳۰۲: جرائم موجب حبس ابد
- ✓ بند «پ» ماده ۳۰۲: جرائم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات **عمدی** علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن
- ✓ بند «ت» ماده ۳۰۲: جرائم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر

جرائم غیر مشهود: ماده ۴۵ ق.آ.د.ک به جرائم مشهود اشاره نموده است، در سایر موارد جرائم غیر مشهود است.

اصل عدم دستگیری اشخاص:

اصل سی و دوم قانون اساسی: «هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند...»

استثناء: چنانچه در جرائم **مشهود**، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. درهرحال، ضابطان نمی توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند. «ماده ۴۶ ق.آ.د.ک»

تکلیف ضابطان در صورت نگهداری متهم: ضابطان فقط در جرائم مشهود و آن هم در صورتی که نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، می توانند متهم را با رعایت شرایط ذیل تحت نظر قرار دهند:

۱. ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را **بلافاصله** و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند.
۲. مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. اعلام این امر به دادستان نمی تواند تا پایان مدت تحت نظر به تأخیر افتد، بلکه این امر باید به همراه ذکر مشخصات متهم و علت تحت نظر قرار گرفتن او حداکثر ظرف یک ساعت به دادستان اعلام گردد، حتی در صورت تحت نظر قرار دادن متهم در خارج از اوقات اداری نیز باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب به دادستان یا قاضی کشیک اعلام شود.
۳. ضابطان نمی توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند. چنانچه بازجویی از متهم حاکی از توجه دلایل اتهام به او باشد، وی باید جهت تعیین تکلیف به دادسرا اعزام گردد، در غیر این صورت یعنی ادامه نگهداری تحت نظر، ضابطان مرتکب جرم توقیف غیرقانونی شده اند و طبق ماده ۵۸۳ ق.م.ا قابل مجازات خواهند بود.
۴. مراتب دستگیری فرد باید به اطلاع خانواده او برسد ضابطان دادگستری مکلفند که به متهم مساعدت کنند که به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه نماید، مگر آنکه بنا به ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند که در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند زیرا به موجب بند ۵ ماده واحده قانون حقوق شهروندی: «اصل منع دستگیری و بازداشت افراد

ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.»

۵. در خاتمه باید به یک ممنوعیت مهم هم اشاره نمود: (ضابطان دادگستری نمی‌توانند برای تضمین حضور متهم، از او تأمین بگیرند و این اختیار در صلاحیت انحصاری مقام قضایی است و مقامات قضایی نیز نمی‌توانند اخذ تأمین را به آنان محول کنند.)

اعلام و اخبار مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن

شرایط اعلام جرم: «ماده ۶۵ ق.آ.د.ک»

۱. اعلام‌کننده خود ناظر وقوع جرمی بوده باشد.
۲. جرم مذکور از جرائم غیرقابل گذشت باشد.
۳. قرائن و اماراتی مبتنی بر نادرستی اظهارات وی وجود نداشته باشد.

گزارش‌ها و نامه‌هایی که هويت گزارش‌دهندگان و نویسندگان آنها مشخص نیست: «ماده ۶۷ ق.آ.د.ک»:

این گزارش و نامه‌ها نمی‌تواند مبنای شروع به تعقیب قرار گیرد، مگر آنکه:

۱. گزارش‌ها و نامه‌ها دلالت بر وقوع امر مهمی کند که موجب اختلال در نظم و امنیت عمومی است.
۲. گزارش‌ها و نامه‌ها همراه با قرائنی باشد که به نظر دادستان برای شروع به تعقیب کفایت می‌کند.

وقوع جرم مشهود، در برابر دادستان یا بازپرس:

✓ قید «در برابر دادستان یا بازپرس» موجب محدود ساختن جرم مشهود شده، همچنین باید جرائم در برابر دادستان یا بازپرس آن حوزه قضایی به وقوع پیوسته باشد.

✓ هنگامی وقوع جرم مشهود در برابر دادستان یا بازپرس، یکی از جهات قانونی برای شروع به تعقیب به شمار می‌رود که مقامات مذکور در حین انجام وظیفه (در دادسرا یا در هنگام حضور در صحنه وقوع جرمی دیگر) باشند و مشاهده وقوع جرم مثلاً در هنگام مرخصی یا تعطیلات را شامل نمی‌شود. چنین فرضی می‌تواند از طریق بند «ث»: «اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر» موجب شروع به تعقیب متهم گردد.

اظهار و اقرار متهم:

در خصوص جرائمی که جنبه عمومی دارند، (جرائم غیرقابل گذشت) با اقرار مرتکب می‌توان تعقیب را شروع کرد، بنابراین در جرائم غیرقابل گذشت اقرار متهم برای شروع به تعقیب کفایت می‌کند و مقام قضایی موظف است پس از تشریفات قانونی تحقیقات مقدماتی را شروع نماید.

اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر:

شخص دادستان به هر طریق دیگری که از وقوع جرم مطلع شود، از جهات تعقیب محسوب شده و مکلف به تعقیب متهم است.

موانع تعقیب:

به مجرد وقوع جرم و با وجود جهات تعقیب، دادستان مکلف به تعقیب مظنون است. در برخی مواقع تعقیب با موانعی مواجه می‌شود.

موانع موقتی تعقیب: گاهی اوقات موانع مذکور به طور موقت تعقیب را متوقف می‌سازند، مانند اناطه، مصونیت و جنون.

اناطه: توقف رسیدگی در دادگاه کیفری و اظهارنظر دادگاه حقوقی بر ثبوت امر دیگر را اناطه می‌گویند.

- ✓ در اناطه صلاحیت دادگاه حقوقی موضوعیت ندارد بلکه «عدم صلاحیت مرجع کیفری» برای رسیدگی به آن مهم است.
- ✓ اناطه زمانی صورت می‌گیرد که اثبات امر کیفری وابسته به امور حقوقی باشد و آن امور توأم با شک و تردید باشد.
- ✓ با صدور قرار اناطه، شخص ذی‌نفع به مرجع حقوقی فرستاده می‌شود تا دادخواست حقوقی خود را ثبت کند، در صورتی که امر حقوقی پیگیری نکند، مقام قضایی دادگاه کیفری به رسیدگی ادامه می‌دهد و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.
- ✓ ماده ۲۱ ق.آ.د.ک برای ذی‌نفع یک ماه از تاریخ ابلاغ قرار اناطه را تعیین نموده است که محاسبه آن با قانون آیین دادرسی مدنی است.
- ✓ در صورتی که شخص ذی‌نفع عذر موجه داشته باشد این مدت نقض می‌شود.
- ✓ جهات عذر موجه، مصادیق شش‌گانه مندرج در ماده ۱۷۸ ق.آ.د.ک می‌باشد.
- ✓ اگر رسیدگی به موضوع مذکور در صلاحیت مراجع غیرقضایی نظیر شورای حل اختلاف یا کمیسیون‌های ویژه هم باشد باز مورد از موارد صدور قرار اناطه خواهد بود.
- ✓ با صدور قرار اناطه پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود و تعقیب تا صدور رأی حقوقی به صورت معلق متوقف می‌شود.
- ✓ این توقیف تا زمان صدور رأی حقوقی جریان دارد و به هیچ وجه مرور زمان را حاصل نمی‌کند، به عبارتی مرور زمان معلق است.

اناطه از سوی مقامات قضایی: به ۳ حالت ذیل صادر می‌شود:

۱. در صورت صدور قرار اناطه از جانب دادیار: نظر دادستان جاری است.
۲. در صورت صدور قرار اناطه از جانب بازپرس: نظر دادستان اخذ می‌شود؛ دادستان یا موافق و یا مخالف قرار اناطه از جانب بازپرس می‌باشد که در این مورد حل اختلاف با دادگاه صالح است.
۳. در صورت صدور قرار اناطه از جانب دادرسی دادگاه: دادرسی دادگاه در صدور قرار اناطه مستقل است.

اعتراض به اناطه: در صورت صدور قرار اناطه لازم است که جهت اعتراض آن نیز لحاظ شود.

برای اعتراض به قرار اناطه باید توجه داشت که:

۱. در صورت صدور قرار اناطه در دادرسی: ظرف مدت ۱۰ روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. مگر اینکه دادگاه صالح، دادگاه کیفری یک یا انقلاب باشد و این دادگاه در حوزه قضایی دادرسی تشکیل نشده باشد که در این صورت دادگاه کیفری دو محل صالح به رسیدگی اعتراض است. «م ۲۷۰ ق.آ.د.ک»
۲. در صورت صدور قرار اناطه در دادگاه بدوی: با توجه به مجازات قانونی عمل، ظرف مدت ۲۰ روز قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر یا دیوان عالی کشور خواهد بود. «م ۴۲۷ ق.آ.د.ک»
۳. در صورت صدور قرار اناطه در دادگاه تجدیدنظر: قرار اناطه قطعی است.

✓ **اموال منقول** از شمول قرار اناطه مستثنا هستند.

مصونیت: مصونیت یعنی در امان بودن، برخی از مقامات به دلیل اهمیت شغلی از سوی قانون‌گذار یا بعضی کنوانسیون‌ها از مصونیت برخوردارند، مصونیت مانع موقتی است که تعقیب و دادرسی را تا مقطعی متوقف می‌کند، چون شخص به دلیل مصونیت داشتن با افراد دیگر متفاوت است، اما نباید برداشت ناصواب شود که مصونیت به معنای عدم محاکمه است، بلکه به معنای تأخیر یا تعویق در تعقیب و محاکمه است.

انواع مصونیت:

مصونیت قضایی: قضات به دلیل تصدی منصب قضا و اهمیت شغلی آنان از مصونیت بهره‌مند هستند، یعنی در صورت ارتکاب جرم، چون مصونیت دارند، تعقیب و دادرسی آنان با یک دادرسی مواجه می‌شود.

ماده ۳۹ قانون نظارت بر رفتار قضات: «هرگاه قاضی در مظان ارتکاب جرم عمدی قرار گیرد، دادستان موضوع را بررسی و چنانچه دلایل و قرائن، دلالت بر توجه اتهام داشته باشد، تعلیق وی از سمت قضائی را تا صدور رأی قطعی توسط مرجع ذیصلاح و اجرای آن، از دادگاه عالی تقاضا می‌کند. دادگاه مذکور پس از رسیدگی به دلایل، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید.»

- ✓ تعلیق قاضی فقط در جرائم **عمدی** صوت می‌گیرد. «ماده ۳۹ قانون نظارت بر رفتار قضات»
- ✓ دادستان انتظامی قضات در صورت توجه اتهام به قاضی درخواست تعلیق را از دادگاه عالی انتظامی قضات به عمل می‌آورد.
- ✓ قاضی تعلیق شده در ایام تعلیق از یک‌سوم تمام حقوق و مزایا برخوردار و در صورت برائت یا منع تعقیب، مستحق دریافت مابقی آن است. «ماده ۴۲ قانون نظارت بر رفتار قضات»
- ✓ طبق ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک، رسیدگی به اتهامات دارندگان پایه قضایی **دادگاه کیفری تهران** است.
- ✓ قضات دادگاه و دادرسی ویژه روحانیت مصونیت دارند، اما به تخلفات انتظامی آنان مطابق آیین‌نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت رسیدگی می‌شود.
- ✓ مصونیت قضایی نسبت به همه قضات لحاظ می‌شود؛ قضات مستثنا از مصونیت قضایی:

۱. قضات شاغل در سازمان تعزیرات حکومتی در باب قاچاق کالا و ارز

۲. کارآموزان قضایی

مصونیت پارلمانی: نمایندگان مجلس از یک مصونیت نسبی بهره‌مند هستند، چون نماینده مردم و حوزه انتخابی هستند باید در مجلس به سهولت اظهارات خود را اعلام نمایند. در صورت وجود ۲ شرط ذیل مصونیت پارلمانی محقق می‌شود:

۱. اظهارات نماینده و اعلان موافقت یا مخالفت در خصوص مصوبات مجلس باشد.
 ۲. اظهار عقیده نماینده در صحن علنی مجلس باشد.
- به این مصونیت در تعقیب کیفری، غیرقابل تعرض بودن گفته می‌شود که تعقیب کیفری نماینده مجلس منوط به اجازه قبلی مجلسی باشد که نماینده مزبور عضو آن است.
- ✓ در صورتی که نماینده‌ای در اظهارات علنی خود، مرتکب جرم توهین یا افتراء شود؛ از مصونیت پارلمانی برخوردار نیست.
 - ✓ قانون در صورت ارتکاب جرم از سوی نماینده مجلس، خارج از ایفای وظایف نمایندگی مصونیتی برای آنان قائل نشده است، که در این حالت آنان قابل تعقیب هستند؛ مانند اینکه نماینده‌ای مرتکب کلاهبرداری شود.

مصونیت سیاسی: تعرض ناپذیری نمایندگان سیاسی یک کشور به واسطه ارتکاب جرم در کشور دیگر. به موجب این نوع مصونیت در صورت ارتکاب جرم از سوی نماینده یا نمایندگان سیاسی یک کشور در کشور دیگر، مقامات ذیصلاح کشور محل وقوع جرم حق تعقیب و دستگیری نماینده مذکور را ندارند.

- ✓ کنوانسیون وین درباره روابط سیاسی مورخ ۱۹۶۱ به مصونیت مأموران سیاسی، محل اقامت آنان نوع مصونیت آن‌ها و مصونیت بستگان مأموران سیاسی و کارمندان اداری و فنی و خدمه اشاره دارد.

- ✓ کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی مورخ ۱۹۶۳ به مصونیت شخصی مأموران کنسولی، اعلام موارد توقیف و بازداشت و تعقیب کارکنان کنسولی و مصونیت قضایی آنان اشاره دارد.
- ✓ کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های مأموریت‌های مخصوص مورخ ۱۹۶۹ به مصونیت شخصی نمایندگان دولت فرستنده در مأموریت مخصوص و شخص کارمند سیاسی، مصونیت اقامتگاه، مصونیت قضایی آنان، مصونیت کارمندان اداری و قتی و خدمه اشاره دارد.
- ✓ **مأمور دیپلماتیک** در کلیه جرائم، اعم از مهم و غیر مهم و اعم از اینکه جرم مرتبط با وظایف او یا بی‌ارتباط با آن باشد، از مصونیت برخوردار است و نمی‌توان او را تحت تعقیب جزایی قرار داد و یا توقیف و بازداشت نمود.
- ✓ مصونیت سیاسی علاوه بر رییس و کارکنان سیاسی هیأت دیپلماتیک، شامل بستگان مأمور سیاسی که اهل خانه او هستند به شرط آنکه تبعه کشور پذیرنده نباشند، نیز می‌شود.
- ✓ **کارمندان اداری و فنی** مأموریت و بستگان آن‌ها که اهل خانه آن‌ها هستند، مشروط بر اینکه تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور نباشند از مصونیت برخوردارند.
- ✓ **خدمه مأموریت** که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن نباشند، نسبت به اعمال ناشی از اجرای وظایف دارای مصونیت سیاسی هستند.
- ✓ مأمور سیاسی در هنگام عزیمت به محل مأموریت یا بازگشت از آن، چنانچه از کشور ثالثی عبور کند، در محل اخیر نیز از مصونیت برخوردار است.
- ✓ مصونیت سیاسی حتی در صورت وجود منازعه مسلحانه میان دولت فرستنده و دولت پذیرنده برقرار است و تا زمانی که شخص در مأموریت به سر می‌برد ادامه دارد.
- ✓ با خاتمه یافتن دوره مأموریت این مصونیت از زمان ترک کشور محل خدمت یا پس از انقضای مهلت مناسبی که برای ترک محل خدمت به مأمور داده می‌شود، پایان می‌یابد. پس از ترک محل مأموریت یا انقضای مدتی که برای این کار لازم بوده است، مأمور دیپلماتیک دیگر مصونیت نداشته و در برابر ارتکاب جرم قابل تعقیب است. البته وی نسبت به آن دسته از اعمالی که در اجرای وظایف خود به عنوان مأموریت انجام داده دارای مصونیت بوده و قابل تعقیب نمی‌باشد ولی نسبت به سایر اعمال، امکان تعقیب کیفری او وجود دارد.
- ✓ **مأموران کنسولی** فقط در مورد اعمالی که در مقام انجام وظایف کنسولی مرتکب شوند دارای مصونیت هستند و در جرائم مهم که کنوانسیون از آن‌ها به عنوان جنایات بزرگ یاد می‌کند می‌توان مأمور کنسولی را توقیف یا در انتظار محاکمه بازداشت نمود.

الف - فوت متهم یا محکوم علیه

ب - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت

پ - شمول عفو

ت - نسخ مجازات قانونی

ث - شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون

ج - توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون

چ - اعتبار امر مختوم»

نکته: سقوط دعوای عمومی منجر به سقوط دعوای خصوصی نمی‌شود.

فوت متهم یا محکوم علیه

در صورتی که جرم وقوع یافته مشمول مجازات حد و تعزیر باشد و متهم پس از شروع به تعقیب فوت شود، تعقیب متوقف خواهد شد و اگر جرم وقوع یافته مشمول مجازات قصاص و دیه باشد (با لحاظ منطوق و مفهوم ماده ۴۳۵ ق.م.ا) و پس از شروع به تعقیب، متهم فوت شود، تعقیب متوقف می‌شود؛ پرونده با این قرار در دادسرا مختومه می‌شود و پل ارتباطی دادسرا با دادگاه قطع می‌شود، چون قرار موقوفی تعقیب زمینه صدور کیفرخواست را به وجود نمی‌آورد؛ اما طبق ماده ۸۵ ق.ا.د.ک و تبصره ۱ آن، پرونده به دستور دادستان برای صدور حکم مقتضی به دادگاه ارسال می‌شود.

✓ اگر مجازات از نوع **جزای نقدی** باشد، با فوت متهم **ساقط** می‌شود.

✓ **مصادره اموال** با فوت متهم نیز اجرا می‌شود.

✓ فوت شاکی یا مدعی خصوصی از موانع تعقیب نخواهد بود.

گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت

اصل بر غیرقابل گذشت بودن جرائم است و قابل گذشت بودن یک جرم امری استثنایی و نیازمند تصریح است.

گذشت نوعی استیفای حق است؛ شاکی خصوصی در اعلام گذشت باید دارای اهلیت قانونی باشد؛ بنابراین گذشت صغیر، مجنون و محجور فاقد اثر قانونی است.

ماده ۱۲ ق.ا.د.ک: «تعقیب متهم در جرائم قابل گذشت، فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت او موقوف می‌شود.»

تبصره ماده ۱۰۲ ق.م.ا: «حق گذشت، به وراثت قانونی متضرر از جرم، منتقل و در صورت گذشت **همگی** وراثت حسب مورد تعقیب، رسیدگی یا اجرای مجازات موقوف می‌گردد.»

گذشت باید منجز باشد و به گذشت مشروط و معلق در صورتی ترتیب اثر داده می‌شود که آن شرط یا معلق علیه تحقق یافته باشد. عدول از گذشت مسموع نیست.

چنانچه قیم اتفاقی بخواهد از طرف مولی علیه خود اعلام گذشت نماید، این امر باید به **تأیید دادستان** برسد.

حالات های گذشت شاکی:

۱. گذشت در جرائمی که مطلقاً مؤثر است: قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود.
۲. گذشت در جرائمی که مطلقاً مؤثر نیست: گذشت بلااثر است.
۳. گذشت در جرائمی که نسبتاً مؤثر است: از موجبات تخفیف است.

اقسام گذشت: «ماده ۱۰۱ ق.م.ا»

گذشت مطلق: در این نوع گذشت شخص شاکی هیچ شرط یا تقاضایی ندارد.

گذشت مقید: اثر گذشت زمانی متصور است که شرط یا قید تعلیقی حاصل شود، مانند اینکه شاکی بگوید، از متهم گذشت می‌کنم در صورتی که حق الوکاله وکیل را بپردازد.

تعدد متضررین از جرم: «ماده ۱۰۲ ق.م.ا»

۱. تعقیب جزائی با شکایت هر یک از آنان شروع می‌شود.
۲. موقوفی تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موکول به گذشت تمام کسانی است که شکایت کرده‌اند.

✓ برای تفکیک جرائم قابل گذشت از جرائم غیرقابل گذشت نظام دادرسی کیفری ما ۲ رویه را تجربه نموده است:

۱. ضابطه قانونی: تفکیک جرائم قابل گذشت از جرائم غیرقابل گذشت با قانون گذار است.
۲. ضابطه قضایی: تفکیک جرائم قابل گذشت از جرائم غیرقابل گذشت با قاضی است.

✓ اما به موجب تبصره ماده ۱۲ ق.آ.د.ک که بیان می‌دارد: «تعیین جرائم قابل گذشت به موجب قانون است.» پس طبق این تبصره ضابطه قانونی برای تفکیک جرائم قابل گذشت از جرائم غیرقابل گذشت پذیرفته شده است؛ چون ضابطه قضایی بسته به نظر قضات متغیر و متفاوت بود.

✓ تفکیک جرائم قابل گذشت از غیرقابل گذشت باعث می‌شود که در جرائم قابل گذشت یا حق الناسی فقط شاکی دعوا را آغاز کند، ادامه دهد با اراده خود مختومه کند؛ اما در جرائم غیرقابل گذشت یا حق الهی این اختیار درید شاکی نیست، چون دادستان مقام تعقیب است و جرم هم غیرقابل گذشت می‌باشد.

✓ گذشت یک کاربرد عملی هم دارد آن هم به تفکیک جرائم قابل گذشت از جرائم غیرقابل گذشت بازمی‌گردد، به عبارتی دیگر؛ فایده عملی شناخت جرائم قابل گذشت به شرح ذیل است:

۱. در جرائم قابل گذشت به موجب گذشت شاکی، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود. «م ۱۳ ق.آ.د.ک»
۲. در جرائم قابل گذشت، شاکی می‌تواند تا قبل از صدور کیفرخواست درخواست **ترک تعقیب** کند. «م ۷۹ ق.آ.د.ک»
۳. در جرائم قابل گذشت تحقیق از شاکی و متهم در دادسرا حتی‌الامکان به صورت **ترافعی** رسیدگی می‌شود. «م ۱۹۲ ق.آ.د.ک»

۴. در جرائم قابل گذشت طرفین یا شاکی، می‌توانند غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند. «م ۳۵۲ ق.آ.د.ک»

✓ جرائم قابل گذشت مانند: توهین، افتراء، هجو، سقط جنین، ترک انفاق و ...

✓ جرائم قابل گذشت موجبات ۲ قرار را فراهم می‌کند:

۱- قرار موقوفی به موجب ماده ۱۳ ق.آ.د.ک ۲- قرار ترک تعقیب به موجب ماده ۷۹ ق.آ.د.ک

قاضی در مواجهه با گذشت در جرم قابل گذشت چه تصمیم اتخاذ می‌کند؟

برای قرار موقوفی تعقیب شخص شاکی باید به صورت صریح و مکتوب اعلام گذشت کند، اما برای قرار ترک تعقیب شخص شاکی باید درخواست خود را به شعبه تسلیم کند.

تفاوت بین قرار موقوفی تعقیب با قرار ترک تعقیب آن است که در موقوفی تعقیب گذشت شاکی پرونده را مختومه می‌کند اما در ترک تعقیب پرونده تا یک سال مفتوح است و شاکی می‌تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یک‌بار تا یک‌سال از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب درخواست کند.

شمول عفو

گذشتی است که از سوی مقام رسمی صورت می‌گیرد و باعث موقوف گردیدن تعقیب و یا اجرای مجازات خواهد شد.
تفاوت عفو و گذشت:

۱. عفو از جانب حکومت اعمال می‌شود، لیکن گذشت از طرف شاکی امکان‌پذیر است.
۲. گذشت از جانب شاکی در جرائم قابل گذشت منتهی به توقف تعقیب می‌شود، اما عفو غالباً در جرائم دارای جنبه عمومی اعمال می‌شود.

انواع عفو:

۱. **عفو عمومی:** «عفو عمومی که به موجب قانون در جرائم موجب تعزیر اعطاء می‌شود، تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند. در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف و آثار محکومیت نیز زائل می‌شود.»
 - ✓ عفو عمومی صرفاً در جرائم موجب تعزیر اعطاء می‌شود و در مجازات‌های حد، قصاص و دیه قابل اعمال نیست.
 - ✓ عفو عمومی بر **شرکاء و معاونین** جرم نیز تسری پیدا می‌کند.
 - ✓ عفو عمومی تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند.
 - ✓ در عفو عمومی در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف و آثار مجازات‌های تبعی و تکمیلی محکومیت نیز زائل می‌شود.
 - ✓ عفو عمومی هم مجازات و هم اثر آن را هم از بین می‌برد ولی تاثیری در پرداخت **دیه** ندارد.
 - ✓ در عفو عمومی امکان مطالبه خسارت مدعی خصوصی وجود دارد.
 ۲. **عفو خصوصی:** «عفو یا تخفیف مجازات محکومان، در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رییس قوه قضائیه با مقام رهبری است.»
 - ✓ عفو خصوصی بر شرکاء و معاونین جرم نیز تسری پیدا نمی‌کند.
 - ✓ عفو خصوصی فقط **بعد** از صدور حکم می‌تواند تأثیرگذار باشد، به عبارتی فقط در حق **محکومان** تأثیر دارد.
 - ✓ عفو خصوصی فقط اجرای مجازات **اصلی** را متوقف می‌کند، مجازات‌های تبعی را متوقف نمی‌کند مگر اینکه تصریح شده باشد.
 - ✓ در عفو خصوصی امکان مطالبه خسارت مدعی خصوصی وجود دارد.
- عفو خصوصی به ۲ روش ذیل اعطاء می‌شود:

۱. اعطاء عفو بر اساس میزان محکومیت: در این روش شخص خاصی مدنظر قرار نمی‌گیرد، بلکه جرم و میزان محکومیت ملاک شمول عفو است. البته این نوع اعمال عفو دارای شرایط خاصی است که تعیین آن بر عهده رییس قوه قضائیه است تا پس از تأیید آن توسط مقام رهبری، اعمال شود.
۲. عفو موردی و خاص: در این روش پرونده هر یک از محکومین، در صورت دارا بودن برخی شرایط و معمولاً به تقاضای **مَحکومٌ عَلَیْهِ** یا خانواده او، در کمیسیون عفو، تخفیف و تبدیل مجازات مطرح می‌گردد، پس از اینکه کمیسیون مذکور **مَحکومٌ عَلَیْهِ** را مستحق عفو دانست به رییس قوه قضائیه جهت پیشنهاد به مقام رهبری معرفی می‌کند.

نسخ مجازات قانونی

نسخ قانون عبارت است اسقاط یک قانون به وسیله قانون دیگر.

- ✓ نسخ مجازات قبل از تعقیب: پرونده بایگانی می شود.
- ✓ نسخ مجازات حین تعقیب: قرار موقوفی تعقیب صادر می شود.
- ✓ نسخ مجازات بعد از حکم: حکم اجراء نمی شود.
- ✓ به موجب قانونی در آینده مجازاً قانونی رفتاری نسخ گردد، قانون مذکور در این قسمت عطف بماسبق می گردد.
- ✓ نسخ قانون به ۲ صورت صریح و ضمنی می باشد.

شمول مرور زمان در موارد پیش بینی شده در قانون

سپری شدن مدتی خاص و معین به موجب قانون از تاریخ وقوع جرم یا آخرین اقدام تعقیبی یا اطلاع شاکی از وقوع جرم (در جرائم تعزیری قابل گذشت) و یا قطعیت حکم که پس از آن تعقیب جرائم و اجرای احکام قطعی میسر نباشد.

انواع مرور زمان:

۱. **مرور زمان شکایت:** یعنی سپری شدن مدت زمانی خاص (به موجب قانون) از تاریخ اطلاع شاکی از جرم و عدم شکایت وی در مراجع قانونی.

ماده ۱۰۶ ق.م.ا: «در جرائم تعزیری قابل گذشت هرگاه متضرر از جرم در مدت **یک سال** از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند، حق شکایت کیفری او ساقط می شود مگر اینکه تحت سلطه متهم بوده یا به دلیلی خارج از اختیار، قادر به شکایت نباشد که در این صورت مهلت مزبور از تاریخ **رفع مانع** محاسبه می شود. هرگاه متضرر از جرم قبل از انقضای مدت مذکور فوت کند و دلیلی بر صرف نظر وی از طرح شکایت نباشد هر یک از ورثه وی در مهلت **شش ماه** از تاریخ وفات حق شکایت دارد.»

✓ به موجب این ماده مرور زمان شکایت یک سال از تاریخ اطلاع شاکی از وقوع جرم تعزیری قابل گذشت می باشد و اگر ظرف مهلت یک ساله شکایت خود را مطرح ننماید، حق طرح شکایت در خصوص آن جرم از وی سلب خواهد شد.

✓ در مرور زمان شکایت، درجه ملاک نیست، یعنی اگر جرم هجو درجه ۷ یا جرم توهین درجه ۶ یا جرم تهدید درجه ۵ باشد همچنان یک سال لحاظ می شود.

✓ یک سال قابل تمدید نیست مگر اینکه:

- شاکی فوت کند.
- شاکی در سلطه متهم باشد.
- شاکی به دلیل خارج از اختیار قادر به شکایت نباشد.

✓ در صورت فوت شاکی در طی زمان یک سال که حق شکایت دارد، چون امری غیرقابل پیش بینی است؛ ورثه ۶ ماه معادل ۱۸۰ روز حق طرح شکایت دارند. ۶ ماه در نظر گرفته شده از تاریخ فوت محاسبه شده، هر چند فوت در روز تعطیل باشد. مدت ۶ ماه به کل ورثه برای طرح شکایت اعطا می شود.

۲. **مرور زمان تعقیب:** یعنی سپری شدن مدت زمانی خاص (به موجب قانون) از تاریخ وقوع جرم یا آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی که پس از آن، اقدام به تعقیب ممکن نباشد.

ماده ۱۰۵ ق.م.ا: مرور زمان، در صورتی تعقیب جرائم موجب تعزیر را موقوف می کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد زیر تعقیب نشده یا از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای این مواعد به صدور حکم قطعی منتهی نگردیده باشد: (طبق جدول زیر)

✓ بسته به درجه تعزیر مدت مرور زمان تعقیب متغیر است، بدین صورت که هرچه درجه شدیدتر باشد، مرور زمان آن بیشتر است. بیشترین مدت مرور زمان تعقیب ۱۵ سال و کمترین مدت مرور زمان تعقیب ۳ سال است.

- ✓ مرور زمان تعقیب از تاریخ وقوع جرم محاسبه می‌شود.
 - ✓ در مرور زمان تعقیب فرقی بین جرائم قابل گذشت و جرائم غیرقابل گذشت نیست.
 - ✓ مرور زمان تعقیب زمانی محقق می‌شود که در مدت‌زمان مشخص شده طبق ماده ۱۰۵ ق.م.ا و با لحاظ درجه هیچ اقدام تعقیبی یا تحقیقی صورت نگیرد.
 - ✓ با حصول مرور زمان تعقیب، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود.
۳. **مرور زمان مجازات:** به معنی سپری شدن مدتی خاص و معین به موجب قانون از تاریخ قطعیت حکم است که از پس از آن اجرای حکم قطعی میسر نیست. برخی اوقات اتفاق می‌افتد که حکم قطعی از سوی مرجع قضایی صالح صادر گردیده است لیکن پس از آن اقدام خاصی بر روی پرونده صورت نگرفته است که در این حالت اگر مرور زمان مُصَرَّح در قانون سپری شود، پرونده آماده صدور قرار موقوفی اجرا به واسطه مرور زمان خواهد بود. ماده ۱۰۷ ق.م.ا: مرور زمان، اجرای احکام قطعی تعزیری را موقوف می‌کند و مدت آن از تاریخ قطعیت حکم به قرار زیر است: (طبق جدول زیر)
- ✓ بسته به درجه تعزیر مدت مرور زمان تعقیب متغیر است، بدین صورت که هرچه درجه شدیدتر باشد، مرور زمان آن بیشتر است. بیشترین مدت مرور زمان تعقیب ۲۰ سال و کمترین مدت مرور زمان تعقیب ۵ سال است.
 - ✓ مرور زمان اجرا خود بیانگر این است که حکم محکومیت صادر شده باشد؛ اما ملاک در ماده ۱۰۷ ق.م.ا حکمی است به قطعیت رسیده است.
 - ✓ قطعیت می‌تواند از همان دادگاه بدوی صورت بگیرد، یا از دادگاه تجدیدنظر یا اینکه محکوم علیه حق تجدیدنظرخواهی خود را ساقط نماید.
 - ✓ با حصول مرور زمان مجازات (اجرا)، قرار موقوفی اجرا صادر می‌شود.

مرور زمان تعقیب «متهم» ماده ۱۰۵ ق.م.ا	درجه	مرور زمان مجازات «مجرم» ماده ۱۰۷ ق.م.ا
انقضای ۱۵ سال	۱-۲-۳	انقضای ۲۰ سال
انقضای ۱۰ سال	۴	انقضای ۱۵ سال
انقضای ۷ سال	۵	انقضای ۱۰ سال
انقضای ۵ سال	۶	انقضای ۷ سال
انقضای ۳ سال	۷-۸	انقضای ۵ سال

شرایط مرور زمان

۱. جرائم موجب تعزیر: مرور زمان کیفری **صرفاً** در جرائم موجب تعزیر پذیرفته شده است و در جرائم موجب حد، قصاص و دیه، مرور زمان جاری نیست.

۲. انقضاء مواعد مصرحه در مواد ۱۰۵، ۱۰۶ و ۱۰۷ ق.م.ا: از دیگر شرایط لازم در خصوص اعمال مرور زمان انقضاء مواعد تعیین شده در مواد قانونی فوق به تناسب مرور زمان تعقیب، شکایت و اجرای حکم است؛ به عبارت دیگر اگر مواعد مذکور منقضی نگردد اجرای مرور زمان منتفی خواهد شد.

۳. عدم شمول مرور زمان در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر و جرائم اقتصادی: ماده ۱۰۹ ق.م.ا: «جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند: الف - جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور ب - جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده پ - جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر»

نکته مهم: مرور زمان یک قاعده آمره می‌باشد و عملکرد آن موضوعی است، نه شخصی؛ پس اگر مرور زمان حاصل شود به صورت موضوعی همه اشخاص از این عنوان بهره‌مند می‌شوند؛ مانند شریک، مباشر یا معاون، نسبت به همه اجرا می‌شود.

نکته مهم: اگر جرمی ماهیتاً تعزیراتی باشد و قابل گذشت نیز باشد، یک سال از تاریخ اطلاع را زمانی محاسبه می‌کنیم که مرور زمان تعقیب حاکم به موضوع نباشد.

توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون

ماده ۱۱۷ ق.م.ا: «در مواردی که توبه مرتکب، موجب سقوط یا تخفیف مجازات می‌گردد، توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفا نمی‌شود. چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه، ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده است سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده ملغی و مجازات اجراء می‌گردد. در این مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود.»

- ✓ قضات دادسرا نقشی در اعمال توبه ندارند.
- ✓ در صورت اثبات تظاهر مرتکب به توبه در مجازات تعزیری، سقوط مجازات و تخفیفات لغو و مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود.
- ✓ توبه در قذف و دیات جایگاهی ندارد و چون قذف طبق ماده ۲۵۵ ق.م.ا قابل گذشت می‌باشد، تمام اختیارات آن با شاکی یعنی مقذوف می‌باشد.
- ✓ دیه همانند قصاص به اختیار ولی دم یا مَجْنی علیه است.

جرائم موضوع توبه: «مواد ۱۱۴، ۱۱۵ و ۱۱۶ ق.م.ا»

با توجه به این مواد توبه در حدود زنا، لواط، تفخیز، مساحقه، قوادی، سبّ النبی، شرب خمر، سرقت، بغی، افساد فی الارض و تعزیری درجه شش، هفت و هشت پذیرفته شده است. البته در حد محاربه نیز اگر محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او توبه کند، حد ساقط خواهد شد.

توبه در جرائم موجب دیه، قصاص، حد قذف و محاربه و تعزیری درجه یک تا پنج و تعزیرات منصوص شرعی پذیرفته نشده است.

شرایط توبه قانونی

۱. ابراز ندامت مجرم و احراز اصلاح شدن او نزد قاضی: صرف اینکه مجرم به ظاهر (زبانی) توبه نماید، کافی برای اعمال نمودن آثار توبه نیست. بلکه ابراز ندامت و اصلاح او باید برای مقام قضایی صالح محرز شود.
«متهم... توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود» ماده ۱۱۴ ق.م.ا
«چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود.» ماده ۱۱۵ ق.م.ا
«توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفا نمی‌شود.» ماده ۱۱۷ ق.م.ا

۲. توبه مجرم در صورتی سبب سقوط مجازات خواهد شد که قبل از اثبات جرم صورت پذیرد.

«... هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند...» ماده ۱۱۴ ق.م.ا.

۳. عدم تکرار جرائم تعزیری: از شرایط پذیرش توبه مجرم، عدم تکرار جرم می‌باشد.

«مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آنها اعمال می‌شود، جاری نمی‌گردد.» تبصره ۱ ماده ۱۱۵ ق.م.ا.

آثار توبه

آثار توبه مرتکب گاهی به صورت سقوط مجازات و برخی مواقع تخفیف مجازات قانونی و در مواردی نیز به صورت تقاضای عفو از مقام رهبری می‌باشد.

توبه در انواع مجازات‌ها

۱. قصاص: توبه پذیرفته نمی‌شود. ماده ۱۱۶ ق.م.ا.

۲. دیات: توبه پذیرفته نمی‌شود. ماده ۱۱۶ ق.م.ا.

۳. حدود: به غیر از قذف و محاربه (که آن هم نسبی است) توبه پذیرفته می‌شود. ماده ۱۱۴ ق.م.ا.

۴. در تعزیرات: ماده ۱۱۵ ق.م.ا.

✓ درجات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶: دادگاه می‌تواند تخفیف دهد.

✓ درجات ۷، ۸، ۹: سقوط مجازات

✓ مجازات حدود در صورتی ساقط می‌شود که توبه قبل از اثبات جرم صورت بگیرد. توبه مرتکب در جرائم حدی به جز «قذف» پس از اثبات جرم نیز مؤثر است به شرط اینکه با اقرار متهم ثابت شده باشد؛ که در این صورت برای سقوط مجازات، عفو وی توسط مقام رهبری به درخواست دادگاه از طریق رییس قوه قضاییه صورت می‌گیرد.

اعتبار امر مختوم

با اتمام رسیدگی به شکایت شاکی در مرجع قضایی و صدور تصمیم نهایی و قطعی در این خصوص، امکان رسیدگی مجدد به همان شکایت و شاکی و متهم همان پرونده وجود نخواهد داشت. به عنوان مثال اگر (الف) علیه (ب) شکایت سرقت را مطرح کند و مرجع قضایی در خصوص جرم سرقت تصمیم نهایی و قطعی اتخاذ کند، رسیدگی به شکایت مجدد (الف) علیه (ب) به همان جرم سرقت امکان پذیر نیست.

✓ اعتبار امر مختوم یعنی تصمیم نهایی مرجع قضایی کیفری از چنان اعتباری برخوردار است که هیچ‌گونه شکایت مجددی (با شرط وحدت اصحاب دعوا، وحدت موضوع دعوا و وحدت سبب دعوا) به آن خدشه‌ای وارد نخواهد آورد.

✓ اعتبار امر مختوم بر اساس قاعده صحت احکام و جاهت قانونی خود را کسب می‌کند.

✓ اعتبار امر مختوم یک قاعده آمره است و قضات باید به آن استناد کنند.

✓ در صورتی که شکایت اول از سوی اصیل باشد و شکایت دوم از سوی وکیل باز هم اصحاب دعوا واحد تلقی می‌شوند.

اعتبار امر مختوم بر اساس نوع تصمیم قضاوت شده به شرح ذیل تعریف می‌شود:

۱. احکام: حکم تصمیمی است که از سوی دادگاه صالح صادر می‌شود از نظر ماهیتی به ۲ شکل می‌باشد، احکام بلاشک اعتبار امر مختومه دارند.

✓ حکم برائت

✓ حکم محکومیت

استثنائاً به موجب ماده ۴۷۴ ق.آ.د.ک، زمانی که حکم محکومیت به صورت قطعیت یافته قرار گرفته و شخص محکوم با ارائه ادله قابل قبول تقاضای اعاده دادرسی داشته باشد، به اعتبار امر مختوم توجهی نمی‌شود.

۲. قرارها: به دو دسته تقسیم می‌شود:

- ✓ **قرارهای اعدادی «تمهیدی - ابتدایی»:** از جمله قرارهایی هستند که پرونده را آماده و مهیا برای اتخاذ یک تصمیم نهایی می‌کنند؛ مانند قرار کارشناسی، معاینه محل، احضار و جلب شهود، نظارت قضایی، نیابت و...
- این قرارها چون برای آماده‌ساختن پرونده به کار می‌روند و در جهت کشف حقیقت استفاده می‌شوند اعتبار امر مختوم ندارند.
- ✓ **قرارهای نهایی:** به موجب ماده ۲۶۲ ق.آ.د.ک و مواد بعد از آن در خاتمه تحقیقات به کار گرفته می‌شوند این قرارها مسؤولیت بازپرس را خاتمه می‌دهند و شامل: قرار منع تعقیب، قرار جلب دادرسی، قرار موقوفی، قرار عدم صلاحیت، قرارهای نهایی چون قاعده فراغ دادرسی را حاصل می‌کند، از اعتبار امر مختوم برخوردار است.

نقض قرار منع تعقیب برای یک بار: ماده ۲۷۸ ق.آ.د.ک: «هرگاه به علت جرم نبودن عمل ارتكابی، قرار منع تعقیب صادر و به هر دلیل قطعی شود، نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد. هرگاه به علت فقدان یا عدم کفایت دلیل، قرار منع تعقیب صادر و در دادسرا قطعی شود، نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد، مگر پس از کشف دلیل جدید که در این صورت، با نظر دادستان برای یک بار قابل تعقیب است و اگر این قرار در **دادگاه** قطعی شود، پس از کشف دلیل جدید به درخواست دادستان می‌توان او را برای یک بار با اجازه دادگاه صالح برای رسیدگی به اتهام، تعقیب کرد. در صورتی که دادگاه، تعقیب مجدد را تجویز کند، بازپرس مطابق مقررات رسیدگی می‌کند.»

ویژگی‌های اعتبار امر مختوم

۱. لزوم صدور تصمیم نهایی قطعی از سوی مرجع کیفری می‌باشد، به عبارت دیگر دادگاه کیفری در خصوص شکایت مطروحه حکم قطعی بر محکومیت یا برائت صادر کند. قطعیت تصمیم قضایی سابق، شرط اولیه منع رسیدگی حاضر است. حکم یا قرار قطعی نیز رأی است که یا قانوناً در هنگام صدور، قطعی و غیر قابل اعتراض باشد و یا مدت اعتراض به آن پیموده شده و قطعیت یافته باشد.
۲. اعتبار امر مختوم کیفری محدود به زمان خاصی نیست، به عبارت دیگر، مقام قضایی رسیدگی‌کننده در هر زمان و مرحله متوجه وجود شرایط اعتبار امر مختوم کیفری گردد، ادامه رسیدگی را متوقف می‌نماید.
۳. عدم لزوم ایراد از سوی مشتکی عنه یا متهم، به عبارت دیگر مقام قضایی رسیدگی‌کننده موظف به توقف تعقیب و تحقیقات است.

شرایط اعتبار امر مختوم کیفری

وحدت اصحاب دعوا: اولین شرط این است که شاکی و مشتکی عنه شکایت فعلی، همان شاکی و مشتکی عنه پرونده سابق باشند؛ یعنی شاکی و مشتکی عنه هر دو پرونده واحد باشند.

وحدت موضوع: یعنی عنوان مجرمانه‌ای که شاکی به واسطه آن از مرتکب قبلاً شکایت کرده است، همان عنوان مجرمانه‌ای باشد که مجدداً طرح شکایت کرده است.

وحدت سبب: سبب شکایت کیفری اعاده منافع تفویض شده اجتماع به واسطه نقض نظم عمومی از طریق اعمال کیفر یا اقدامات تأمینی و تربیتی بر مجرم است. صدور حکم از سوی مراجعی که در خصوص جنبه عمومی جرم اتخاذ تصمیم ننموده‌اند از قبیل مراجع انضباطی یا اداری، مانع طرح شکایت کیفری علیه مشتکی عنه نیست.

جایگزین‌های تعقیب «مواد ۷۹، ۸۰، ۸۱ و ۸۲ ق.آ.د.ک»

قرار ترک تعقیب: «در جرائم قابل گذشت مطابق ماده ۷۹ ق.آ.د.ک»

در صورتی که جرم قابل گذشت باشد، شاکی گذشت کند قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود و پرونده مختومه می‌شود؛ اما طبق ماده ۷۹ ق.آ.د.ک شاکی می‌تواند تا قبل از صدور کیفرخواست درخواست **ترک تعقیب** کند. در این صورت، دادستان قرار ترک تعقیب صادر می‌کند. شاکی می‌تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای **یک بار** تا **یک سال** از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب درخواست کند.

- ✓ ترک تعقیب مختص جرائم قابل گذشت مانند: توهین، افتراء یا هجو می‌باشد.
- ✓ طبق قانون مجازات اسلامی، جرائم قابل گذشت جرایمی است که آغاز، ادامه، اختتام و اجرای آن به نظر شاکی بستگی دارد.
- ✓ ترک تعقیب از ناحیه شاکی صورت می‌گیرد.
- ✓ در صورت درخواست قرار ترک تعقیب، شاکی می‌تواند تعقیب مجدد متهم را تا یک سال درخواست کند.
- ✓ شاکی برای تعقیب مجدد نیاز به هزینه و بار اثباتی ندارد.
- ✓ در قرار موقوفی تعقیب گذشت شاکی اعلام می‌شود، اما در قرار ترک تعقیب شاکی باید درخواست ترک تعقیب بدهد.
- ✓ قرار ترک تعقیب چون به درخواست شاکی است قابل اعتراض نیست و قطعی است، به همین جهت ابلاغ نمی‌شود.
- ✓ قرار ترک تعقیب با قرار موقوفی تعقیب قابل جمع می‌باشد؛ یعنی در صورتی که پس از درخواست شاکی و صدور قرار ترک تعقیب پرونده باز باشد و شاکی گذشت کند، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود و قرار ترک تعقیب از بین می‌رود.
- ✓ مقام دادستان در صدور قرار ترک تعقیب مکلف است، چون این قرار حق شاکی است.
- ✓ نسبت به جرم قابل گذشت واحد نمی‌توان ۲ مرتبه قرار ترک تعقیب را مطالبه نمود، چون قرار ترک تعقیب از زمان صدور فقط یک مرتبه جریان می‌یابد، پس به عبارتی ترک تعقیب در ترک تعقیب جایز نیست.
- ✓ زمانی که قرار ترک تعقیب صادر می‌شود، الزاماً به معنای جلب به دادرسی یا محکومیت نیست شاید پس از تعقیب مجدد ادله‌ای مبنی بر بی‌گناهی متهم یافت شود، پس بهتر است بگوییم با درخواست تعقیب مجدد شخص شاکی در مدت یک سال مقام قضایی تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.
- ✓ در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود نیز امکان صدور قرار ترک تعقیب وجود دارد و دلیلی بر سلب حق تقاضای صدور این قرار از شاکی به نظر نمی‌رسد.

شخص شاکی در جرائم قابل گذشت می‌تواند:

۱. گذشت کند: صدور قرار موقوفی تعقیب.
۲. درخواست ترک تعقیب کند: صدور قرار ترک تعقیب.
۳. درخواست ادامه دادرسی داشته باشد: جریان پرونده ادامه پیدا می‌کند.

قرار بایگانی پرونده: «در جرائم غیر قابل گذشت تعزیری درجه ۷ و ۸ مطابق ماده ۸۰ ق.آ.د.ک»

در ماده ۸۰ ق.آ.د.ک ویژگی‌های قرار بایگانی پرونده به شرح ذیل قید شده است:

- ✓ قرار بایگانی پرونده مختص درجات ۷ و ۸ می‌باشد، چون درجات ۷ و ۸ ارجاع مستقیم می‌شود، پس مقام صادرکننده آن دارس دادگاه است.
- ✓ از قید «چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد» معلوم می‌شود که صدور این قرار فقط در جرائم **غیر قابل گذشت** امکان‌پذیر است، زیرا در جرائم قابل گذشت، اگر پرونده شاکی نداشته باشد، به جریان نمی‌افتد و اگر شاکی گذشت کرده باشد پرونده با صدور قرار موقوفی تعقیب، مختومه خواهد شد.

- ✓ قرار بایگانی پرونده از اختیارات مقام قضایی است، یعنی مخیر است که تعقیب را ادامه دهد یا قرار بایگانی پرونده صادر کند.
- ✓ برای صدور قرار بایگانی پرونده متهم نباید سابقه کیفری مؤثر داشته باشد. منظور از «محکومیت کیفری مؤثر کیفری» محکومیتی است که اثر آن محروم نمودن محکوم علیه از برخی حقوق اجتماعی است. این محکومیت‌ها که مربوط به جرائم عمدی بوده و مجازات تبعی در پی دارند، در ماده ۲۵ ق.م.ا ذکر شده‌اند.
- ✓ ماده ۸۰ ق.آ.د.ک بایگانی را زمانی تجویز می‌کند که نسبت به مرتکب **تفهیم اتهام** شده باشد، پس اگر عمل موردنظر جرم نباشد یا ادله برای انتساب جرم موجود نباشد، قرار منع تعقیب اولویت دارد.
- ✓ قرار بایگانی پرونده فقط **یک مرتبه** قابل صدور است، اما مقید به مهلت نیست، یعنی در صورت صدور این قرار، پرونده در دادگاه مختومه می‌شود.
- ✓ ماده ۸۰ ق.آ.د.ک اعلام می‌دارد که قرار بایگانی پرونده در مرجع تجدیدنظر قابل اعتراض است و مهلت این اعتراض ۱۰ روز است.
- ✓ از آنجا که صدور این قرار به سود متهم و موجب خروج پرونده از فرایند کیفری است، از سوی او قابل اعتراض نیست، اما توسط دادستان (مثلاً به لحاظ وجود سابقه محکومیت مؤثر کیفری) یا شاکی (مثلاً به لحاظ تأکید بر عدم گذشت و بقاء بر شکایت خود) قابل اعتراض است. (در مورد امکان اعتراض به این قرار توسط شاکی به قسمت اخیر ماده ۴۴۷ ق.آ.د.ک رجوع کنید.)

قرار تعلیق تعقیب «در جرائم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ مطابق ماده ۸۱ ق.آ.د.ک»

- تعلیق تعقیب به معنای تعلیق اجرا نیست، زیرا تعلیق اجرا در درجات ۳ الی ۸ زمانی که حکم محکومیت صادر شده باشد و مقام قضایی نظر به اجرا ندارد اعمال می‌شود. (ماده ۴۶ ق.م.ا) اما تعلیق تعقیب که یک جایگزین تعقیب است در خصوص شخص متهم اعمال می‌شود.
- ✓ قرار تعلیق تعقیب مختص درجات ۶، ۷ و ۸ است.
 - ✓ قرار تعلیق تعقیب با توجه به درجه، در «درجه ۶» صدور آن با **دادستان** و در «درجات ۷ و ۸» صدور آن با **دادگاه** است.
 - ✓ قرار تعلیق تعقیب زمانی صورت می‌گیرد که شاکی وجود ندارد یا اعلام گذشت نموده است.
 - ✓ در صدر ماده ۸۱ ق.آ.د.ک بیان شده است که درجات ۶، ۷ و ۸ مشروط به اینک مجازات آن قابل تعلیق باشد قرار تعلیق تعقیب صادر می‌شود. جرایمی که مجازات آن‌ها قابل تعلیق نیست در ماده ۴۷ ق.م.ا ذکر شده است. تعلیق اجرا درجه ۳ الی ۸ است اما تعلیق تعقیب درجه ۶ الی ۸ می‌باشد، مشاهده می‌شود که جرائم درجات ۶ الی ۸ در میان جرائم درجات ۳ الی ۸ قرار دارد؛ اما مراد از ماده ۸۱ آن است که جرمی قابل تعلیق تعقیب است که طبق ماده ۴۷ ق.م.ا تعلیق اجرای آن ممنوع نباشد. برای مثال: تخلیه اطلاعاتی جرمی است درجه ۷ از کتاب تعزیرات. به ظاهر تعلیق اجرا جایز است، اما طبق ماده ۴۷ ق.م.ا تعلیق اجرا این عنوان مجرمانه را ممنوع اعلام نموده است، پس قابلیت صدور قرار تعلیق تعقیب هم ندارد.
 - ✓ صدور قرار تعلیق تعقیب از اختیارات قضات اعم از دادستان و دادرس است، اما هرکس که نظر به تعلیق تعقیب داشته باشد، باید موافقت متهم را کسب کند. برخلاف ماده ۸۰ ق.آ.د.ک که موافقت متهم لازم نیست.
 - ✓ مقام قضایی پس از صدور قرار تعلیق تعقیب متهم را به انجام برخی دستورات مندرج در ماده ۸۱ ق.آ.د.ک مکلف می‌کند.
 - ✓ برای صدور قرار تعلیق تعقیب شخص متهم نباید سابقه کیفری مؤثر داشته باشد.
 - ✓ قرار تعلیق تعقیب وابسته به مدت زمان است که در ماده ۸ ق.آ.د.ک اعلام شده است. مدت زمان تعلیق تعقیب ۶ ماه الی ۲۴ ماه است (۶ ماه تا ۲ سال) طبیعتاً انتظار می‌رود که در این مدت متهم، مرتکب جرم دیگری نشود؛ در صورت وقوع جرم با رعایت تبصره ۱ ماده ۸۱ ق.آ.د.ک قرار تعلیق تعقیب لغو می‌شود.
 - ✓ این قرار به موجب تبصره ۱ ماده ۸۱ ق.آ.د.ک به ۲ صورت لغو می‌شود:
 ۱. متهم، مرتکب جرم شود. این جرم عبارت است از: حدود، قصاص، تعزیرات درجات ۱ الی ۷

۲. دستورات مقام قضایی را اجرا نکند.
- ✓ اگر شخصی در مدت تعلیق تعقیب مرتکب جرائم فوق فوق‌الذکر شود، طبیعتاً جرم ثانویه اثر قهقرایی دارد و قرار تعلیق تعقیب را لغو می‌کند. در این مورد با توجه به ماده ۱۳۴ ق.م.ا قواعد کلی **تعدد جرم** حاکم می‌شود.
- برای مثال: الف مرتکب جرم درجه ۶ شده است، قرار تعلیق تعقیب نسبت به او صادر می‌شود، در مدت تعلیق تعقیب (۱۰ ماه) مرتکب تعزیر درجه ۳ می‌شود، در این مورد قاعده **تعدد** حاکم است.
- الف مرتکب جرم درجه ۶ شده است، قرار تعلیق تعقیب نسبت به او صادر می‌شود، در مدت تعلیق تعقیب (۱۰ ماه) مرتکب جرم درجه ۷ می‌شود، در این مورد قاعده **تجمع** حاکم است.
- ✓ تعزیر درجه ۸ و دیه در تبصره ماده ۸۱ ق.آ.د.ک لحاظ نشده است، حال اگر شخص متهم، مرتکب جرم درجه ۸ در مدت تعلیق تعقیب شود، اثر قهقرایی ندارد و به این جرم درجه ۸ به صورت مستقل رسیدگی می‌شود.
- ✓ در صورتی که شخص دارای سابقه کیفری مؤثر باشد، اما به آن توجه نشده باشد و قرار تعلیق تعقیب صادر شود، به موجب تبصره ۳ ماده ۸۱ ق.آ.د.ک به محض اطلاع از آن سابقه کیفری مؤثر قرار تعلیق تعقیب لغو می‌شود.
- ✓ تبصره ۲ ماده ۸۱ ق.آ.د.ک صراحتاً اعلام می‌دارد که مرجع اعتراض به قرار تعلیق تعقیب دادگاه صالح می‌باشد، اما مراد از دادگاه صالح آن است که اگر دادسرا قرار را صادر کرده باشد، مرجع اعتراض دادگاه بدوی صالح حسب مورد دادگاه انقلاب، کیفری ۱ یا کیفری ۲ می‌باشد، اما در صورتی که قرار تعلیق تعقیب را دادگاه صادر کرده باشد، مرجع اعتراض دادگاه تجدیدنظر استان است. در هر ۲ صورت مهلت اعتراض ۱۰ روز است.

ارجاع به میانجی‌گری «در جرائم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ مطابق ماده ۸۲ ق.آ.د.ک»

ارجاع به میانجی‌گری طبق ماده ۸۲ ق.آ.د.ک مختص جرائم درجات ۶، ۷ و ۸ می‌باشد، به شرط آنکه این جرائم طبق ماده ۴۷ ق.م.ا، اجرای آن قابل تعلیق باشد؛ در ماده ۸۲ ق.آ.د.ک ۲ موضوع مطرح شده است:

۱. اعطای مهلت برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی که مهلت آن حداکثر ۲ ماه است.
 ۲. ارجاع به میانجی‌گری که مهلت آن حداکثر ۳ ماه است.
- ✓ مهلت‌های فوق ۱ مرتبه به همان میزان قابل تمدید است.
- ✓ میانجی‌گری به موجب ماده ۸۲ ق.آ.د.ک زمانی صورت می‌گیرد که فی‌مابین طرفین توافق صورت گیرد، یعنی با درخواست اصحاب دعوا می‌باشد.
- ✓ برای میانجی‌گری ماده ۸۲ ق.آ.د.ک از ۳ مقام یا مرجع یاد نموده است:

۱. شورای حل اختلاف
۲. شخص
۳. مؤسسه

- ✓ در صورتی که در مدت میانجی‌گری گذشت از سوی شاکی صورت گیرد و جرم قابل گذشت باشد، **قرار موقوفی تعقیب** صادر می‌شود، اما در صورتی که جرم غیرقابل گذشت باشد و گذشت ضمیمه شود؛ مقام قضایی می‌تواند مقررات راجع به ماده ۸۱ ق.آ.د.ک یا به عبارتی **قرار تعلیق تعقیب** را لحاظ کند.
- ✓ منظور از «مقام قضایی» در صدر این ماده، مقامی است که رسیدگی به پرونده را در اختیار دارد، اعم از بازپرس (در جرائم تعزیری درجه ۶ یا دادیار و دادستان در مواردی که حق انجام تحقیقات را دارند) یا قاضی دادگاه (در جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸).

ماده ۹۰ ق.آ.د.ک: «تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود.»

✓ منظور از اقدامات قانونی در ماده فوق مواردی است که قانون جهت کشف حقیقت و نیل به عدالت به بازپرس جواز به‌کارگیری آن را اعطا نموده است؛ مانند کارشناسی، معاینه محل، تحقیق محلی و ...

به عبارت بهتر تحقیقات مقدماتی عبارت است از مجموعه تدابیر و اقدامات تحقیقی مرتبط با جرم که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات صالح قضایی یا توسط ضابطان دادگستری رأساً و به موجب قانون و یا به دستور مقامات قضایی مذکور، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن مرتکب جرم صورت می‌گیرد که به واسطه آن پرونده آماده صدور تصمیم نهایی اعم از ارسال به دادگاه یا مختومه ساختن (از قبیل صدور قرارهای منع تعقیب، موقوفی تعقیب، تعلیق تعقیب، ترک تعقیب؛ یا صدور حکم محکومیت یا حکم برائت) می‌گردد.

جهت قانونی برای شروع به تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس (ماده ۸۹ ق.آ.د.ک)

۱. ارجاع دادستان

۲. بازپرس ناظر وقوع جرم باشد.

✓ در اکثر شهرها ارجاع پرونده‌ها توسط دادیار ارجاع صورت می‌گیرد، اما به نام دادستان ختم می‌شود.

✓ در صورتی که بازپرس ناظر بر وقوع جرم باشد، باید موضوع را به اطلاع دادستان برساند، چون دادستان مقام تعقیب است و شاید نظر بر آن داشته باشد که تصمیم دیگری اتخاذ نماید.

✓ منظور از «جرم» در ماده ۸۹ ق.آ.د.ک اختصاص به جرم غیرقابل گذشت دارد؛ چون آغاز، استمرار، اختتام و اجرای جرم قابل گذشت، به اراده شاکی بسته دارد.

اصل: تحقیقات مقدماتی تمام جرائم بر عهده بازپرس است. «صدر ماده ۹۲ ق.آ.د.ک»

استثنا: با تحقق شرایط ذیل دادستان می‌تواند استثنائاً تحقیقات مقدماتی را خود بر عهده بگیرد یا به دادیار تحقیق واگذار نماید:

۱. موضوع اتهام از جرائم مستوجب مجازات‌های مندرج در ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک که جرائم مهمی هستند، نباشد.

۲. در صورت کمبود بازپرس.

✓ در صورتی که دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به دادیار ارجاع دهد، قرارهای نهایی دادیار و همچنین قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم، باید در همان روز صدور به نظر دادستان برسد و دادستان نیز **مکلف** است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت در این باره اظهارنظر کند.

✓ در صورت عدم حضور بازپرس یا معذور بودن وی از انجام وظیفه و عدم دسترسی به بازپرس دیگر در آن دادسرا در جرائم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون، **دادرس دادگاه** به تقاضای دادستان و تعیین رییس حوزه قضایی، وظیفه بازپرس را فقط تا زمان باقی بودن وضعیت مذکور انجام می‌دهد. «تبصره ماده ۹۲ ق.آ.د.ک»

✓ منظور از دادرس در تبصره فوق، مطلق قاضی دادگاه است و منحصر به دادرس علی‌البدل نمی‌باشد.

✓ با آمدن بازپرس جدید یا بازگشت بازپرس موجود به دادسرا یا رفع معذورت او، دادرس پرونده را برای ادامه تحقیقات، به دادسرا اعاده خواهد کرد.

✓ در صورتی که دادرس هم به دلایلی مانند مرخصی، تعلیق یا ... در آن حوزه نباشد. یا مثلاً به لحاظ وجود یکی از جهات رد دادرس نتواند تحقیق کند، به نظر می‌رسد که باید با استفاده از وحدت ملاک ماده ۴۲۲، پرونده برای انجام تحقیقات مقدماتی به نزدیک‌ترین مرجع قضایی هم‌عرض فرستاده شود.

مقامات تحقیق طبق ماده ۹۲ ق.آ.د.ک عبارتند از: بازپرس و دادیار، حال اگر ارجاعات مستقیم را نیز لحاظ کنیم، دادرس دادگاه نیز به این ۲ مقام اضافه می‌شود. بر اساس ماده ۹۲ ق.آ.د.ک و تبصره آن و با لحاظ ماده ۳۰۶ و ۳۴۰ ق.آ.د.ک مقامات تحقیق به اشخاص ذیل تقسیم می‌شود:

۱. بازپرس
۲. دادیار
۳. دادرس دادگاه

بازپرس

همان مستنطق سابق است که به قاضی تحقیق معروف است.

وظایف بازپرس

- ✓ ضرورت مطلع نمودن دادستان از وقوع جرم در صورتی که بازپرس ناظر بر وقوع آن جرم بوده است، ماده ۸۹ ق.آ.د.ک: «... چنانچه بازپرس، ناظر وقوع جرم باشد تحقیقات را شروع می‌کند، مراتب را **فوری** به اطلاع دادستان می‌رساند و در صورت ارجاع دادستان، تحقیقات را ادامه می‌دهد.»
- ✓ رسیدگی در کمال بی‌طرفی، ماده ۹۳ ق.آ.د.ک: «بازپرس باید در کمال بی‌طرفی و در حدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام دهد و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است فرق نگذارد.»
- ✓ اتخاذ تصمیمات و اقدامات فوری به منظور جلوگیری از امحای آثار و علائم جرم، ماده ۹۵ ق.آ.د.ک: «بازپرس مکلف است برای جلوگیری از امحای آثار و علائم جرم، اقدامات فوری را به عمل آورد و در تحصیل و جمع‌آوری ادله وقوع جرم تأخیر نکند.»
- ✓ اصل: جمع‌آوری ادله و انجام تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس، صدر ماده ۹۸ ق.آ.د.ک: «بازپرس باید شخصاً تحقیقات و اقدامات لازم را به منظور جمع‌آوری ادله وقوع جرم به عمل آورد...»
- ✓ استثناء: جمع‌آوری ادله و انجام تحقیقات مقدماتی توسط ضابطان پس از تعلیمات لازم و نظارت بازپرس، انتهای ماده ۸۹ ق.آ.د.ک: «بازپرس ... می‌تواند در **غیر** جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون، تفتیش، تحقیق از شهود و مطلعان، جمع‌آوری اطلاعات و ادله وقوع جرم و یا هر اقدام قانونی دیگری را که برای کشف جرم لازم بداند، پس از دادن تعلیمات لازم به ضابطان دادگستری ارجاع دهد که در این صورت، ضمن نظارت، چنانچه تکمیل آن‌ها را لازم بداند، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.»
- ✓ لزوم اخذ ارجاع دادستان در صورت کشف جرم دیگر که با جرم اول (جرم در حال رسیدگی) مرتبط نباشد، ماده ۹۹ ق.آ.د.ک: «هرگاه بازپرس ضمن تحقیق، جرم دیگری را کشف کند که با جرم اول مرتبط نباشد و بدون شکایت شاکی نیز قابل تعقیب باشد، اقدامات لازم را طبق قانون برای حفظ آثار و علائم وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم به عمل می‌آورد و هم‌زمان مراتب را به دادستان اطلاع می‌دهد و در صورت ارجاع دادستان، تحقیقات را ادامه می‌دهد.»
- ✓ ضرورت صدور قرار ردّ درخواست مطالعه یا اخذ تصویر یا رونوشت اوراق پرونده، تبصره ۱ ماده ۱۰۰ ق.آ.د.ک: «در صورت درخواست شاکی، چنانچه بازپرس مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده را منافی با ضرورت کشف حقیقت بداند، با ذکر دلیل، قرار **رد درخواست** را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به شاکی ابلاغ می‌شود و ظرف **سه روز** قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. تصمیم دادگاه **قطعی** است.»
- ✓ اتخاذ تدابیر لازم قانونی برای جلوگیری از دسترسی به اطلاعات فردی بزه‌دیده در صورت احتمال خطر و تهدید جدی علیه وی، ماده ۱۰۱ ق.آ.د.ک: «بازپرس مکلف است در مواردی که دسترسی به اطلاعات فردی بزه‌دیده، از قبیل نام و نام

خانوادگی، نشانی و شماره تلفن، احتمال خطر و تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیت بزه‌دیده را به همراه داشته باشد، تدابیر مقتضی را برای جلوگیری از دسترسی به این اطلاعات اتخاذ کند. این امر در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز به تشخیص رییس دادگاه و با رعایت مصالح بزه‌دیده اعمال می‌شود.»

✓ عدم تحقیق در جرائم منافی عفت، ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک: «انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکه یا به عنف یا سازمان‌یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضائی انجام می‌شود»

✓ لزوم تکمیل تحقیقات در صورت ارجاع پرونده، ماده ۱۰۴ ق.آ.د.ک: «بازپرس نمی‌تواند به عذر آنکه متهم معین نیست، مخفی شده و یا دسترسی به او مشکل است، تحقیقات خود را متوقف کند.»

✓ اجرای تقاضای قانونی دادستان در جریان تحقیقات، ماده ۱۰۵ ق.آ.د.ک: «بازپرس در جریان تحقیقات، تقاضای قانونی دادستان را اجراء و مراتب را در صورت مجلس قید می‌کند ...»

✓ اقدام لازم قانونی بازپرس نسبت به پرونده‌هایی که متهمان آن‌ها در بازداشت بوده پیش از عدم حضور در شعبه، ماده ۱۰۶ ق.آ.د.ک: «بازپرس مکلف است پیش از اخذ مرخصی، عزیمت به مأموریت، انتقال و مانند آن، نسبت به پرونده‌هایی که متهمان آن‌ها بازداشت می‌باشند، اقدام قانونی لازم را انجام دهد و در صورتی که امکان آزادی زندانی به هر علت فراهم نشود، مراتب را به‌طور کتبی به دادستان اعلام کند.»

✓ صدور قرار تأمین خواسته به تقاضای شاکی در صورتی که مقرون به ادله قابل قبول بوده و رفع ابهام و اجمال از آن، ماده ۱۰۷ ق.آ.د.ک: «شاکی می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را از بازپرس بخواهد. هرگاه این تقاضا مبتنی بر ادله قابل قبول باشد، بازپرس قرار تأمین خواسته صادر می‌کند.»

ماده ۱۱۰ ق.آ.د.ک: «رفع ابهام و اجمال از قرار تأمین خواسته به عهده بازپرس است و رفع اشکالات ناشی از اجرای آن توسط دادستان یا قاضی اجرای احکام به عمل می‌آید.»

اختیارات بازپرس

✓ انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم با رعایت تشریفات قانونی، ماده ۹۶ ق.آ.د.ک: «انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع است مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر و یا سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است:

الف - متهمان به ارتکاب جرائم عمدی موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد، به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به دست آمده از طریق چهره‌نگاری آنان منتشر می‌شود.

ب - متهمان دستگیرشده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده‌اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه‌دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه دعوی خصوصی توسط آنان، منتشر می‌شود.»

✓ صدور دستور انجام برخی اقدامات احتیاطی در خصوص طرفین پرونده به ضابطین دادگستری، ماده ۹۷ ق.آ.د.ک: «بازپرس به‌منظور حمایت از بزه‌دیده، شاهد، مطلع، اعلام‌کننده جرم یا خانواده آنان و همچنین خانواده متهم در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می‌دهد. ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورها و ارائه گزارش به بازپرس هستند.»

یکی از دادیاران به دادیار تحقیق معروف است، تعامل او با دادستان باید به این وضع صورت گیرد که نظر دادستان همیشه برای او لازم‌الاتباع است؛ در ماده ۹۲ ق.آ.د.ک بیان شده است که اگر بازپرس حاضر نباشد و از طرفی هم جرم از جرائم مندرج در ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک نباشد، پرونده جهت انجام تحقیقات به دادیار ارجاع می‌یابد.

طبق ماده ۹۲ ق.آ.د.ک در صورتی که تحقیقات توسط دادیار تحقیق انجام شود، ۲ مورد باید به نظر دادستان برسد:

۱. قرارهای نهایی «منع تعقیب، موقوفی تعقیب، جلب به دادرسی، عدم صلاحیت»
۲. قرار تأمین منتهی به بازداشت: کفالت یا وثیقه حاضر نکرده باشد.
- ✓ ۲ مورد فوق از سوی **دادیار** باید همان روز به نظر دادستان برسد، دادستان نیز **مکلف** است ظرف مدت ۲۴ ساعت در این موضوع اظهارنظر کند.
- ✓ موارد فوق در خصوص **بازپرس** طبق ماده ۲۶۵ ق.آ.د.ک به نحو دیگری است طبق این ماده بازپرس قرار نهایی را فوری به نظر دادستان می‌رساند و دادستان ظرف ۳ روز اظهارنظر می‌کند.
- ✓ اظهارنظر بازپرس و نظر دادستان این امکان را دارد که باعث اختلاف شود اما اظهارنظر دادیار و نظر دادستان نمی‌تواند منتهی به اختلاف شود، چون دادیار تابع دادستان است.
- ✓ دادیار بر اساس جنسیت (زن یا مرد بودن) در پرونده‌های ارجاعی اقدام به تحقیق می‌کند.

دادرسی دادگاه

در برخی مواقع دادرسی دادگاه اقدام به تحقیق می‌نماید که عبارت‌اند از:

۱. پرونده‌های با ارجاع مستقیم «جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ / جرائم منافی عفت / جرائم افراد زیر ۱۵ سال تمام»
۲. پرونده‌های مربوط به حوزه قضایی بخش
۳. پرونده‌هایی که مربوط به بازپرس است، اما بازپرس در مجموعه حاضر نیست. «مثل تبصره ماده ۹۲ ق.آ.د.ک»
- ✓ زمانی که دادرسی دادگاه اتخاذ تصمیم می‌کند، بی‌نیاز از اظهارنظر دادستان است.

نهادهای تحقیق

با توجه به مقامات فوق نهادهای مربوط به تحقیق عبارتند از:

دادسرا: در اکثر پرونده‌ها دادسرا اعم از عمومی و انقلاب، تخصصی‌ها و اختصاصی‌ها در امر تحقیق فعالیت می‌نمایند.

دادگاه: در برخی از جرائم اقدام به تحقیق می‌کنند. مصداق بارز این جرائم: جرائم منافی عفت، جرائم افراد زیر ۱۵ سال تمام، جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ می‌باشد.

✓ اگر پرونده‌ای با کیفرخواست از دادسرا به دادگاه ارجاع یابد، دادرسی دادگاه هیچ محدودیتی در انجام تحقیق ندارد، در اینجا اگر دادرسی مازاد بر تحقیقات بازپرس اقدام به تحقیق نماید، به دلیل کشف حقیقت می‌باشد.

دیوان عالی کشور: قانون، تخلف مربوط به مقامات کشوری را برای تحقیقات به دیوان عالی کشور ارجاع می‌دهد.

✓ دقت شود که در ماده ۲۹۱ ق.آ.د.ک قانون‌گذار تأکید دارد بر تخلفات مقامات و مسؤولان کشوری، چون اگر اتهام مدنظر او باشد، ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک مطرح می‌شود.

حوزه تحقیق

حوزه صلاحیت محلی باید رعایت شود. طبق ماده ۱۱۶ ق.آ.د.ک بازپرس در ۳ عنوان اقدام به تحقیق می نماید که بر اساس اولویت عبارتند از:

۱. جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او واقع شود.
۲. جرم در حوزه قضایی دیگری واقع گردد و در حوزه قضایی محل مأموریت او کشف یا متهم در آن حوزه دستگیر شود.
۳. جرم در حوزه قضایی دیگری واقع شود، اما متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او مقیم باشد.

حالت اول اصل است، اما در حالت دوم ۲ وضعیت طبق مواد ۱۱۷ و ۱۱۸ ق.آ.د.ک به وجود می آید که عبارتند از:

۱. طبق ماده ۱۱۷ ق.آ.د.ک اگر جرم در حوزه بازپرس کشف شود و یا آن متهم آن جرم در حوزه بازپرس دستگیر شود. در اینجا تحقیقات آغاز می شود، ولی هر زمان که محل وقوع جرم مشخص شود بازپرس با قرار عدم صلاحیت پرونده را ظرف ۴۸ ساعت به دادسرای محل وقوع جرم محول می کند.
- ✓ در مورد فوق اخذ تأمین از شخص متهم دستگیر شده هیچ منعی ندارد، حتی اگر منتهی به بازداشت شود.
۲. طبق ماده ۱۱۸ ق.آ.د.ک اگر جرم در حوزه ای (نامعلوم) رخ دهد، اما در حوزه قضایی دیگری کشف شود در اینجا مقام بازپرس تحقیقات خود را انجام می دهد و اگر نتواند محل وقوع جرم را مشخص کند، در خصوص پرونده اظهار نظر می نماید، یعنی تصمیم نهایی اخذ می کند.
- ✓ در این حالت چون محل وقوع جرم مشخص نیست، قرار عدم صلاحیت موضوعیت ندارد.

ممنوعیت تعقیب و تحقیقات مقدماتی

اصل: «انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست» «صدر ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک»

استثناء: در ۴ مورد تعقیب و تحقیقات مقدماتی در جرائم منافی عفت ممنوع نیست:

۱. وقوع جرائم منافی عفت در مرئی و منظر عام
 ۲. وقوع جرائم منافی عفت به عنف
 ۳. وقوع جرائم منافی عفت به صورت سازمان یافته
 ۴. وقوع جرائم منافی عفت در صورت وجود جود شاکي
- ✓ در این موارد ضابطان و دادسرا حق تعقیب و تحقیق ندارند، تعقیب و تحقیق و دادرسی توسط مقام قضایی یعنی قاضی دادگاه انجام می شود.
- ✓ مرئی و منظر عام، اعم از مکانی است که معمولاً مهیای حضور عمومی است، چه در لحظه وقوع جرم کسی در آن محل حضور داشته یا حضور نداشته باشد (مانند سینما در اوقات کاری، کوچه و خیابان)، یا مکانی که مهیای پذیرش عمومی نیست، ولی در برابر چند نفر (سه نفر یا بیشتر) واقع شود، مانند ارتکاب عمل منافی عفت در منزل شخصی اما در مقابل چند نفر.
- ✓ جرائم سازمان یافته، در قوانین ما تعریف نشده اند و به نظر می رسد که منظور از آن ها جرائم ارتكابی توسط گروه های مجرمانه سازمان یافته است. گروه مجرمانه سازمان یافته نیز گروهی است «گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می گردد.»
- ✓ شاکي شخصی است که:

۱. مستقیماً از وقوع جرم لطمه دیده و قانون گذار با جرم انگاری یک رفتار مباح قصد حمایت از او را دارد و تقاضای تعقیب کیفری متهم را می نماید. (مانند مالک مال در جرم سرقت)
۲. قائم مقام قانونی فردی که از جرم لطمه دیده است محسوب می شود و تقاضای کیفری متهم را می نماید.

(مانند ورثه در جرم قتل)

- ✓ اگر کسی که نسبت به او عمل منافی عفت انجام یافته بالای هجده سال تمام داشته باشد و محجور نباشد، شخص دیگری غیر از خودش شاکی محسوب نمی‌شود.
- ✓ جرائم منافی عفت عنوان عامی است که شامل چند جرم، از جمله زنا و لواط می‌شود. این عنوان از لحاظ مفهومی به معنای جرایمی است که عفت عمومی را نقض می‌کنند، ولی تعیین مصادیق آن به راحتی ممکن نیست. علت آن نیز این است که اصطلاح عفت عمومی در قانون تعریف نشده و عنوان کلی و قابل انعطاف بر حسب زمان و مکان است. با این وجود، تبصره الحاقی ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک، مفهوم جرائم منافی عفت از نظر این قانون را تبیین کرده است که بر اساس آن جرائم منافی عفت عبارتند از: جرائم جنسی حدی، همچنین رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه می‌باشد.
- ✓ در صورت جواز تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت نیز، از نظر نحوه رسیدگی، باید به صدر ماده ۲۴۱ ق.م.ا نیز توجه نمود که مقرر می‌دارد: «در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است. موارد احتمال ارتکاب با عنف، اکراه، آزار، ربایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حکم ارتکاب به عنف است از شمول این حکم مستثنی است.»

اصول و ویژگی‌های تحقیق:

تحقیقات مقدماتی واجد ویژگی‌هایی است که رویکرد و خاستگاه آن مکتب تفتیشی است. در قانون آیین دادرسی کیفری، برای انجام تحقیقات ویژگی‌هایی در نظر گرفته شده است که این ویژگی‌ها بر اصل تحقیقات اعمال می‌شود. تغییر مقام تحقیق به اصول و ویژگی‌های تحقیق خدش‌های وارد نمی‌کند.

۱. محرمانه بودن تحقیقات «ماده ۹۱ ق.آ.د.ک»

طبق ماده ۹۱ ق.آ.د.ک، تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت می‌گیرد و هیچکس نباید از مفاد آن مطلع شود کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند.

ماده ۹۶ ق.آ.د.ک: انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع است مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است:

۱ - متهمان به ارتکاب جرائم عمدی موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد، به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به دست آمده از طریق چهره‌نگاری آنان منتشر می‌شود.

۲ - متهمان دستگیر شده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده‌اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه‌دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه دعوای خصوصی توسط آنان، منتشر می‌شود.

۲. بی‌طرفی در تحقیقات «ماده ۹۳ ق.آ.د.ک»

به موجب ماده ۹۳ ق.آ.د.ک، بازپرس باید در کمال بی‌طرفی و در حدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام دهد و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است فرق نگذارد. خروج از بی‌طرفی تحقیقات را از انصاف خارج می‌کند. در جهت حفظ بی‌طرفی مقنن به جهات ردّ دادرسی هم اشاره می‌کند (ماده ۴۲۱ ق.آ.د.ک) در ماده ۹۳ ق.آ.د.ک به بازپرس اشاره می‌کند اما با توجه ماده ۳ ق.آ.د.ک بی‌طرفی را در معنای موسع به مراجع قضایی نسبت می‌دهد.

۳. استمرار و تسریع در تحقیقات «وحدت ملاک از تبصره ۲ ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک»

به دلیل حساسیت امور کیفری و حفظ ادله و تعقیب نسبت به متهم، تحقیقات باید در اسرع وقت صورت گیرد، حتی تعطیلات مانع تحقیقات نیست. این عنوان در صراحتاً در تبصره ۲ ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک بیان شده است.

۴. قائم به شخص بودن تحقیقات توسط بازپرس «ماده ۹۸ ق.آ.د.ک»

به دلیل تخصصی بودن موضوع، بازپرس پس از ارجاع پرونده از سوی دادستان شخصاً اقدام به تحقیق می‌نماید، اما طبق ماده ۹۸ ق.آ.د.ک می‌تواند تحقیقات را با احراز شرایطی به ضابطان محول کند. در ماده ۹۸ و تبصره آن ۲ وضعیت از یکدیگر تمیز داده شده است: وضعیتی که جرم غیر از جرائم مندرج در ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک باشد یا به عبارتی در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ باشد بازپرس می‌تواند انجام تحقیقات را به ضابطان ارجاع دهد، وضعیتی که جرم از جرائم مندرج در ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک باشد در این مورد به دلیل اهمیت موضوع بازپرس شخصاً مداخله می‌کند، اما طبق تبصره ماده ۹۸ ق.آ.د.ک بازپرس می‌تواند با همکاری ضابطان دادگستری، تحقیقات لازم در مورد جرائم مندرج در ماده ۳۰۲ را انجام دهد.

۵. غیرعلنی بودن تحقیقات «تبصره ماده ۳۲۵ ق.آ.د.ک»

بازپرس در جایگاه تحقیق با متهم مواجه می‌شود و ممکن است در انتها متهم تبرئه شود، به همین دلیل علنی بودن تحقیقات تبعات منفی دارد. منظور از علنی بودن، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است. علنی بودن اختصاص به جلسات رسیدگی دادگاه داشته و شامل جلسات تحقیقات مقدماتی در دادسرا نمی‌شود.

۶. انفرادی بودن تحقیقات «ماده ۱۹۲ ق.آ.د.ک»

به موجب ماده ۱۹۲ ق.آ.د.ک تحقیق از شاکی و متهم غیرعلنی و انفرادی است. با رعایت محرمانه بودن تحقیقات بازپرس از اصحاب دعوا به صورت انفرادی تحقیق به عمل می‌آورد، به این علت که اگر تحقیق به صورت توافقی یا تدافعی باشد، از موجبات اطاله دادرسی است که اطاله دادرسی با تسریع در تحقیقات تعارض دارد.

✓ ماده ۱۹۲ ق.آ.د.ک در خصوص جرائم قابل گذشت استثناء قائل شده است، به نحوی که در این جرائم می‌توان تحقیقات را به صورت توافقی برگزار نمود.

✓ ماده ۱۹۲ ق.آ.د.ک در خصوص جرائم قابل گذشت، فقط جنبه توافقی بودن آن لحاظ شده است، علنی بودن به هیچ‌عنوان امکان ندارد.

✓ در ماده ۱۹۲ ق.آ.د.ک مقنن امر به ارجاع موضوع به میانجی‌گری نموده است، دقت می‌شود که این عنوان به ماده ۸۲ ق.آ.د.ک، درجات ۶، ۷ و ۸ ارجاع می‌یابد.

۷. کتبی بودن تحقیقات «ماده ۱۹۹ ق.آ.د.ک»

به موجب ماده ۱۹۹ ق.آ.د.ک تمامی اقدامات در تحقیقات باید مکتوب شود، چه از سوی اصحاب دعوا، چه دستورهای مقام قضایی، چه از سوی ضابطان یا کارشناسان. دقت می‌شود که اصول تحقیق با تغییر مقام تغییر نمی‌کند.

۸. جایگزین تحقیقات «ماده ۱۰۴ ق.آ.د.ک»

برای تحقیقات مقدماتی با احراز شرایطی می‌توان از جایگزین تحقیقات استفاده نمود، جایگزین تحقیق عبارت است از قرار توقف تحقیقات، نهادی است نوپا که از نظر برخی از اساتید یک قرار نهایی محسوب می‌شود.

قرار توقف تحقیقات «ماده ۱۰۴ ق.آ.د.ک»

ماده ۱۰۴ ق.آ.د.ک برای صدور قرار توقف تحقیقات شرایطی دارد که در ذیل به آن اشاره می‌شود:

✓ قرار توقف تحقیقات مختص جرائم تعزیری درجه ۴ تا ۸ می‌باشد.

✓ قرار توقف تحقیقات با توجه به درجه آن در درجات ۴، ۵ و ۶ از سوی مقام تحقیق و در درجات ۷ و ۸ از سوی دادرس دادگاه صادر می‌شود.

- ✓ در صدور قرار توقف تحقیقات توسط بازپرس، موافقت دادستان الزامی است اما در صدور آن توسط دادرس دادگاه دادرسی رأساً اقدام به صدور قرار می‌کند.
- ✓ صدور قرار توقف تحقیقات زمانی جایز است که ۲ سال تمام شمس‌ی سپری شود.
- ✓ ۲ سال فوق از زمان وقوع جرم است، نه از زمان ثبت شکواییه.
- ✓ قرار توقف تحقیقات هم در جرائم قابل گذشت و هم در جرائم غیرقابل گذشت قابل صدور است، در صورت وجود شاکی جهت اعتراض به قرار، قرار به او ابلاغ می‌شود.
- ✓ مهلت اعتراض در قرار توقف تحقیقات، در صورتی که توسط دادرس دادگاه صادر شود ۲۰ روز است و در صورتی که توسط بازپرس صادر شود طبق تبصره ماده ۲۷۰ ق.آ.د.ک ۱۰ روز است.
- ✓ با صدور قرار توقف تحقیقات پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود.
- ✓ بایگانی موقت بدان معنا است که هرگاه شخص شاکی اقدام به ارائه مشخصات متهم نماید، تعقیب مجدداً ادامه می‌یابد.
- ✓ درست است که عبارت «هرگاه» معنای موسع دارد، به شرطی که به مرور زمان برنخورد، یعنی در صورتی که مرور زمان حاکم شود، دیگر تعقیب مجدد جایز نیست.
- ✓ صدور قرار توقف تحقیقات زمانی ممکن است که هویت مرتکب نامعلوم باشد، نه اقامتگاه و محل سکناى متهم.
- ✓ منظور از «مواردی که پرونده مطابق قانون به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود»، جرائم افراد زیر ۱۵ سال تمام، جرائم منافی عفت و جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ است که تحقیقات مقدماتی در مورد آنها نه در دادسرا، بلکه در دادگاه انجام می‌شود.
- ✓ صدور قرار توقف تحقیقات فرع بر این است که اساساً جرمی واقع شده باشد، ولی مرتکب آن معلوم نباشد. پس اگر به رغم انجام تحقیقات کافی، دلیلی بر وقوع جرم وجود نداشته باشد، باید قرار منع تعقیب صادر گردد.

اقدامات تحقیقی

مقام تحقیق برای انجام تحقیقات از اقداماتی استفاده می‌کند که این اقدامات تجویز قانونی دارد، حال به شرح و بررسی هر یک از این اقدامات می‌پردازیم:

۱. اخذ اظهارات و تحقیق از شاکی

پس از ارجاع پرونده از سوی مقام صالح قضایی به شعبه تحقیق، مرجع تحقیق مکلف است پس از صدور دستور ثبت پرونده و مقید نمودن آن به وقت نظارت در جرایمی که شاکی خصوصی وجود دارد شاکی را احضار و از وی راجع به شکایت تحقیق نماید، در صورت عدم حضور شاکی، شاکی جلب نخواهد شد و همچنین به موجب رأی وحدت رویه ۵۲۵ مورخ ۱۳۶۸/۱/۲۹: «تا زمانی که گذشت (شاکی) از تعقیب شکایت جزایی احراز نشود دعوی کیفری قابل رسیدگی خواهد بود.»

۲. معاینه محل، تحقیق محلی و تشکیل پرونده‌ی شخصیت

در برخی مواقع اهمیت کشف واقع و نوع جرم ارتكابی، مقام قضایی را موظف به معاینه محل و یا تحقیق محلی می‌نماید؛ بنابراین مقام قضایی مکلف است برای تشخیص واقعیت، شخصاً یا با دستور به ضابطان تحت امر خود به معاینه محل وقوع جرم و یا تحقیق محلی پیرامون جرم بپردازد. ماده ۱۳۳ ق.آ.د.ک مؤید همین امر است: «هرگاه برای کشف واقع و روشن شدن موضوع، تحقیق محلی یا معاینه محل ضرورت یابد و یا متهم یا شاکی درخواست نمایند، بازپرس اقدام به تحقیقات محلی یا معاینه محل می‌کند.»

در ۲ حالت این اقدام تحقیقی به عمل می‌آید:

۱. در صورت تشخیص ضرورت انجام اقدامات مذکور از سوی مقام تحقیق

۲. به درخواست شاکی یا متهم

به موجب ماده ۱۲۶ ق.آ.د.ک بازپرس در ۲ موضوع مکلف است شخصاً حاضر شود:

۱. در جرائم موضوع بند (الف) ماده (۳۰۲) قانون آیین دادرسی کیفری: «جرائم موجب مجازات سلب حیات»

۲. هنگام معاینه اجساد

پرونده شخصیت:

هدف از تشکیل پرونده شخصیت شناخت بهتر مرتکب به منظور اتخاذ تدابیر کیفری یا تأمینی مناسب با آن است.

ماده ۲۰۳ ق.آ.د.ک «در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است

و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است، بازپرس

مکلف است در حین انجام تحقیقات دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید.»

در مورد اطفال و نوجوانان، علاوه بر این موارد، در جرائم تعزیری درجه پنجم و شش نیز تشکیل پرونده مذکور لازم است.

تشریفات معاینه محل و تحقیق محلی

✓ بازپرس در این موارد اقدام به تحقیق یا معاینه محلی می‌کند: ۱. برای کشف واقع یا روشن شدن موضوع ضرورت داشته باشد.

۲. متهم یا شاکی درخواست نماید.

✓ صدور دستور قضایی، به عبارت دیگر معاینه محل و تحقیق محلی به صورت قرار صادر نمی‌شود.

✓ لزوم انجام معاینه محل و تحقیق محلی در روز مگر در صورت **ضرورت** نه فوریت «م ۱۲۴ ق.آ.د.ک»

✓ انجام معاینه محل و تحقیق محلی توسط مرجع تحقیق یا ضابطان، به دستور آن مرجع «م ۱۲۵ ق.آ.د.ک»

✓ اصحاب دعوای کیفری در صورتی که حضورشان در هنگام معاینه محلی از جانب بازپرس ضروری تشخیص داده شود، مکلف‌اند که حاضر شوند.

✓ اصحاب دعوای کیفری «متهم، شاکی و دادستان نه شهود و مطلعین» مجازند در هنگام تحقیق یا معاینه محلی حضور

یابند لکن بازپرس تکلیفی به اعلام جریان تحقیق یا معاینه محلی به آنان ندارد و عدم حضور آنان نیز مانع انجام دادن

تحقیق یا معاینه محلی یا سبب به تعویق افتادن آن نیست.

اقدامات قانونی معاینه محل و تحقیق محلی

✓ اشخاصی که در امر کیفری شرکت دارند حق حضور در معاینه محل و تحقیق محلی دارند. «م ۱۲۵ ق.آ.د.ک»

✓ جمع‌آوری تمام آثار و نشانه‌های مؤثر در کشف جرم «م ۱۲۹ ق.آ.د.ک»

✓ دعوت از کارشناس رسمی یا خبره «م ۱۲۸ ق.آ.د.ک»

۳. تفتیش، بازرسی و کنترل ارتباطات

در برخی موارد قانون با نقض مصونیت افراد جامعه به منظور کشف جرم، دستگیری بزهکاران و حفظ ادله وقوع جرم، تفتیش و

بازرسی منازل، اماکن و اشیاء و کنترل ارتباطات را مجاز برشمرده است.

تشریفات بازرسی منازل، اماکن و اشیاء:

- ✓ لزوم صدور دستور قانونی مرجع تحقیق در جرائم غیرمشهود (م ۱۳۷ ق.آ.د.ک)
- ✓ وجود ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله جرم در محل وقوع تفتیش و بازرسی
- ✓ تأیید رییس کل دادگستری استان و حضور مقام قضایی صالح در تفتیش و بازرسی منزل و محل کار اشخاص موضوع مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) و متهمان جرائم موضوع بند (ث) ماده (۳۰۲) ق.آ.د.ک (م ۱۳۸ ق.آ.د.ک)
- ✓ عدم تزامم با حقوق سایر اشخاص (م ۱۳۹ ق.آ.د.ک)
- ✓ تفتیش در روز به عمل می‌آید (م ۱۴۰ ق.آ.د.ک)
- ✓ لزوم صدور دستور موردی برای تفتیش و بازرسی و تعیین موضوع، زمان، دفعات ورود و نشانی آن (صدرم ۱۴۱ ق.آ.د.ک)
- ✓ تنظیم صورت‌مجلس تفتیش و بازرسی «انتهای ماده ۱۴۱ ق.آ.د.ک»
- ✓ حضور متصرف یا ارشد حاضران در تفتیش و بازرسی (صدرم ۱۴۲ ق.آ.د.ک)
- ✓ هرگاه در محل مورد بازرسی کسی نباشد، در صورت **فوریت**، بازرسی در غیاب متصرفان و ساکنان محل، با حضور دو نفر از اهل محل به عمل می‌آید و مراتب فوریت در صورت‌مجلس قید می‌شود. «تبصره ماده ۱۴۲ ق.آ.د.ک»
- ✓ حضور اشخاصی که در امر کیفری دخیل هستند در هنگام بازرسی منوط به اجازه متصرف است. «صدر ماده ۱۴۳ ق.آ.د.ک»
- ✓ عدم ورود خسارت و رعایت موازین شرعی و قانونی با حفظ نظم محل و مراعات حرمت ساکنان، مجاوران و متصرفان (م ۱۴۵ ق.آ.د.ک)

ارتباط مخابراتی و مراسلات پستی: کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است. (م ۱۵۰ ق.آ.د.ک)

- ✓ مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرایم موضوع بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ این قانون لازم تشخیص داده شود. «ماده ۱۵۰ ق.آ.د.ک»
- ✓ شرایط و کیفیات کنترل ارتباطات مخابراتی به موجب مصوبه شورای عالی امنیت ملی تعیین می‌شود. «تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.آ.د.ک»
- ✓ لزوم موافقت رییس کل دادگستری استان
- ✓ کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده ۳۰۷ این قانون منوط به تأیید رییس قوه قضاییه است.

کنترل حساب‌های بانکی اشخاص

ماده ۱۵۱ ق.آ.د.ک: «بازپرس می‌تواند در موارد **ضروری**، برای کشف جرم و یا دستیابی به ادله وقوع جرم، حساب‌های بانکی اشخاص را با تأیید رییس حوزه قضائی کنترل کند.»

تفتیش و بازرسی مراسلات پستی

- ✓ مراسلات پستی باید مربوط به متهم باشد.
- ✓ ظن قوی به کشف جرم، دستیابی به ادله وقوع جرم و یا شناسایی متهم وجود داشته باشد.
- ✓ بررسی مراسلات در حضور متهم یا وکیل او صورت می‌گیرد.
- ✓ بازپرس مراتب را در صورت‌مجلس قید می‌کند و پس از امضای متهم، آن را پیوست پرونده می‌نماید یا در محل مناسب نگهداری می‌کند.
- ✓ در موارد ضروری بازرسی مکاتبات و مراسلات محکومان به تشخیص دادگاه به وسیله مأموران مورد اعتماد زندان اعمال می‌گردد.

۴. جلب نظر کارشناس

- ✓ ارجاع به کارشناس با تقاضای یکی از طرفین یا تشخیص بازپرس امکان پذیر است. «م ۱۵۵ ق.آ.د.ک»
- ✓ ارجاع به کارشناس باید ضرورت داشته باشد. «م ۱۵۵ ق.آ.د.ک»
- ✓ بازپرس باید قرار ارجاع امر به کارشناسی صادر کند. «م ۱۵۵ ق.آ.د.ک»
- ✓ بازپرس باید موضوع کارشناسی را تعیین نماید. «م ۱۵۵ ق.آ.د.ک»
- ✓ تعیین کارشناس به قید قرعه از بین کارشناسان رسمی دادگستری «م ۱۵۶ ق.آ.د.ک»
- ✓ فرد بودن کارشناسان منتخب در صورت تعدد کارشناسان «م ۱۵۶ ق.آ.د.ک»
- ✓ تعیین دستمزد کارشناس پیش از ارجاع امر و در حین صدور قرار کارشناسی صورت می گیرد. «م ۱۵۷ ق.آ.د.ک»
- ✓ تعیین مهلت برای اعلام نظر کارشناس و **تمدید آن** برای **یک بار** با وصول تقاضای کتبی کارشناس «م ۱۵۹ ق.آ.د.ک»
- ✓ اخطار به کارشناس جهت تقدیم نظر کارشناسی پس از پرداخت دستمزد «م ۱۶۱ ق.آ.د.ک»
- ✓ پرداخت دستمزد کارشناس توسط شاکی
- ✓ ابلاغ وصول نظریه کارشناس به طرفین «م ۱۶۱ ق.آ.د.ک»
- ✓ فرصت یک هفته‌ای از تاریخ ابلاغ وصول نظریه کارشناسی به طرفین جهت ملاحظه نظریه کارشناس و اعلام نظر خویش «م ۱۶۱ ق.آ.د.ک»
- ✓ صدور قرار تکمیل نظریه کارشناسی «تبصره ماده ۱۶۳ ق.آ.د.ک»

نظریه پزشکی قانونی

ماده ۱۳۶ ق.آ.د.ک: «بازپرس برای معاینه جراحات، آثار و علائم ضرب، صدمات جسمی، آسیب‌های روانی و سایر معاینات و آزمایش‌های پزشکی، نظر پزشک قانونی را اخذ یا حسب مورد، از وی دعوت می‌کند. اگر پزشک قانونی نتواند حضور یابد و یا در جایی پزشک قانونی نباشد، پزشک متخصص معتمد دعوت می‌شود.»

۵. احضار و تحقیق از شهود و مطلعان

وظایف و تکالیف بازپرس راجع به احضار و تحقیق از شهود و مطلعان

- ✓ احضار شهود و مطلعان مطابق مقررات «مواد ۲۰۴ و ۲۰۵ ق.آ.د.ک»
- ✓ جلب شاهد یا مطلع در صورت عدم حضور و عدم اعلام عذر موجه «تبصره ۱ م ۲۰۴ ق.آ.د.ک»
- ✓ غیرعلنی بودن تحقیق از شهود و مطلعان «م ۲۰۶ ق.آ.د.ک»
- ✓ تحقیق از شهود و مطلعان به صورت جداگانه و بدون حضور متهم «م ۲۰۷ ق.آ.د.ک»
- ✓ بازپرس پیش از شروع به تحقیق، حرمت و مجازات شهادت دروغ و کتمان شهادت را به شاهد تفهیم می‌کند. «م ۲۰۹ ق.آ.د.ک»
- ✓ ثبت مشخصات، سؤالات و اظهارات شهود و مطلعان در صورت مجلس و قید امضاء یا اثر انگشت شاهد یا مطلع «مواد ۲۰۹ و ۲۱۲ ق.آ.د.ک»
- ✓ ممنوعیت تفهیم اتهام به کسی که به عنوان متهم احضار نشده است. «م ۲۱۳ ق.آ.د.ک»
- ✓ حضور بازپرس در محل شاهد یا مطلع در صورت علنی از قبیل بیماری یا کهولت سن «م ۲۱۶ ق.آ.د.ک»

۶. احضار و تحقیق از متهم

با تحصیل دلیل در خصوص انتساب جرم به متهم، مقام تحقیق موظف است متهم را احضار و تحقیقات مقدماتی را با حضور او ادامه دهد.

شرایط احضار متهم

شرط لازم برای احضار متهم وجود جهات شروع به تعقیب مندرج در ماده ۶۴ ق.آ.د.ک است؛ به عبارت دیگر بدون وجود شکایت شاکی یا اعلام جرم نمی‌توان شخصی را احضار کرد.

شرط کافی برای احضار متهم در ماده ۱۶۸ ق.آ.د.ک بیان شده است: «بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند.»

شرط لازم برای احضار متهم: وجود جهات شروع به تعقیب «ماده ۶۴ ق.آ.د.ک»

شرط کافی برای احضار متهم: وجود دلیل کافی برای توجه اتهام «ماده ۱۶۸ ق.آ.د.ک»

روش‌های احضار متهم

احضاریه: صدر ماده ۱۶۹ ق.آ.د.ک: «احضار متهم به وسیله احضاریه به عمل می‌آید. ...»

- ✓ احضاریه در دو نسخه تنظیم می‌شود که یک نسخه از آن به متهم ابلاغ می‌گردد و نسخه دیگر پس از امضاء به مأمور ابلاغ مسترد می‌شود. «م ۱۶۹ ق.آ.د.ک»
- ✓ در احضاریه، نام و نام خانوادگی احضار شونده، تاریخ، ساعت، محل حضور، علت احضار و نتیجه عدم حضور قید می‌شود و به امضاء مقام قضایی می‌رسد. «م ۱۷۰ ق.آ.د.ک»
- ✓ فاصله میان ابلاغ اوراق احضاریه و زمان حضور نزد بازپرس نباید کمتر از پنج روز باشد. «م ۱۷۱ ق.آ.د.ک»
- ✓ ابلاغ احضاریه توسط مأموران ابلاغ بدون استفاده از لباس رسمی و با ارائه کارت شناسایی انجام می‌شود. «م ۱۷۲ ق.آ.د.ک»

نشر آگهی: ماده ۱۷۴ ق.آ.د.ک: «هرگاه ابلاغ احضاریه به لحاظ معلوم نبودن محل اقامت متهم ممکن نباشد و اقدامات برای دستیابی به متهم به نتیجه نرسد و ابلاغ نیز به طریق دیگر میسر نگردد، متهم از طریق انتشار یک نوبت آگهی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار ملی یا محلی و با ذکر عنوان اتهام و مهلت یک‌ماه از تاریخ نشر آگهی، احضار می‌شود. در این صورت، بازپرس پس از انقضاء مهلت مقرر به موضوع رسیدگی و اظهار عقیده می‌کند.»

سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی: ماده ۱۷۵ ق.آ.د.ک: «استفاده از سامانه‌های (سیستم‌های) رایانه‌ای و مخابراتی، از قبیل پیام‌نگار (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و تلفن، برای طرح شکایت یا دعوی، ارجاع پرونده، احضار متهم، ابلاغ اوراق قضایی و همچنین نیابت قضایی با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی بلامانع است.»

جلب متهم

در صورتی که متهم پس از احضار و عدم حضور و گذشت زمان و مهلت قانونی، با وجود شرایطی می‌توان دستور جلب وی را صادر نمود.

شرایط ماهوی جلب متهم

۱. برای صدور دستور جلب متهم احضاریه ارسال شده باشد. «مفهوم ماده ۱۶۹ ق.آ.د.ک»

۲. عدم حضور متهم بدون عذر موجه باشد. «ماده ۱۷۹ ق.آ.د.ک»

موارد جلب متهم بدون صدور ارسال احضاریه: ماده ۱۸۰ ق.آ.د.ک:

«در موارد زیر بازپرس می‌تواند بدون آن که ابتدا احضاریه فرستاده باشد، دستور جلب متهم را صادر کند:

الف - در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو و یا حبس ابد است.

ب - هرگاه محل اقامت، محل کسب و یا شغل متهم معین نباشد و اقدامات بازپرس برای شناسایی نشانی وی به نتیجه نرسد.

پ - در مورد جرائم تعزیری درجه پنج و بالاتر در صورتی که از اوضاع و احوال و قرائن موجود، بیم تباخی یا فرار یا مخفی شدن متهم برود.

ت - در مورد اشخاصی که به جرائم سازمان یافته و جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی متهم باشند.»

شرایط شکلی جلب متهم

- ✓ جلب متهم باید به موجب برگ جلب باشد. «صدرم ۱۸۱ ق.آ.د.ک»
 - ✓ برگ جلب باید حاوی مشخصات متهم و علت جلب باشد و توسط بازپرس امضاء و به متهم ابلاغ شود. «م ۱۸۱ ق.آ.د.ک»
 - ✓ مأمور جلب پس از ابلاغ برگه جلب، متهم را دعوت می کند که با او نزد بازپرس حاضر شود. «م ۱۸۲ ق.آ.د.ک»
 - ✓ جلب متهم به استثنای موارد ضروری باید در روز به عمل آید و در همان روز به وسیله بازپرس و یا قاضی کشیک تعیین تکلیف شود.
- تبصره - تشخیص موارد ضرورت با توجه به اهمیت جرم، وضعیت متهم، کیفیت ارتکاب جرم و احتمال فرار متهم با نظر بازپرس است. بازپرس موارد ضرورت را در پرونده درج می کند. «م ۱۸۳ ق.آ.د.ک»

انواع جلب

- ✓ **جلب ساده از طریق اقامتگاه متهم:** ماده ۱۸۲ ق.آ.د.ک: «مأمور جلب پس از ابلاغ برگه جلب، متهم را دعوت می کند که با او نزد بازپرس حاضر شود. چنانچه متهم امتناع کند، مأمور او را جلب و تحت الحفظ نزد بازپرس حاضر می نماید و در صورت نیاز می تواند از سایر مأموران کمک بخواهد.»
 - ✓ **جلب سیار:** ماده ۱۸۴ ق.آ.د.ک: «در صورتی که متواری بودن متهم به نظر بازپرس محرز باشد، برگه جلب با تعیین مدت اعتبار در اختیار ضابطان دادگستری قرار می گیرد تا هر جا متهم را یافتند، جلب و نزد بازپرس حاضر کنند.
- تبصره ۲ - در صورت ضرورت، بازپرس می تواند برگه جلب را برای مدت معین در اختیار شاکی قرار دهد تا با معرفی او، ضابطان حوزه قضایی مربوط، متهم را جلب کنند و تحویل دهند.»
- ✓ **جلب با اذن ورود به محل اختفاء متهم:** در مواردی که متهم در اقامتگاه خود مخفی شده است و یا بازپرس تشخیص می دهد با توجه به نوع جرم یا سوابق متهم امکان مخفی شدن و استتکاف حضور از جانب وی متصور باشد، در چنین وضعیتی به استناد تبصره ۳ ماده ۱۸۴ ق.آ.د.ک: «ضابطان باید حکم ورود به آن محل را از مقام قضایی اخذ کنند.»

تحقیق از متهم

با احضار یا جلب متهم و به تبع حضور او نزد مقام قضایی صالح، تحقیق از متهم شروع می شود.

حقوق متهم

- ✓ **شروع به تحقیقات بلافاصله پس از احضار یا جلب متهم:** صدر ماده ۱۸۹ ق.آ.د.ک: «بازپرس مکلف است بلافاصله پس از حضور یا جلب متهم، تحقیقات را شروع کند»
- ✓ **حق داشتن وکیل:** ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک: «متهم می تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود....»

تعیین وکیل تسخیری در دادسرا:

۱. تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک: «هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود. مگر آنکه در جرائم حق الناسی شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی یا قیم یا سرپرست قانونی وی ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد.»
۲. تبصره ۲ ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک: «در جرایمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند.»
- ✓ حق اعلام اقامتگاه قانونی: ماده ۱۹۴ ق.آ.د.ک: «بازپرس در ابتدای تحقیق به متهم تفهیم می‌کند محلی را که برای اقامت خود اعلام می‌نماید، محل اقامت قانونی او است و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد، باید محل جدید را به گونه‌ای که ابلاغ ممکن باشد اعلام کند و در غیر این صورت، احضاریه‌ها و سایر اوراق قضایی به محل اقامت اعلام شده قبلی فرستاده می‌شود...»
- ✓ حق سکوت: ماده ۱۹۷ ق.آ.د.ک: «متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود.»
- ✓ حق داشتن مترجم: ماده ۲۰۱ ق.آ.د.ک: «بازپرس برای ... متهم، شاهد ... که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و در صورت عدم دسترسی به مترجم رسمی، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین می‌کند.»
- ✓ حق نوشتن پاسخ سوالات مقام تحقیق: ماده ۱۹۹ ق.آ.د.ک: «... متهم باسواد خودش پاسخ را می‌نویسد، مگر آنکه نخواهد از این حق استفاده کند.»
- ✓ حق اظهار آخرین دفاع: ماده ۲۶۲ ق.آ.د.ک: «بازپرس پس از پایان تحقیقات و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم، به متهم یا وکیل وی اعلام می‌کند که برای برائت یا کشف حقیقت هر اظهاری دارد به عنوان آخرین دفاع بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع، مطلبی اظهار کند یا مدرکی ابراز نماید که در کشف حقیقت یا برائت مؤثر باشد، بازپرس مکلف به رسیدگی است.»

تفهیم اتهام

تفهیم اتهام به معنای فهماندن و شناساندن موضوع اتهام و دلایل آن به مشتکی عنه یا مظنون است تا با درک دقیق موضوع و دلایل اتهام، توانایی دفاع آگاهانه برای متهم ایجاد گردد. با تفهیم اتهام، مشتکی عنه یا مظنون به متهم تبدیل می‌شوند.

ماده ۱۹۵ ق.آ.د.ک در مقام تفهیم اتهام بیان می‌دارد که: «بازپرس پیش از شروع به تحقیق با توجه به حقوق متهم به وی اعلام می‌کند مراقب اظهارات خود باشد. سپس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می‌کند و به او اعلام می‌نماید که اقرار یا همکاری مؤثر وی می‌تواند موجبات تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم سازد و آنگاه شروع به پرسش می‌کند. پرسش‌ها باید مفید، روشن، مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد. پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است.»

اقدامات پیش از تفهیم اتهام

- ✓ استعلام هویت متهم «ماده ۱۹۳ ق.آ.د.ک»
- ✓ ابلاغ و تفهیم حق داشتن وکیل «ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک»

✓ تفهیم نمودن حق اعلام محل اقامت قانونی از سوی مشتکی عنه یا مظنون به جهت ابلاغ احضاریه‌ها و سایر اوراق قضایی
«ماده ۱۹۴ ق.آ.د.ک»

✓ بازپرس پیش از شروع به تحقیق با توجه به حقوق متهم به وی اعلام می‌کند مراقب اظهارات خود باشد. «صدر ماده ۱۹۵ ق.آ.د.ک»

۷. قرارهای تأمین و نظارت قضایی

قرارهای تأمین و نظارت قضایی از مهم‌ترین مباحث در مباحث تحقیقات مقدماتی است. قرارهای تأمین مصادیق ده‌گانه مندرج در ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک و قرارهای نظارت قضایی مصادیق پنج‌گانه مندرج در ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک می‌باشد.

قرار تأمین: طبق ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک، به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین مندرج در ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک را صادر می‌کند.

قرار نظارت قضایی: طبق ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک، بازپرس می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضایی را برای مدت معین صادر کند.

✓ قرارهای تأمین باید بعد از تفهیم اتهام و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم و ارتكاب آن توسط متهم، صادر شوند. در چنین شرایطی، صدور قرار تأمین برای تضمین دسترسی به متهم یک تکلیف و عدم صدور آن تخلف است. در عین حال، اگر در همان بازجویی اول معلوم شود که جرمی واقع نشده یا متهم آن را مرتکب نشده است یا به دلایل دیگری قابل تعقیب نیست، نباید قرار تأمین در مورد او صادر شود. در این صورت نامبرده تا جمع‌آوری دلایل و قرائن کافی بلاقید آزاد خواهد شد.

✓ صدور قرار تأمین قبل از تفهیم اتهام جایز نیست.

✓ صدور قرار تأمین اختیاری است.

✓ قرار تأمین باید متناسب باشد.

✓ قرار تأمین دارای ۱۰ مصداق می‌باشد که با رعایت تناسب فقط ۱ مورد را می‌توان صادر نمود، به عبارت دیگر ۲ مصداق در یک قرار تأمین را نمی‌توان اخذ نمود.

✓ صدور قرار تأمین نامتناسب موجب محکومیت انتظامی درجه ۴ به بالا است.

✓ قرار نظارت قضایی قابل جمع است.

✓ قرارهای تأمین با قرار نظارت قضایی قابل جمع است.

✓ بازداشت موقت الزامی نداریم، مگر در ماده ۶۱۸ ق.آ.د.ک

✓ صدور این قرارها از اختیارات مقام قضایی یعنی حسب مورد بازپرس، دادستان، دادیار، قاضی دادگاه و قاضی اجرای احکام است و ضابطان دادگستری حق اخذ تأمین از متهم را ندارند و مقامات قضایی نیز نمی‌توانند اخذ تأمین را به آنان محول کنند.

✓ در صورت وجود دلایل کافی بر توجه اتهام، مقام قضایی نمی‌تواند از صدور قرار تأمین امتناع ورزد.

✓ مقام صادرکننده قرار اختیار تجدیدنظر، خفیف‌تر یا شدیدتر کردن آن را دارد.

✓ تخفیف یا تشدید قرار تأمین توسط بازپرس نیاز به موافقت دادستان ندارد.

✓ تشدید تأمین، از سوی متهم قابل اعتراض است. مرجع رسیدگی به اعتراض دادگاه صالح است؛ مگر در آن محل دادگاه انقلاب یا کیفری یک تشکیل نشده باشد که در این صورت دادگاه کیفری دو به آن رسیدگی خواهد کرد.

قرارهای تأمین و نظارت قضایی ۳ حالت را به وجود می‌آورند:

۱. قرار تأمین با قرار تأمین دیگر قابل جمع نیست، به عبارت دیگر؛ در قرار تأمین باید یک مصداق از مصادیق مندرج ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک صادر شود.
۲. قرار نظارت قضایی با قرار نظارت قضایی قابل جمع است، به عبارت دیگر؛ در قرار نظارت قضایی می‌توان چند مصداق از مصادیق مندرج در ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک صادر نمود.
۳. قرار تأمین با قرار نظارت قضایی قابل جمع می‌باشند.

تشریح ماده ۲۱۸ ق.آ.د.ک:

۱. اتهام واحد است. «کلاهبرداری»: ۱_ تأمین اخذ می‌شود.
 ۲. اتهام متعدد است: ۲_ حالت دارد:
- تعدد اتهام در صلاحیت ذاتی یک دادگاه مطرح می‌شود: دادگاه یک قرار تأمین صادر می‌کند.
 - تعدد اتهام در صلاحیت ذاتی چند دادگاه مطرح می‌شود: هر دادگاه قرار تأمین مستقل و متناسب صادر می‌کند.

انواع قرار تأمین

الف - قرار التزام به حضور با قول شرف: اولین و خفیف‌ترین قرار تأمین که در جرائم بسیار خفیف و با اطمینان مقام قضایی از شخصیت مرتکب از آن استفاده می‌کند. متهم به مقام قضایی تعهد و قول می‌دهد که هر زمان حضور او برای بازجویی و طی مراحل تحقیقاتی و یا رسیدگی در دادگاه و اجرای حکم لازم باشد، حضور به هم رساند.

- ✓ «وضعیت و شخصیت متهم» در صدور این قرار ملاک و معیار است.
- ✓ در صورت امتناع متهم از پذیرش این قرار، قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام صادر می‌شود.
- ✓ این قرار غیرقابل اعتراض است.

ب - قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام: در این قرار شخص رأساً متعهد می‌شود که هر زمان حضور او برای بازجویی و طی مراحل تحقیقاتی و یا رسیدگی در دادگاه و اجرای حکم لازم باشد، حضور به هم رساند و در صورت عدم حضور مبلغ تعیین شده در قرار را بپردازد.

- ✓ به هیچ عنوان مال یا پولی در همان لحظه صدور قرار تأمین اخذ نمی‌شود. در واقع هنگام انعقاد این توافق هیچ تضمینی برای اجرای آن از متهم اخذ نمی‌گردد و تنها پس از نقض عهد و عدم حضورش در موقع احضار، دادستان برای اخذ مبلغ وجه التزام به نفع صندوق دولت اقدام می‌کند.
- ✓ در صورت امتناع متهم از پذیرش این قرار، قرار کفالت صادر می‌شود.
- ✓ در صورت عدم حضور متهم در موردی که حضورش لازم باشد، احضار می‌شود و هرگاه ثابت شود بدون عذر موجه حاضر نشده است، در صورت ابلاغ واقعی اخطاریه، وجه التزام تعیین شده به دستور دادستان اخذ می‌شود.
- ✓ اعتراض به این قرار طبق ماده ۲۳۵ ق.آ.د.ک به عمل می‌آید.

پ - قرار التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف: این قرار که به نوعی تعهد کتبی از متهم است، متعهد را ملزم به عدم خروج از حوزه قضایی می‌نماید، مگر با تجویز قاضی صالح که در این صورت می‌تواند از آن حوزه قضایی خارج شود و در این میان شرف و حیثیت خود را ضامن حضورش قرار می‌دهد.

- ✓ «وضعیت و شخصیت متهم» در صدور این قرار ملاک و معیار است.
- ✓ در صورت امتناع متهم از پذیرش این قرار، قرار کفالت صادر می‌شود.

✓ در صورت تخلف از مفاد قرار بازپرس می‌تواند، قرار را تشدید کند.

✓ این قرار غیرقابل اعتراض است.

ت - قرار التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام: در این قرار، شخص رأساً متعهد می‌شود که هر زمان حضور او برای بازجویی و طی مراحل تحقیقاتی و یا رسیدگی در دادگاه و اجرای حکم لازم باشد، حضور به هم رساند و به علاوه به هیچ‌وجه از حوزه قضایی تعیین شده خارج نشود مگر با تجویز قاضی صالح که در این صورت می‌تواند از آن حوزه قضایی خارج شود.

✓ در صورت عدم حضور متهم در موردی که حضورش لازم باشد، احضار می‌شود و هرگاه ثابت شود بدون عذر موجه حاضر نشده است، در صورت ابلاغ واقعی اخطاریه، وجه التزام تعیین شده به دستور دادستان اخذ می‌شود.

✓ در صورت امتناع متهم از پذیرش این قرار، قرار کفالت صادر می‌شود.

✓ اعتراض به این قرار طبق ماده ۲۳۵ ق.آ.د.ک به عمل می‌آید.

ث - قرار التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام: شخص متهم باید به صورت نوبتی و در مواعد مقرر از سوی مقام تحقیق که می‌تواند هفتگی یا ماهانه باشد به مرجع قضایی یا انتظامی مراجعه نماید. در صورت تخلف از این قرار، وجه التزام مقرر در قرار به نفع دولت ضبط خواهد شد.

✓ مقام تحقیق مکلف است مرجع قضایی یا انتظامی را برای معرفی متهم تعیین کند.

✓ مقام تحقیق مکلف است مواعدی را که متهم ملتزم به معرفی است را تعیین کند.

✓ در صورت نقض قرار از سوی متهم اعم از اینکه در مواعد مقرر به مرجع مربوطه مراجعه نکند یا اینکه در موارد لزوم در مرجع قضایی حضور نیابد، وجه التزام به نفع دولت ضبط می‌گردد.

✓ در صورت امتناع متهم از پذیرش این قرار، قرار کفالت صادر می‌شود.

✓ اعتراض به این قرار طبق ماده ۲۳۵ ق.آ.د.ک به عمل می‌آید.

ج - قرار التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام، با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط: این قرار ناظر به شهروندانی است که در دولت استخدام شده‌اند، به موجب این قرار در صورتی که هر یک از مستخدمین کشوری یا نیروهای مسلح متهم به ارتکاب جرمی شوند، قرار التزام به حضور وی با تعیین وجه التزام پس از تعهد پرداخت از محل حقوق آن‌ها از سوی سازمان مربوط صادر می‌گردد.

✓ در صورتی که شخص مرتکب جرمی شده باشد که با منافع سازمان در تضاد باشد، دیگر این حمایت از شخص متهم منقضی می‌شود، مثلاً کارمند یک ارگان دولتی از سازمان متبوع خویش اختلاس نماید دیگر این تأمین مفید نیست.

✓ در صورت امتناع متهم از پذیرش این قرار، با وحدت ملاک از تبصره ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک قرار کفالت صادر می‌شود.

✓ اعتراض به این قرار طبق ماده ۲۳۵ ق.آ.د.ک به عمل می‌آید.

چ - قرار التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات: به موجب این قرار در مواردی که اتهام انتسابی متهم می‌تواند وی را به موجب قرار بازداشت موقت روانه بازداشتگاه کند، می‌توان از قرار التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده استفاده نمود و برای حصول اطمینان از رعایت این تضمین از طریق نظارت با کمک تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات وی را کنترل نمود؛ و در صورت عدم رعایت این قرار وجه التزام به نفع دولت ضبط می‌گردد.

نظارت الکترونیکی به صورت‌های گوناگونی حاصل می‌شود، مانند استفاده از GPS، مچ‌بند، پابند، وسیله علامت‌دهنده پیاپی، وسیله تماس برنامه‌ریزی شده، فن آوری تأیید صدا و مواردی این قبیل بهره گرفت.

ماده ۶۲ ق.م.ا: «در جرائم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه (سیستم) های الکترونیکی قرار دهد.»

- ✓ در صورت امتناع متهم از پذیرش این قرار، با وحدت ملاک از تبصره ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک قرار کفالت صادر می‌شود.
- ✓ اعتراض به این قرار طبق ماده ۲۳۵ ق.آ.د.ک به عمل می‌آید.

ح- قرار اخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله: کفیل تعهد می‌کند متهم را در هر مرحله که مقام قضایی حضور وی را لازم بداند، در آن مرحله اعم از تحقیقات، دادرسی یا اجرای حکم حاضر نماید؛ در صورت عدم حضور متهم، وجه الکفاله معرفی شده به نفع دولت ضبط می‌گردد، به عبارتی دیگر به موجب قرار کفالت، آزادی متهم مقید می‌گردد به معرفی کفیل با مقدار وجه الکفاله‌ای که از سوی مقام قضایی صالح تعیین می‌شود.

- ✓ کفالت یک عقد قائم به شخص است و در صورتی که کفیل متهم را تحویل ندهد، وجه الکفاله به نفع دولت ضبط می‌شود.
- ✓ کفیل یک ضامن است، الزاماً شخص ثالث کفیل می‌شود.
- ✓ معرفی اشخاصی که فاقد شغل هستند و درآمد آنان معلوم نیست یا ولگرد هستند به عنوان وکیل ممنوع است.
- ✓ شخص کفیل باید دارای اهلیت و ملائت باشد.
- ✓ اگر تمکن مالی کفیل مورد تردید قرار گیرد، بازپرس مراتب را به **دادستان** اعلام می‌کند و هر تصمیمی که دادستان اتخاذ کند، برای بازپرس **الزامی** است.
- ✓ در جرائم **غیر عمدی** و با شرط تضمین حقوق بزه‌دیده به طرق دیگر، صدور قرار کفالت جایز **نیست**.
- ✓ معرفی و تحویل متهم در هر مرحله از تحقیقات و دادرسی توسط کفیل، شروع به اجرای حکم، مختومه شدن پرونده به هر کیفیت و فوت کفیل از موارد فک قرار کفالت می‌باشد.
- ✓ این قرار علی‌الاصول قابل اعتراض **نیست** مگر در مورد قرار کفالتی که منجر به بازداشت متهم می‌گردد. به موجب ماده ۲۲۶ ق.آ.د.ک، متهمی که در مورد او قرار کفالت یا وثیقه صادر می‌شود تا معرفی کفیل یا سپردن وثیقه به بازداشتگاه معرفی می‌گردد؛ اما در صورت بازداشت، متهم می‌تواند تا مدت **ده روز** از تاریخ ابلاغ قرار بازپرس، نسبت به **اصل قرار** منتهی به بازداشت یا عدم پذیرش کفیل یا وثیقه اعتراض کند.
- ✓ خواستن متهم از کفیل فقط برای ۱- تحقیقات ۲- دادرسی ۳- اجرای حکم ضرورت دارد.
- ✓ کفالت اشخاص حقوقی نیز پذیرفته می‌شود. البته این موضوع شامل اشخاص حقوقی عمومی نگردیده و فقط ناظر بر اشخاص حقوقی خصوصی است.
- ✓ استمرار ملائت برای اعتبار کفالت شرط نیست؛ بنابراین اگر متهم در وقت مقرر نزد مقام قضایی حاضر نشد و کفیل هم او را حاضر نکرد، در مقابل دستور دادستان مبنی بر اخذ وجه الکفاله، کفیل می‌تواند به عذر اینکه بعداً معسر شده، نسبت به آن دستور اعتراض نماید.
- ✓ پذیرش ملائت کفیل نیاز به موافق دادستان **ندارد**. ولی چنانچه بازپرس ملائت کفیل را **نپذیرد** باید این امر به موافقت دادستان هم برسد. تشخیص دادستان برای بازپرس الزامی است.

خ- قرار اخذ وثیقه «اعم از وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیر منقول»: وثیقه مالی است که به دستور مقام قضایی صالح برای اطمینان از دسترسی متهم و حضور وی جهت بازجویی، محاکمه و اجرای حکم موقتاً از وی یا ثالث اخذ می‌شود که در صورت تخلف متهم از تکالیف قانونی خود، وثیقه به نفع دولت ضبط می‌شود و در غیر این صورت به موقع مسترد می‌شود، در قرار وثیقه در زمان صدور قرار قبولی وثیقه، مال در تصرف مرجع تحقیق قرار می‌گیرد.

- ✓ در جرائم غیرعمدی و با شرط تضمین حقوق بزه‌دیده به طرق دیگر، صدور قرار وثیقه جایز نیست.
- ✓ معرفی و تحویل متهم در هر مرحله از تحقیقات و دادرسی توسط وثیقه‌گذار، شروع به اجرای حکم، مختومه شدن پرونده به هر کیفیت و فوت وثیقه‌گذار از موارد فک قرار وثیقه می‌باشد.
- ✓ این قرار علی‌الاصول قابل اعتراض نیست مگر در مورد قرار وثیقه‌ای منجر به بازداشت متهم می‌گردد. به موجب ماده ۲۲۶ ق.آ.د.ک، متهمی که در مورد او قرار کفالت یا وثیقه صادر می‌شود تا معرفی کفیل یا سپردن وثیقه به بازداشتگاه معرفی می‌گردد؛ اما در صورت بازداشت، متهم می‌تواند تا مدت ده روز از تاریخ ابلاغ قرار بازپرس، نسبت به اصل قرار منتهی به بازداشت یا عدم پذیرش کفیل یا وثیقه اعتراض کند.
- ✓ مبلغ وجه التزام وثیقه نباید در هر حال از خسارت وارد به بزه دیده کمتر باشد.
- ✓ در جرمی مانند کلاهبرداری که هم رد مال و هم جزای نقدی وجود دارد، مبلغ وثیقه ۲ برابر می‌شود، یک جزء آن خسارت و یک جزء آن جزای نقدی را تأمین می‌کند.
- ✓ در قرار وثیقه، اگر مال منقول باشد، توقیف فیزیکی می‌شود اما اگر مال غیرمنقول باشد توقیف فیزیکی معنایی ندارد، مانند توقیف خانه که وثیقه‌گذار در آن خانه سکونت دارد، اما سند خانه در دایره ثبت بازداشت می‌شود.
- ✓ بازپرس یک مقام قضایی مستقل است، اگر بازپرس نسبت به متهم نظر به قرار کفالت داشته باشد اما متهم بخواهد به جای معرفی کفیل، وثیقه بسپارد، بازپرس مکلف به قبول آن و تبدیل قرار است.
- ✓ خواستن متهم از وثیقه‌گذار فقط برای ۱ - تحقیقات ۲ - دادرسی ۳ - اجرای حکم ضرورت دارد.
- ✓ وثیقه‌گذار ممکن است شخص متهم یا شخص ثالث باشد.

تشریح ماده ۲۳۰ ق.آ.د.ک:

در خصوص اجرای دستور دادستان نسبت به اخذ وثیقه وجه‌الکفاله یا وجه‌الضمان تشریفات به شرح ذیل بیان شده است:

۱. اگر خود متهم ملزم شده باشد یا وثیقه گذاشته باشد: در صورتی که حضورش لازم باشد، احضار می‌شود، در صورت عدم حضور به دستور دادستان عملیات اجرایی صورت می‌گیرد.
 ۲. اگر وثیقه‌گذار یا کفیل ملزم شده باشد یا وثیقه گذاشته باشد: به کفیل یا وثیقه‌گذار اخطار می‌شود که ظرف یک ماه متهم را تحویل دهد، در صورت ابلاغ واقعی اخطاریه و عدم تحویل متهم، به دستور دادستان عملیات اجرایی صورت می‌گیرد.
- ✓ دادستان در قالب دستور نسبت به ضبط اقدام می‌کند.
 - ✓ موارد فوق در صورتی اجرا می‌شود که ابلاغ به اشخاص واقعی باشد.
 - ✓ پس از عملیات اجرا معادل مبلغ تأمین برداشت می‌شود و الباقی به متهم، کفیل یا وثیقه‌گذار مسترد می‌شود.
 - ✓ دستور دادستان در واحد اجرای احکام کیفری اما با تشریفات اجرای احکام مدنی صورت می‌گیرد.
 - ✓

د - قرار بازداشت موقت «توقیف احتیاطی»: بازداشت موقت مهم‌ترین و شدیدترین قرار تأمین کیفری است، توقیف متهم و اعزام وی به زندان در اثناء تحقیقات مقدماتی از سوی مقام تحقیق با در نظر گرفتن یکی از شرایط ماده ۲۲۸ ق.آ.د.ک می‌باشد.

اصل: صدور قرار بازداشت موقت جایز نیست. «صدر ماده ۲۳۷ ق.آ.د.ک»

استثناء: مگر در مورد جرائم زیر که **دلایل، قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت کند:**

الف - جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، حبس ابد یا قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن‌ها **ثلث دیه** کامل یا بیش از آن است.

ب - جرائم تعزیری که درجه چهار و بالاتر است.

پ - جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور که مجازات قانونی آنها درجه پنج و بالاتر است.

ت - ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال و تظاهر، قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص که به‌وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه انجام شود.

ث - سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، جعل یا استفاده از سند مجعول در صورتی که مشمول بند (ب) این ماده نباشد و متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرائم مذکور باشد.

✓ اگر مصادیق مجازات جرائم بند فوق و درجه آن منطبق با بند «ب» باشد: (درجه ۱، ۲، ۳ و ۴) در این موارد بازداشت موقت نیازی به سابقه ندارد.

مانند جرم سرقت تعزیری ماده ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات ۲۰ سال حبس برای آن پیش‌بینی نموده است، درجه آن ۲ است پس برای بازداشت موقت نیاز به سابقه کیفری ندارد.

✓ اگر مصادیق مجازات جرائم بند فوق و درجه آن منطبق با بند «ب» نباشد: (درجه ۵، ۶، ۷ و ۸) در این موارد بازداشت موقت نیازی به سابقه دارد.

مانند جرم خیانت در امانت مواد ۶۷۳ و ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات حداکثر ۳ سال حبس برای آن پیش‌بینی نموده است، درجه آن ۵ است پس برای بازداشت موقت نیاز به سابقه کیفری دارد.

✓ در بند «ث» فوق نیاز به سابقه کیفری با هر یک از مصادیق بیان‌شده قابل جمع است، برای مثال می‌توان خیانت در امانت را با سابقه جعل مطرح نمود.

شرایط صدور قرار بازداشت موقت: «مواد ۲۳۸ و ۲۳۹ ق.آ.د.ک»

✓ قرار بازداشت موقت باید مستدل و موجه باشد و مستند قانونی و ادله آن در متن قرار ذکر شود.

✓ حق اعتراض متهم در متن قرار ذکر شود.

✓ آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و ادله جرم یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقعه گردد و یا سبب شود شهود از اداء شهادت امتناع کنند.

✓ بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگر نتوان از آن جلوگیری کرد.

✓ آزاد بودن متهم محل نظم عمومی، موجب به خطر افتادن جان شاکی، شهود یا خانواده آنان و خود متهم باشد.

شرایط اجرای قرار بازداشت موقت:

۱. ارسال فوری قرار جهت اظهارنظر دادستان «ماده ۲۴۰ ق.آ.د.ک»

۲. ارسال پرونده به دادگاه کیفری صالح در صورت اعتراض متهم به قرار بازداشت موقت «مواد ۲۳۹ و ۲۴۱ ق.آ.د.ک»

فک و اعتراض به قرار بازداشت موقت:

✓ اعتراض ضمن صدور قرار: به موجب مواد ۲۳۹ و بند «ب» ماده ۲۷۰ ق.آ.د.ک متهم با صدور قرار بازداشت موقت، حق اعتراض به این قرار را ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ قرار خواهد داشت.

✓ ماده ۲۴۱ ق.آ.د.ک: اگر علت بازداشت مرتفع شود، به ۲ شکل می‌توان بازداشت موقت را فک نمود:

۱. اگر بازپرس علت را مرتفع بداند، نظر خود را به دادستان اعلام می‌کند و دادستان اظهارنظر خود را به ۲ شکل بیان می‌کند:

✓ با فک قرار بازداشت موافقم.

✓ با فک قرار بازداشت مخالفم. (حل اختلاف با دادگاه صالح است) رأی دادگاه در این خصوص قطعی است.

۲. اگر متهم موجبات بازداشت را مرتفع نداند، می‌تواند فک قرار بازداشت یا تبدیل آن را از **بازپرس** تقاضا کند. بازپرس به‌طور فوری و حداکثر ظرف **پنج روز** به‌طور مستدل راجع به درخواست متهم اظهار نظر می‌کند.
- ✓ لایحه پذیرفته می‌شود و مراتب مجدداً به نظر دادستان می‌رسد که یا مخالف است یا موافق.
 - ✓ لایحه رد می‌شود و چون به ضرر متهم است به او ابلاغ می‌شود و از تاریخ ابلاغ ظرف ۱۰ روز می‌تواند نسبت به آن اعتراض نماید.
 - ✓ فک یا تخفیف **قرارهای تأمین منتهی به بازداشت** نیازی به موافقت دادستان **ندارد**.
 - ✓ تخفیف تأمین در **دادسرا** و تخفیف و تشدید تأمین در **دادگاه** غیرقابل اعتراض است.
 - ✓ تشدید تأمین در دادسرا قابل اعتراض از سوی متهم است. (بند ب ماده ۲۷۰)
 - ✓ ابقای قرار تأمین منتهی به بازداشت، ابقای قرار بازداشت موقت همچنین فک یا تخفیف قرار بازداشت موقت باید به موافقت دادستان برسد.
 - ✓ متهم این حق را دارد که در هر ماه نسبت به برطرف شدن موجب بازداشت درخواست خود را مطرح کند.

مدت بازداشت موقت: «ماده ۲۴۲ ق.آ.د.ک»

مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند و در هر صورت در جرائم موجب مجازات سلب حیات مدت بازداشت موقت از دو سال و در سایر جرائم از یک سال تجاوز نمی‌کند.

اقسام قرار بازداشت موقت:

- ✓ بازداشت موقت بر اساس مرجع: دادسرا، دادگاه
- ✓ بازداشت موقت بر اساس مقام قضایی: بازپرس، دادرس
- ✓ بازداشت موقت بر اساس موضوع: بازداشت موقت، نگهداری موقت
- ✓ بازداشت موقت بر اساس ماهیت: الزامی، اختیاری
- ✓ بازداشت موقت بر اساس میزان: ۱ ماه، ۲ ماه

۸. نیابت قضایی

به استناد ماده ۱۱۶ ق.آ.د.ک بازپرس صرفاً در حوزه قضایی محل مأموریت خود ایفای وظیفه می‌کند. همچنین طبق ماده ۱۱۹ ق.آ.د.ک اگر انجام برخی از اقدامات تحقیق در خارج از حوزه قضایی باشد، بازپرس حق ورود به آن حوزه ندارد و باید از نیابت قضایی استفاده کند.

ماده ۱۱۹ ق.آ.د.ک: «هرگاه تحقیق از متهم، استماع شهادت شهود و مطلع، معاینه محل، بازرسی از منازل و اماکن و اشیاء، جمع‌آوری آلات جرم و به‌طور کلی هر اقدام دیگری خارج از حوزه قضایی محل مأموریت بازپرس لازم شود، وی با صدور قرار نیابت قضایی مطابق مقررات قانونی و ارسال اصل یا تصویر اوراق مورد نیاز پرونده و تصریح موارد، انجام آن‌ها را از بازپرس محل، تقاضا می‌کند. این بازپرس در حدود مفاد نیابت اعطائی، موضوع نیابت را انجام می‌دهد و اوراق تنظیمی را پس از امضاء به همراه سایر مدارک به‌دست‌آمده نزد مرجع نیابت‌دهنده می‌فرستد و در صورتی که اجرای تمام یا بخشی از مفاد نیابت، مربوط به حوزه قضایی دیگری باشد، اوراق را برای اجرای نیابت به مرجع مزبور ارسال و مراتب را به بازپرس نیابت‌دهنده اعلام می‌دارد.»

نیابت قضایی به ۲ روش صورت می‌گیرد:

۱. نیابت عام یا کلی
۲. نیابت خاص یا جزئی

- ✓ ماهیت نیابت قضایی، یک قرار است؛ اما تعامل ۲ مرجع قضایی است. مرجع نیابت‌دهنده **معطی نیابت** است و مرجع نیابت‌گیرنده **مجری نیابت** محسوب می‌شود.
- ✓ مرجع مجری نیابت در انجام نیابت محدود است بدان معنا که مرجع مجری در صدور **قرارهای نهایی** کاملاً ممنوع می‌باشد. چون باید این قرارها توسط بازپرس صورت گیرد که جرم در حوزه او رخ داده است.
- ✓ اگر انجام امور نیابت در حوزه‌ای غیر از حوزه مجری نیابت باشد، به نوعی می‌توان نیابت در نیابت را صورت داد، به شرط آنکه مقام مجری پس از اعطای نیابت به مرجع دیگری، موضوع را به مرجع معطی نیابت اطلاع دهد.
- ✓ قرار نیابت قابل اعتراض نیست، چه از دادسرا صادر شده باشد چه از دادگاه.
- ✓ ماده ۱۲۰ ق.آ.د.ک در خصوص صدور قرار تأمین در نیابت قضایی می‌باشد.
ماده ۱۲۰ ق.آ.د.ک به طرق ذیل تعریف می‌شود:
 - مرجع معطی رأساً قرار تأمین را صادر می‌کند.
 - مرجع معطی اختیار صدور قرار تأمین را به مرجع مجری تفویض می‌کند.
 - مرجع معطی قرار تأمین صادر نمی‌کند، در این مورد مرجع مجری می‌تواند رأساً قرار تأمین صادر نماید.
 - مرجع معطی قرار تأمین صادر می‌کند، اما نامتناسب باشد، در این مورد مرجع مجری قرار تأمین را متناسب می‌سازد.
- ✓ اگر در اجرای نیابت شخص متهم به دلیل تأمینی چون وثیقه و عجز از تودیع وثیقه به بازداشتگاه منتقل شود، ۲ مطلب لازم به ذکر است:

۱. دادستان در این مورد اظهارنظر بنماید. (دادستان محل اجرای نیابت)
 ۲. شخص بازداشتی به این بازداشت اعتراض نماید. (دادگاه صالح محل اجرای نیابت)
- ✓ هر ۲ مورد اعم از نظر دادستان و اعتراض، در **مرجع مجری نیابت** صورت می‌گیرد.
 - ✓ مواعد اعتراض همچنان طبق اصول کلی لحاظ می‌شود، یعنی ۱۰ روز و مرجع رسیدگی به اعتراض هم دادگاه صالح است.
 - ✓ در بعضی از مواقع بازپرس باید شخصاً در تحقیقات حاضر شود، به عبارتی مباشرت او لازم است، اما مداخله او خارج از حوزه قضایی او می‌باشد؛ در این مورد بازپرس **مکلف** است که با دادستان تعامل کند:
 ۱. اعلام موضوع به دادستان محل متبوع خویش
 ۲. هماهنگی با دادستان محل مأموریت خویش
 - ✓ نیابت در دادسرا، دادگاه، حوزه بخش و حتی تجدیدنظر بلامانع است.

اقدامات مرجع معطی نیابت

۱. صدور قرار نیابت قضایی
۲. ارسال اصل یا تصویر اوراق مورد نیاز پرونده
۳. تصریح موارد انجام نیابت

اقدامات مرجع مجری نیابت

۱. اقدام در حدود مفاد نیابت اعطایی
۲. ارسال اوراق جدیدالتحصیل به مرجع معطی نیابت
۳. ارسال نیابت اعطایی به حوزه قضایی صالح
۴. اخذ اظهارنظر دادستان در قرار تأمین صادره منتهی به بازداشت متهم

✓ اقدامات تحقیقی ذیل در روز انجام می‌شود: تبصره ماده ۱۴۰ ق.آ.د.ک: «روز از طلوع آفتاب تا غروب آن است.»

۱. تحقیق محلی «ماده ۱۲۴ ق.آ.د.ک»
۲. معاینه محل «ماده ۱۲۴ ق.آ.د.ک»
۳. تفتیش «ماده ۱۴۰ ق.آ.د.ک»
۴. جلب «ماده ۱۸۳ ق.آ.د.ک»

انواع قرار نظارت قضایی:

به منظور تکمیل تأثیر قرارهای تأمین و جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط متهم صادر می‌شوند.

قرارهای نظارت قضایی می‌توانند به همراه قرار تأمین صادر گردند. (در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت در صورت ارائه تضمین لازم برای جبران خسارات وارده، مقام قضایی می‌تواند فقط به صدور قرار نظارت قضایی اکتفا کند.)

۱. معرفی نوبه‌ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین شده توسط بازپرس

در این قرار محل مراجعه و معرفی متهم محدود به مرجع «قضایی یا انتظامی» نیست، همچنین نوبت‌های مراجعه در قانون تعیین نشده و وجه التزام نیز برای قرار تعیین نمی‌گردد.

۲. منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری

در مورد این قرار مراتب به منظور اخذ گواهینامه رانندگی از متهم و ضبط موقت آن به راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی حوزه قضایی صادرکننده قرار ابلاغ می‌شود.

۳. منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی

به موجب این قرار در صورتی که متهم دارای جواز کار یا پروانه اشتغال باشد، جواز کار یا پروانه مزبور باید از طریق مرجع مربوط موقتاً از وی اخذ و مراتب به مقام صادرکننده قرار گزارش شود.

۴. ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز

به موجب این قرار سلاح و پروانه مربوط اخذ و به یکی از محل‌های مجاز نگهداری سلاح تحویل داده می‌شود.

۵. ممنوعیت خروج از کشور

این قرار با دستور منع خروج از کشور متفاوت است.

در قانون جدید آ.د.ک دو نوع دستور منع خروج از کشور پیش‌بینی شده است:

(۱) به موجب ماده ۱۸۸ قبل از دسترسی به متهم

(۲) در قالب قرار نظارت قضایی بعد از دسترسی به متهم

به موجب بند ث ماده ۲۴۷ قرار ممنوعیت خروج از کشور که پس از دسترسی به متهم صادر شده است در موارد زیر منقضی می‌شود:

(۱) حضور متهم در بازپرسی

(۲) صدور قرار موقوفی تعقیب

(۳) صدور قرار ترک تعقیب

(۴) صدور قرار منع تعقیب

در صورت منقضی شدن مدت ممنوع‌الخروجی، دستور خود به خود منقضی می‌شود و مراجع مزبور نمی‌توانند مانع خروج شخص شوند.

خاتمه تحقیقات

آخرین دفاع

ایجاد فرصت برای متهم یا وکیل او است تا آخرین اظهارات و دفاعیات خود را برای برائت یا کشف حقیقت در رابطه با جرم انتسابی به خویش یا موکل خویش پس از پایان تحقیقات ابراز نماید.

ماده ۲۶۲ ق.آ.د.ک درباره آخرین دفاع بیان می‌دارد: «بازپرس پس از پایان تحقیقات و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم، به متهم یا وکیل وی اعلام می‌کند که برای برائت یا کشف حقیقت هر اظهاری دارد به عنوان آخرین دفاع بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع، مطلبی اظهار کند یا مدرکی ابراز نماید که در کشف حقیقت یا برائت مؤثر باشد، بازپرس مکلف به رسیدگی است.»

ماده ۲۶۳ ق.آ.د.ک: «در صورتی که متهم یا وکیل وی برای اخذ آخرین دفاع احضار شود و هیچ‌یک از آنان بدون اعلام عذر موجه، حضور نیابد، بدون اخذ آخرین دفاع، اتخاذ تصمیم می‌شود.»

✓ اصل بر برائت است و به همین دلیل کسی که مورد حمایت این اصل قرار دارد و علیه او ادعایی مطرح شده باید آخرین کسی باشد که مطلبی در خصوص اتهام می‌گوید. پس آخرین مطلبی که در پرونده در خصوص اتهام شنیده می‌شود، باید دفاع متهم باشد.

✓ از شرط «وجود دلایل کافی بر وقوع جرم» در صدر ماده چنین برمی‌آید که بازپرس در صورتی مکلف به اخذ آخرین دفاع از متهم قبل از اظهار نظر نهایی است که دلایل وقوع جرم (توسط متهم) را کافی بدانند؛ به عبارت دیگر، اگر بر اساس دلایل و مدارک موجود در پرونده، بازپرس متهم را بی‌گناه دانسته، قصد صدور قرار منع تعقیب در مورد او داشته باشد، نیازی به احضار و اخذ آخرین دفاع از او نیست.

✓ دریافت احضاریه توسط متهم یا وکیل وی جهت آخرین دفاع می‌تواند قرینه‌ای بر این باشد که نظر بازپرس بر صدور قرار جلب به دادرسی است. در این حال، دفاع متهم یا وکیل او نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر نظر بازپرس و متقاعد ساختن وی به صدور قرار منع تعقیب دارد.

✓ آخرین دفاع حق متهم است که قابل اسقاط می‌باشد.

✓ در صورتی که متهم یا وکیل او با وجود ابلاغ احضاریه، برای ارائه آخرین دفاع حاضر نشوند، بازپرس نمی‌تواند حاضر نمودن متهم را از کفیل یا وثیقه‌گذار بخواهد یا دستور جلب متهم را بدهد.

✓ از ۲ ماده فوق برمی‌آید که بازپرس می‌تواند آخرین دفاع متهم را از وکیل وی اخذ نماید و متهم همانگونه که می‌تواند اصلاً برای ارائه آخرین دفاع حاضر نشود، می‌تواند این امر را به عهده وکیل خود بسپارد. معنای این مطلب آن است که اگر بازپرس تحقیقات را کافی دانسته و برای جمع‌بندی و مهیا شدن برای صدور قرار جلب به دادرسی، متهم را برای اخذ آخرین دفاع احضار کند، نمی‌تواند مقرر کند که متهم شخصاً جهت ارائه آخرین دفاع در شعبه بازپرس حضور یابد.

✓ آخرین دفاع مقدمه جلب به دادرسی است.

قراره‌های نهایی

پس از خاتمه تحقیقات و انجام اقدامات قانونی مقام تحقیق نظر خود را در غالب یک قرار نهایی اعلام می‌کند.

اوصاف قرارهای نهایی

- ✓ قرار نهایی با پایان یافتن تحقیقات مقدماتی و اعلام ختم تحقیقات از سوی مقام تحقیق، صادر می‌شود.
- ماده ۲۶۴ ق.آ.د.ک: «پس از انجام تحقیقات لازم و اعلام کفایت و ختم تحقیقات، بازپرس مکلف است به صورت مستدل و مستند، عقیده خود را حداکثر ظرف پنج روز در قالب قرار مناسب، اعلام کند.»
- ✓ قرار نهایی پس از صدور غیرقابل عدول هستند.
- ماده ۲۸۲ ق.آ.د.ک: «دادستان نمی‌تواند پس از ارسال پرونده به دادگاه از اصل اتهام یا ادله آن عدول و بر این اساس کیفرخواست را مسترد یا اصلاح کند و فقط می‌تواند دلایل جدید له یا علیه متهم را که کشف یا حادث می‌شود به دادگاه اعلام کند.»
- ✓ با صدور قرار نهایی، موضوع مطروح اعتبار امر مختوم پیدا می‌کند و شکایت مجدد در خصوص همان موضوع و با اصحاب واحد و سبب واحد مشمول اعتبار امر مختوم کیفری خواهد شد.
- ✓ قرارهای نهایی قابل جمع نیستند.

شرایط صدور قرارهای نهایی

- ✓ قرار نهایی پس از انجام تحقیقات لازم و اعلام کفایت و ختم تحقیقات باید صادر شود.
- ✓ قرار نهایی باید به صورت **مستند و مستدل** باشد، یعنی مقام تحقیق موظف است در متن قرار مذکور استدلال و استناد قانونی خود را بیان نماید.
- ✓ قرار نهایی باید **حداکثر ظرف پنج روز** از تاریخ اعلام ختم تحقیقات صادر شود.
- ✓ قرار نهایی پس از صدور باید از جانب مقام تحقیق **فوری نزد دادستان** ارسال شود. دادستان باید ظرف **سه روز** از تاریخ وصول، پرونده تحقیقات را ملاحظه و نظر خود را به طور کتبی اعلام کند و پرونده را نزد بازپرس برگرداند.
- ✓ در کلان‌شهرها دادیار اظهارنظر می‌کند.
- ✓ در صورتی که دادستان با قرار جلب به دادرسی موافق باشد، ظرف دو روز با صدور کیفرخواست، پرونده را به دادگاه صالح ارسال می‌کند.
- ✓ قرارهای نهایی اعم از اینکه توسط بازپرس صادر شوند یا دادیار، به دلیل اهمیت آن‌ها و تأثیری که در سرنوشت پرونده دارند باید به **تأیید دادستان** نیز برسند.
- ✓ استثناً: **قرار بایگانی پرونده** که در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت توسط **دادگاه** صادر شده باشد نیاز به موافقت مرجع دیگری ندارد.

قرارهای نهایی از بُعد قابلیت اعتراض یا عدم قابلیت اعتراض فارغ از ماده ۲۷۰ ق.آ.د.ک به شرح ذیل تقسیم می‌شود:

- ✓ قرار منع تعقیب: قابل اعتراض است: ابلاغ می‌شود.
 - ✓ قرار موقوفی تعقیب: قابل اعتراض است: ابلاغ می‌شود.
 - ✓ قرار جلب به دادرسی: قابل اعتراض نیست: ابلاغ نمی‌شود.
 - ✓ قرار عدم صلاحیت: قابل اعتراض نیست: ابلاغ نمی‌شود.
- قرارهای قابل اعتراض فقط توسط شاکی می‌توانند مورد اعتراض قرار گیرند، جز **قرار بایگانی پرونده** که هم توسط شاکی و هم توسط دادستان قابل اعتراض هستند.
- مهلت اعتراض به قرارهای مذکور **ده روز** و برای اشخاص مقیم خارج از کشور **یک ماه** از تاریخ ابلاغ است.

رأیی که دادگاه در مقام رسیدگی به اعتراض صادر می‌کند اصولاً قطعی و غیرقابل اعتراض است جز در مورد قرارهای منع یا موقوفی تعقیب در جرائم موضوع بندهای الف، ب، پ، ت ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک که فقط در صورت تأیید این قرارها (نه نقض آن‌ها) مطابق مقررات قابل تجدیدنظر است.

انواع قرارهای نهایی

۱. قرار موقوفی تعقیب

مقام تحقیق بدون ورود به ماهیت پرونده و بررسی ادله شاکی در صورت وجود موارد مصرّح قانونی قرار موقوفی تعقیب صادر می‌نماید. مهم‌ترین مصادیق برای صدور قرار موقوفی تعقیب موارد مذکور در ماده ۱۳ ق.آ.د.ک می‌باشد. ماده ۱۳ ق.آ.د.ک: «تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر:

الف - فوت متهم یا محکوم‌علیه

ب - گذشت شاکی یا مدّعی خصوصی در جرائم قابل گذشت

پ - شمول عفو

ت - نسخ مجازات قانونی

ث - شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون

ج - توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون

چ - اعتبار امر مختوم»

✓ با صدور قرار موقوفی تعقیب، مقام تحقیق مکلف است قرار مذکور را به طرفین ابلاغ کند از قرار تأمین رفع اثر نماید و در صورتی که متهم در بازداشت باشد، بلافاصله باید او را آزاد کند.

۲. قرار منع تعقیب

مقام تحقیق باید طبق ماده ۳۶۵ ق.آ.د.ک که بیان می‌دارد: «... در صورت جرم نبودن عمل ارتكابی و یا فقدان ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار منع تعقیب صادر... (می‌کند)» قرار منع تعقیب در ۲ حالت صادر می‌شود:

۱. در صورتی که رفتار ارتكابی مشتکی عنه جرم نباشد. مانند اینکه (الف) به (ب) مبلغی پول قرض می‌دهد و (ب) در پرداخت قرض (الف) تأخیر می‌کند و (الف) علیه (ب) شکایت خیانت در امانت مطرح می‌نماید که در چنین حالتی به توجه به اینکه رفتار (ب) جرم نبوده و صرفاً نقض تعهد محسوب می‌گردد، قرار منع تعقیب صادر می‌گردد.

۲. در صورتی که ادله کافی برای انتساب جرم به متهم وجود نداشته باشد؛ مانند شکایت (الف) علیه (ب) مبنی بر توهین در حالی که (الف) هیچ دلیلی در رابطه با توهین نمودن (ب) به خود ارائه نمی‌کند.

✓ با صدور قرار منع تعقیب، مقام تحقیق مکلف است قرار مذکور را به طرفین ابلاغ کند و از قرار تأمین رفع اثر نماید و در صورتی که متهم در بازداشت باشد، بلافاصله باید او را آزاد کند.

۳. قرار جلب به دادرسی

در صورتی که مقام تحقیق عقیده به جرم بودن رفتار ارتكابی داشته و ادله کافی نیز برای انتساب جرم به متهم وجود داشته باشد، قرار جلب به دادرسی صادر می‌کند، پرونده پس از موافقت دادستان با قرار جلب دادرسی مقام تحقیق و صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال خواهد شد.

بازپرس باید پس از صدور قرار جلب به دادرسی، پرونده را فوری نزد دادستان ارسال کند. دادستان باید ظرف سه روز از تاریخ وصول، پرونده تحقیقات را ملاحظه و نظر خود را به طور کتبی اعلام کند،

حالات مختلف نظر دادستان راجع به قرار جلب به دادرسی صادره از جانب بازپرس:

۱. **دادستان تحقیقات بازپرس را کامل نداند:** ماده ۲۶۶ ق.آ.د.ک: «چنانچه دادستان تحقیقات بازپرس را کامل نداند، صرفاً مواردی را که برای کشف حقیقت لازم است به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در پرونده درج می‌کند و تکمیل آن را می‌خواهد. در این صورت، بازپرس مکلف به انجام این تحقیقات است.»

۲. **دادستان قرار جلب به دادرسی صادر از جانب بازپرس را کامل و مبتنی بر رعایت تمامی تشریفات قانونی بداند:** ماده ۲۶۸ ق.آ.د.ک: «در صورتی که عقیده دادستان و بازپرس بر جلب متهم به دادرسی باشد، دادستان ظرف دو روز با صدور کیفرخواست، از طریق شعبه بازپرسی بلافاصله پرونده را به دادگاه صالح ارسال می‌کند.»

۳. **مخالفت دادستان با قرار جلب به دادرسی صادره از جانب بازپرس:** ماده ۲۶۹ ق.آ.د.ک: «در هر مورد که دادستان با عقیده بازپرس مخالف باشد و بازپرس بر عقیده خود اصرار کند، پرونده برای حل اختلاف، به دادگاه صالح ارسال و طبق تصمیم دادگاه عمل می‌شود.»

✓ منظور از دادگاه صالح مطابق ماده ۲۷۱ ق.آ.د.ک، دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل اتهام را داشته باشد. با این حال اگر مخالفت دادستان یا قرار جلب دادرسی بازپرس به واسطه صلاحیت، نوع جرم یا مصادیق قانونی آن باشد، حل اختلاف با دادگاه کیفری ۲ که دادرسی در معیت آن است می‌باشد.

نقض قرار یا اعلام نقص تحقیقات از سوی دادگاه

با صدور قرار جلب به دادرسی و تنظیم کیفرخواست و ارسال پرونده به دادگاه، چنانچه دادگاه تحقیقات صورت گرفته را ناقص بداند:

۱. تکمیل تحقیقات را از مرجع صادرکننده قرار بخواهد.
 ۲. خود اقدام به تکمیل تحقیقات نماید.
- ✓ در صورتی که دادگاه تکمیل تحقیقات را از مرجع تحقیق بخواهد، مکلف است موارد نقص تحقیق را به تفصیل و بدون هرگونه ابهام بیان کند و مرجع تحقیق نیز با انجام تحقیقات موردنظر دادگاه، بدون صدور قرار، مجدداً پرونده را به دادگاه ارسال می‌کند. ماده ۲۷۵ ق.آ.د.ک در این باره بیان می‌دارد که: «هرگاه پرونده برای تکمیل تحقیقات به دادرسی اعاده شود، دادرسی مربوط با انجام تحقیقات موردنظر دادگاه، بدون صدور قرار، مجدداً پرونده را به دادگاه ارسال می‌کند و اگر در تحقیقات موردنظر دادگاه ابهامی بیابد، مراتب را برای رفع ابهام از دادگاه استعلام می‌کند.»

اعتراض به قرارهای صادره از جانب بازپرس

در ماده ۲۷۰ ق.آ.د.ک در خصوص تصمیمات قابل اعتراض بازپرس اعلام نظر شده است، این تصمیمات به ۲ شکل ذیل تقسیم‌بندی می‌شود:

۱. تصمیمات قابل اعتراض از ناحیه شاکی: قرار منع تعقیب، قرار موقوفی تعقیب و قرار اناطه
 ۲. تصمیمات قابل اعتراض از ناحیه متهم: قرار بازداشت موقت، ابقاء و تشدید تأمین
- ✓ در ماده ۲۷۰ ق.آ.د.ک مقنن از قید «علاوه بر» استفاده نموده است، این بدان خاطر است که تصمیماتی که از ناحیه بازپرس قابل اعتراض است و در این ماده ذکر نشده است، مانند: قرار توقف تحقیق، قرار عدم دسترسی به پرونده، قرار نظارت قضایی.
- ✓ مهلت اعتراض به قرارهای قابل اعتراض برای اشخاص مقیم ایران ۱۰ روز و برای افراد مقیم خارج از کشور ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ است

اعتراض شاکی به قرار نسبت به قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب

پرونده کیفری ممکن است به واسطه اعتراض شاکی نسبت به قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب، به دادگاه ارسال شود. در چنین حالتی، چنانچه دادگاه صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب را مبتنی بر قانون و صحیح بداند، قرار صادره را تأیید می‌نماید که در این صورت قرارهای مذکور **قطعی** می‌گردند. چنانچه دادگاه اعتراض شاکی به قرار منع یا موقوفی تعقیب را موجه بداند، قرارهای فوق را نقض و قرار جلب به دادرسی صادر می‌نماید. باید دقت کرد که دادگاه پس از بررسی اعتراض شاکی به قرار منع یا موقوفی تعقیب با ۳ وضعیت مواجه می‌شود:

۱. اعتراض شاکی موجه نباشد، قرار صادره تأیید می‌شود.
۲. اعتراض شاکی موجه بوده و با توجه به تحقیقات مقدماتی صورت پذیرفته، جرم رخ داده باشد که در چنین حالتی دادگاه قرار جلب به دادرسی صادر و پرونده جهت احضار متهم و تفهیم اتهام و اخذ آخرین دفاع به مرجع تحقیق اعاده می‌گردد. مرجع تحقیق صرفاً ملزم به رعایت اقدامات فوق است و نباید قرار جلب به دادرسی صادر نماید، زیرا این قرار از سوی دادگاه صادر گردیده است و پس از انجام اقدامات فوق پرونده را به دادگاه ارسال می‌کند. ماده ۲۷۴ ق.آ.د.ک: «دادگاه در صورتی که اعتراض شاکی به قرار منع یا موقوفی تعقیب را موجه بداند، آن را نقض و قرار جلب به دادرسی صادر می‌کند. در مواردی که به نظر دادگاه، تحقیقات دادرسی کامل نباشد، بدون نقض قرار می‌تواند تکمیل تحقیقات را از دادرسی بخواهد یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات کند. موارد نقص تحقیق باید به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در تصمیم دادگاه قید شود. در صورت نقض قرار اناطه توسط دادگاه، بازپرس تحقیقات خود را ادامه می‌دهد.» ماده ۲۷۶ ق.آ.د.ک: «در صورت نقض قرار منع تعقیب و صدور قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه، بازپرس مکلف است متهم را احضار و موضوع اتهام را به او تفهیم کند و با اخذ آخرین دفاع و تأمین مناسب از وی، پرونده را به دادگاه ارسال نماید.»
۳. دادگاه بدون نقض قرار صادره، صرفاً تکمیل تحقیقات را از مرجع تحقیق می‌خواهد. در این حالت دادگاه مکلف است موارد نقص تحقیق را به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در تصمیم خود قید نماید و مرجع تحقیق نیز ملزم به رفع نواقص مطروحه، بدون صدور قرار و ارسال پرونده به دادگاه است.

قرار منع تعقیب و اعتبار امر مختوم

قرار منع تعقیب یک قرار نهایی است که اعتبار امر مختوم دارد، اما ماده ۲۷۸ ق.آ.د.ک قرار منع تعقیب را با قاعده اعتبار امر مختوم به ۲ شکل ذیل جمع نموده است:

۱. قرار منع تعقیب به لحاظ جرم نبودن عمل: اعتبار امر مختوم به صورت مطلق یا تام است.
 ۲. قرار منع تعقیب به لحاظ فقدان ادله: در این مورد نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد، مگر پس از کشف دلیل جدید؛ باید این دلیل جدید به مقام قضایی ارائه شود و با تجویز او قرار منع تعقیب نقض گردد:
۱. اگر قرار منع تعقیب در دادرسی قطعی شود: پس از کشف دلیل جدید با نظر دادستان برای یک‌بار قابل تعقیب است.
 ۲. اگر قرار منع تعقیب در دادگاه قطعی شود: پس از کشف دلیل جدید به درخواست دادستان می‌توان او را برای یک‌بار با اجازه دادگاه صالح برای رسیدگی به اتهام، تعقیب کرد.
- ✓ **نکته:** تجویز ماده ۲۷۸ ق.آ.د.ک هرگز به معنای نقض قرار منع تعقیب به صورت فوری و الزامی نیست.
- ✓ در هر ۲ صورت فوق‌الذکر ۱ مرتبه این امکان وجود دارد، اگر تجویز صورت بگیرد، اما پس از بررسی ادله مقام قضایی به اغناء نرسد، همان قرار منع تعقیب پابرجا می‌ماند، به عبارت دیگر قرار جدید صادر نمی‌شود.
- ✓ درخواست نقض قرار منع تعقیب و ارائه دلیل جدید یک مرتبه مجاز می‌باشد و وابسته به مهلت نیست، مگر مرور زمان حادث شود.

قرار بایگانی پرونده

- ✓ این قرار در راستای اعمال اصل موقعیت داشتن یا مناسب بودن تعقیب و به عنوان یکی از جایگزین‌های تعقیب صادر می‌شود.
- ✓ این قرار نه توسط بازپرس و نه توسط دادستان بلکه توسط قاضی دادگاه صادر می‌شود.
- ✓ از قید چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد معلوم می‌شود که صدور این قرار فقط در جرائم غیر قابل گذشت امکان‌پذیر است.
- ✓ قرار بایگانی پرونده در جرائم تعزیری درجه هفت و هشتم در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری صادر می‌شود.
- ✓ مقام قضایی پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم فقط یک‌بار از تعقیب متهم خودداری کند.
- ✓ این قرار ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض است و مرجع اعتراض دادگاه تجدیدنظر می‌باشد.

قرار توقف تحقیقات

- اگر هویت مرتکب جرم معلوم نشود «نه اینکه متهم دستگیر شود» در جرائم تعزیری درجه چهار، پنج، شش، هفت و هشتم پس از گذشت دو سال بازپرس می‌تواند با موافقت دادستان در برخی جرائم تعزیری قرار توقف تحقیقات صادر نماید.
- ✓ این قرار ظرف ۱۰ روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

کیفرخواست:

- ✓ کیفرخواست یا ادعانامه عبارت است از تقاضای مقام دادستان در جهت اعمال مجازات نسبت به متهم.
- ✓ دادرسی دادگاه صالح هرگز تابع کیفرخواست نیست، هرچند کیفرخواست در اکثریت مواقع موجب محکومیت می‌شود.
- ✓ کیفرخواست پل ارتباطی دادرسی به دادگاه است.
- ✓ کیفرخواست نه حکم است نه قرار، بلکه یک تصمیم قضایی است.
- ✓ کیفرخواست خاتمه امر تعقیب و تحقیق است و به نوعی آغاز دادرسی در دادگاه است.
- ✓ کیفرخواست قابل اصلاح، استرداد و انصراف نیست، مگر در شرایط خاص قانونی مثل: سهو قلم یا کشف ادله جدید به نفع یا ضرر متهم یا گذشت در جرم قابل گذشت.
- ✓ کیفرخواست به ۲ صورت صادر می‌شود:
- ✓ کیفرخواست به صورت کتبی: طبقم ۲۷۹ ق.آ.د.ک در اکثر مواقع صادر می‌شود.
- ✓ کیفرخواست به صورت شفاهی: طبقم ۸۶ ق.آ.د.ک و با رعایت شرایط مندرج در این ماده صادر می‌شود.

صدور کیفرخواست کتبی

- در صدور کیفرخواست کتبی شرایط ماده ۲۷۹ ق.آ.د.ک باید لحاظ شود.
- ماده ۲۷۹ ق.آ.د.ک: «در کیفرخواست موارد زیر قید می‌شود:
- الف - مشخصات متهم، شامل نام، نام خانوادگی، نام پدر، شهرت، سن، شغل، شماره ملی، شماره شناسنامه، تابعیت، مذهب، محل اقامت و وضعیت تأهل او
 - ب - آزاد، تحت قرار تأمین یا نظارت قضایی بودن متهم و نوع آن و یا بازداشت بودن وی با قید علت و تاریخ شروع بازداشت
 - پ - نوع اتهام، تاریخ و محل وقوع جرم اعم از بخش، دهستان، روستا، شهر، ناحیه، منطقه، خیابان و کوچه
 - ت - ادله انتساب اتهام
 - ث - مستند قانونی اتهام
 - ج - سابقه محکومیت مؤثر کیفری متهم

چ - خلاصه پرونده شخصیت یا وضعیت روانی متهم»

صدور کیفرخواست شفاهی

- ✓ کیفرخواست شفاهی در پرونده‌های جرائم مندرج در ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک امکان‌پذیر نیست.
- ✓ کیفرخواست شفاهی زمانی که متهم و شاکی حاضر باشند امکان‌پذیر است.
- ✓ کیفرخواست شفاهی زمانی که متهم حاضر و شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد امکان‌پذیر است.
- ✓ گذشت فوق به نحوی نیست که قرار موقوفی حاصل کند، به عبارتی گذشت در جرائم غیرقابل گذشت می‌باشد.
- ✓ کیفرخواست به نام دادستان است، دادستان می‌تواند رأساً یا به درخواست بازپرس مطابق این ماده عمل کند.
- ✓ کیفرخواست شفاهی زمانی ممکن است که تحقیقات مقدماتی کامل باشد. مراد از تحقیقات اقداماتی چون احضار طرفین، احضار شهود، کارشناسی، تحقیق محل و معاینه محلی.
- ✓ به موجب ماده ۸۶ ق.آ.د.ک، اخذ تأمین متناسب از متهم با دادگاه است.
- ✓ کیفرخواست شفاهی مطابق با اظهارات شفاهی نیست، بلکه یک صورت جلسه مختصر و مفید از دادستان می‌باشد.
- ✓ در کیفرخواست شفاهی ۳ بعد زمانی که نشان از فوریت دارد وجود دارد که عبارتند از:
 - ✓ ۱. طرح موضوع از دادسرا به دادگاه: بلافاصله
 - ✓ ۲. تشکیل جلسه دادگاه برای محاکمه: بدون تأخیر
 - ✓ ۳. عدم استفاده متهم از حق داشتن وکیل و رسیدگی در دادگاه: همان جلسه
- ✓ تأکید می‌شود که عبارات بالا دلالت بر سرعت عمل و فوریت دارد.
- ✓ در ماده ۸۶ ق.آ.د.ک، به ۲ بعد زمانی معین اشاره شده است که این ۲ بعد عبارتند از:
 - ✓ ۱. مدت زمان متهم برای انتخاب وکیل: حداقل ۳ روز
 - ✓ ۲. مدت زمان شاکی برای تنظیم دادخواست مطالبه ضرر و زیان: حداکثر ۵ روز
- ✓ داشتن وکیل برای متهم حق است و دادرس دادگاه باید این حق را به متهم تفهیم کند، در غیر این صورت ضمانت اجرای تخلف این تکلیف تبصره ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک می‌باشد: «سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه است.»
- ✓ به دلیل عدم امکان رسیدگی به امر کیفری و حقوقی ماده ۸۶ ق.آ.د.ک این اختیار را به دادرس دادگاه اعطاء کرده است که به صورت جداگانه به این موضوعات رسیدگی کند و رأی مقتضی صادر کند.

گذشت شاکی پس از صدور کیفرخواست

- در صورتی که پس از صدور کیفرخواست شاکی گذشت کند:
۱. جرم قابل گذشت باشد: قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود.
 ۲. جرم غیرقابل گذشت باشد: با شرایطی قرار تعلیق تعقیب صادر می‌شود.

دادرسی

در قسمت دادرسی و محاکمات ۳ مؤلفه وجود دارد:

۱. صلاحیت
۲. تشریفات
۳. اعتراضات

صلاحیت

صلاحیت کیفری توانایی، شایستگی و تکلیف به موجب قانون، به منظور انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به امور کیفری می‌باشد.

قواعد مربوط به صلاحیت از جمله قوانین آمره و مربوط به نظم عمومی است که کلیه مراجع قضایی، اعم از مراجع تعقیب و مراجع حکم موظف به رعایت آن هستند.

انواع صلاحیت در امور کیفری

صلاحیت ذاتی

صلاحیت مراجع کیفری عالی نسبت به تالی و مراجع کیفری که مطابق قانون ملزم به رسیدگی به نوع خاصی از جرائم هستند، ذاتی می‌باشد. به عنوان نمونه صلاحیت دادگاه‌های کیفری، انقلاب و نظامی نسبت به یکدیگر ذاتی محسوب می‌شوند.

سه عنصر **صنف**، **نوع** و **درجه**، صلاحیت ذاتی مراجع قضایی و غیرقضایی، یا حقوقی و کیفری را از یکدیگر تفکیک می‌نماید.

صنف: مشخص می‌کند رسیدگی به موضوع مورد نظر باید توسط مرجع حقوقی، کیفری یا اداری صورت گیرد.

نوع: منظور از نوع یک دادگاه تعیین این نکته است که آیا مرجع مزبور باید یک مرجع عمومی باشد یا اختصاصی. مراجع عمومی مراجعی هستند که صلاحیت رسیدگی به کلیه امور را دارند مگر اموری که صراحتاً رسیدگی آن‌ها در صلاحیت مرجع دیگری قرار گرفته باشد. مراجع اختصاصی اصولاً صلاحیت رسیدگی به هیچ امری را ندارند مگر اینکه رسیدگی به امور معینی صراحتاً در صلاحیت آن‌ها قرار گرفته باشد.

درجه: منظور از درجه این است که موضوع مورد نظر در صلاحیت مرجع بدوی است یا مرجع تجدیدنظر.

صلاحیت محلی

توانایی، شایستگی و تکلیف به موجب قانون که به مرجع کیفری **محل وقوع جرم** و به منظور انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به امور کیفری واگذار شده است؛ به عبارت دیگر، صلاحیت محلی مجوز قانونی است که به دادسرا دادگاه محل وقوع جرم به منظور تحقیقات مقدماتی و رسیدگی داده می‌شود.

✓ صلاحیت محلی در جرم کلاهبرداری رایانه‌ای

به استناد رأی وحدت رویه شماره ۷۲۹ مورخ ۹۱/۱۲/۱: «در جرم کلاهبرداری مرتبط با رایانه، هرگاه تمهید مقدمات و نتیجه حاصل از آن در حوزه‌های قضایی مختلف صورت گرفته باشد، دادگاهی که بانک افتتاح‌کننده حساب زیان‌دیده از بزه که پول به طور متقلبانه از آن برداشت شده در حوزه آن قرار دارد، صالح به رسیدگی است.»

✓ صلاحیت محلی در جرم مزاحمت تلفنی

به استناد رأی وحدت رویه شماره ۷۲۱ مورخ ۹۰/۴/۲۱: «وقوع بزه مزاحمت برای اشخاص به وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر - موضوع ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی - منوط به آن است که نتیجه آنکه مقصود مرتکب است محقق گردد، بنابراین در مواردی که اجرای مزاحمت از یک حوزه قضایی شروع و نتیجه آن در حوزه قضایی دیگر حاصل شود، **محل حدوث نتیجه** مزبور، محل وقوع جرم محسوب و مناط صلاحیت دادگاه رسیدگی‌کننده نیز همین امر خواهد بود.»

✓ صلاحیت محلی در جرم صدور چک بلامحل

به استناد رأی وحدت رویه شماره ۶۶۹ مورخ ۸۳/۷/۲۱: «در رویه متداول سیستم یکپارچه بانک‌ها، به دارنده چک اختیار داده شده است که علاوه بر شعبه افتتاح حساب، وجه آن را از سایر شعب نیز مطالبه نماید؛ بنابراین در صورت مراجعه دارنده

چک در مهلت مقرر، به شعب دیگر و صدور گواهی عدم پرداخت از بانک مرجوع‌الیه، بزه صدور چک بلامحل محقق و دادگاه محل وقوع جرم، صالح به رسیدگی خواهد بود.»

صلاحیت محلی با توجه به نوع جرم

جرم مرکب: رویه قضایی دادگاه صالح را دادگاه محل وقوع آخرین جزء که سبب تکمیل آن شده می‌داند.

جرم مستمر: هریک از محل‌هایی که جرم در آن استمرار داشته صالح به رسیدگی هستند و چنانچه یکی از آن‌ها شروع به رسیدگی نماید به دلیل سبق رسیدگی، حق تقدم دارد. در این فرض متهم اگر دستگیر شود دادگاه محل دستگیری صالح است.

جرم مقید: محل حدوث نتیجه، محل وقوع جرم محسوب و مناط صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده نیز همین امر خواهد بود.

ترک فعل: در این نوع جرم مکانی که شخص در آنجا موظف به انجام عملی معین بوده ولی از انجام آن خودداری ورزیده است، محل تحقق جرم تلقی می‌شود. «مانند ۱) جرم ترک انفاق که محل وقوع جرم جایی است که نفقه زن باید در آنجا پرداخت شود؛ یعنی اقامتگاه مشترک زوجین ۲) جرم فرار زندانی از مرخصی، محل وقوع جرم زندانی است که وی باید خود را به آنجا معرفی کند.»

صلاحیت شخصی

قانون‌گذار به واسطه برخی ویژگی‌های شخصیتی و جایگاه حقوقی مرتکب جرم قواعد عام صلاحیت، موضوع مواد ۱۱۶ و ۳۱۰ ق.آ.د.ک را تخصیص زده است؛ به عبارت دیگر صلاحیت شخصی، شایستگی و تکلیف به موجب قانون با در نظر گرفتن شخصیت و جایگاه مرتکب به منظور انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به امور کیفری می‌باشد. در صلاحیت شخصی مرجع کیفری به واسطه شخصیت متهم، صالح به رسیدگی است و در این راستا امکان دارد صلاحیت محلی و در برخی موارد صلاحیت ذاتی نقض گردد.

مهم‌ترین مصادیق صلاحیت شخصی

دادگاه اطفال و نوجوانان

به استناد ماده ۳۰۴ ق.آ.د.ک: «به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود...»

✓ قانون‌گذار رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال تمام شمسی را با توجه به شخصیت آنان در اجتماع، در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان قرار داده است.

✓ در مواردی که افراد بالغ زیر هجده سال تمام شمسی مرتکب جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین دادگاه انقلاب (در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود) گردند، دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان را صالح دانسته است. ماده ۳۱۵ ق.آ.د.ک به این نکته اشاره دارد: «جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود اگر توسط افراد بالغ زیر هجده سال تمام شمسی ارتکاب یابد در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان رسیدگی و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد.»

اشخاص و مقامات موضوع مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری

ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک: «رسیدگی به اتهامات رؤسای قوای سه‌گانه و معاونان و مشاوران آنان، رییس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری، وزیران و معاونان وزیران، دارندگان پایه قضایی، رییس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران مراکز استان و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محل‌های سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل، مدیران کل اطلاعات استان‌ها، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری تهران است، مگر آنکه رسیدگی به این جرائم به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.

تبصره ۱ - شمول این ماده بر دارندگان پایه قضایی و افسران نظامی و انتظامی در صورتی است که حسب مورد، در قوه قضاییه یا نیروهای مسلح انجام وظیفه کنند.

تبصره ۲ - رسیدگی به اتهامات افسران نظامی و انتظامی موضوع این ماده که در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح می‌باشد، حسب مورد در صلاحیت دادگاه نظامی یک یا دو تهران است.»

✓ دلیل چنین رویکردی را می‌توان جلوگیری از رعایت برخی ملاحظات در خصوص این مقامات در مراجع کیفری محل وقوع جرم به واسطه نفوذی که این افراد در آن محل دارند و همچنین حفظ اعتبار حاکمیت دانست.

✓ ماده فوق «دادگاه‌های کیفری تهران» اشاره نموده است و برای دیدن انواع دادگاه‌های کیفری، باید به ماده ۲۹۴ ق.آ.د.ک رجوع نمود؛ بنابراین، به جرائم اشخاص مذکور در ماده ۳۰۷ حسب مورد در دادگاه کیفری یک یا دو یا نظامی یک یا دو یا انقلاب تهران رسیدگی می‌شود.

✓ در مورد صلاحیت دادگاه‌های تهران تفاوتی نمی‌کند که جرم ارتكابی در ارتباط با وظایف شغلی اشخاص فوق باشد یا کاملاً بدون ارتباط با آن باشد.

✓ رییس جمهور یکی از اشخاص مشمول ماده فوق است. به موجب ماده ۱۹ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران: «رسیدگی به اتهامات مربوط به تخلفات در رابطه با وظایف و اختیارات رییس جمهور در صلاحیت دیوان عالی کشور است و در جرایم عادی از طریق دادگاه‌های عمومی دادگستری تهران و با اطلاع مجلس صورت می‌گیرد.

تبصره - در هر کدام از اتهامات نامبرده رسیدگی مستقیماً به وسیله دادگاه انجام گرفته و دادسرا حق دخالت ندارد.»

✓ استثناء قسمت اخیر ماده را قانون‌گذار برای موارد خاص، نظیر صلاحیت دادگاه‌های ویژه روحانیت پیش‌بینی نموده است که اصولاً خارج از دادگاه‌های کیفری احصاء شده در ماده ۲۹۴ و تابع آیین‌نامه خاص هستند. در این مورد این دادگاه‌ها نیز اصل بر صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم است، اما به طور استثناء و طبق تبصره ۳ ماده ۱۳ آیین‌نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت اصلاحی ۱۳۸۴: «کلیه اتهامات اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزراء و معاونین آن‌ها، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه، سفرا، دادستان و رییس دیوان محاسبات، دارندگان پایه قضائی، استانداران و فرمانداران و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استان‌ها که به لحاظ روحانی بودن نامبرندگان فوق پرونده آنان در دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت مطرح می‌گردد و نیز کلیه اتهامات نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و ائمه جمعه در دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت تهران رسیدگی خواهد شد.»

✓ ماده فوق و تبصره ۲ آن ناظر به افسران نظامی و انتظامی دارای «درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محل‌های سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل» است. سایر نظامیان دارای درجه سرتیپ دومی که مشمول این ماده قرار نمی‌گیرند تا در تهران محاکمه شوند، مشمول بند «ب» ماده ۵۸۵ ق.آ.د.ک بوده و به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی آن‌ها در دادسرا و دادگاه نظامی مرکز استان رسیدگی می‌گردد.

- ✓ صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به جرائم اشخاص موضوع ماده فوق اعم از آن است که در زمان تصدی سمت‌های مذکور یا قبل از آن مرتکب جرم شده باشند. «ماده ۳۰۹ ق.آ.د.ک»
- ✓ برای صلاحیت استثنایی مقرر در ماده فوق، مرتکب باید یا در زمان ارتکاب جرم تصدی یکی از سمت‌های یادشده را دارا باشد یا در زمان رسیدگی به جرم.

ماده ۳۰۸ ق.آ.د.ک: «رسیدگی به اتهامات **مشاوران وزیران**، بالاترین مقام سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسه‌های دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی، مدیران کل، **فرمانداران**، مدیران مؤسسه‌ها، سازمان‌ها، ادارات دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی استان‌ها و شهرستان‌ها، رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، **شهرداران مراکز شهرستان‌ها** و بخشداران، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری **مرکز استان محل وقوع جرم** است، مگر آنکه رسیدگی به این اتهامات به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.»

- ✓ دلیل چنین رویکردی را می‌توان جلوگیری از رعایت برخی ملاحظات در خصوص این مقامات در مراجع کیفری محل وقوع جرم به واسطه نفوذی که این افراد در آن محل دارند و همچنین حفظ اعتبار حاکمیت دانست.
- ✓ ماده فوق «دادگاه‌های کیفری مرکز استان» اشاره نموده است و برای دیدن انواع دادگاه‌های کیفری، باید به ماده ۲۹۴ ق.آ.د.ک رجوع نمود؛ بنابراین، به جرائم اشخاص مذکور در ماده ۳۰۷ حسب مورد در دادگاه کیفری یک یا دو یا نظامی یک یا دو یا انقلاب مرکز استان رسیدگی می‌شود.
- ✓ در مورد صلاحیت دادگاه‌های تهران تفاوتی نمی‌کند که جرم ارتكابی در ارتباط با وظایف شغلی اشخاص فوق باشد یا کاملاً بدون ارتباط با آن باشد.

روحانیون و اشخاص در حکم روحانی

به موجب ماده ۱۳ آیین‌نامه داسرا و دادگاه ویژه روحانیت: «داسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت در موارد ذیل صالح به رسیدگی می‌باشند.

الف - کلیه جرائم روحانیون

ب - کلیه اعمال خلاف شأن روحانیون

ج - کلیه اختلافات محلی محل به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد.

د - کلیه اموری که از سوی مقام معظم رهبری برای رسیدگی مأموریت داده می‌شود.»

روحانی

طبق ماده ۱۶ آیین‌نامه داسرا و دادگاه ویژه روحانیت: «روحانی به کسی اطلاق می‌گردد که ملبس به لباس روحانیت باشد یا در حوزه مشغول تحصیل باشد یا اگر به کار دیگری مشغول است عرفاً روحانی محسوب گردد.»

استثنائات حاکم بر قواعد صلاحیت

طب مواد ۱۱۶ و ۳۱۰ ق.آ.د.ک، در امور کیفری اصل بر انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی در دادسرا و دادگاه محل وقوع جرم است. با این حال بنا بر شرایطی قانون‌گذار با لحاظ اهداف آیین دادرسی کیفری، اصل مذکور را با استثنائاتی همراه ساخته است و انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به جرم را از دادرسی به دادرسی دیگر و یا از دادگاهی به دادگاهی دیگر تغییر داده است.

صلاحیت اضافی

صلاحیت اضافی عبارت است از اعطای شایستگی و توانایی قانونی به دادسرا و دادگاه، در خصوص انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به جرمی خارج از حوزه قضایی محل وقوع جرم می‌باشد، به عبارت دیگر دادسرا یا دادگاه با یک صلاحیت اضافی بر صلاحیت سابق خود برای رسیدگی به جرم مواجه می‌شود. موارد و مصادیق صلاحیت را قانون تعیین می‌کند و محاکم حق ایجاد یا لغو صلاحیت اضافی را ندارند.

انواع صلاحیت اضافی

۱. تعدد اتهام و جرم
۲. تعدد متهم و مجرم

تعدد اتهام و جرم

ماده ۳۱۳ ق.آ.د.ک: «به اتهامات متعدد متهم باید با رعایت صلاحیت ذاتی، توأمان و یکجا در دادگاهی رسیدگی شود که صلاحیت رسیدگی به جرم مهم‌تر را دارد.»

ماده ۲۸۴ ق.آ.د.ک: «در صورت انتساب اتهامات متعدد به متهم که رسیدگی به آنها در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های مختلف است، کیفرخواست جداگانه خطاب به هر یک از دادگاه‌های صالح صادر می‌شود.»

فروض تعدد اتهام و جرم

ارتکاب جرم متعدد، در صلاحیت دادگاه کیفری دو در حوزه‌های قضایی مختلف

شخص (الف) در شهر مشهد اقدام به سرقت اموال شخص (ب) می‌کند و با عزیمت به شهر اصفهان، مرتکب کلاهبرداری از شخص (ج) می‌شود و به منظور فرار از کشور در فرودگاه شیراز با ارائه مدارک جعلی دستگیر می‌شود. حال سؤال این است که دادسرا و دادگاه‌های شهر مشهد، اصفهان یا شیراز صالح به رسیدگی می‌باشد؟ مواد ۱۱۶ و ۳۱۰ ق.آ.د.ک به تعیین تکلیف فرض مذکور در خصوص رسیدگی در محاکم و تحقیقات مقدماتی در دادسرا پرداخته است.

ماده ۱۱۶ ق.آ.د.ک، در خصوص تعیین مرجع صالح انجام تحقیقات مقدماتی اتهامات متعدد متهم در حوزه‌های قضایی مختلف بیان داشته است که: «بازپرس در حوزه قضایی محل مأموریت خود با رعایت مفاد این قانون ایفای وظیفه می‌کند و در صورت وجود جهات قانونی در موارد زیر شروع به تحقیق می‌نماید:
الف - جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او واقع شود.

ب - جرم در حوزه قضایی دیگری واقع گردد و در حوزه قضایی محل مأموریت او کشف یا متهم در آن حوزه دستگیر شود.

پ - جرم در حوزه قضایی دیگری واقع شود، اما متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او مقیم باشد.»

ماده ۳۱۰ ق.آ.د.ک تکلیف مراجع قضایی کیفری در مواجهه با جرائم ارتكابی در حوزه‌های قضایی متعدد توسط متهم واحد را بدین نحو پیام می‌کند: «متهم در دادگاهی محاکمه می‌شود که جرم در حوزه آن واقع شود. اگر شخصی مرتکب چند جرم در حوزه‌های قضایی مختلف گردد، رسیدگی در دادگاهی صورت می‌گیرد که مهم‌ترین جرم در حوزه آن واقع شده باشد. چنانچه جرائم ارتكابی

از حیث مجازات مساوی باشد. دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شود، به همه آن‌ها رسیدگی می‌کند. در صورتی که متهم دستگیر نشده باشد، دادگاهی که ابتدا تعقیب در حوزه آن شروع شده است، صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد.»

✓ اگر پس از تشخیص محل وقوع جرائم متعدد متهم، معلوم شد که آن‌ها در حوزه‌های قضایی مختلف واقع شده‌اند، به منظور اجرای صحیح قواعد تعدد جرم، لازم است که به همه اتهامات متهم در یک دادگاه رسیدگی شود، البته مشروط بر اینکه جرائم مختلف در صلاحیت ذاتی دادگاه واحدی باشند. برای تعیین دادگاه صالح از میان چند دادگاهی که جرائم مختلف در آن‌ها واقع شده نیز، محل وقوع مهم‌ترین جرم باید مورد توجه قرار گیرد.

✓ ملاک تشخیص مهم‌ترین جرم برای تعیین دادگاه صالح، شدت مجازات هر یک از جرائم و مقایسه آن‌ها است. در جرائم تعزیری، بر اساس طبقه‌بندی هشت‌گانه مذکور در ماده ۱۹ ق.م.ا می‌توان مجازات شدیدتر را تشخیص داد، ولی برای تشخیص مجازات شدیدتر در سایر جرائم (حدی و مستلزم قصاص و دیه) باید به میزان مجازات توجه کرد.

✓ اگر جرائم مختلف از نظر اهمیت (شدت مجازات) یکسان باشند، دادگاهی که «مرتکب در حوزه آن دستگیر می‌شود، به همه آن‌ها رسیدگی می‌کند». با اطلاق حکم این قسمت از ماده، محل دستگیری متهم ملاک است و تفاوتی نمی‌کند که متهم در آن محل جرمی هم مرتکب شده یا نشده باشد. منوط کردن صلاحیت دادگاه محل دستگیری به اینکه لزوماً متهم در آن محل جرمی هم مرتکب شده باشد، پاسخی برای فرضی که وی در محلی غیر از محل وقوع جرم دستگیر شده باشد، ارائه نمی‌دهد و قسمت اخیر ماده ۳۱۰ ق.آ.د.ک نیز در این باره راه‌گشا نخواهد بود.

✓ حکم ماده فوق در خصوص رسیدگی به اتهامات متعدد، در مورد صلاحیت دادسرا نیز اجراء شده و تحقیقات مقدماتی نسبت به همه جرائم در دادسرای انجام می‌شود که مهم‌ترین جرم در حوزه آن واقع شده باشد.

✓ بنابراین در مواجهه با ارتکاب جرائم متعدد توسط متهم واحدی که جرائم به وقوع پیوسته در صلاحیت دادگاه کیفری دو در حوزه‌های قضایی مختلف می‌باشد، دادسرا و دادگاه حوزه قضایی مهم‌ترین جرم به وقوع پیوسته، صالح به رسیدگی خواهد بود.

ارتکاب جرائم متعدد، برخی در صلاحیت دادگاه کیفری یک و برخی در صلاحیت دادگاه کیفری دو

شخص (الف) در شهر تهران مرتکب کلاهبرداری از شخص (ب) می‌شود و شخص (ج) که از اقوام شخص (ب) می‌باشد. برای اخذ وجوه متعلق به وی به دنبال شخص (الف) می‌رود و پس از مشاجره لفظی و درگیری با وی، شخص (الف) در شهر تهران شخص (ج) را به قتل می‌رساند.

در فرض فوق شخص (الف) مرتکب جرائم متعددی در یک حوزه قضایی شده است که رسیدگی به جرم کلاهبرداری در صلاحیت دادگاه کیفری دو تهران و رسیدگی به جرم قتل عمدی در صلاحیت دادگاه کیفری یک تهران می‌باشد. حال با در نظر گرفتن اصل رسیدگی توأمان، کدام دادگاه صالح به رسیدگی است؟

تبصره ۱ ماده ۳۱۴ ق.آ.د.ک به این سؤال پاسخ داده است و در این رابطه بیان می‌دارد: «هرگاه شخصی متهم به ارتکاب جرائم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و رسیدگی به بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه کیفری دو یا اطفال و نوجوانان است، به تمام جرائم او در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود.»

ارتکاب جرائم متعدد، برخی در صلاحیت دادگاه کیفری یک و برخی در صلاحیت اطفال و نوجوانان

شخص (الف) که کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی دارد، در تهران مرتکب قتل عمدی و سرقت ساده می‌گردد. رسیدگی به اتهامات شخص مذکور، به استناد ماده ۳۱۵ و تبصره ۱ ماده ۳۱۴ ق.آ.د.ک، در «دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان» صورت می‌گیرد.

ارتکاب جرائم متعدد، برخی در صلاحیت دادگاه انقلاب و برخی در صلاحیت دادگاه نظامی و برخی دیگر در صلاحیت دادگاه کیفری

پاسخ به این فرض در ماده ۳۱۴ ق.آ.د.ک چنین بیان شده است: «هر کس متهم به ارتکاب جرائم متعدد باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و دو و بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه انقلاب یا نظامی باشد، متهم ابتدا در دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به **مهم‌ترین** اتهام را دارد، محاکمه می‌شود و پس از آن برای رسیدگی به اتهام دیگر به دادگاه مربوط اعزام می‌شود. در صورتی که اتهامات از حیث مجازات مساوی باشد، متهم حسب مورد، به ترتیب در دادگاه انقلاب، نظامی، کیفری یک یا کیفری دو محاکمه می‌شود.»

به عنوان مثال چنانچه شخص (الف) که نظامی است در اثناء خدمت و در حین وظیفه و بازرسی وسیله نقلیه شخص (ب) و کشف یک تن مواد مخدر صنعتی، با اخذ مبلغی پول وی را از دست دیگر مأموران فراری می‌دهد. سپس با انگیزه ربودن مواد از شخص (ب) و فروش آن به دیگران به تعقیب او می‌پردازد و در محل خالی از سکنه با او درگیر و شخص (ب) را به قتل می‌رساند و با برداشتن مواد مخدر اقدام به فرار می‌نماید و یک روز بعد در حالی که قصد فروش مواد مخدر را به شخص (ج) دارد دستگیر می‌شود. شخص نظامی (الف) مرتکب جرائم ارتشاء، سرقت، قتل عمدی و در معرض فروش قراردادن یک تن مواد مخدر صنعتی شده است. جرائم ارتكابی از حیث اهمیت عبارت‌اند از:

۱. جرم در معرض فروش قراردادن یک تن مواد مخدر صنعتی در صلاحیت دادگاه انقلاب
۲. جرم قتل عمدی در صلاحیت دادگاه کیفری یک
۳. جرم ارتشاء در صلاحیت دادگاه نظامی (به دلیل اینکه در حین خدمت بوده)
۴. جرم سرقت در صلاحیت دادگاه کیفری دو (به جهت آنکه از جرائم خاص نظامی و در حین وظیفه نظامی نبوده است.)

بر اساس ماده ۳۱۴ ق.آ.د.ک چون جرائم مذکور در صلاحیت ذاتی محاکم مختلف است، لذا ابتدا به جرم در معرض فروش قراردادن یک تن مواد مخدر صنعتی در دادگاه انقلاب و سپس به جرائم قتل عمدی و سرقت در دادگاه کیفری یک و در نهایت به جرم ارتشاء در دادگاه نظامی رسیدگی می‌شود.

تعدد متهم

با عنایت به مواد قانون آیین دادرسی کیفری باید بین با عنایت به مواد قانون آیین دادرسی کیفری باید بین ۲ حالت قائل به تفکیک شد:

حالت اول جرایمی که رفتار مجرمانه با فعل یک نفر محقق می‌گردد، مانند جرم قذف یا شرب خمر

حالت دوم: جرایمی که رفتار مجرمانه با فعل دو یا چند نفر محقق می‌گردد، مانند زنا یا رابطه نامشروع

مطابق ماده ۳۱۱ ق.آ.د.ک، در هر دو حالت فوق، شرکاء و معاونان جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت رسیدگی به **اتهام متهم اصلی** را دارد.

در جرائم **سازمان یافته** دادگاه صالح دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به متهم اصلی «سر دسته» را دارد.

فروش تعدد متهم

یکی از شرکا یا معاونان جزء مقامات مذکور در مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری باشند.

اگر متهم اصلی از مقامات مذکور در مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ ق.آ.د.ک باشد، مطابق ماده ۳۱۱ ق.آ.د.ک به اتهامات شرکا و معاونین نیز به ترتیب در دادگاه کیفری تهران و دادگاه کیفری مرکز استان محل وقوع جرم رسیدگی می‌شود.

اگر شرکا و معاونان جرم جزء مقامات مذکور در مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ ق.آ.د.ک باشند، مطابق تبصره ماده ۳۱۱ ق.آ.د.ک رسیدگی به اتهام سایر متهمان در دادگاه کیفری تهران و یا دادگاه کیفری مرکز استان محل وقوع جرم رسیدگی می شود.

تبصره ماده ۳۱۱ ق.آ.د.ک: «هرگاه دو یا چند نفر متهم به مشارکت یا معاونت در ارتکاب جرم باشند و یکی از آنان جزء مقامات مذکور در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون باشد، به اتهام همه آنان، حسب مورد، در دادگاههای کیفری تهران و یا مراکز استان رسیدگی می شود و چنانچه افراد مذکور در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون در ارتکاب یک جرم مشارکت یا معاونت نمایند به اتهام افراد مذکور در ماده (۳۰۸) نیز حسب مورد در دادگاه کیفری تهران رسیدگی می شود.»

یکی از شرکا، معاونان یا متهم اصلی طفل یا نوجوان باشد

در این فرض به جای آنکه به اتهامات تمامی این اشخاص در دادگاهی رسیدگی شود که صلاحیت رسیدگی به اتهام متهم اصلی را دارد، به جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه اطفال و نوجوانان و به جرائم بزرگسالان در دادگاه صالح رسیدگی خواهد شد.

ماده ۳۱۲ ق.آ.د.ک در این خصوص بیان می دارد: «هرگاه یک یا چند طفل یا نوجوان با مشارکت یا معاونت اشخاص بزرگسال مرتکب جرم شوند و یا در ارتکاب جرم با اشخاص بزرگسال معاونت نمایند، فقط به جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود.»

البته باید توجه داشت که در جرایمی که رفتار مجرمانه با فعل دو یا چند نفر محقق می گردد و یکی از متهمان اصلی طفل یا نوجوان باشد، چون به استناد رأی وحدت رویه شماره ۵۴۹ مورخ ۶۹/۱۲/۲۱ «جرمی که تحقق آن منوط به فعل دو نفر باشد **جرم واحد** است» به اتهامات تمامی متهمان باید در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی شود.

تبصره ماده ۳۱۲ ق.آ.د.ک در این خصوص بیان می دارد: «در جرایمی که تحقق آن منوط به فعل دو یا چند نفر است، در صورتی که رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان باشد، رسیدگی به اتهام کلیه متهمان در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می آید. در این صورت اصول حاکم بر رسیدگی به جرائم اشخاص بالاتر از هجده سال تابع قواعد عمومی است»

احاله

گاهی اوقات برای رعایت بعضی مصالح اجتماعی و اقتصادی و سیاسی رسیدگی به امر کیفری از مرجعی که حسب قانون صلاحیت محلی برای رسیدگی به آن را دارد به یک مرجع دیگر که هم عرض آن است پرونده ارجاع می شود، این امر را احاله دعوی کیفری می گویند؛ به عبارت دیگر احاله، اعطاء و سپردن تحقیقات و رسیدگی به اتهام و یا جرم از دادسرا یا دادگاه صالح به دادسرا یا دادگاهی که صلاحیت محلی برای رسیدگی به آن جرم را ندارد، به موجب قانون می باشد. احاله پرونده نباید به کیفیتی باشد که موجب عسر و حرج شاکی یا مدعی خصوصی شود.

شرایط احاله

ماده ۴۱۸ ق.آ.د.ک به بیان شرایط احاله به این شرح بیان شده است: «در هر مرحله از رسیدگی کیفری، احاله پرونده از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر **یک استان**، حسب مورد، به درخواست دادستان یا رییس حوزه قضایی مبدأ و موافقت **شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان** و از حوزه قضایی **یک استان به استان دیگر** به تقاضای همان اشخاص و موافقت **دیوان عالی کشور** صورت می گیرد.

تبصره - در مورد جرائم در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح، احاله حسب مورد به درخواست دادستان نظامی یا رییس سازمان قضایی استان با موافقت رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح انجام می شود.»

- ✓ احاله پرونده از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر یک استان
در این مورد احاله به درخواست دادستان یا رییس حوزه قضایی مبدأ و موافقت شعبه اول تجدیدنظر انجام می شود.
برای مثال، احاله پرونده از حوزه قضایی شهریار به حوزه قضایی اسلامشهر حسب مورد به درخواست دادستان یا رییس حوزه قضایی شهرستان شهریار و موافقت شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان تهران انجام می شود.
- ✓ احاله پرونده از حوزه قضایی یک استان به استان دیگر
در این مورد احاله به درخواست دادستان یا رییس حوزه قضایی مبدأ و موافقت دیوان عالی کشور انجام می شود.
برای مثال، احاله پرونده از حوزه قضایی استان اصفهان به حوزه قضایی استان فارس، حسب مورد به درخواست دادستان یا رییس حوزه قضایی استان اصفهان و موافقت دیوان عالی کشور انجام می شود.
- ✓ احاله پرونده مطروحه در دادسرا یا دادگاه نظامی
در این مورد احاله حسب مورد به درخواست دادستان نظامی یا رییس سازمان قضایی استان با موافقت رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح انجام می شود.
- ✓ احاله پرونده مطرح در دادسرا و یا دادگاه ویژه روحانیت
ماده ۳۰ آیین نامه دادسراها و دادگاه های ویژه روحانیت: «احاله پرونده از حوزه ای به حوزه قضایی دیگر در اختیار دادستان منصوب خواهد بود»

موارد احاله

- ماده ۴۱۹ ق.آ.د.ک ۲ مورد از موارد احاله را بدین بیان می دارد: «احاله در موارد زیر صورت می گیرد:
- الف- متهم یا بیشتر متهمان در حوزه دادگاه دیگری اقامت داشته باشند.
- ب- محل وقوع جرم از دادگاه صالح دور باشد، به نحوی که دادگاه دیگر به علت نزدیک بودن به محل وقوع آن، آسان تر بتواند به موضوع رسیدگی کند.
- تبصره - احاله پرونده نباید به کیفیتی باشد که موجب عسر و حرج شاکی و یا مدعی خصوصی شود.»
- ماده ۴۲۰ ق.آ.د.ک ۲ مورد از موارد احاله را بدین بیان می دارد: «علاوه بر موارد مذکور در ماده قبل، به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی، بنا به پیشنهاد رییس قوه قضاییه یا دادستان کل کشور و تجویز دیوان عالی کشور، رسیدگی به حوزه قضایی دیگر احاله می شود.
- تبصره - در جرائم در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح، رییس این سازمان می تواند به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی و رعایت مصالح نیروهای مسلح، پرونده را به حوزه قضایی دیگر احاله کند.»
- موارد و مصادیق احاله به استناد مواد فوق به شرح ذیل است:
۱. اقامت متهم یا بیشتر متهمان در حوزه دادگاه دیگری باشد.
 ۲. دور بودن محل وقوع جرم از دادگاه صالح و نزدیک بودن محل وقوع جرم به دادگاه دیگر که این امر سهولت رسیدگی در دادگاه غیر صالح اما نزدیک به محل وقوع جرم را فراهم سازد.
 ۳. به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی صرفاً با پیشنهاد رییس قوه قضاییه یا دادستان کل کشور و تجویز دیوان عالی کشور.

حل اختلاف در صلاحیت

ماده ۳۱۷ ق.آ.د.ک: «حل اختلاف در صلاحیت در امور کیفری، مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی است و حل اختلاف بین دادرها مطابق قواعد حل اختلاف دادگاههایی است که دادرها در معیت آن قرار دارد.»

- ✓ تعارض صلاحیت عبارت از این است که دو دادگاه نسبت به یک جرم، همزمان از خود به نفع دیگری نفی صلاحیت کرده «تعارض منفی» یا نسبت به یک جرم هر یک همزمان خود را صالح به رسیدگی بدانند «تعارض مثبت»
- ✓ در صورت تعارض صلاحیت محلی میان دو دادگاه، مرجع حل اختلاف دادگاه تجدیدنظر استان است مگر اینکه این دو دادگاه در حوزه یک استان نباشند که در این صورت، حل اختلاف در دیوان عالی کشور صورت می‌گیرد.
- ✓ در صورت تعارض صلاحیت ذاتی، مرجع حل اختلاف همیشه دیوان عالی کشور است.
- ✓ همیشه حل اختلاف توسط مرجعی صورت می‌گیرد که نسبت به طرفین اختلاف مرجع بالاتر محسوب می‌شود. اگر دو طرف اختلاف، یکی مرجع عالی و دیگری مرجع تالی یا پایین باشد، نظر مرجع عالی در تشخیص صلاحیت برای مرجع دیگر لازم‌الاتباع است.
- ✓ اختلاف صلاحیت میان دادگاههای کیفری یک و دو، اختلاف در صلاحیت ذاتی نیست.
- ✓ اختلاف صلاحیت دادگاه کیفری یک و دو:
 ۱. یک استان: دادگاه تجدیدنظر همان استان
 ۲. دو استان: دیوان عالی کشور

اصول صلاحیت در امور کیفری

- ✓ تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر مرجع قضایی نسبت به پرونده کیفری با همان مرجعی قضایی است که پرونده به آن ارجاع شده است.
- ✓ نخستین اقدام هر مرجع قضایی بررسی و تعیین صلاحیت آن مرجع نسبت به پرونده ارجاع شده است.
- ✓ در صورت تشخیص عدم صلاحیت از سوی مرجع قضایی رسیدگی کننده به پرونده کیفری، مرجع مذکور مکلف به صدور قرار عدم صلاحیت می‌باشد.
- ✓ در صورتی که پرونده با صدور قرار عدم صلاحیت یا جهت حل اختلاف در صلاحیت به مرجع قضایی دیگری ارسال شود، پرونده باید خارج از نوبت رسیدگی شود.
- ✓ اختلاف در صلاحیت میان مراجع عالی و تالی قابل تصور نیست، به عبارت بهتر همیشه نظر مرجع عالی لازم‌الاتباع است.
- ✓ رأی مرجع قضایی صالح در خصوص حل اختلاف، قطعی و لازم‌الاتباع است.
- ✓ مرجع حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاههای انقلاب، نظامی و اطفال و نوجوانان با یکدیگر یا با دادگاه کیفری یک و دو دیوان عالی کشور است.
- ✓ مرجع حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاههای عمومی یا انقلاب یا نظامی با مراجع غیرقضایی دیوان عالی کشور می‌باشد.
- ✓ قواعد مربوط به صلاحیت از جمله قواعد آمره و مربوط به نظم عمومی بوده و رعایت آن برای مراجع قضایی لازم است.
- ✓ عدم رعایت صلاحیت ذاتی یا محلی همواره موجب بی‌اعتباری آراء و تصمیمات مرجع غیر صالح بوده و حتی در صورت درستی این تصمیمات در ماهیت قضیه، هر رأیی که از دادگاه فاقد صلاحیت صادر شده باشد باید در مرجع بالاتر نقض شود.
- نکته مهم: تمامی قواعد و اصول حاکم بر حل اختلاف در صلاحیت که در خصوص دادگاهها بیان شد، در رابطه با دادرها مجری است.

انواع دادگاه‌های کیفری

۱. دادگاه عمومی
۲. دادگاه اختصاصی

دادگاه‌های عمومی

دادگاه‌های کیفری مراجعی هستند که صلاحیت رسیدگی به تمامی جرائم را دارند، مگر آن دسته از جرایمی که به موجب قانون رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری دیگری قرار گرفته باشد.

انواع دادگاه عمومی

۱. دادگاه کیفری دو
۲. دادگاه کیفری یک

دادگاه کیفری دو

اصل بر این است که تمامی پرونده‌های کیفری در دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌شود. ماده ۳۰۱ ق.آ.د.ک به این اشاره دارد: «دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد، مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد.» با این حال، جرایمی مانند افتراء یا تصرف عدوانی پس از انجام تحقیقات مقدماتی در دادسرا و صدور کیفرخواست، در دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌شود.

ساختار دادگاه کیفری دو

ماده ۲۹۵ ق.آ.د.ک: «دادگاه کیفری دو با حضور رییس یا دادرس علی‌البدل «وحدت قاضی» در حوزه قضایی هر شهرستان تشکیل می‌شود.»

ماده ۲۹۹ ق.آ.د.ک: «در صورت ضرورت به تشخیص رییس قوه قضاییه در حوزه بخش، دادگاه عمومی بخش تشکیل می‌شود. این دادگاه به تمامی جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌کند.»

تبصره ۱ - به تشخیص رییس قوه قضاییه، تشکیل دادگاه عمومی بخش در شهرستان‌های جدید که به لحاظ قلمت میزان دعاوی حقوقی و کیفری، ضرورتی به تشکیل دادگستری نباشد بلامانع است.

تبصره ۲ - به تشخیص رییس قوه قضاییه، در حوزه قضایی بخش‌هایی که به لحاظ کثرت میزان دعاوی حقوقی و کیفری، ضرورت ایجاد می‌کند، تشکیل دادگستری با همان صلاحیت و تشکیلات دادگستری شهرستان بلامانع است.»

✓ دادگاه‌های کیفری مذکور در قانون آیین دادرسی کیفری اصولاً در حوزه قضایی شهرستان یا مرکز استان تشکیل می‌شوند، نه در حوزه قضایی بخش. اگر در یک حوزه قضایی بخش، به دلیل وسعت و جمعیت آن، تأسیس دادگاه در محل ضرورت داشته باشد، استثنائاً، دادگاهی تشکیل و با نام «دادگاه عمومی بخش» و با صلاحیت «دادگاه کیفری دو» فعالیت می‌کند. این دادگاه می‌تواند در شهرستان‌های جدید که به لحاظ قلمت میزان دعاوی حقوقی و کیفری، ضرورتی به تشکیل دادگستری نباشد، تشکیل گردد.

✓ در حوزه قضایی بخش، رییس یا دادرس علی‌البدل دادگاه عمومی بخش، تحقیقات مقدماتی جرائم داخل در صلاحیت خود را نیز انجام می‌دهد.

دادگاه کیفری یک

ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک صلاحیت دادگاه کیفری یک را این گونه بیان کرده است: «به جرائم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود:

الف - جرائم موجب مجازات سلب حیات

ب - جرائم موجب حبس ابد

پ - جرائم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن

ت - جرائم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر

ث - جرائم سیاسی و مطبوعاتی»

✓ بند «الف» ماده فوق تصریح به میزان مجازات رفتار ارتكابی، فارغ از شرایط خاص هر پرونده دارد. برای مثال، در صورت ارتكاب قتل عمدی، پرونده در دادگاه کیفری یک مطرح می‌شود و سایر جهات موجود از قبیل اعلام گذشت اولیاء دم، رابطه ابوت و مواردی دیگر تأثیری در تغییر مرجع صالح رسیدگی ندارد، به عبارتی دیگر، مجرد وقوع جرم و میزان مجازات قانونی آن ملاک تعیین صلاحیت دادگاه کیفری یک خواهد بود.

✓ بند «ب» ماده فوق به جرایمی مانند، مجازات مکره در قتل ماده ۳۷۵ ق.م.ا و مجازات تکرار سرقت حدی در مرتبه سوم اشاره دارد.

✓ بند «پ» ماده فوق به مجازات جرایمی از قبیل سرقت و محاربه اشاره دارد.

✓ تعریف جرم سیاسی مندرج در بند «ث» ماده فوق در ماده ۱ و ۲ قانون جرم سیاسی چنین تعریف شده است:

ماده ۱: «هر یک از جرائم مصرح در ماده (۲) این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتكاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه‌زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود.»

ماده ۲: «جرائم زیر در صورت انطباق با شرایط مقرر در ماده (۱) این قانون جرم سیاسی محسوب می‌شوند.

الف - توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس‌جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسؤولیت آنان

ب - توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است با رعایت مفاد ماده (۵۱۷) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات

پ - جرائم مندرج در بندهای (د) و (ه) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷

ت - جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات

ث - نشر اکاذیب»

✓ جرم مطبوعاتی مندرج در بند «ث» ماده فوق به جرایمی اطلاق می‌شود که در فصل ششم «قانون مطبوعات» ذکر شده است.

✓ علاوه بر موارد مندرج در ماده فوق، جرم تأمین مالی تروریسم به استناد ماده ۹ قانون تأمین مالی تروریسم در دادگاه کیفری یک مرکز استان رسیدگی می‌شود.

ساختار دادگاه کیفری یک

ماده ۲۹۶ ق.آ.د.ک ساختار دادگاه کیفری را چنین بیان کرده است: دادگاه کیفری یک دارای رییس و دو مستشار است (تعدد قاضی) که با حضور دو عضو نیز رسمیت می‌یابد. در صورت عدم حضور رییس، ریاست دادگاه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضائی بیشتری دارد.

تبصره ۱ - دادگاه کیفری یک در **مرکز استان** و به تشخیص رییس قوه قضاییه در حوزه قضایی شهرستان‌ها تشکیل می‌شود. در حوزه‌هایی که این دادگاه تشکیل نشده است، به جرائم موضوع صلاحیت آن در نزدیک‌ترین دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی آن استان رسیدگی می‌شود.

تبصره ۲ - دادرس علی‌البدل حسب مورد می‌تواند به جای رییس یا مستشار انجام وظیفه کند. همچنین با انتخاب رییس کل دادگستری استان، عضویت مستشاران دادگاه‌های تجدیدنظر در دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند بلامانع است.»

✓ دادگاه کیفری یک با نظام تعدد قاضی اداره می‌شود.

✓ دادگاه کیفری یک از لحاظ اداری تحت ریاست رییس کل دادگستری استان می‌باشد.

دادگاه‌های اختصاصی

این دادگاه‌ها صلاحیت رسیدگی به هیچ جرمی را ندارند، مگر آن دسته جرایمی که رسیدگی به آن‌ها، صرفاً از سوی قانون، در صلاحیت دادگاه‌های مذکور قرار داده شده باشد.

انواع دادگاه اختصاصی

۱. دادگاه انقلاب
۲. دادگاه نظامی
۳. دادگاه اطفال و نوجوانان
۴. دادگاه ویژه روحانیت

دادگاه انقلاب

دادگاهی اختصاصی است که فقط صلاحیت رسیدگی به جرائم مندرج در ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک را دارد.

صلاحیت دادگاه انقلاب

۱. جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی «ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک»
۲. اقدام مسلحانه یا احراق یا تخریب و اتلاف اموال به منظور مقابله با نظام «ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک»
۳. محاربه، افساد فی الارض و بغی «ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک»
۴. تبانی و اجتماع علیه جمهوری اسلامی ایران به منظور مقابله با نظام «ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک»
۵. توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری «ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک»
۶. **تمام** جرائم مربوط به مواد مخدر، روان‌گردان و پیش‌سازهای آن «ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک»
۷. قاچاق اسلحه، مهمات و اقلام و مواد تحت کنترل «ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک»
۸. جرائم مطروحه در قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند. «ماده ۱۱ این قانون»

۹. جرائم مطرح در قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی «تبصره ۶ ماده ۳ این قانون»
۱۰. جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور با وجود شرایط مصرح در ماده ۲ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور «تبصره ۶ ماده ۲ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی»
۱۱. دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی
۱۲. رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه‌ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی در صلاحیت دادرسی و دادگاه انقلاب است. «ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز»

ساختار دادگاه انقلاب

ماده ۲۹۷ ق.آ.د.ک ساختار دادگاه انقلاب را چنین بیان نموده است: «دادگاه انقلاب در مرکز هر استان و به تشخیص رییس قوه قضائیه در حوزه قضائی شهرستان‌ها تشکیل می‌شود. این دادگاه برای رسیدگی به جرائم موجب مجازات مندرج در بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون دارای رییس و دو مستشار است «تعدد قاضی» که با دو عضو نیز رسمیت دارد. دادگاه برای رسیدگی به سایر موضوعات با حضور رییس یا دادرسی علی‌البدل یا یک مستشار تشکیل می‌شود.

تبصره - مقررات دادرسی دادگاه کیفری یک به شرح مندرج در این قانون در دادگاه انقلاب، در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند جاری است.»

✓ جرائم موجب مجازات مندرج در بندهای «الف»، «ب»، «پ» و «ت» ماده (۳۰۲) اصولاً در صلاحیت دادگاه کیفری یک هستند که به حکم ماده فوق، دادگاه انقلاب در هنگام رسیدگی به آن‌ها دارای رییس و دو مستشار است که با حضور دو عضو نیز رسمیت دارد. این مطلب دلالت بر این دارد که اگر جرائم داخل در صلاحیت دادگاه انقلاب یکی از مجازات‌های مذکور را به دنبال داشته باشد، در تعارض صلاحیت دادگاه انقلاب و کیفری یک، قانون‌گذار رأی به صلاحیت دادگاه انقلاب داده است.

✓ سایر موضوعاتی که در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار دارد، به صورت وحدت قاضی، با حضور رییس یا دادرسی علی‌البدل یا توسط یک مستشار رسیدگی می‌شود.

✓ منظور از مقررات دادرسی مذکور در تبصره ماده فوق، مواد مندرج در سه مبحث ذیل فصل چهارم از بخش سوم قانون آیین دادرسی کیفری، شامل مواد ۳۸۲ تا ۴۰۵ می‌باشد.

✓ ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه‌ای، قاچاق کالاهای ممنوع و کالا و ارز مستلزم حبس یا انفصال از خدمات دولتی، در صلاحیت دادرسی و دادگاه انقلاب است. (سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، تخلف محسوب و رسیدگی به آن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است.)

✓ به استناد تبصره ۴ ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۹۲) رسیدگی به قاچاق مشروبات الکلی و قاچاق تجهیزات دریافت ماهواره به طور غیر مجاز که از مصادیق کالاهای ممنوعه است و به استناد ماده ۴۴ همین قانون در صلاحیت دادگاه انقلاب می‌باشد.

✓ منظور از قاچاق سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل وارد کردن آن‌ها به کشور یا خارج نمودن آن‌ها از کشور به طور غیرمجاز است. لذا به نظر اکثریت هیأت عمومی دیوان عالی کشور خرید و فروش، حمل و نقل، مخفی کردن و نگاهداشتن سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل به طور غیر مجاز از شمول عنوان قاچاق خارج و رسیدگی به این جرائم در صلاحیت دادگاه عمومی است.

دادگاه نظامی

اصل یکصد و هفتاد و دوم: «برای رسیدگی به جرائم مربوط به **وظایف خاص نظامی یا انتظامی** اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرایمی که در **مقام ضابط دادگستری** مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود...»

صلاحیت دادگاه نظامی

ماده ۵۹۷ ق.آ.د.ک: «به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضاء نیروهای مسلح به جز جرائم در مقام ضابط دادگستری در سازمان قضائی رسیدگی می‌شود.

تبصره ۱- رسیدگی به جرائمی که امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری اجازه فرموده‌اند در دادگاه‌ها و دادرسی‌های سازمان قضائی نیروهای مسلح رسیدگی شود، مادامی که از آن عدول نشده در صلاحیت این سازمان است.

تبصره ۲- منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، جرائمی است که اعضاء نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسؤولیت‌های نظامی و انتظامی که طبق قانون و مقررات به عهده آنان است مرتکب گردند.

تبصره ۳- رهایی از خدمت مانع رسیدگی به جرائم زمان اشتغال در دادگاه نظامی **نمی‌شود**.

تبصره ۴- جرم در مقام ضابط دادگستری، جرمی است که ضابطان در حین انجام وظایف قانونی خود در ارتباط با جرائم مشهود و یا در راستای اجرای دستور مقام قضائی دادگستری مرتکب می‌شوند.»

✓ ملاک صلاحیت دادگاه نظامی، داشتن سمت‌های نظامی در **زمان ارتکاب جرم** است و نه در زمان رسیدگی و صدور حکم. به همین علت است که رهایی از خدمت نافی صلاحیت دادگاه نظامی در رسیدگی به جرائم نظامیان حین اشتغال نیست.

✓ رفتار مجرمانه به وقوع پیوسته از وظایف خاص نظامی و انتظامی مرتکب باشد.

✓ رفتار مجرمانه فوق از سوی اعضاء نیروهای مسلح در مقام ضابط دادگستری نباشد.

اعضای نیروهای مسلح

ماده ۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح: «دادگاه‌های نظامی به جرائم مربوط به وظائف خاص نظامی و انتظامی کلیه افراد زیر که در این قانون به اختصار «نظامی» خوانده می‌شوند رسیدگی می‌کنند:

الف - کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته.

ب - کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته.

ج - کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته و اعضاء بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

د - کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان‌های وابسته.

ه - کارکنان مشمول قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.

و - کارکنان وظیفه از تاریخ شروع خدمت تا پایان آن.

ز - محصلان - موضوع قوانین استخدامی نیروهای مسلح - مراکز آموزش نظامی و انتظامی در داخل و خارج از کشور و نیز مراکز آموزش وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.

ح - کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند و طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضاء نیروهای مسلح محسوب می‌شوند.

تبصره ۱ - جرائم نظامی و انتظامی کارکنان مذکور که در سازمان‌های دیگر خدمت می‌کنند در دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود.
 تبصره ۲ - رهایی از خدمت مانع رسیدگی به جرائم زمان اشتغال نمی‌شود.»

ساختار دادگاه نظامی

- ✓ در مرکز هر استان، سازمان قضائی استان متشکل از دادسرا و دادگاه‌های نظامی است. «ماده ۵۷۸ ق.آ.د.ک»
- ✓ در شهرستان‌ها در صورت نیاز، دادسرای نظامی ناحیه تشکیل می‌شود. حوزه قضائی دادسرای نظامی نواحی به تشخیص رییس قوه قضائیه تعیین می‌شود. «ماده ۵۷۸ ق.آ.د.ک»
- ✓ دادستان نظامی استان بر اقدامات قضات دادسرای نظامی ناحیه از حیث وظایفی که بر عهده دارند، نظارت دارد و تعلیمات لازم را ارائه می‌نماید. «تبصره ۱ ماده ۵۷۸ ق.آ.د.ک»
- ✓ رییس دادسرای نظامی ناحیه که معاون دادستان نظامی مرکز استان است. «تبصره ۲ ماده ۵۷۸ ق.آ.د.ک»
- ✓ رییس دادسرای نظامی ناحیه علاوه بر نظارت قضائی، بر امور اداری نیز ریاست دارد. «تبصره ۲ ماده ۵۷۸ ق.آ.د.ک»
- ✓ حوزه قضائی هر استان به تعداد لازم شعب دادگاه و دادسرا و نیز تشکیلات مورد دارد. «تبصره ۳ ماده ۵۷۸ ق.آ.د.ک»
- ✓ رییس سازمان قضائی استان، رییس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر نظامی است. «ماده ۵۷۹ ق.آ.د.ک»
- ✓ رییس سازمان قضائی استان بر کلیه شعب دادگاه و دادسرای نظامی استان نظارت و ریاست اداری دارد. «ماده ۵۷۹ ق.آ.د.ک»
- ✓ تصدی امور اداری در غیاب رییس سازمان با معاون وی و در غیاب آن‌ها با دادستان نظامی استان است. «ماده ۵۷۹ ق.آ.د.ک»
- ✓ وظایف، اختیارات، صلاحیت و تعداد اعضاء دادگاه‌های نظامی دو، نظامی یک و تجدیدنظر نظامی همان است که در مورد دادگاه‌های کیفری دو، کیفری یک و تجدیدنظر استان مقرر شده است. (ماده ۵۸۳)



- ✓ به اتهامات نظامیانی که در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند و مطابق قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آن‌ها را داشته باشند، چنانچه از جرائمی باشند که در صلاحیت سازمان قضایی است در **دادسرا** و **دادگاه نظامی تهران** رسیدگی می‌شود.
- ✓ به جرائم نظامیان کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی که در صلاحیت سازمان قضایی است با رعایت مقررات مربوط به رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوان در دادسرا و دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود.

- ✓ در صورت بروز اختلاف در صلاحیت بین دادگاه نظامی زمان جنگ و سایر مراجع قضایی نظامی در یک حوزه قضایی: نظر دادگاه نظامی زمان جنگ متبع است.
- ✓ رسیدگی به دعوی خصوصی اشخاص حقیقی و حقوقی که به تبع امر کیفری در دادگاه‌های نظامی مطرح می‌شود، مستلزم تقدیم دادخواست و رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.

انواع دادگاه نظامی «ماده ۵۸۲ ق.آ.د.ک»

۱. دادگاه نظامی دو
۲. دادگاه نظامی یک
۳. دادگاه تجدیدنظر نظامی
۴. دادگاه نظامی دو زمان جنگ
۵. دادگاه نظامی یک زمان جنگ
۶. دادگاه تجدیدنظر نظامی زمان جنگ

دادگاه اطفال و نوجوانان

دادگاهی اختصاصی است که فقط صلاحیت رسیدگی به جرائم مندرج در ماده ۳۰۴ ق.آ.د.ک را دارد.

صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان

- ماده ۳۰۴ ق.آ.د.ک: «به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود.»
- ✓ طفل، کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است. «تبصره ماده ۳۰۴ ق.آ.د.ک»
 - ✓ به دلیل اختصاصی بودن صلاحیت این دادگاه است که در هیچ‌یک از مواد این قانون به دادگاه اطفال و نوجوانان اجازه داده نشده که به جرائم افراد بالای ۱۸ سال تمام هم رسیدگی کند.
 - ✓ ملاک صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان با توجه به تبصره ۲ ماده ۳۰۴ سن مرتکب در زمان شروع به رسیدگی است. به گونه‌ای که اگر متهم در این تاریخ زیر ۱۸ سال تمام سن داشته باشد، دادگاه اطفال و نوجوانان صالح به رسیدگی به اتهام او خواهد بود. در غیر این صورت باید به اتهام او در دادگاه صالح رسیدگی شود. در این صورت متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد.

ساختار دادگاه اطفال و نوجوانان

- ✓ دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و یک مشاور «وحدت قاضی» تشکیل می‌شود. نظر مشاور، مشورتی است. «ماده ۲۹۸ ق.آ.د.ک»
- ✓ قضات دادگاه و دادرسی اطفال و نوجوانان از بین قضاتی که حداقل پنج سال سابقه خدمت قضایی دارند و شایستگی آنان را برای این امر با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند ریس قوه قضاییه انتخاب می‌کند. «ماده ۴۰۹ ق.آ.د.ک»
- ✓ مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از بین متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، جرم‌شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روان‌شناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته انتخاب می‌شوند. «ماده ۴۱۰ ق.آ.د.ک»

✓ در صورتی که اطفال و نوجوانان مرتکب یکی از جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب شوند، به جرائم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود و متهم از کلیه امتیازات مقرر برای دادگاه اطفال و نوجوانان بهره‌مند می‌شود. (تخصصی بودن این شعب مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آنها نیست.)

دادگاه ویژه روحانیت

دادگاهی اختصاصی است که با حکم امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۶۶/۳/۲۵ ایجاد شد. ساختار، صلاحیت و نحوه رسیدگی در این دادگاه به موجب آیین‌نامه دادگاه و دادرسی ویژه روحانیت در ساختار قضایی مربوط به قوه قضاییه قرار نمی‌گیرد. همچنین اداره آن تحت نظر رییس قوه قضاییه نمی‌باشد بلکه به طور مستقیم تحت نظر رهبری است.

صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت «ماده ۱۳ آیین‌نامه دادگاه و دادرسی ویژه روحانیت»

دادگاه ویژه روحانیت در ۴ مورد صلاحیت دارد:

۱. رسیدگی به کلیه جرائم روحانیون
۲. کلیه اعمال خلاف شأن روحانیون
۳. کلیه اختلافات محلی محلی به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد.
۴. کلیه اموری که از سوی مقام معظم رهبری برای رسیدگی مأموریت داده می‌شود.

نکته مهم: قواعد مربوط به حل اختلاف در صلاحیت در مواردی که یکی از طرفین اختلاف دادگاه ویژه روحانیت باشد، رعایت نمی‌گردد و به موجب تبصره یک ماده ۱۳ آیین‌نامه دادگاه و دادرسی ویژه روحانیت، در مواردی که دادگاه ویژه، رسیدگی به پرونده‌ای را به سایر مراجع قضایی ذی‌ربط واگذار نماید، مراجع مذکور موظف به رسیدگی می‌باشند؛ به عبارت دیگر در مقام حل اختلاف بین دادگاه ویژه روحانیت و سایر مراجع قضایی، نظر دادگاه ویژه روحانیت برای سایر مراجع قضایی لازم‌الاتباع است.

روحانی «ماده ۱۶ آیین‌نامه دادگاه و دادرسی ویژه روحانیت»

به ۳ گروه ذیل روحانی اطلاق می‌شود:

۱. کسی که ملبس به لباس روحانیت باشد
۲. کسی که در حوزه مشغول به تحصیل باشد. (طلبه)
۳. یا اگر به کار دیگری مشغول است عرفاً روحانی محسوب گردد.

نکات:

- ✓ در ساختار دادرسی ویژه روحانیت، نهاد بازپرسی پیش‌بینی نشده است.
- ✓ به کلیه اتهامات نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و ائمه جمعه در دادرسی و دادگاه ویژه روحانیت تهران رسیدگی می‌شود.
- ✓ دعوای حقوقی و مدنی علیه روحانیون مطابق قوانین در دادگاه‌های مدنی و حقوقی رسیدگی خواهد شد مگر

مرجع بدوی

تمامی مراجع مذکور در مبحث قبل اعم از دادگاه کیفری دو، دادگاه کیفری یک، دادگاه انقلاب، دادگاه نظامی، دادگاه اطفال و نوجوانان مرجع بدوی محسوب می‌شوند.

رسیدگی به اعتراض آراء کیفری

پس از صدور آرای کیفری از مراجع بدوی با توجه به مفاد قانون آیین دادرسی کیفری، بعضی از این آراء قابل اعتراض در مراجع رسیدگی به اعتراض آراء خواهند بود.

انواع طرق رسیدگی به اعتراض آراء کیفری

۱. تجدیدنظرخواهی

۲. فرجام‌خواهی

۳. اعاده دادرسی

تجدیدنظرخواهی

آراء قابل تجدیدنظرخواهی

✓ آراء قطعی و غیر قابل اعتراض:

۱. جرائم تعزیری درجه ۸

۲. جرائم مستلزم پرداخت دیه یا ارش که میزان یا جمع آنها کمتر از یک‌دهم دیه کامل باشد.

✓ تمامی آراء کیفری جز موارد فوق غیرقطعی و قابل اعتراض می‌باشند؛ بنابراین اصل بر قابل تجدیدنظر بودن آرای صادره از دادگاه‌های کیفری است.

✓ آراء قابل تجدیدنظر، اعم از محکومیت، برائت، یا قرارهای منع و موقوفی تعقیب، اناطه و تعویق صدور حکم است. «تبصره ۲ ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک»

✓ قرار رد درخواست و اخواهی یا تجدیدنظرخواهی، در صورتی قابل تجدیدنظرخواهی است که رأی راجع به اصل دعوی، قابل تجدیدنظرخواهی باشد. «تبصره ۲ ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک»

✓ اگر حکم محکومیت راجع به دو یا چند عنوان مجرمانه باشد و برخی از این عناوین قابل اعتراض و برخی دیگر قطعی محسوب شوند؛ در چنین مواردی و با در نظر گرفتن شرایطی، آراء قطعی به تبع آراء قابل اعتراض، حسب مورد قابل تجدیدنظر یا فرجام خواهند بود.

✓ آراء دادگاه اطفال و نوجوانان در تمامی موارد قابل تجدیدنظرخواهی است، به عبارت دیگر آراء دادگاه اطفال و نوجوانان حتی اگر راجع به جرائم تعزیری درجه ۸ یا جرائم مستلزم پرداخت دیه یا ارش که میزان یا جمع آنها کمتر از یک‌دهم دیه کامل باشد. قابل تجدیدنظرخواهی است.

✓ آرای صادره از سوی شورای حل اختلاف در موضوعات کیفری «جرائم تعزیری که صرفاً مستوجب مجازات جزای نقدی درجه هشت می‌باشند» ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ، قابلیت تجدیدنظر در دادگاه کیفری دو را دارند. مرجع تجدیدنظر در صورت نقض رأی، رأساً مبادرت به صدور رأی می‌نماید و این رأی قطعی است.

✓ در صورتی که رأی مرجع تجدیدنظر «کیفری دو» در مقام رد صلاحیت شورا باشد، رسیدگی ماهوی انجام و رأی صادره از این مرجع قضایی به عنوان رأی شعبه بدوی تلقی می‌گردد اما در هر حال قطعی می‌باشد؛ زیرا رأی صادره در خصوص جرائم تعزیری درجه هشت قطعی است.

مهلت تجدیدنظرخواهی «ماده ۴۳۱ ق.آ.د.ک»

- ✓ مهلت درخواست یا دادخواست تجدیدنظرخواهی برای اشخاص مقیم ایران **بیست روز** از تاریخ ابلاغ رأی یا انقضای مهلت و اخواهی است.
- ✓ مهلت درخواست یا دادخواست تجدیدنظرخواهی برای اشخاص مقیم خارج از کشور **دو ماه** از تاریخ ابلاغ رأی یا انقضای مهلت و اخواهی است.
- ✓ روز اقدام و روز ابلاغ جز مدت محسوب نمی‌شود.
- ✓ هرگاه تقاضای تجدیدنظرخواهی خارج از مهلت مقرر تقدیم شود و درخواست‌کننده **عذر موجهی** عنوان کند، دادگاه صادرکننده رأی ابتدا به عذر او رسیدگی می‌نماید و در صورت موجه شناختن آن، قرار قبولی درخواست و در غیر این صورت قرار رد آن را صادر می‌کند.
- ✓ جهات عذر موجه:
 - ✓ نرسیدن یا دیر رسیدن ابلاغیه به‌گونه‌ای که مانع از حضور شود.
 - ✓ بیماری متهم و بیماری سخت والدین، همسر یا اولاد وی که مانع از حضور شود.
 - ✓ همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم فوت شود.
 - ✓ ابتلا به حوادث مهم از قبیل بیماری‌های واگیردار و بروز حوادث قهری مانند سیل و زلزله که موجب عدم امکان تردد گردد.
 - ✓ تجدیدنظرخواه در توقیف یا حبس باشد.
 - ✓ سایر مواردی که عرفاً عذر موجه محسوب می‌شود.

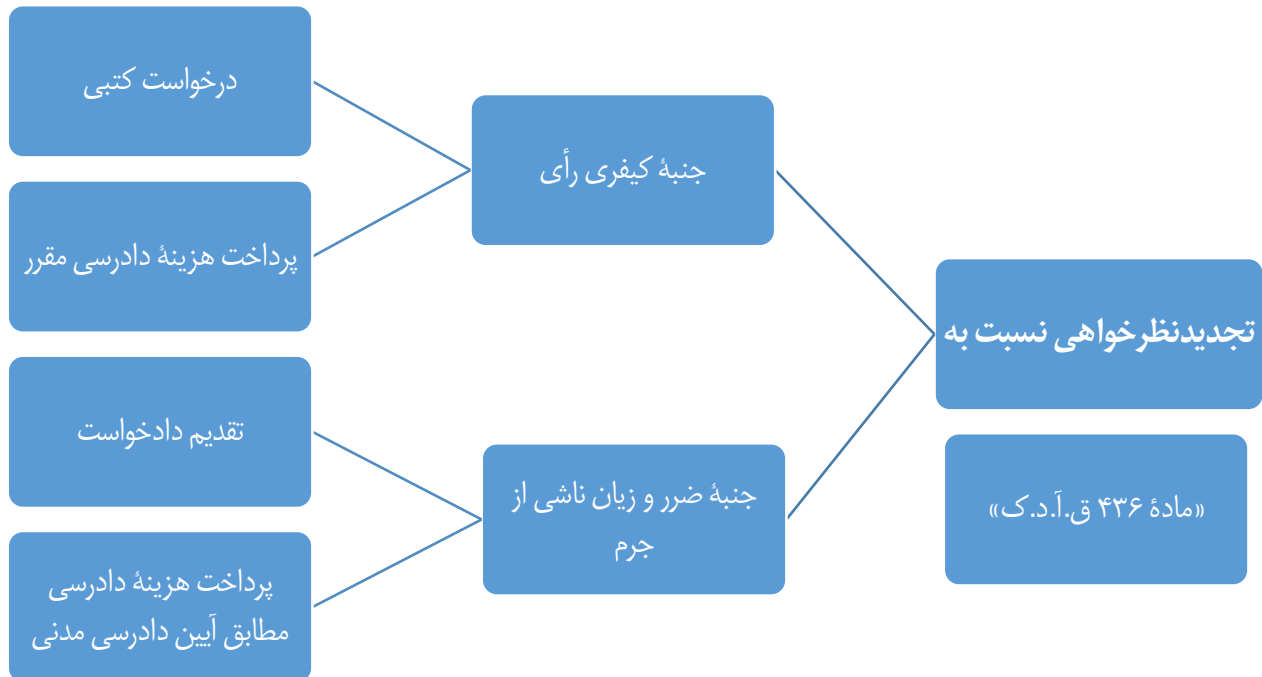
اشخاصی که حق تجدیدنظرخواهی دارند

- ✓ محکوم‌علیه، وکیل یا نماینده قانونی او «ماده ۴۳۳ ق.آ.د.ک»
 - ✓ شاکی یا وکیل یا نماینده قانونی او «ماده ۴۳۳ ق.آ.د.ک»
 - ✓ مدعی خصوصی یا وکیل یا نماینده قانونی او «ماده ۴۳۳ ق.آ.د.ک»
 - ✓ دادستان از جهت برائت متهم، عدم انطباق رأی با قانون و یا عدم تناسب مجازات «ماده ۴۳۳ ق.آ.د.ک»
- نکته:** همچنین مطابق تبصره ۳ ماده ۵۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز دادستان از آراء صادره از شعب بدوی تعزیرات حکومتی و دادگاه انقلاب در صورتی که مبنی بر **برائت** باشد، حق تجدیدنظرخواهی دارد.
- ✓ اطفال و نوجوانان، ولی، سرپرست قانونی یا وکیل آنان در جرائم اطفال و نوجوانان «ماده ۴۴۷ ق.آ.د.ک»

جهات تجدیدنظرخواهی «ماده ۴۳۴ ق.آ.د.ک»

- ✓ ادعای عدم اعتبار ادله یا مدارک استنادی دادگاه
- ✓ ادعای مخالف بودن رأی با قانون
- ✓ ادعای عدم صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی یا وجود یکی از جهات رد دادرسی
- ✓ ادعای عدم توجه دادگاه به ادله ابرازی

نکته مهم: دادگاه تجدیدنظر صرفاً در خصوص آن قسمت از آراء یا قرارهایی که مورد اعتراض واقع شده است، رسیدگی می نماید و در چنین رسیدگی علاوه بر توجه به جهات تجدیدنظرخواهی اعلامی از سوی تجدیدنظرخواه در صورت وجود جهت دیگر، به آن هم



رسیدگی می کند.

مرجع تجدیدنظرخواهی «ماده ۴۲۶ ق.آ.د.ک»

✓ دادگاه تجدیدنظر استان مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از کلیه آرای غیرقطعی کیفری است. «ماده ۴۲۶ ق.آ.د.ک»

دادگاه تجدیدنظر «ماده ۴۲۶ ق.آ.د.ک»

- ✓ دادگاه تجدیدنظر استان در مرکز هر استان تشکیل می شود.
- ✓ دادگاه تجدیدنظر دارای رییس و دو مستشار است.
- ✓ دادگاه تجدیدنظر با دو عضو نیز رسمیت دارد.

کیفیت رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان

دادگاه به شرح زیر اتخاذ تصمیم می نماید:

۱. در صورت نقص تحقیقات، دادگاه تجدیدنظر باید قرار رفع نقص صادر کند. پس از صدور قرار رفع نقص، دادگاه می تواند به اختیار خود یکی از سه راهکار زیر را اتخاذ کند:
 - الف) فرستادن پرونده نزد دادسرای صادرکننده کیفرخواست برای تکمیل تحقیقات
 - ب) فرستادن پرونده نزد دادگاه صادرکننده رأی بدوی برای تکمیل تحقیقات
 - ج) دادگاه تجدیدنظر که پرونده نزد آن جریان دارد رأساً مبادرت به تکمیل تحقیقات نماید.

۲. هرگاه رأی صادره از نوع **قرار** باشد و تحقیقات یا اقدامات دیگر ضروری نباشد و قرار مطابق مقررات صادر شده باشد، آن را تأیید و پرونده به دادگاه صادرکننده قرار اعاده می‌شود و آن دادگاه **مکلف** است خارج از نوبت رسیدگی کند.
۳. در صورتی که رأی «اعم از حکم یا قرار» توسط دادگاه فاقد صلاحیت محلی یا ذاتی صادر شده باشد، دادگاه تجدیدنظر استان، رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح به تشخیص خود می‌فرستد و مراتب عدم صلاحیت را به دادگاه صادرکننده رأی اعلام می‌کند.
۴. اگر عملی که محکوم‌علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده است به فرض ثبوت، جرم نباشد یا به لحاظ شمول عفو عمومی و یا سایر جهات قانونی متهم قابل تعقیب نباشد، دادگاه تجدیدنظر رأی صادره را نقض و حسب مورد قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب صادر می‌کند.

نکات:

- ✓ تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی محکوم‌علیه نسبت به محکومیت کیفری و ضرر و زیان ناشی از جرم به صورت توأمان مستلزم پرداخت هزینه دادرسی در امر حقوقی و رعایت تشریفات دادرسی مدنی **نیست**.
- ✓ هرگاه درخواست یا دادخواست تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی فاقد یکی از شرایط قانونی باشد، مدیر دفتر دادگاه نخستین، ظرف **دو روز** نقایص آن را اعلام و اخطار می‌کند تا ظرف مدت **ده روز** از تاریخ ابلاغ، نقایص مذکور را رفع کنند.
- ✓ در دو حالت قرار رد درخواست یا دادخواست تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی صادر می‌شود:
 ۱. عدم رفع نقص در مهلت ۱۰ روز
 ۲. تقدیم درخواست یا دادخواست تجدیدنظر یا فرجام خارج از مهلت قانونی بدون داشتن عذر موجه
- ✓ در تمام محکومیت‌های تعزیری در صورتی که دادستان از حکم صادره درخواست تجدیدنظر نکرده باشد، محکوم‌علیه می‌تواند پیش از پایان مهلت تجدیدنظرخواهی با رجوع به دادگاه صادرکننده حکم، حق تجدیدنظرخواهی خود را اسقاط یا درخواست تجدیدنظر را مسترد نماید و تقاضای تخفیف مجازات کند؛ در این صورت دادگاه در وقت **فوق‌العاده** با حضور دادستان به موضوع رسیدگی و **تایک چهارم** مجازات تعیین شده را کسر می‌کند. این حکم دادگاه **قطعی** است.
- ✓ در مجازات‌های زیر دادگاه تجدیدنظر تعیین وقت می‌کند و طرفین و اشخاصی را که حضورشان ضروری باشد احضار می‌کند:
 ۱. حدود
 ۲. قصاص
 ۳. جرائم غیرعمدی مستوجب بیش از نصف دیه
 ۴. جرائم تعزیری درجه ۴ و ۵ به طور مطلق
 ۵. جرائم تعزیری درجه ۶ و ۷ در صورت محکومیت به حبس
 ۶. سایر جرائم در صورت اقتضا
- ✓ دادگاه تجدیدنظر استان نمی‌تواند مجازات تعزیری یا اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در حکم تجدیدنظرخواسته را تشدید کند مگر:
 ۱. مجازات مقرر در حکم بدوی برخلاف جهات قانونی کمتر از حداقل میزانی باشد که در قانون پیش‌بینی شده است.
 ۲. کمتر از حداقل مجازات مقرر در قانون بودن مورد تجدیدنظرخواهی شاکی یا دادستان قرار گرفته باشد.

فرجام‌خواهی

آراء قابل فرجام‌خواهی «ماده ۴۲۸ ق.آ.د.ک»

۱. آرای صادره درباره جرائمی که مجازات قانونی آنها:
 - ✓ سلب حیات
 - ✓ قطع عضو
 - ✓ حبس ابد
 - ✓ تعزیر درجه سه و بالاتر
۲. جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها نصف دیه کامل یا بیش از آن است
۳. جرائم سیاسی
۴. جرائم مطبوعاتی

مهلت فرجام‌خواهی «ماده ۴۳۱ ق.آ.د.ک»

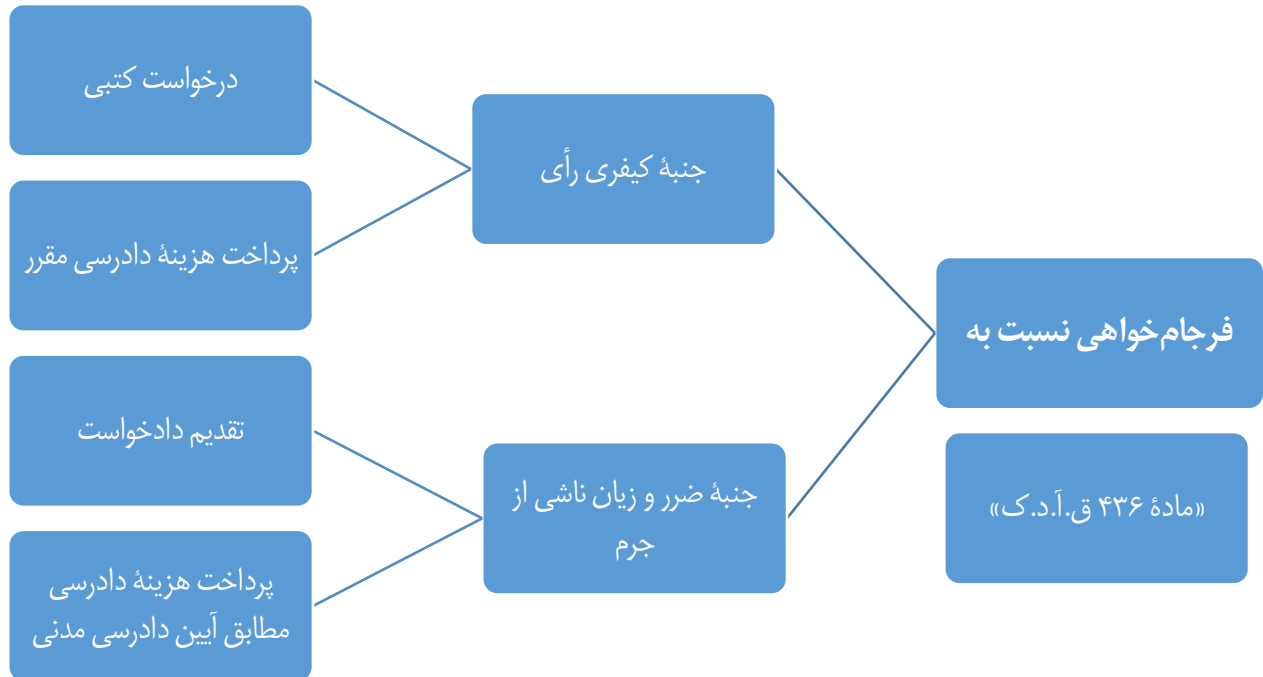
- ✓ مهلت درخواست یا دادخواست فرجام‌خواهی برای اشخاص مقیم ایران بیست روز از تاریخ ابلاغ رأی یا انقضای مهلت وخواهی است.
- ✓ مهلت درخواست یا دادخواست فرجام‌خواهی برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ رأی یا انقضای مهلت وخواهی است.
- ✓ هرگاه تقاضای فرجام‌خواهی خارج از مهلت مقرر تقدیم شود و درخواست‌کننده عذر موجهی عنوان کند، دادگاه صادرکننده رأی ابتدا به عذر او رسیدگی می‌نماید و در صورت موجه شناختن آن، قرار قبولی درخواست و در غیر این صورت قرار رد آن را صادر می‌کند.
- ✓ جهات عذر موجه:
 - ✓ نرسیدن یا دیر رسیدن ابلاغیه به‌گونه‌ای که مانع از حضور شود.
 - ✓ بیماری متهم و بیماری سخت والدین، همسر یا اولاد وی که مانع از حضور شود.
 - ✓ همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم فوت شود.
 - ✓ ابتلا به حوادث مهم از قبیل بیماری‌های واگیردار و بروز حوادث قهری مانند سیل و زلزله که موجب عدم امکان تردد گردد.
- ✓ فرجام‌خواه در توقیف یا حبس باشد.
- ✓ سایر مواردی که عرفاً عذر موجه محسوب می‌شود.

اشخاصی که حقی فرجام‌خواهی دارند «ماده ۴۳۳ ق.آ.د.ک»

- ✓ محکوم‌علیه، وکیل یا نماینده قانونی او
- ✓ شاکی یا وکیل یا نماینده قانونی او
- ✓ مدعی خصوصی یا وکیل یا نماینده قانونی او
- ✓ دادستان از جهت برائت متهم، عدم انطباق رأی با قانون و یا عدم تناسب مجازات

جهت فرجام‌خواهی «ماده ۴۶۴ ق.آ.د.ک»

- ✓ ادعای عدم رعایت قوانین مربوط به تقصیر متهم و مجازات قانونی او
- ✓ ادعای عدم رعایت اصول دادرسی با درجه‌ای از اهمیت منجر به بی‌اعتباری رأی دادگاه
- ✓ عدم انطباق مستندات با مدارک موجود در پرونده



مرجع فرجام‌خواهی «ماده ۴۶۲ ق.آ.د.ک»

مرجع فرجام‌خواهی نسبت به آراء قابل فرجام‌خواهی دیوان عالی کشور می‌باشد.

دیوان عالی کشور

- ✓ دیوان عالی کشور در تهران مستقر است. «ماده ۴۶۲ ق.آ.د.ک»
- ✓ شعب دیوان عالی کشور دارای رییس و دو مستشار می‌باشد. «ماده ۴۶۲ ق.آ.د.ک»
- ✓ دیوان عالی کشور به تعداد لازم، عضو معاون دارد که می‌توانند وظایف مستشار یا رییس را بر عهده گیرند. «ماده ۴۶۳ ق.آ.د.ک»

رسیدگی در دیوان عالی کشور «صدر ماده ۴۶۹ ق.آ.د.ک»

رسیدگی در دیوان عالی کشور، با طرح پرونده در یکی از شعب دیوان عالی کشور و مطابق تشریفات قانونی مصرّح در صدر ماده ۴۶۹ ق.آ.د.ک، اعضای شعبه‌ای که پرونده در آن مطرح است، به ترتیب ذیل اتخاذ تصمیم می‌کنند:

دیوان حکم ماهوی صادر نمی‌کند بلکه مرجع نقض یا ابرام آرای دادگاه‌های مادون است.

اتخاذ تصمیم از سوی اعضای شعب دیوان عالی کشور در رابطه با رأی دادگاه در قالب **دادنامه** و به صورت **ابرام یا نقض رأی** مذکور خواهد بود.

۱. در صورتی که رأی مطابق با قانون و ادله موجود در پرونده صادر شده باشد توسط دیوان عالی کشور **ابرام** و پرونده به **دادگاه صادرکننده رأی** ارسال خواهد شد.

۲. در صورتی که رأی مخالف قانون، یا بدون توجه به ادله و دفاعیات طرفین صادر شده یا رعایت تشریفات قانونی نشده و آن تشریفات به درجه‌ای از اهمیت باشد که موجب بی‌اعتباری رأی شود، شعبه دیوان عالی کشور رأی را **نقض** می‌کند.

آثار نقض رأی از جانب دیوان عالی کشور «ماده ۴۶۹ ق.آ.د.ک»

۱. **نقض بلاارجاع:** اگر عملی که محکوم‌علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده به فرض ثبوت، جرم نبوده یا به لحاظ شمول عفو عمومی و یا سایر جهات قانونی متهم قابل تعقیب نباشد، رأی صادره نقض بلا ارجاع می‌شود.
۲. **ناقص بودن تحقیقات:** اگر رأی صادره از نوع قرار و یا حکمی باشد که به علت ناقص بودن تحقیقات نقض شده است، برای رسیدگی مجدد به **دادگاه صادرکننده رأی** ارجاع می‌شود.
۳. **عدم صلاحیت ذاتی:** اگر رأی به علت عدم صلاحیت ذاتی دادگاه نقض شود، پرونده به مرجعی که دیوان عالی کشور، صالح تشخیص می‌دهد، ارسال می‌شود و مرجع مذکور **مکلف** به رسیدگی است.
۴. **سایر موارد:** در سایر موارد، پس از نقض رأی، پرونده به دادگاه **هم‌عرض** ارجاع می‌شود.

اعاده پرونده از سوی دیوان عالی کشور به دادگاه برای رسیدگی «ماده ۴۷۰ ق.آ.د.ک»

۱. در صورت نقض رأی به علت ناقص بودن تحقیقات، باید تحقیقات موردنظر دیوان عالی کشور را انجام دهد و سپس مبادرت به صدور رأی کند.
۲. در صورت نقض قرار و ضرورت رسیدگی ماهوی، باید از نظر دیوان عالی کشور متابعت نماید و در ماهیت، رسیدگی و انشای حکم کند، مگر آنکه پس از نقض، جهت تازه‌ای برای صدور قرار حادث شود.
۳. در صورت نقض حکم در غیر موارد مذکور، دادگاه می‌تواند بر مفاد رأی قبلی اصرار کند (**رأی اصراری**). چنانچه این حکم مورد فرجام‌خواهی واقع شود و شعبه دیوان عالی کشور پس از بررسی، استدلال دادگاه را بپذیرد، حکم را ابرام می‌کند و در غیر این صورت، پرونده در هیأت عمومی شعب کیفری مطرح می‌شود. هرگاه نظر دادگاه صادرکننده رأی مورد تأیید قرار گیرد، رأی ابرام می‌شود و در صورتی که نظر شعبه دیوان عالی کشور را تأیید کند، حکم صادره نقض و پرونده به شعبه دیگر دادگاه ارجاع می‌شود. دادگاه مزبور بر اساس استدلال هیأت عمومی دیوان عالی کشور، حکم صادر می‌کند. این حکم **قطعی و غیرقابل فرجام** است.

إصدار رأی وحدت رویه از جانب هیأت عمومی دیوان عالی کشور «ماده ۴۷۱ ق.آ.د.ک»

- ✓ علت اتخاذ رأی وحدت رویه:
- ۱. از شعب مختلف دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها نسبت به موارد **مشابه**، اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی، با استنباط متفاوت از قوانین، آراء مختلفی صادر شود.
- ۲. درخواست اشخاص ذی‌صلاح (قضات شعب دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها یا دادستان‌ها یا وکلای دادگستری) با ذکر دلیل.
- ✓ مرجع درخواست‌کننده إصدار رأی وحدت رویه از هیأت عمومی دیوان عالی کشور، **رییس دیوان عالی کشور** یا **دادستان کل کشور** می‌باشند.
- ✓ متقاضی صدور رأی وحدت رویه از رییس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، ممکن است قضات شعب دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها یا دادستان‌ها یا وکلای دادگستری باشند.
- ✓ جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رییس دیوان عالی یا معاون وی و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل **سه‌چهارم رؤسا و مستشاران و اعضای معاون تمام شعب دیوان عالی کشور** تشکیل می‌شود.
- ✓ نصاب لازم برای رسمیت یافتن جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، حضور حداقل **سه‌چهارم رؤسا و مستشاران و اعضای معاون تمام شعب** است نظر اکثریت ملاً صدور رأی وحدت رویه می‌باشد.

✓ آثار رأی وحدت رویه:

۱. برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن **لازم الاتباع** است.
۲. عدم تأثیر رأی وحدت رویه نسبت به **آراء قطعی** صادره به غیر از مواردی که رأی وحدت رویه رفتار انتسابی را جرم شناخته باشد و یا اینکه رأی به جهاتی مساعد به حال محکوم علیه باشد.
۳. آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، فقط به موجب قانون یا رأی وحدت رویه مؤخری که مطابق ماده ۴۷۱ این قانون صادر شود، قابل تغییر است.

نکته: آراء صادره درباره جرائم مذکور در ماده ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور است. چنانچه جرمی به اعتبار یکی از بندهای ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک در دادگاه کیفری یک مطرح گردد و دادگاه پس از رسیدگی به آن تشخیص دهد که عمل ارتكابی عنوان مجرمانه دیگری دارد و به این جرم رسیدگی و حکم مقتضی صادر نماید، این امر تغییری در صلاحیت دیوان عالی کشور در رسیدگی به فرجام خواهی از رأی مذکور ایجاد نمی کند. طبق تبصره ۲ ماده ۳۱۴ ق.آ.د.ک چنانچه جرمی به اعتبار یکی از بندهای ماده ۳۰۲ این قانون در دادگاه کیفری یک مطرح گردد و دادگاه پس از رسیدگی و تحقیقات کافی و ختم دادرسی تشخیص دهد عمل ارتكابی در صلاحیت **دادگاه کیفری دو** است، دادگاه کیفری یک به این جرم رسیدگی و حکم مقتضی صادر می نماید؛ و در هر حال مرجع تجدیدنظر از این رأی **دیوان عالی** کشور خواهد بود.

اعاده دادرسی

تقاضای اشخاص ذی صلاح در خصوص رسیدگی مجدد به احکام قطعی صادر شده به لحاظ وجود یکی از جهات مصرح قانونی و به تشخیص دیوان عالی کشور در دادگاه هم عرض دادگاه صادرکننده حکم قطعی.

آراء قابل اعاده دادرسی

- ✓ تقاضای اعاده دادرسی فقط نسبت به احکام **دادگاهها** امکان پذیر است، به عبارت دیگر تقاضای اعاده دادرسی نسبت به قرارهای صادر شده از سوی دادسرا یا دادگاه امکان پذیر نیست.
- ✓ تقاضای اعاده دادرسی فقط نسبت به احکام صادره دادگاهها در موارد **محکومیت** امکان پذیر است، لذا تقاضای اعاده دادرسی نسبت به احکام برائت صادره از سوی دادگاهها امکان پذیر نیست.
- ✓ تقاضای اعاده دادرسی فقط نسبت به احکام **محکومیت قطعی شده** امکان پذیر است و در صورت عدم قطعیت تقاضای اعاده دادرسی امکان پذیر **نیست**.
- ✓ اجرا یا عدم اجرا احکام محکومیت قطعی دادگاهها تأثیری در پذیرش یا عدم پذیرش تقاضای اعاده دادرسی نخواهد داشت.
- ✓ اعاده دادرسی استثنایی بر قاعدهی اعتبار امر مختوم جزایی است.

احکام قطعی

۱. جرائم تعزیری درجه ۷ و جرائم مستلزم پرداخت دیه یا ارش، در صورتی که میزان یا جمع آنها کمتر از یک دهم دیه کامل باشد.
۲. حکم صادره قابل اعتراض بوده و در مهلت مقرر نسبت به آن اعتراض شده و در مرجع صلاحیت دار در خصوص آن حکم صادر شده باشد.
۳. حکم صادره قابل اعتراض بوده و در مهلت مقرر نسبت به آن اعتراض نشده و به واسطه آن حکم صادره قطعی شده است.

جهت اعاده دادرسی «ماده ۴۷۴ ق.آ.د.ک»

- ✓ کسی به اتهام قتل شخصی محکوم شود و سپس زنده‌بودن وی محرز گردد.
- ✓ چند نفر به اتهام ارتکاب جرمی محکوم شوند و ارتکاب آن جرم به‌گونه‌ای باشد که نتوان بیش از یک مرتکب برای آن قائل شد.
- ✓ شخصی به علت انتساب جرمی محکوم شود و فرد دیگری نیز به موجب حکمی از مرجع قضایی به علت انتساب همان جرم محکوم شده باشد، به طوری که از تعارض و تضاد مفاد دو حکم، بی‌گناهی یکی از آنان احراز گردد.
- ✓ درباره شخصی به اتهام واحد، احکام متفاوتی صادر شود.
- ✓ در دادگاه صالح ثابت شود که اسناد جعلی یا شهادت خلاف واقع گواهان، مبنای حکم بوده است.
- ✓ پس از صدور حکم قطعی، واقعه جدیدی حادث و یا ظاهر یا ادله جدیدی ارائه شود که موجب اثبات بی‌گناهی محکوم‌علیه یا عدم تقصیر وی باشد.
- ✓ عمل ارتكابی جرم نباشد و یا مجازات مورد حکم بیش از مجازات مقرر قانونی باشد.
- ✓ بی‌اعتباری قسامه: اگر پس از صدور حکم، بطلان همه یا برخی از سوگندها ثابت شود مانند آنکه برخی از اداء‌کنندگان سوگند، از سوگندشان عدول کنند یا دروغ بودن سوگند یا سوگند بدون علم، برای دادگاه صادرکننده حکم ثابت شود، مورد از جهات اعاده دادرسی است. «ماده ۳۴۶ ق.م.ا»

اعاده دادرسی از طریق رییس قوه قضاییه «ماده ۴۷۷ ق.آ.د.ک»

در صورتی که رییس قوه قضاییه رأی قطعی صادره از هریک از مراجع قضایی را **خلاف شرع** بین تشخیص دهد، با تجویز اعاده دادرسی، پرونده را به **دیوان عالی کشور** ارسال تا در شعبی خاص که توسط رییس قوه قضاییه برای این امر تخصیص می‌یابد رسیدگی و رأی قطعی صادر نماید. شعب خاص مذکور مبنیاً بر خلاف شرع بین اعلام شده، رأی قطعی قبلی را نقض و رسیدگی مجدد اعم از **شکلی و ماهوی** به عمل می‌آورند و رأی مقتضی صادر می‌نمایند.

- ✓ تجویز و تشخیص اعاده دادرسی در فرض فوق صرفاً با **رییس قوه قضاییه** است.
- ✓ هرگونه رأی قطعی اعم از حکم یا قرار مشمول تجویز اعاده دادرسی از طریق رییس قوه قضاییه می‌باشد.
- تبصره ۱ ماده ۴۷۷ ق.آ.د.ک: «آراء قطعی مراجع قضایی (اعم از حقوقی و کیفری) شامل احکام و قرارهای دیوان عالی کشور، سازمان قضایی نیروهای مسلح، دادگاه‌های تجدیدنظر و بدوی، دادرها و شوراهای حل اختلاف می‌باشند.»
- ✓ مقصود از هر درجه قضایی اعم از نوع، درجه و مرحله رسیدگی می‌باشد.
- ✓ فقط آرائی که رییس قوه قضاییه، خلاف شرع بین تشخیص دهد، مشمول تجویز اعاده دادرسی می‌باشد.
- ✓ با تجویز اعاده دادرسی از سوی رییس قوه قضاییه پرونده به دیوان عالی کشور ارسال می‌شود.
- ✓ تجویز اعاده دادرسی از سوی رییس قوه قضاییه و نقض حکم از سوی شعب خاص دیوان عالی کشور صورت می‌گیرد.

مهلت اعاده دادرسی

مهلتی برای اعاده دادرسی وجود ندارد و قانون‌گذار در نظر گرفته است که هر زمان جهتی از جهات اعاده دادرسی به وجود آمد بتوان تقاضای اعاده دادرسی نمود.

اشخاصی که حق اعاده دادرسی دارند «ماده ۴۷۵ ق.آ.د.ک»

- ✓ محکوم‌علیه یا وکیل یا نماینده قانونی او
- ✓ در صورت فوت یا غیبت محکوم‌علیه، همسر و وراث قانونی و وصی او
- ✓ دادستان کل کشور
- ✓ دادستان مجری حکم

مرجع و تشریفات قانونی اعاده دادرسی «ماده ۴۷۶ ق.آ.د.ک»

درخواست اعاده دادرسی به دیوان عالی کشور تسلیم می‌شود. این مرجع پس از احراز انطباق موضوع درخواست با یکی از موارد موضوع ماده (۴۷۴) این قانون، با تجویز اعاده دادرسی، رسیدگی مجدد را به دادگاه هم‌عرض دادگاه صادرکننده حکم قطعی، ارجاع می‌دهد و در غیر این صورت قرار رد اعاده دادرسی صادر می‌نماید.

آثار اعاده دادرسی

- ✓ هرگاه رأی دیوان عالی کشور مبنی بر تجویز اعاده دادرسی باشد یا طبق ماده (۴۷۷) اعاده دادرسی پذیرفته شده باشد اجرای حکم تا صدور حکم مجدد به تعویق می‌افتد و چنانچه از متهم تأمین اخذ نشده و یا تأمین منتفی شده باشد یا متناسب نباشد، دادگاهی که پس از تجویز اعاده دادرسی به موضوع رسیدگی می‌کند، تأمین لازم را اخذ می‌نماید. «ماده ۴۷۸ ق.آ.د.ک»
- ✓ در صورتی که مجازات مندرج در حکم، از نوع مجازات سالب حیات یا سایر مجازات‌های بدنی یا قلع و قمع بنا باشد، شعبه دیوان عالی کشور با وصول تقاضای اعاده دادرسی قبل از اتخاذ تصمیم درباره تقاضا، دستور توقف اجرای حکم را می‌دهد. «تبصره ماده ۴۷۸ ق.آ.د.ک»
- ✓ نسبت به حکمی که پس از اعاده دادرسی صادر می‌شود، دیگر اعاده دادرسی از همان جهت پذیرفته نمی‌شود. مگر این که اعاده دادرسی از مصادیق ماده (۴۷۷) بوده و مغایرت رأی صادره با مسلمات فقهی به جهات دیگری غیر از جهت قبلی باشد و یا رأی جدید مجدداً همانند رأی قبلی مغایر با مسلمات فقهی صادر شده باشد. «ماده ۴۸۲ ق.آ.د.ک»

نحوه رسیدگی و نحوه صدور رأی در مراجع کیفری

جهات شروع به رسیدگی

- ✓ کیفرخواست دادستان «ماده ۳۳۵ ق.آ.د.ک»
- ✓ قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه «ماده ۳۳۵ ق.آ.د.ک»
- ✓ ادعای شفاهی دادستان در دادگاه «ماده ۳۳۵ ق.آ.د.ک»
- ✓ طرح مستقیم پرونده‌های ذیل در دادگاه
- ۱. جرائم اطفال و نوجوانان زیر ۱۵ سال شمسی «تبصره ۱ ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک»
- ۲. جرائم منافی عفت «ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک»
- ۳. جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ «ماده ۳۴۰ ق.آ.د.ک»

ارجاع پرونده و مقدمات رسیدگی در دادگاه

- ✓ در حوزه‌هایی که شعب متعدد دادگاه تشکیل می‌شود، ارجاع پرونده با رییس حوزه قضایی است. رییس حوزه قضایی می‌تواند این وظیفه را به یکی از معاونان خود تفویض کند و در صورت عدم حضور آنان، ارجاع با رییس شعبه‌ای است که دارای سابقه قضایی بیشتر است. «ماده ۳۳۸ ق.آ.د.ک»
- ✓ پس از ارجاع پرونده نمی‌توان آن را از شعبه مرجوع‌آلیه، أخذ و به شعبه دیگر مگر به تجویز قانون ارجاع داد. «ماده ۳۳۹ ق.آ.د.ک»
- ✓ رعایت مفاد بند قبل در مورد شعب بازپرسی، دادگاه تجدیدنظر استان و شعب دیوان عالی کشور نیز الزامی است. «تبصره ۱ ماده ۳۳۹ ق.آ.د.ک»

- ✓ در تمامی جلسات دادگاه‌های کیفری دو، دادستان یا معاون او یا یکی از دادیاران به تعیین دادستان می‌تواند برای دفاع از کیفرخواست حضور یابد، مگر اینکه دادگاه حضور این اشخاص را **ضروری** تشخیص دهد که در این مورد و در تمامی جلسات **دادگاه کیفری یک، حضور دادستان یا نماینده او الزامی است**، لکن عدم حضور این اشخاص موجب توقف رسیدگی نمی‌شود مگر آنکه دادگاه حضور آنان را **الزامی** بداند. «ماده ۳۰۰ ق.آ.د.ک»
- ✓ هرگاه پرونده با کیفرخواست به دادگاه ارجاع شود، دادگاه مکلف است بدون تعیین وقت رسیدگی حداکثر ظرف یک‌ماه، پرونده را بررسی و چنانچه خود را صالح به رسیدگی نداند یا مورد را از موارد منع یا موقوفی تعقیب تشخیص دهد، حسب مورد، اتخاذ تصمیم کند. همچنین در صورتی که دادگاه تحقیقات را ناقص بداند یا موارد جدیدی پس از پایان تحقیقات کشف شود که مستلزم انجام تحقیق باشد، دادگاه با ذکر دقیق موارد، تکمیل تحقیقات را از دادرسی مربوط درخواست یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات می‌کند. در مورد اخیر و همچنین در مواردی که پرونده به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه باید طبق مقررات مربوط صورت گیرد. «ماده ۳۴۱ ق.آ.د.ک»
- ✓ دادگاه در صورتی که اعتراض شاکی به قرار منع یا موقوفی تعقیب را موجه بداند، آن را نقض و قرار جلب به دادرسی صادر می‌کند. در مواردی که به نظر دادگاه، تحقیقات دادرسی کامل نباشد، بدون نقض قرار می‌تواند تکمیل تحقیقات را از دادرسی بخواهد یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات کند. موارد نقض تحقیقات باید به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در تصمیم دادگاه قید شود. در صورت نقض قرار اناطه توسط دادگاه، بازپرس تحقیقات خود را ادامه می‌دهد. «ماده ۲۷۴ ق.آ.د.ک»
- ✓ هرگاه پرونده برای تکمیل تحقیقات به دادرسی اعاده شود، دادرسی مربوط با انجام تحقیقات موردنظر دادگاه، بدون صدور قرار، مجدداً پرونده را به دادگاه ارسال می‌کند و اگر در تحقیقات موردنظر دادگاه ابهامی بیاید، مراتب را برای رفع ابهام از دادگاه استعلام می‌کند. «ماده ۲۷۵ ق.آ.د.ک»
- ✓ در صورت نقض قرار منع تعقیب و صدور قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه، بازپرس مکلف است متهم را احضار و موضوع اتهام را به او تفهیم کند و با اخذ آخرین دفاع و تأمین مناسب از وی، پرونده را به دادگاه ارسال نماید. «ماده ۲۷۶ ق.آ.د.ک»
- ✓ در غیر جرائم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون، چنانچه متهم و شاکی حاضر باشند یا متهم حاضر و شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد و تحقیقات مقدماتی هم کامل باشد، دادستان می‌تواند رأساً یا به درخواست بازپرس، با اعزام متهم به دادگاه و در صورت حضور شاکی به همراه او، دعوای کیفری را بلافاصله بدون صدور کیفرخواست به‌صورت شفاهی مطرح کند. در این مورد، دادگاه بدون تأخیر تشکیل جلسه می‌دهد و به متهم تفهیم می‌کند که حق دارد برای تعیین وکیل و تدارک دفاع مهلت بخواهد که در صورت درخواست متهم، حداقل سه روز به او مهلت داده می‌شود. تفهیم این موضوع و پاسخ متهم باید در صورت مجلس دادگاه قید شود. هرگاه متهم از این حق استفاده نکند، دادگاه در همان جلسه، رسیدگی و رأی صادر می‌کند و اگر ضمن رسیدگی انجام تحقیقاتی را لازم بداند، آن‌ها را انجام و یا دستور تکمیل تحقیقات را به دادستان یا ضابطان دادگستری می‌دهد. اخذ تأمین متناسب از متهم با دادگاه است. شاکی در صورت مطالبه ضرر و زیان می‌تواند حداکثر ظرف پنج روز دادخواست خود را تقدیم کند و دادگاه می‌تواند فارغ از امر کیفری به دعوای ضرر و زیان رسیدگی و رأی مقتضی صادر نماید. «ماده ۸۶ ق.آ.د.ک»
- ✓ دادگاه کیفری یک فقط در صورت صدور کیفرخواست و در حدود آن مبادرت به رسیدگی و صدور رأی می‌کند، مگر در جرایمی که مطابق قانون لزوماً به‌طور مستقیم در دادگاه کیفری یک مورد رسیدگی واقع می‌شود. در این صورت، انجام تحقیقات مقدماتی مطابق مقررات بر عهده دادگاه کیفری یک است. «ماده ۳۸۲ ق.آ.د.ک»
- ✓ موجبات شروع به رسیدگی در دادگاه کیفری یک و انقلاب در موارد تعدد قاضی صدور کیفرخواست از سوی دادستان و طرح مستقیم پرونده در دادگاه‌های فوق می‌باشد.

نحوه رسیدگی در دادگاه

نحوه و ترتیب رسیدگی در تمام دادگاه‌های کیفری غالباً شروع یکسانی دارد. مهم‌ترین موارد ترتیب رسیدگی در دادگاه‌های کیفری به شرح ذیل است:

۱. تشکیل جلسه از سوی دادگاه رسیدگی کننده: ماده ۴۰۳ ق.آ.د.ک در این خصوص بیان داشته است که: «دادگاه کیفری یک با رعایت صلاحیت ذاتی، پس از شروع به رسیدگی نمی‌تواند قرار عدم صلاحیت صادر کند و به هر حال باید رأی مقتضی را صادر نماید.»
۲. اعلام رسمیت جلسه از سوی دادگاه مذکور «ماده ۳۸۶ ق.آ.د.ک»
۳. «دادگاه... ابتدا در مورد شخص متهم به شرح مواد (۱۹۳) و (۱۹۴) این قانون اقدام ... می‌کند» «ماده ۳۸۶ ق.آ.د.ک» با عنایت به مواد قانونی مذکور، دادگاه پس از ملاحظه اوراق هویتی متهم، مشخصات و آدرس او را به طور دقیق سؤال می‌کند و تعیین محل اقامت به منظور ابلاغ اوراق قضایی را به وی تفهیم می‌نماید.
۴. «دادگاه ... به دیگر اشخاصی که در دادرسی شرکت دارند، اخطار می‌نماید در موقع محاکمه برخلاف حقیقت، وجدان، قوانین، ادب و نزاکت سخن نگویند» «ماده ۳۸۶ ق.آ.د.ک»
۵. قرائت کیفرخواست: قرائت کیفرخواست توسط منشی دادگاه یا استماع عقیده دادستان یا نماینده وی در مواردی که طبق قانون، پرونده با بیان ادعای شفاهی در دادگاه مطرح شده است. «ماده ۳۵۹ ق.آ.د.ک»
۶. استماع اظهارات و دلایل دادستان یا نماینده وی که برای اثبات اتهام انتسابی ارائه می‌شود. «ماده ۳۵۹ ق.آ.د.ک»
۷. استماع اظهارات شاکی یا مدعی خصوصی که شخصاً یا از سوی وکلای آنان بیان می‌شود. «ماده ۳۵۹ ق.آ.د.ک»
۸. پرسش از متهم راجع به قبول یا رد اتهام انتسابی و استماع دفاعیات متهم و وکیل او که عیناً توسط منشی در صورت مجلس قید می‌شود. «ماده ۳۵۹ ق.آ.د.ک»
۹. در صورت انکار یا سکوت متهم یا وجود تردید در صحت اقرار، دادگاه شروع به تحقیقات از متهم می‌کند و اظهارات شهود، کارشناس و اهل خبره‌ای که دادستان یا شاکی، مدعی خصوصی، متهم و یا وکیل آنان معرفی می‌کنند، استماع می‌نماید. «ماده ۳۵۹ ق.آ.د.ک»
۱۰. بررسی وسایل ارتکاب جرم و رسیدگی به سایر ادله ابرازی از سوی طرفین و انجام هر نوع تحقیق و اقدامی که دادگاه برای کشف واقع، ضروری تشخیص می‌دهد. «ماده ۳۵۹ ق.آ.د.ک»
۱۱. اخذ آخرین دفاع: قبل از ختم دادرسی، چنانچه شاکی یا مدعی خصوصی راجع به موضوع شکایت، مطلب جدیدی داشته باشد، استماع می‌شود و دادستان یا نماینده وی نیز می‌تواند عقیده خود را اظهار کند. دادگاه مکلف است پیش از اعلام ختم دادرسی، به متهم یا وکیل او اجازه دهد که آخرین دفاع خود را بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع مطلبی اظهار کند که در کشف حقیقت مؤثر باشد، دادگاه مکلف به رسیدگی است. «ماده ۳۷۱ ق.آ.د.ک»
۱۲. قاضی دادگاه نباید پیش از اتمام رسیدگی و اعلام رأی، در خصوص براءت یا مجرمیت متهم اظهار عقیده کند. «ماده ۳۷۲ ق.آ.د.ک»
۱۳. دادگاه پس از اعلام ختم رسیدگی، نمی‌تواند لوایح، اسناد و مدارک جدید را دریافت کند. «ماده ۳۷۳ ق.آ.د.ک»

صدور و ابلاغ رأی

- ✓ دادگاه پس از اعلام ختم دادرسی با استعانت از خداوند متعال، با تکیه بر شرف و وجدان و با توجه به محتویات پرونده و ادله موجود به انشای رأی مبادرت می‌کند. «ماده ۳۷۴ ق.آ.د.ک»
- ✓ دادگاه در همان جلسه و در صورت عدم امکان در اولین فرصت و حداکثر ظرف یک هفته به انشای رأی مبادرت می‌کند. «ماده ۳۷۴ ق.آ.د.ک»

- ✓ در دادگاه کیفری یک و نیز در تمام مواردی که رسیدگی مرجع قضایی با قضاوت متعدد پیش‌بینی شده باشد، رأی اکثریت تمام اعضا ملاک است. نظر اقلیت باید به‌طور مستدل در پرونده درج شود. اگر نظر اکثریت به شرح فوق حاصل نشود، یک عضو مستشار دیگر توسط مقام ارجاع اضافه می‌شود. «ماده ۳۹۵ ق.آ.د.ک»
- ✓ رأی دادگاه باید مستدل، موجه و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن صادر شده است. «ماده ۳۷۴ ق.آ.د.ک»
- ✓ دادگاه باید در رأی، حضوری یا غیابی بودن و قابلیت وخواهی و مهلت و مرجع آن را قید کند. اگر رأی قابل وخواهی باشد و دادگاه آن را غیرقابل وخواهی اعلام کند این امر مانع وخواهی نیست. «ماده ۳۷۵ ق.آ.د.ک»
- ✓ دادگاه باید در رأی، قابلیت تجدیدنظر و مهلت و مرجع آن را قید کند. اگر رأی قابل تجدیدنظر باشد و دادگاه آن را غیرقابل تجدیدنظر اعلام کند این امر مانع تجدیدنظرخواهی نیست. «ماده ۳۷۵ ق.آ.د.ک»
- ✓ دادگاه باید در رأی، قابلیت فرجام و مهلت و مرجع آن را قید کند. اگر رأی قابل فرجام باشد و دادگاه آن را غیرقابل فرجام اعلام کند این امر، مانع فرجام‌خواهی نیست. «ماده ۳۷۵ ق.آ.د.ک»
- ✓ رأی دادگاه باید حداکثر ظرف سه روز از تاریخ انشاء، پاک‌نویس یا تایپ شود. «ماده ۳۷۸ ق.آ.د.ک»
- ✓ این رأی که «دادنامه» خوانده می‌شود با نام خداوند متعال شروع و موارد زیر در آن درج می‌شود و به امضای دادرسی یا دادرسان می‌رسد و به مهر شعبه ممه‌ور می‌شود:
 - الف- شماره پرونده، شماره و تاریخ دادنامه و تاریخ صدور رأی
 - ب- مشخصات دادگاه و قاضی یا قضاوت صادرکننده رأی و سمت ایشان
 - پ- مشخصات طرفین دعوی و وکلای آنان
 - ت- گردش کار و متن کامل رأی «ماده ۳۷۸ ق.آ.د.ک»
- ✓ دادنامه به طرفین یا وکیل آنان و دادستان ابلاغ می‌شود و در صورتی که رأی دادگاه حضوری به طرفین ابلاغ شود، دادن نسخه‌ای از رأی یا تصویر مصدق آن به طرفین الزامی است. در این صورت، ابلاغ مجدد ضرورت ندارد. «ماده ۳۸۰ ق.آ.د.ک»
- ✓ مدیر دفتر دادگاه مکلف است حداکثر ظرف سه روز پس از امضای دادنامه، آن را برای ابلاغ ارسال نماید. «تبصره ۱ ماده ۳۸۰ ق.آ.د.ک»
- ✓ در جرائم منافی عفت، چنانچه دادنامه حاوی مطالبی باشد که اطلاع شاکی از آن حرام است و همچنین در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، ابلاغ دادنامه حضوری بوده و ذی‌نفع می‌تواند از مفاد کامل رأی اطلاع یافته و از آن استنساخ نماید. «تبصره ۲ ماده ۳۸۰ ق.آ.د.ک»

حقی داشتن وکیل

- ✓ در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد. «اصل ۳۵ قانون اساسی»
- ✓ در تمام امور کیفری، طرفین می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را معرفی کنند. «ماده ۳۴۶ ق.آ.د.ک»
- ✓ در صورت تعدد وکیل، حضور یکی از آنان برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است. «ماده ۳۴۶ ق.آ.د.ک»
- ✓ در غیر جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک، هر یک از طرفین می‌توانند حداکثر دو وکیل به دادگاه معرفی کنند. «تبصره ماده ۳۴۶ ق.آ.د.ک»
- ✓ در دادگاه کیفری یک هر یک از طرفین می‌توانند حداکثر سه وکیل به دادگاه معرفی کنند. «ماده ۳۸۵ ق.آ.د.ک»

انواع وکیل در امور کیفری

وکیل تعیینی: وکیل یا وکلایی که طرفین با اختیار و اراده آزاد آن‌ها را انتخاب و به دادگاه معرفی می‌کنند.

وکیل تسخیری: در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون، جلسه رسیدگی بدون حضور وکیل متهم تشکیل نمی‌شود. چنانچه متهم، خود وکیل معرفی نکند یا وکیل او بدون اعلام عذر موجه در دادگاه حاضر نشود، تعیین وکیل تسخیری الزامی است و چنانچه وکیل تسخیری بدون اعلام عذر موجه در جلسه رسیدگی حاضر نشود، دادگاه ضمن عزل او، وکیل تسخیری دیگری تعیین می‌کند. حق الوکاله وکیل تسخیری از محل اعتبارات قوه قضاییه پرداخت می‌شود. «ماده ۳۴۸ ق.آ.د.ک»

در صورت وجود ۲ شرط تعیین وکیل تسخیری از سوی دادگاه کیفری ضروری است:

۱. متهم وکیل نداشته باشد، اعم از اینکه وکیل معرفی نکرده باشد یا وکیل تعیینی او در جلسه حاضر نشده باشد.
 ۲. جلسه دادگاه در خصوص رسیدگی به یکی از جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) قانون آیین دادرسی کیفری باشد.
- ✓ هرگاه پس از تعیین وکیل تسخیری، متهم، وکیل تعیینی به دادگاه معرفی کند، وکالت تسخیری منتفی می‌شود. «تبصره ۲ ماده ۳۴۸ ق.آ.د.ک»
- ✓ تقاضای تغییر وکیل تسخیری از سوی متهم فقط برای یک بار قابل پذیرش است. «تبصره ۳ ماده ۳۴۸ ق.آ.د.ک»
- ✓ وجود یکی از جهات رد دادرسی بین وکیل تسخیری با طرف مقابل، شرکا و معاونان جرم یا وکلای آنان موجب ممنوعیت از انجام وکالت در آن پرونده است. «ماده ۳۴۹ ق.آ.د.ک»

وکیل تسخیری در دادگاه کیفری یک: پس از ارجاع پرونده به دادگاه کیفری یک، در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون و یا پس از صدور قرار رسیدگی در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود، هرگاه متهم وکیل معرفی نکرده باشد، مدیر دفتر دادگاه ظرف پنج روز به او اخطار می‌کند که وکیل خود را حداکثر تا ده روز پس از ابلاغ به دادگاه معرفی کند. چنانچه متهم وکیل خود را معرفی نکند، مدیر دفتر، پرونده را نزد رییس دادگاه ارسال می‌کند تا طبق مقررات برای متهم وکیل تسخیری تعیین شود. «ماده ۳۸۴ ق.آ.د.ک»

وکیل تسخیری در دادگاه اطفال و نوجوانان: در جرایمی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است یا جرایمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارش بیش از خمس دیه کامل است و در جرائم تعزیری درجه شش و بالاتر، دادرسی و یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می‌نماید که برای او وکیل تعیین کند. در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه، در مرجع قضایی برای متهم وکیل تعیین می‌شود. در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می‌تواند خود از وی دفاع و یا وکیل تعیین نماید. نوجوان نیز می‌تواند از خود دفاع کند. «ماده ۴۱۵ ق.آ.د.ک»

وکیل معاضدتی: در مواقعی که اتهام از مطرح در دادگاه به جهت رسیدگی، از جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) قانون آیین دادرسی کیفری نیست و همچنین متهم توانایی مالی جهت معرفی وکیل می‌تواند از دادگاه تقاضای وکیل نماید، ماده ۳۴۷ ق.آ.د.ک راجع به این موضوع چنین بیان شده است: «متهم می‌تواند تا پایان اولین جلسه رسیدگی از دادگاه تقاضا کند وکیلی برای او تعیین شود. دادگاه در صورت احراز عدم تمکن متقاضی، از بین وکلای حوزه قضایی و در صورت عدم امکان از نزدیک‌ترین حوزه قضایی، برای متهم، وکیل تعیین می‌نماید. در صورتی که وکیل درخواست حق الوکاله کند، دادگاه حق الوکاله او را متناسب با اقدامات انجام شده، تعیین می‌کند که در هر حال میزان حق الوکاله نباید از تعرفه قانونی تجاوز کند. حق الوکاله از محل اعتبارات قوه قضاییه پرداخت می‌شود.»

علنی بودن محاکمات

ماده ۳۵۲ ق.آ.د.ک: محاکمات دادگاه علنی است، مگر در جرائم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند. همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیرعلنی بودن محاکم را در موارد زیر صادر می کند:

الف - امور خانوادگی و جرائمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است.

ب - علنی بودن، مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد.

تبصره - منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است.

✓ محاکمات دادگاه کیفری یک، ضبط صوتی و در صورت تشخیص دادگاه، ضبط تصویری نیز می شود. انتشار آن ها ممنوع و استفاده از آن ها نیز منوط به اجازه دادگاه است «ماده ۴۰۰ ق.آ.د.ک»

ادله اثبات در امور کیفری

ادله اثبات در امور کیفری به تبیین ابزار و وسایل قانونی می پردازد که مقام قضایی یا طرفین شکایت به منظور اثبات صحت ادعای خود نسبت به اتهام وارده یا اثبات صحت انکار خود نسبت به اتهام وارده به آن استناد می کنند.

اصل برائت

اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. «اصل ۳۷ قانون اساسی»

اصل، برائت است. «صدر ماده ۴ ق.آ.د.ک»

آثار اصل برائت

✓ در بُعد تقنینی، اصل برائت مقتضی آن است که هیچ عملی جرم محسوب نشود، مگر اینکه **قانون گذار** آن را جرم شناخته و برای آن مجازات تعیین نموده باشد.

✓ در بُعد قضایی، اصل برائت مقتضی آن است که شخصی که به عنوان متهم در یک دعوی عمومی تحت تعقیب قرار گرفته است تا زمان صدور حکم محکومیت قطعی، مجرم شناخته نشود.

✓ ممنوعیت شکنجه یا رفتارهای انسانی و یا تحقیرآمیز

✓ بار اثبات جرم بر عهده مقام تعقیب است و متهم طبق اصل برائت وظیفه ای ندارد. مگر در صورت وجود یک عامل توجیه کننده مانند دفاع مشروع یا هر عامل دیگری که سبب سلب مسئولیت کیفری یا مجازات از متهم شود، نوبت به متهم می رسد که وجود چنین عاملی را اثبات کند.

✓ ممنوعیت اجبار متهم به اثبات بی گناهی خود یا شهادت و اقرار علیه خود.

✓ هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هر یک از شرایط مسؤولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی شود. «ماده ۱۲۰ ق.م.ا»

انواع دلیل در امور کیفری

به استناد ماده ۱۶۰ ق.م.ا: ادله اثبات جرم عبارت از

۱. اقرار

۲. شهادت

۳. قسامه

۴. سوگند در موارد مقرر قانونی

۵. علم قاضی

نکته: هرگاه ادله‌ای که موضوعیت دارد فاقد شرایط شرعی و قانونی لازم باشد، می‌تواند به عنوان **اماره قضایی** مورد استناد قرار گیرد، مشروط بر اینکه همراه با قرائن و امارات دیگر، موجب **علم قاضی** شود.

اقرار

اقرار عبارت از اخبار شخص به ارتکاب جرم از جانب خود است. «ماده ۱۶۴ ق.م.ا»

شرایط صحت اقرار

- ✓ اقرار باید با لفظ یا نوشتن باشد، در صورت تعذر، با فعل از قبیل اشاره نیز واقع می‌شود. «صدر ماده ۱۶۶ ق.م.ا»
- ✓ اقرار باید مُتَّجَز باشد و اقرار معلق و مشروط معتبر نیست. «ماده ۱۶۷ ق.م.ا»
- ✓ اقرار باید روشن و بدون ابهام باشد. «ماده ۱۶۶ ق.م.ا»

شرایط اقرارکننده «ماده ۱۶۸ ق.آ.د.ک»

اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده در حین اقرار:

۱. عاقل: به عبارت دیگر اقرار شخص مجنون نافذ نیست.
 ۲. بالغ: به عبارت دیگر اقرار شخص صغیر معتبر نیست.
 ۳. قاصد: به عبارت دیگر اقرار شخص در حالت خواب یا بیهوشی معتبر نیست.
 ۴. مختار: به عبارت دیگر اقرار شخص در حالتی که مختار نباشد نافذ نیست.
- ✓ اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی اخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه **مکلف** است از متهم تحقیق مجدد نماید. «ماده ۱۶۹ ق.م.ا»
 - ✓ اقرار شخص سفیه که حکم حجر او صادر شده است و شخص ورشکسته، نسبت به امور کیفری نافذ است، اما نسبت به ضمان مالی ناشی از جرم معتبر نیست. «ماده ۱۷۰ ق.م.ا»
 - ✓ در کلیه جرائم، یکبار اقرار کافی است، مگر در جرائم زیر که نصاب آن به شرح زیر است: «ماده ۱۷۲ ق.م.ا»
 ۱. چهار بار در زنا، لواط، تفخیز و مساحقه
 ۲. دو بار در شرب خمر، قوادی، قذف و سرقت موجب حد
 - ✓ برای اثبات جنبه غیر کیفری کلیه جرائم، **یکبار** اقرار کافی است. «تبصره ۱ ماده ۱۷۲ ق.م.ا»
 - ✓ در مواردی که تعدد اقرار شرط است، اقرار می‌تواند در یک یا چند جلسه انجام شود. «تبصره ۲ ماده ۱۷۲ ق.م.ا»
 - ✓ انکار بعد از اقرار موجب سقوط مجازات نیست به جز در اقرار به جرمی که مجازات آن موجب **رجم** یا **حد قتل** است که در این صورت در هر مرحله، ولو در حین اجرا، مجازات مزبور ساقط و به جای آن در زنا و لواط صد ضربه شلاق و در غیر آن‌ها حبس تعزیری درجه پنج ثابت می‌گردد. «ماده ۱۷۳ ق.م.ا»
 - ✓ طبق بند قبل، در جرائم زنا و لواط و با شرایط احصان و شرایط مصرح در مواد ۲۲۴ و ۲۳۴ قانون مجازات اسلامی و همچنین سَبُّالنَّبِی، إفساد فی الارض و محاربه که با اقرار اثبات شده باشد و مجازات اعدام برای آن‌ها در نظر گرفته شده باشد، انکار پس از آن تبدیل‌کننده مجازات خواهد بود.

شهادت

شهادت عبارت از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوی به وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضائی است.
«ماده ۱۷۴ ق.م.ا»

ویژگی‌های شهادت

- ✓ شهادت همانند اقرار به صورت اخبار و در مقابل انشاء می‌باشد. مهم‌ترین ویژگی جملات خبری، قابل تصدیق و تکذیب واقع شدن آن‌ها می‌باشد.
- ✓ با توجه به عبارت «غیر از طرفین دعوی» فرد شاهد باید شخصی غیر از مداخله‌کنندگان در جرم باشد؛ بنابراین به اظهارات شاکی، مشتکی‌عنه و یا مقامات قضایی دادسرا شهادت اطلاق نمی‌گردد
- ✓ با توجه به عبارت «نزد مقام قضائی» شهادت فقط باید در نزد مقام قضایی صورت گیرد، به عبارت دیگر، استماع شهادت توسط مقامات غیرقضایی مانند مراجع انتظامی یا ضابطان خاص فاقد اعتبار است.

شرایط اعتبار شهادت

- ✓ عدم علم به خلاف مفاد شهادت
در شهادت شرعی نباید علم به خلاف مفاد شهادت وجود داشته باشد. هرگاه قرائن و امارات بر خلاف مفاد شهادت شرعی باشد، دادگاه، تحقیق و بررسی لازم را انجام می‌دهد و در صورتی که به خلاف واقع بودن شهادت، علم حاصل کند، شهادت معتبر نیست. «ماده ۱۸۷ ق.م.ا»
- شهادت شرعی آن است که شارع آن را معتبر و دارای حجیت دانسته است اعم از آن که مفید علم باشد یا نباشد. «ماده ۱۷۵ ق.م.ا»
- ✓ ضرورت قطع و یقین
شهادت باید از روی قطع و یقین به نحوی که مستند به امور حسی و از طریق متعارف باشد، اداء شود. «ماده ۱۸۳ ق.م.ا»
- ✓ عدم تعارض شهادت شهود
در شهادت شرعی، در صورت تعدد شهود، **وحدت موضوع شهادت** ضروری است و باید مفاد شهادت‌ها در خصوصیات مؤثر در اثبات جرم یکسان باشد. هرگاه اختلاف مفاد شهادت‌ها موجب تعارض شود و یا وحدت موضوع را مخدوش کند، شهادت شرعی محسوب نمی‌شود. «ماده ۱۸۲ ق.م.ا»
- در صورت وجود تعارض بین دو شهادت شرعی، هیچ یک معتبر نیست. «ماده ۱۸۵ ق.م.ا»
- ✓ لزوم ادای شهادت با لفظ یا نوشته
شهادت باید با لفظ یا نوشتن باشد و در صورت تعذر، با فعل از قبیل اشاره واقع شود و در هر صورت باید روشن و بدون ابهام باشد. «ماده ۱۸۴ ق.م.ا»
- ✓ مطابقت مفاد شهادت با جرم به وقوع پیوسته
شهود باید در خصوص همان موضوع جرم، شهادت بدهند و اگر محتوای شهادت شهود با جرم به وقوع پیوسته مطابقت نداشته باشد، شهادت مذکور با توجه به اصل برائت و قاعده درآ فاقد اعتبار است. ماده ۲۰۰ ق.م.ا در مورد شهادت در جرائم زنا و لواط چنین بیان شده است: «در خصوص شهادت بر زنا یا لواط، شاهد باید حضوری عملی را که زنا یا لواط با آن محقق می‌شود دیده باشد و هرگاه شهادت مستند به مشاهده نباشد و همچنین در صورتی که شهود به عدد لازم نرسند شهادت در خصوص زنا یا لواط، قذف محسوب می‌شود و موجب حد است».

شرایط شاهد

به منظور اینکه شهادت معتبر و دارای حجیت محسوب گردد، شاهد باید دارای شرایطی باشد؛ در صورتی که شاهد فاقد شرایط مربوط باشد، اظهارات وی استماع و صرفاً در حدود علم قاضی و به عنوان **آماره قضایی** کارایی خواهد داشت، ماده ۱۷۶ ق.م.ا مؤید این امر است: «در صورتی که شاهد واجد شرایط شهادت شرعی نباشد، اظهارات او استماع می‌شود. تشخیص میزان تأثیر و ارزش این اظهارات در علم قاضی در حدود آماره قضائی با دادگاه است.»

ماده ۱۷۷ ق.آ.د.ک شرایط شاهد را به این شرح بیان کرده است: «الف - بلوغ ب - عقل پ - ایمان - عدالت ث - طهارت مؤلد ج - ذی نفع نبودن در موضوع چ - نداشتن خصومت با طرفین یا یکی از آنها ح - عدم اشتغال به تکدی خ - ولگرد نبودن»

همچنین ماده ۱۸۰ ق.م.ا بیان می‌دارد که: «شهادت اشخاص غیرعادی، مانند فراموشکار و ساهی به عنوان شهادت شرعی معتبر نیست مگر آنکه قاضی به عدم فراموشی، سهو و امثال آن در مورد شهادت علم داشته باشد.»

شرایط شاهد در ۲ دسته ذیل تقسیم‌بندی می‌شود:

۱. شرایط ایجابی یعنی، شرایطی که شاهد در زمان **ادای شهادت** باید دارا باشد.
۲. شرایط سلبی یعنی، شرایطی که شاهد در زمان ادای شهادت باید فاقد آن شرایط باشد.

شرایط ایجابی

✓ بلوغ

سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است. «ماده ۱۴۷ ق.م.ا»

هرگاه شاهد در زمان **تحمل شهادت**، غیربالغ ممیز باشد، اما در زمان ادای شهادت به سن بلوغ برسد، شهادت او معتبر است. «ماده ۱۷۹ ق.م.ا»

✓ عقل

تعریف مجنون با وحدت ملاک از ماده ۱۴۹ ق.م.ا چنین تعریف شده است «فردی که دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمییز باشد مجنون محسوب می‌شود.»

شهادت مجنون ادواری: شهادت مجنون ادواری در حال افاقه پذیرفته می‌شود مشروط بر آنکه تحمل شهادت نیز در حال افاقه بوده باشد. «ماده ۱۷۸ ق.م.ا»

✓ ایمان

در قوانین کیفری شهادت شاهدهی قابل استماع و پذیرش است که دارای وصف ایمان باشد و شهادت شخص غیرمؤمن فاقد اعتبار است.

صفت ایمان در قوانین کیفری تعریف نشده است، اما در منابع حدیثی و روایی طبق گفتاری از حضرت امیرالمؤمنین علی «ع» ایمان عبارت است از شناخت به دل و اقرار به زبان و عمل با اعضای بدن است.
با توجه به توضیحات فوق مشخص می‌شود که شهادت غیرمسلمانان به طور مطلق علیه مسلمانان پذیرفته نیست.

✓ عدالت

عادل کسی است که در نظر قاضی یا شخصی که بر عدالت وی گواهی می‌دهد، اهل معصیت نباشد. شهادت شخصی که اشتها به فسق داشته باشد، مرتکب گناه کبیره شود یا بر گناه صغیره اصرار داشته باشد تا احراز تغییر در اعمال او و اطمینان از صلاحیت و عدالت وی، پذیرفته نمی‌شود. «ماده ۱۸۱ ق.م.ا»

✓ طهارت مؤلد

طهارت مؤلد یعنی شخص شاهد، نباید از رابطه نامشروع متولد شده باشد.

شرایط سلبی

✓ ذی نفع نبودن در موضوع

از دیگر شرایط شاهد ذی نفع نبودن در موضوع دعوی است.

رابطه خادم و مخدومی و قرابت نسبی یا سببی مانع از پذیرش شهادت شرعی نیست. «تبصره ماده ۳۲۲ ق.آ.د.ک»

✓ نداشتن خصومت با طرفین یا یکی از آنها

در مورد شرط خصومت، هرگاه شهادت شاهد به نفع طرف مورد خصومت باشد، پذیرفته می شود. «تبصره ۲ ماده ۱۷۷ ق.م.ا»

✓ عدم اشتغال به تکدی

علاوه بر آنکه شخص ولگرد نمی تواند شهادت بدهد، به استناد ماده ۷۱۲ ق.م.ا بخش تعزیرات جرم نیز می باشد: «هر کس تکدی یا کلاشی را پیشه خود قرار داده باشد و از این راه امرار معاش نماید یا ولگردی نماید به حبس از یک تا سه ماه محکوم خواهد شد ...»

✓ ولگرد نبودن

ولگرد کسی است که مسکن و مأوای مشخص و وسیله معاش معلوم و شغل یا حرفه معینی ندارد. «تبصره ۲ ماده ۴۵ ق.آ.د.ک»

نصاب شهادت «ماده ۱۹۹ ق.م.ا»



جرح و تعدیل شهود

✓ شاهد شرعی قابل جرح و تعدیل است. جرح شاهد عبارت از شهادت بر فقدان یکی از شرایطی که قانون برای شاهد شرعی

مقرر کرده است و تعدیل شاهد عبارت از شهادت بر وجود شرایط مذکور برای شاهد شرعی است. «ماده ۱۹۱ ق.م.ا»

✓ قاضی مکلف است حق جرح و تعدیل شهود را به طرفین اعلام کند. «ماده ۱۹۲ ق.م.ا»

- ✓ جرح شاهد شرعی باید پیش از ادای شهادت به عمل آید مگر آنکه موجبات جرح پس از شهادت معلوم شود. در این صورت، جرح تا پیش از صدور حکم به عمل می‌آید و در هر حال دادگاه مکلف است به موضوع جرح، رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. «ماده ۱۹۳ ق.م.ا»
- ✓ در صورت رد شاهد شرعی از سوی قاضی یا جرح وی، مدعی صلاحیت شاهد می‌تواند برای اثبات آن دلیل اقامه کند. «ماده ۱۹۴ ق.م.ا»
- ✓ در اثبات جرح یا تعدیل شاهد، ذکر اسباب آن لازم نیست و گواهی مطلق به تعدیل یا جرح، کفایت می‌کند مشروط بر آنکه شاهد دارای شرایط شرعی باشد. «ماده ۱۹۵ ق.م.ا»
- ✓ هرگاه دادگاه، شهود معرفی شده را واجد شرایط قانونی تشخیص دهد، شهادت را می‌پذیرد و در غیر این صورت، شهادت را شهادت شرعی محسوب نمی‌کند و اگر از وضعیت آن‌ها اطلاع نداشته باشد تا زمان احراز شرایط و کشف وضعیت که نباید بیش از ده روز طول بکشد، رسیدگی را متوقف و پس از آن، حسب مورد، اتخاذ تصمیم می‌کند مگر اینکه به نظر قاضی احراز شرایط در مدت ده روز ممکن نباشد. «ماده ۱۹۷ ق.م.ا»

قسامه

- قسامه عبارت از سوگندهایی است که در صورت فقدان ادله دیگر غیر از سوگند منکر و وجود لوث، شاکی برای اثبات جنایت عمدی یا غیرعمدی یا خصوصیات آن و متهم برای دفع اتهام از خود اقامه می‌کند. «ماده ۳۱۳ ق.م.ا»
- ✓ قسامه از لحاظ سلسله مراتب در آخرین مرحله از ادله اثبات قرار می‌گیرد و استناد به آن تنها در صورت فقدان اقرار، بینة یا علم قاضی موجه است.
 - ✓ در صورتی که پس از اقامه قسامه و پیش از صدور حکم، دلیل معتبری برخلاف قسامه یافت شده و یا فقدان شرایط قسامه محرز شود، طبق ماده ۳۴۴: «... قسامه باطل می‌شود و چنانچه بعد از صدور حکم باشد، موضوع از موارد اعاده دادرسی است.»
 - ✓ قاضی مکلف است در حکم خود به قرائن و امارات موجب لوث اشاره کند و عدم ذکر آن‌ها موجب نقض حکم است.
 - ✓ قرائن و امارات موجود باید باعث ظن نوعی در مورد ارتکاب جرم از سوی متهم شود. همچنین این قرائن باید برای شخص قاضی نیز ایجاد ظن کند؛ بنابراین ظن ایجاد شده باید دارای دو معیار نوعی و شخصی باشد؛ با فقدان هریک از دو شرط، لوث ایجاد نخواهد شد.
 - ✓ در صورت تعارض ظنون «یعنی وقتی قرائن و نشانه‌های ظنی معارض یکدیگر باشند» مورد از موارد لوث محسوب نمی‌شود.
 - ✓ در صورت نبودن قرائن و امارات موجب ظن، صرف حضور فرد در محل وقوع جنایت از مصادیق لوث محسوب نمی‌شود و او با ادای یک سوگند تبرئه می‌گردد.
 - ✓ در قسامه، سوگند ابتدا متوجه شاکی است. هرگاه شاکی نتواند پنجاه خویشاوند ذکور را برای ادای سوگند حاضر نماید و از متهم هم مطالبه قسامه ننماید طبق ماده ۳۱۸ ق.م.ا: (متهم در جنایات عمدی با تأمین مناسب و در جنایات غیرعمدی بدون تأمین آزاد می‌شود لکن حق اقامه قسامه یا مطالبه آن برای شاکی باقی می‌ماند. اگر ظرف مدت سه ماه شاکی از اقامه قسامه یا مطالبه آن خودداری کند، از تأمین اخذ شده رفع اثر می‌شود.)
 - ✓ شاکی می‌تواند از متهم مطالبه قسامه کند. در این صورت متهم باید برای برائت خود، اقامه قسامه کند؛ در صورت انجام این کار تبرئه خواهد شد و در موارد وقوع قتل، دیه از بیت‌المال پرداخت خواهد شد. لیکن هرگاه متهم از اقامه قسامه امتناع کند، وی محکوم به پرداخت دیه خواهد شد.
 - ✓ متهم نمی‌تواند قسامه را به شاکی رد نماید.

شرایط قسامه

✓ فقدان ادله دیگر

✓ وجود لوٹ، لوٹ عبارت از وجود قرائن و اماراتی است که موجب ظن قاضی به ارتکاب جنایت یا نحوه ارتکاب از جانب متهم می‌شود. «ماده ۳۱۴ ق.م.ا.»

✓ جنایات عمدی و غیرعمدی

قسامه در جرائم مستوجب حد و تعزیر اعمال نمی‌شود. صرفاً برای اثبات اتهام یا برائت از اتهام در جنایات عمدی و غیرعمدی قابل پذیرش است.

✓ کیفیت سوگند در قسامه، در صورت حصول لوٹ، نخست از متهم، مطالبه دلیل بر نفی اتهام می‌شود. اگر دلیلی ارائه شود، نوبت به قسامه شاکی نمی‌رسد و متهم تبرئه می‌گردد. «ماده ۳۱۷ ق.م.ا.»

تشریفات و مقررات اتیان سوگند قسامه

✓ نصاب قسامه برای اثبات قتل عمدی، سوگند پنجاه نفر مرد از خویشان و بستگان مدعی است.

✓ سوگند شاکی خواه مرد باشد خواه زن، جزء نصاب محسوب می‌شود؛ بنابراین اگر شاکی زن باشد سوگند وی جزء نصاب محسوب می‌شود و او باید چهل و نه خویشاوند مرد را هم برای ادای سوگند حاضر نماید در غیر این صورت ادعا اثبات نخواهد شد. امکان تکرار سوگند برای مدعی وجود ندارد.

نکته: چنانچه تعداد قسم خورندگان متهم کمتر از پنجاه نفر باشد، هریک می‌تواند بیش از یک قسم بخورد به نحوی که پنجاه قسم کامل شود. با نداشتن اداکننده سوگند، خود متهم، خواه مرد باشد خواه زن، سوگندها را تکرار می‌نماید و تبرئه می‌شود.

قسامه در جنایت بر اعضاء و منافع

ماده ۴۵۶ ق.م.ا در این خصوص بیان می‌دارد که: «در جنایت بر اعضاء و منافع اعم از عمدی و غیرعمدی در صورت لوٹ و فقدان ادله دیگر غیر از سوگند منکر، مَجْنیْ عَلَیْهِ می‌تواند با اقامه قسامه به شرح زیر، جنایت مورد ادعاء را اثبات و دیه آن را مطالبه کند. لکن حق قصاص با آن ثابت نمی‌شود.

✓ در جنایت بر اعضا و منافع برخلاف قتل، مدعی چه زن باشد چه مرد می‌تواند در صورت نبودن نفرات لازم به همان اندازه قسم را تکرار کند.

الف - شش قسم در جنایتی که دیه آن به مقدار دیه کامل است.

ب - پنج قسم در جنایتی که دیه آن پنج‌ششم دیه کامل است.

پ - چهار قسم در جنایتی که دیه آن دوسوم دیه کامل است.

ت - سه قسم در جنایتی که دیه آن یک‌دوم دیه کامل است.

ث - دو قسم در جنایتی که دیه آن یک‌سوم دیه کامل است.

ج - یک قسم در جنایتی که دیه آن یک‌ششم دیه کامل یا کمتر از آن است.

تبصره ۱ - در مورد هریک از بندهای فوق در صورت نبودن نفرات لازم، مَجْنیْ عَلَیْهِ، خواه مرد باشد خواه زن، می‌تواند به همان اندازه قسم را تکرار کند.

تبصره ۲ - در هریک از موارد فوق چنانچه مقدار دیه، بیش از مقدار مقرر در آن بند و کمتر از مقدار مقرر در بند قبلی باشد، رعایت نصاب بیشتر لازم است.»

به نظر می‌رسد جراحاتی که دیه مقدر نداشته و موجب ارش می‌شوند از نظر قانون ایران با قسامه قابل اثبات **نباشند**.

تفاوت بین جنایت عمدی و غیرعمدی

هرگاه قصاص به هر دلیل اجرا نشود، به نظر می‌رسد که امکان اعمال مجازات‌های مذکور در ماده ۶۱۲ و ۶۱۴ قانون تعزیرات وجود نخواهد داشت زیرا قسامه یکی از ادله‌ی خاص است و صرفاً در راستای اثبات یا نفی قصاص و دیه نه تعزیر به کار می‌رود.

مادون نفس: قسامه در جنایات مادون نفس فقط موجب **دیه** می‌شود و تفاوتی از لحاظ **تعداد** سوگندها بین جراحات عمدی، شبه عمدی و خطای محض وجود **ندارد**.

قتل: در صورت **عمدی** بودن آن که موجب قصاص بوده، **پنجاه** سوگند لازم است، در حالی که نصاب قسامه در قتل شبه عمد و خطای محض **بیست و پنج** سوگند است.

شرایط مدعی و سوگند خورندگان

مدعی: جنسیت در مطالبه قسامه نقشی ندارد و مدعی باید از وراث مقتول باشد و همچنین در زمان **ادعا** وارث محسوب شود. همچنین مدعی باید شرایط کلی «بلوغ و عقل» را نیز داشته باشد.

سوگندخورندگان: طبق ماده ۳۳۶ ق.م.ا قسم خورندگان باید مرد و از خویشان و بستگان «اعم از امی، آبی یا آبویی» شاکی یا متهم باشند. به علاوه عاقل، بالغ، مختار و قاصد بودن آنها نیز از زمره شرایط لازم است.

✓ علی‌رغم سکوت مقنن به نظر می‌رسد سوگند شخص کافر علیه متهم مسلمان پذیرفته **نمی‌شود**.

سوگند

سوگند عبارت از گواه قراردادن خداوند بر درستی گفتار اداءکننده سوگند است. «ماده ۲۰۱ ق.م.ا»

شرایط سوگند

- ✓ اداءکننده سوگند باید عاقل، بالغ، قاصد و مختار باشد. «ماده ۲۰۲ ق.م.ا»
- ✓ سوگند فقط نسبت به طرفین دعوی و قائم‌مقام آنها مؤثر است. «ماده ۲۰۷ ق.م.ا»
- ✓ حدود و تعزیرات با سوگند نفی یا اثبات نمی‌شود لکن قصاص، دیه، ارش و ضرر و زیان ناشی از جرائم، مطابق مقررات این قانون با سوگند اثبات می‌گردد. «ماده ۲۰۸ ق.م.ا»
- ✓ ابتداء شاهد واجد شرایط شهادت می‌دهد و سپس سوگند توسط مدعی اداء می‌شود. «تبصره ماده ۲۰۹ ق.م.ا»
- ✓ هرگاه ثابت شود سوگند، دروغ و یا اداءکننده سوگند فاقد شرایط قانونی بوده است، به سوگند مزبور ترتیب اثر داده نمی‌شود. «ماده ۲۱۰ ق.م.ا»

شرایط اجرای سوگند

- ✓ سوگند باید مطابق قرار دادگاه و با لفظ جلاله والله، بالله، تالله یا نام خداوند متعال به سایر زبان‌ها اداء شود و در صورت نیاز به تغلیظ و قبول اداءکننده سوگند، دادگاه کیفیت ادای آن را از حیث زمان، مکان، الفاظ و مانند آنها تعیین می‌کند. در هر صورت، بین مسلمان و غیرمسلمان در ادای سوگند به نام خداوند متعال تفاوتی وجود ندارد. «ماده ۲۰۳ ق.م.ا»
- ✓ سوگند باید مطابق با ادعا، صریح در مقصود و بدون هرگونه ابهام باشد و از روی قطع و یقین اداء شود. «ماده ۲۰۴ ق.م.ا»
- ✓ سوگند باید با لفظ باشد و در صورت **تَعَدُّر**، با نوشتن یا اشاره‌ای که روشن در مقصود باشد، اداء شود. «ماده ۲۰۵ ق.م.ا»

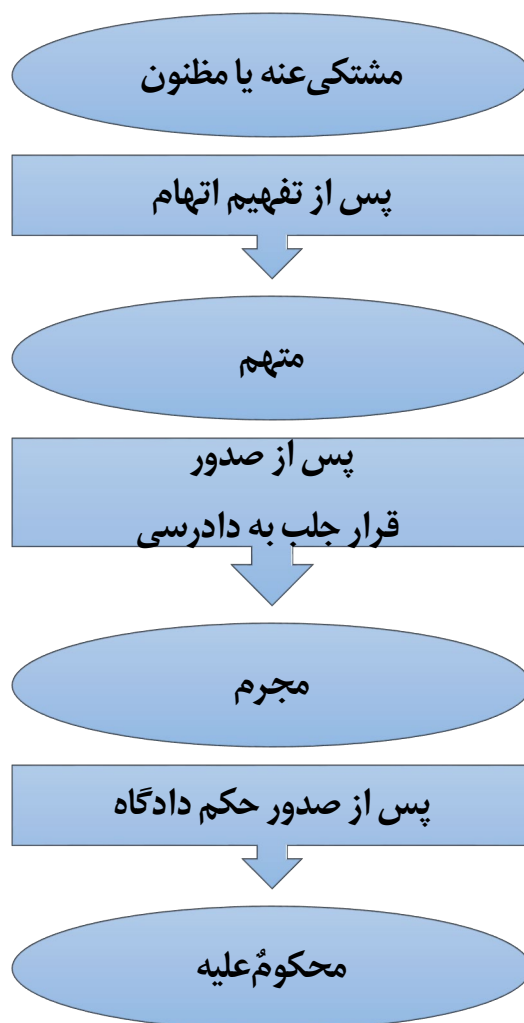
علم قاضی

علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند. «ماده ۲۱۱ ق.م.ا»

مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می‌تواند مستند علم قاضی قرار گیرد. در هر حال مجزّد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی‌شود، نمی‌تواند ملاک صدور حکم باشد. «تبصره ماده ۲۱۱ ق.م.ا»

تعارض ادله در امور کیفری

- ✓ در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد اگر علم، بین باقی بماند، آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رأی صادر می‌کند. چنانچه برای قاضی علم حاصل نشود، ادله قانونی معتبر است و بر اساس آن‌ها رأی صادر می‌شود. «ماده ۲۱۲ ق.م.ا»
- ✓ در تعارض ادله با یکدیگر، اقرار بر شهادت شرعی، قسامه و سوگند مقدم است. «ماده ۲۱۳ ق.م.ا»
- ✓ در تعارض ادله با یکدیگر، شهادت شرعی بر قسامه و سوگند تقدم دارد. «ماده ۲۱۳ ق.م.ا»



جمع‌بندی آیین دادرسی کیفری

نکته ۱: آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای: ۱. کشف جرم، ۲. تعقیب متهم، ۳. تحقیقات مقدماتی، ۴. میانجیگری و صلح میان طرفین، ۵. نحوه رسیدگی و صدور رأی، ۶. طرق اعتراض به آراء، ۷. اجرای آراء، ۸. تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری، ۹. رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود.

نکته ۲: در قانون جدید آیین دادرسی کیفری اصل قانونی بودن دادرسی کیفری و اصل تساوی افراد در برابر قانون صراحتاً پیش‌بینی شده است (ماده ۲ ق.آ.د.ک)

نکته ۳: در قانون جدید آیین دادرسی کیفری اصل بی‌طرفی مقام قضایی و اصل تسریع در فرایند رسیدگی تصریح شده است. (ماده ۳ ق.آ.د.ک)

نکته ۴: در قانون جدید آیین دادرسی کیفری اصل برائت به صراحت پیش‌بینی شده است. (ماده ۴ ق.آ.د.ک) به موجب این اصل هرگونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.

نکته ۵: متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در ق.آ.د.ک بهره‌مند شود.

نکته ۶: متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.

نکته ۷: در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است.

نکته ۸: در قانون جدید آ.د.ک برای رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» ضمانت اجرا تعیین شده است به این ترتیب که تخلف از رعایت این مقررات توسط مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند موجب می‌شود که متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم شوند، مگر آن‌که در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.

نکته ۹: محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است.

نکته ۱۰: همه جرائم دارای جنبه الهی می‌باشند.

نکته ۱۱: هر جرم می‌تواند دو حیثیت داشته باشد:

الف- حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی؛

ب- حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین.

نکته ۱۲: ارتکاب هر جرمی می‌تواند موجب طرح دو دعوی شود:

الف- دعوای عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی؛

ب- دعوای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه‌دیده است مانند حد قذف و قصاص.

جرم الزاماً واجد جنبه عمومی است اما بسیاری از جرائم علاوه بر جنبه عمومی به سبب خسارتی که از ارتکاب آن‌ها به افراد وارد می‌شود، واجد جنبه خصوصی نیز هستند.

نکته ۱۳: تعقیب متهم و اقامه دعوی از جهت حیثیت عمومی بر عهده دادستان و اقامه دعوی و درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی با شاکی یا مدعی خصوصی است.

نکته ۱۴: تعقیب متهم در جرائم قابل گذشت، فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت او موقوف می‌شود.

نکته ۱۵: تعیین جرائم قابل گذشت به موجب قانون است.

نکته ۱۶: اصل بر غیر قابل گذشت بودن جرائم می‌باشد؛ لیست جرائم قابل گذشت در ماده ۱۰۴ ق.م.ا احصاء شده است. علاوه بر موارد مذکور در این ماده، مواد ۵۱۶ و ۵۱۷ کتاب تعزیرات ق.م.ا و جرم صدور چک پرداخت نشدنی نیز قابل گذشت می‌باشد.

نکته ۱۷: لیست جرائم قابل گذشت عبارتند از:

۱. جرائم تعزیری مندرج در کتاب دیات. ۲. حد قذف. ۳. جرایمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می‌باشند (مثل جرم صدور چک پرداخت نشدنی). ۴. سوءاستفاده از ضعف نفس اشخاص توسط ولی، وصی یا قیم شخص. ۵. توهین ساده. ۶. سقط جنین به واسطه ضرب یا آزار زن حامله. ۷. امتناع از استرداد طفل سپرده شده. ۸. رها کردن طفل یا شخصی که قادر به محافظت از خود نیست در محل خالی از سکنه یا غیر آن. ۹. ترک انفاق زن یا سایر اشخاص واجب‌النفقه. ۱۰. افشای اسرار حرفه‌ای. ۱۱. اخذ سند یا نوشته یا مهر و امضا با جبر و قهر و یا با اکراه و تهدید. ۱۲. تهدید. ۱۳. احراق اموال منقول متعلق به غیر. ۱۴. تخریب، اتلاف یا از کار انداختن اموال منقول یا غیرمنقول متعلق به غیر. ۱۵. کشتن، مسموم یا تلف یا ناقص کردن عمدی حیوان حلال‌گوشت متعلق به غیر یا حیواناتی که شکار آن‌ها توسط دولت ممنوع اعلام شده است. ۱۶. احراق یا اتلاف اسناد یا اوراق تجارتي یا غیر تجارتي غیردولتی متعلق به غیر. ۱۷. چراندن محصول، تخریب تاکستان، باغ میوه یا نخلستان متعلق به غیر، قطع، درو، خشک یا تضييع کردن محصول غیر و از کار انداختن آسیاب دیگری. ۱۸. قطع کردن یا از بین بردن اصله نخل خرما بدون مجوز قانونی. ۱۹. تصرف عدوانی (ماده ۶۹۰ و ۶۹۲). ۲۰. ورود به عنف به مسکن غیر. ۲۱. افترا لفظی. ۲۲. نشر اکاذیب. ۲۳. افترا عملی. ۲۴. هجو. ۲۵. سوءقصد یا توهین به مقامات سیاسی خارجی.

نکته ۱۸: جرائم علیه میراث تاریخی و فرهنگی غیر قابل گذشت می‌باشند.

نکته ۱۹: سوءاستفاده از ضعف نفس اشخاص توسط افرادی غیر از ولی، وصی یا قیم او جرم غیر قابل گذشت می‌باشد.

نکته ۲۰: بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکي» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود.

نکته ۲۱: عوامل سقوط دعوی عمومی یا موقوفی تعقیب یا اجرای مجازات عبارتند از:

الف- فوت متهم یا محکوم‌علیه؛

ب- گذشت شاکي یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت؛

پ- شمول عفو؛

ت- نسخ مجازات قانونی؛

ث- شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون؛

ج- توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون؛

چ- اعتبار امر مختوم.

نکته ۲۲: فوت موجب سقوط تعقیب یا اجرای مجازات می‌شود مگر در مورد دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم که در صورت فوت مرتکب هزینه‌های مذکور از ماترک متوفی پرداخت می‌شود. «برخلاف انحلال قهری و قانونی، انحلال ارادی شخص حقوقی که ممکن است به قصد فرار از محکومیت کیفری و مجازات صورت بگیرد، نباید در حکم فوت تلقی نمود.»

نکته ۲۳: عفو یا تخفیف مجازات محکومان (عفو خصوصی)، در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رییس قوه قضائیه با مقام رهبری است.

نکته ۲۴: عفو عمومی به موجب قانون در جرائم موجب تعزیر اعطاء می‌شود.

نکته ۲۵: عفو عمومی تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند و در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف و آثار محکومیت نیز زائل می‌شود.

نکته ۲۶: عفو عمومی، همه آثار محکومیت را منتفی می‌کند لکن تأثیری در پرداخت دیه و جبران خسارت زیان‌دیده ندارد.

نکته ۲۷: نسخ قانون، تعقیب و اجرای مجازات را موقوف می‌کند. آثار نسخ قوانین کیفری به شرح مندرج در ماده (۱۰) ق.م.ا است.

نکته ۲۸: در جرائم تعزیری قابل گذشت، گذشت شاکي یا مدعی خصوصی حسب مورد موجب موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات است.

نکته ۲۹: جرائم قابل گذشت، جرائمی می‌باشند که شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات، منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی است.

نکته ۳۰: جرائم غیر قابل گذشت، جرائمی می‌باشند که شکایت شاکی و گذشت وی در شروع به تعقیب و رسیدگی و ادامه آن‌ها و اجرای مجازات تأثیری ندارد.

نکته ۳۱: مقررات راجع به گذشت شاکی، در مورد مجازات‌های قصاص نفس و عضو، حد کذف و حد سرقت همان است که در کتاب دوم «حدود» و سوم «قصاص» ق.م.ا ذکر شده است.

نکته ۳۲: گذشت شاکی در سایر حدود تأثیری در سقوط و تخفیف مجازات ندارد.

نکته ۳۳: گذشت باید **منجز** باشد.

نکته ۳۴: به گذشت مشروط و معلق در صورتی ترتیب اثر داده می‌شود که آن شرط یا معلق علیه تحقق یافته باشد.

نکته ۳۵: گذشت مشروط یا معلق مانع تعقیب، رسیدگی و صدور حکم نیست، ولی اجرای مجازات در جرائم **قابل گذشت** منوط به عدم تحقق شرط یا معلق علیه است. در این صورت، محکوم علیه با قرار تأمین مناسب آزاد می‌شود.

نکته ۳۶: عدول از گذشت، مسموع نیست.

نکته ۳۷: تأثیر گذشت قیم اتفاقی، منوط به **تأیید دادستان** است.

نکته ۳۸: هرگاه متضررین از جرم، متعدد باشند تعقیب جزائی با شکایت هر يك از آنان شروع می‌شود ولی موقوفی تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موکول به گذشت **تمام** کسانی است که شکایت کرده‌اند.

نکته ۳۹: حق گذشت، به وراث قانونی متضرر از جرم، منتقل و در صورت گذشت **همگی** وراث حسب مورد تعقیب، رسیدگی یا اجرای مجازات موقوف می‌گردد.

نکته ۴۰: چنانچه قابل گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد، غیرقابل گذشت محسوب می‌شود مگر اینکه از حق الناس بوده و شرعاً قابل گذشت باشد.

نکته ۴۱: مرور زمان، در صورتی تعقیب جرائم موجب تعزیر را موقوف می‌کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد زیر تعقیب نشده شروع نشده باشد:

الف- جرائم تعزیری درجه يك تا سه با انقضای پانزده سال

ب- جرائم تعزیری درجه چهار با انقضای ده سال

پ- جرائم تعزیری درجه پنج با انقضای هفت سال

ت- جرائم تعزیری درجه شش با انقضای پنج سال

ث- جرائم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای سه سال.

نکته ۴۲: مرور زمان صدور حکم که در صورت حدوث موجب موقوفی تعقیب و دادرسی می‌شود این است که از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای این مواعد به صدور حکم قطعی منتهی نگردیده باشد:

الف- جرائم تعزیری درجه يك تا سه با انقضای پانزده سال

ب- جرائم تعزیری درجه چهار با انقضای ده سال

پ- جرائم تعزیری درجه پنج با انقضای هفت سال

ت- جرائم تعزیری درجه شش با انقضای پنج سال

ث- جرائم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای سه سال.

نکته ۴۳: اقدام تعقیبی یا تحقیقی، اقدامی است که مقامات قضائی در اجرای يك وظیفه قانونی از قبیل احضار، جلب، بازجویی، استماع اظهارات شهود و مطلعان، تحقیقات یا معاینه محلی و نیابت قضائی انجام می‌دهند.

نکته ۴۴: در مورد صدور قرار اناطه، مرور زمان تعقیب از تاریخ **قطعیت** رأی مرجعی که رسیدگی کیفری منوط به صدور آن است، شروع می‌شود.

نکته ۴۵: در جرائم تعزیری قابل گذشت هرگاه متضرر از جرم در مدت **یک سال** از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند، حق شکایت کیفری او ساقط می شود مگر اینکه تحت سلطه متهم بوده یا به دلیلی خارج از اختیار، قادر به شکایت نباشد که در این صورت مهلت مزبور از تاریخ رفع مانع محاسبه می شود.

نکته ۴۶: هرگاه متضرر از جرم قبل از انقضای مدت مذکور در فوق فوت کند و دلیلی بر صرف نظر وی از طرح شکایت نباشد هر یک از ورثه وی در مهلت **شش ماه از تاریخ وفات** حق شکایت دارد.

نکته ۴۷: غیر از مواردی که شاکی تحت سلطه متهم بوده، در صورتی به شکایت وی یا ورثه او رسیدگی می شود که جرم موضوع شکایت مشمول مرور زمان تعقیب نشده باشد.

نکته ۴۸: مرور زمان، اجرای احکام قطعی تعزیری را موقوف می کند و مدت آن از تاریخ قطعیت حکم به قرار زیر است:

الف- جرائم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای بیست سال

ب- جرائم تعزیری درجه چهار با انقضای پانزده سال

پ- جرائم تعزیری درجه پنج با انقضای ده سال

ت- جرائم تعزیری درجه شش با انقضای هفت سال

ث- جرائم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای پنج سال

نکته ۴۹: مدت مرور زمان اجرای مجازات از مدت مرور زمان تعقیب و صدور حکم بیش تر است.

نکته ۵۰: اگر اجرای تمام یا بقیه مجازات موقوف به گذشتن مدت یا رفع مانعی باشد، مرور زمان از تاریخ انقضای آن مدت یا رفع مانع محاسبه می شود.

نکته ۵۱: مرور زمان اجرای احکام دادگاه های خارج از کشور درباره اتباع ایرانی در حدود مقررات و موافقت نامه های قانونی، مشمول مقررات این ماده است.

نکته ۵۲: هرگاه اجرای مجازات، شروع ولی به هر علت قطع شود، تاریخ شروع مرور زمان، تاریخ قطع اجرای مجازات است و در مواردی که بیش از یک نوبت قطع شود شروع مرور زمان از تاریخ آخرین انقطاع است مگر اینکه اجرای مجازات بر اثر رفتار عمدی محکوم قطع شده باشد که در این صورت مرور زمان اعمال نمی شود.

نکته ۵۳: جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی شوند:

الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور

ب- جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده

پ- جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر

«بزه انتقال مال غیر در صورتی که میزان آن **بیش** از یک میلیارد ریال باشد، مشمول مرور زمان **نمی شود** لکن چنان چه میزان آن **کمتر** از یک میلیارد ریال باشد مشمول مرور زمان **می شود**.»

نکته ۵۴: هرگاه در مورد یک شخص به موجب حکم یا احکامی محکومیت های قطعی متعدد صادر شود، شروع به اجرای هر یک از محکومیت ها، نسبت به دیگر محکومیت ها، قاطع مرور زمان است.

نکته ۵۵: در موارد تعلیق اجرای مجازات یا اعطای آزادی مشروط در صورت لغو قرار تعلیق یا حکم آزادی مشروط، مبدأ مرور زمان، تاریخ لغو قرار یا حکم است.

نکته ۵۶: قطع مرور زمان، مطلق است و نسبت به کلیه شرکا و معاونان اعم از آنکه تعقیب شده یا نشده باشند، اعمال می شود هرچند تعقیب فقط درباره یکی از آنها شروع شده باشد.

نکته ۵۷: شروع به اجرای حکم در مورد برخی از شرکا یا معاونان جرم قاطع مرور زمان نسبت به دیگر محکومان است.

نکته ۵۸: موقوف شدن تعقیب، صدور حکم یا اجرای مجازات، مانع از استیفای حقوق مدعی خصوصی نیست و متضرر از جرم می تواند دعوای خصوصی را در مرجع صالح اقامه نماید. «سقوط دعوای عمومی منجر به سقوط دعوای خصوصی نیست.»

نکته ۵۹: دیه، قصاص، حد کذف و محاربه با توبه ساقط نمی گردد.

نکته ۶۰ تا ۹۹ (این صفحه یک محتوای تبلیغی است): امید ملاکریمی هستم مدرس دانشگاه، عضو هیأت علمی و وکیل پایه یک دادگستری و همینطور تدوین کننده جزوات آزمون های حقوقی. می خوام به داستان جالب براتون تعریف کنم، یادمه زمانی که مدرک کارشناسیم رو گرفتم خب اوون موقع مثل الان اینجوری در فضای مجازی فایل های صوتی یا جزوات در دسترس نبود؛ یه دوستی داشتم که توی کلاسای یکی از مؤسسات آموزشی که توی تهران بود شرکت کرده بود و سر کلاس جزواتی را که اساتید می گفتن رو با یه خط خیلی بدی نوشته بود؛ خلاصه من هم که توان شرکت در اوون کلاس ها در اون زمان نداشتم ازش خواهش کردم که کپی اونها رو در اختیارم بگذاره، بهم گفت که من اووادم توی یه خونه ای که در شهرستان دارم و برای آزمون وکالت می خونم و دسترسی و امکان تهیه کپی ندارم؛ گفت که برو فلان آدرس توی تهران (که آدرس همون مؤسسه آموزشی بود) برو واحد انتشاراتش و جزوات رو بختر! خوشحال شدم و رفتم اونجا، یه آقای مُسِنی توی قسمت تکثیر یا همون واحد انتشارات اون مؤسسه نشسته بود و تا گفتم جزوه فلان اساتید رو می خوام بهم گفت دانشجوی مؤسسه هستی؟ گفتم که نه! گفت ببین پسر جون! اینجا یه مؤسسه است که داره کار تجاری انجام می ده اینجوری که مثلاً استاد یه جزوه ۲۰۰ صفحه ای می ده به من که تکثیر کنم و بدم به دانشجویهای همین مؤسسه که کلاس های اوون استاد در اوون درس خاص رو شرکت کردن؛ حرفش رو قطع کردم بهش گفتم: «می تونم خواهش کنم که همین جزوه ها رو به من بدین؟»؛ گفت: «وایسا هنوز حرفم تموم نشده!»؛ گفتم: «بخشید، بفرمایید!»؛ ادامه داد که «اون استاده که جزوه ۲۰۰ صفحه ای تاییی را در اختیار دانشجویها قرار داده اینجوری نیست که کل کلید یا فرمول یا دستورالعمل قبولی رو بده به دست من که تکثیر شه!»؛ ادامه داد که: «همون استاد به بچه ها سر کلاس جزوه هم می گه که بنویسن و جزوه دست نویس می شه مکمل این جزوه تاییی و گفت جالبتر اینکه در همین جزوه تایپ شده هم ایراداتی وجود داره که سر کلاس به بچه ها می گه که اصلاحش کن!»؛ ادامه داد: «بعله اینجور یاس!»؛ خیلی ناراحت شدم از اینکه چرا باید اوونهایی که به این کلاس دسترسی دارن یا توان مالی دارن قبول بشن، از طرف دیگه هم از اون دوستم ناراحت شدم که چرا منو پیچوند! زنگ زدم بهش گفتم ماجرا از این قراره؛ متوجه کاری که باهام انجام داده بود شد، خواست جبران کنه، بهم گفت پاشو بیا اینجا و از جزوات ت برداری کن، البته باز نگفت که بهت کپی ها رو می دم! شاید حق داشت چون هزینه کرده بود و نمی خواست یه رقیب اضافه بشه! منم که «مُصر بودن» و «پیگیر بودن» اصن تو ذاتمه کوییدم رفتم اونجا؛ پنج ساعت توی راه بودم و خلاصه بهم محبت کرد و سه شبانه روز ازم پذیرایی کرد و یک دونه از این میزهایی که مَلاها دارن بهم داد که بنشینم و یادداشت برداری کنم؛ بعد از اینکه کازم تموم شد و با اتوبوس در مسیر برگشت بودم در حالی که داشتم به انگشت بزرگ دست راستم که کیود شده بود (اینقدر که نوشته بودم!) نگاه می کردم توی این فکر بودم که اگه یکی این رفیقی که من داشتم رو نداشتم و امکان حضور در این کلاس ها رو هم به جهت عدم توانایی مالی نداشتم مسلماً از پیشرفت باز می موند و البته نتیجه، این می شد که فقر و زندگی کردن توی نقاط دورافتاده و محروم باعث باز موندن آدم های مُستعد می شه، البته بگذریم که معدود اساتیدی هم هستند که همه چیز رو در مادیات می دونن و اونها هم در خصوص عدم پیشرفت این آدم های مستعد مسؤولند؛ تو همین فکر بودم که یهو یه جمله از یکی از معلم هام یادم اومد، گفته بود که: «اگر با خدا وعده کنی که یه بخشی از کارت رو در آینده به اونهایی که نیاز به خدمت تو دارن تَبَرُّعاً خیر کنی جواب خوبی می گیری»، خلاصه به اون بزرگ بابا («خدا» رو می گم) قول دادم که اگه قبول بشم یک به ده پول حاصله از وکالت یا قضاوت و همینطور یک دهم از زمانم رو به تدوین جزوات رایگان اختصاص بدم؛ اینجوری شد که سال بعدش، خبر شیرین قبولیم رو بعد از مادرم، به خودش (یعنی خدا) دادم و گفتم بهش که: «از فردا، اجرای وعدهم رو شروع می کنم الان نُه سال از اون روز می گذره و من تمام جزوات مورد نیاز برای قبولی در آزمون های حقوقی رو کامل کردم؛ البته بگم که من نُه یک به ده؛ بلکه نُه به ده مالم و وقتم رو به این مهم اختصاص دادم و البته خدا در تمام این سال ها آدم هایی رو سر راهم گذاشت که بهم کمک کردن و وجودشون مایه رحمت بود؛ خلاصه اینکه به گفته قرآن «رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است!» و من دست های او را در کلیه امورم دیدم؛ امروز که این متن را برای اولین بار می خونید خرسندم از اینکه جزواتم روزانه صدها مرتبه دانلود می شود و خدا را شاکرم که داوطلبان از کامل بودن و بی نقص بودن اون ها صحبت می کنن؛ من تردید ندارم که مطالعه جزواتم برای موفقیت در آزمون ها (البته در کنار خواندن قانون) کافی است. این جزوات کاملاً رایگان است (و دائماً بروز می شه) و یه خواهش از شما دارم که فقط یکی از جزوات رو دانلود کنید و اگه به معجزه اون ها پی بردین اون ها رو به دوستان تون معرفی کنین، من برای گسترش این کار خیر به کمک شما نیاز دارم؛ بدون وجود شما محاله که به این منابع کنکوری دست پیدا کنند. البته بدونید این کار خیر شما هم بهتون برمی گرده!

به شماره همراه ۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ واتساپ بدهید و جزوات رایگان آزمون های حقوقی را از من بخواهید تا به رایگان برایتان بفرستم!

- نکته ۱۰۰:** در جرائم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌گردد.
- نکته ۱۰۱:** اگر جرائم حدی غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رییس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید.
- نکته ۱۰۲:** توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است.
- نکته ۱۰۳:** در زنا و لواط هرگاه جرم به عنف، اکراه و یا با اغفال بزه‌دیده انجام گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دوی آن‌ها محکوم می‌شود.
- نکته ۱۰۴:** در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود.
- نکته ۱۰۵:** در سایر جرائم موجب تعزیر غیر از جرائم درجه ۶ تا ۸ دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید. (کیفیت مخفیه قضایی)
- نکته ۱۰۶:** مقررات راجع به توبه در جرائم تعزیری درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آن‌ها اعمال می‌شود، جاری نمی‌گردد.
- نکته ۱۰۷:** توبه در جرائم تعزیری منصوص شرعی بی‌اثر است.
- نکته ۱۰۸:** در مواردی که توبه مرتکب، موجب سقوط یا تخفیف مجازات می‌گردد، توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفاء نمی‌شود. چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه، ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده است سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته‌شده ملغی و مجازات اجراء می‌گردد. در این مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به **حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود.**
- نکته ۱۰۹:** متهم می‌تواند تا قبل از قطعیت حکم، ادله مربوط به توبه خود را حسب مورد به مقام تعقیب یا رسیدگی ارائه نماید.
- نکته ۱۱۰:** چنانچه دادستان مخالف سقوط یا تخفیف مجازات باشد، می‌تواند به مرجع تجدیدنظر اعتراض کند.
- نکته ۱۱۱:** هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هر یک از شرایط مسؤولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.
- نکته ۱۱۲:** در جرائم موجب حد به استثنای محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.
- نکته ۱۱۳:** مطابق تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک: هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود. مگر آنکه ادله اثبات جرم به نحوی باشد که فرد در حالت افاقه نیز نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی یا قیم وی ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد.
- نکته ۱۱۴:** مطابق تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا: در صورت عارض شدن جنون قبل از صدور حکم قطعی در حدودی که جنبه حق‌اللهمی دارد تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می‌افتد. نسبت به مجازات‌هایی که جنبه حق‌الناسی دارد مانند قصاص و دیه و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم، جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست.
- نکته ۱۱۵:** ضرر و زیان ناشی از جرم که از سوی شاکی قابل مطالبه است عبارتند از: ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول
- نکته ۱۱۶:** زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است.
- نکته ۱۱۷:** برای جبران ضرر و زیان معنوی دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید.

نکته ۱۱۸: منافع ممکن الحصول منافی است که در آینده قطعاً نصیب شاکی می شود. منافع ممکن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف کند. لذا منافع محتمل الحصول یا ضرر و زیان عدم النفع توسط شاکی قابل مطالبه نیست.

نکته ۱۱۹: مقررات مرتبط به منافع ممکن الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی شود.

نکته ۱۲۰: مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است؛ یعنی مستلزم تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی در امور مدنی می باشد.

نکته ۱۲۱: مدت زمان امکان مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم از دادگاه کیفری (مدت زمان طرح دعوی خصوصی و تقدیم دادخواست ضرر و زیان به دادگاه کیفری) از زمان شروع به تعقیب متهم تا قبل از اعلام ختم دادرسی (در مرحله بدوی)، می باشد. «استثناء: در مواردی که بدون صدور کیفرخواست دعوی کیفری به طور شفاهی مطرح گردد شاکی برای مطالبه ضرر و زیان حداکثر ظرف ۵ روز باید دادخواست خود را تقدیم دادگاه کند.»

نکته ۱۲۲: اصل برگشت ناپذیری: مطابق این اصل هرگاه دعوی ضرر و زیان ابتدا در دادگاه حقوقی اقامه شود، دعوی مذکور قابل طرح در دادگاه کیفری نیست، مگر آن که مدعی خصوصی پس از اقامه دعوی در دادگاه حقوقی، متوجه شود که موضوع واجد جنبه کیفری نیز بوده است که در این صورت می تواند با استرداد دعوی، به دادگاه کیفری مراجعه کند.

نکته ۱۲۳: اصل برگشت ناپذیری در ق.آ.دک جدید صراحتاً پیش بینی شده است. (ماده ۱۱۶)

نکته ۱۲۴: چنانچه دعوی ضرر و زیان ابتدا در دادگاه کیفری مطرح و صدور حکم کیفری به جهتی از جهات قانونی با تأخیر مواجه شود، مدعی خصوصی می تواند با استرداد دعوی، برای مطالبه ضرر و زیان به دادگاه حقوقی مراجعه کند.

نکته ۱۲۵: در استرداد دعوی خصوصی و طرح مجدد آن در مرجع دیگر چنانچه مدعی خصوصی قبلاً هزینه دادرسی را پرداخته باشد نیازی به پرداخت مجدد آن نیست.

نکته ۱۲۶: دادگاه مکلف است ضمن صدور رأی کیفری، در خصوص ضرر و زیان مدعی خصوصی نیز طبق ادله و مدارک موجود رأی مقتضی صادر کند، مگر آن که رسیدگی به ضرر و زیان مستلزم تحقیقات بیشتر باشد که در این صورت، دادگاه رأی کیفری را صادر و پس از آن به دعوی ضرر و زیان رسیدگی می نماید.

نکته ۱۲۷: سقوط دعوی عمومی موجب سقوط دعوی خصوصی نیست.

نکته ۱۲۸: هرگاه تعقیب امر کیفری به جهتی از جهات قانونی موقوف یا منتهی به صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت شود، دادگاه کیفری مکلف است، در صورتی که دعوی خصوصی در آن دادگاه مطرح شده باشد، مبادرت به رسیدگی و صدور رأی نماید.

نکته ۱۲۹: هرگاه رأی قطعی کیفری مؤثر در ماهیت امر حقوقی باشد، برای دادگاهی که به امر حقوقی یا ضرر و زیان رسیدگی می کند، لازم الاتباع است.

نکته ۱۳۰: دادگاه در مواردی که حکم به رد عین، مثل و یا قیمت مال صادر می کند، مکلف است میزان و مشخصات آن را قید و در صورت تعدد محکوم علیه، حدود مسؤولیت هر یک را مطابق مقررات مشخص کند.

نکته ۱۳۱: در صورتی که حکم به پرداخت قیمت مال صادر شود، قیمت زمان اجرای حکم، ملاک است.

نکته ۱۳۲: هرگاه احراز مجرمیت متهم منوط به اثبات مسائلی باشد که رسیدگی به آنها در صلاحیت مرجع کیفری نیست و در صلاحیت دادگاه حقوقی است، با تعیین ذی نفع و با صدور قرار اناطه تا هنگام صدور رأی قطعی از مرجع صالح، تعقیب متهم، معلق و پرونده به صورت موقت بایگانی می شود.

نکته ۱۳۳: با صدور قرار اناطه هرگاه ذی نفع ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ قرار اناطه بدون عذر موجه به دادگاه صالح رجوع نکند و گواهی آن را ارائه ندهد، مرجع کیفری به رسیدگی ادامه می دهد و تصمیم مقتضی اتخاذ می کند.

نکته ۱۳۴: در مواردی که قرار اناطه توسط بازپرس صادر می شود، باید ظرف سه روز به نظر دادستان برسد. در صورتی که دادستان با این قرار موافق نباشد حل اختلاف با دادگاه صالح مذکور در ماده ۲۷۱ ق.آ.د.ک می باشد.

نکته ۱۳۵: در مورد اختلاف در مالکیت اموال منقول قرار اناطه صادر نمی شود.

نکته ۱۳۶: در مورد جرم ورشکستگی به تقلب و تقصیر قرار اناطه صادر نمی شود.

نکته ۱۳۷: در مورد اختلاف در مالکیت اموال غیرمنقول زمانی قرار اناطه صادر می‌شود که سند رسمی وجود نداشته باشد و متهم مدعی مالکیت مال موضوع دعوا برای خودش باشد.

نکته ۱۳۸: مدتی که پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود، جزء مواعد مرور زمان محسوب نمی‌شود.

نکته ۱۳۹: مورد صدور قرار اناطه، مرور زمان تعقیب از تاریخ قطعیت رأی مرجعی که رسیدگی کیفری منوط به صدور آن است، شروع می‌شود. (تبصره ۲ ماده ۱۰۵ ق.م.ا)

نکته ۱۴۰: قرار اناطه صادره از دادسرا توسط شاکی ظرف مهلت **ده روز** از ابلاغ اگر مقیم ایران باشد و ظرف مهلت یک ماه از ابلاغ اگر مقیم خارج از کشور باشد قابل اعتراض است.

نکته ۱۴۱: قرار اناطه صادره از دادگاه نیز به موجب تبصره ۲ ماده ۴۲۷ ق.ا.دک قابل اعتراض است.

نکته ۱۴۲: در حوزه قضایی هر شهرستان و در معیت دادگاه‌های آن حوزه، دادرسی عمومی و انقلاب و همچنین در معیت دادگاه‌های نظامی استان، دادرسی نظامی تشکیل می‌شود.

نکته ۱۴۳: دادسرا به ریاست دادستان تشکیل می‌شود و به تعداد لازم معاون، دادیار، بازپرس و کارمند اداری دارد.

نکته ۱۴۴: وظایف دادسرا عبارتند از: ۱. کشف جرم، ۲. تعقیب متهم، ۳. انجام تحقیقات، ۴. حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوی لازم در این مورد، ۵. اجرای احکام کیفری، ۶. انجام امور حسبی و سایر وظایف قانونی.

نکته ۱۴۵: در حوزه قضایی بخش دادسرا وجود ندارد لذا در حوزه قضایی بخش، وظایف دادستان بر عهده رییس حوزه قضایی و در غیاب وی بر عهده دادرس علی‌البدل دادگاه است.

نکته ۱۴۶: به تشخیص رییس قوه قضاییه، دادرسهای تخصصی از قبیل دادرسی جرائم کارکنان دولت، جرائم امنیتی، جرائم مربوط به امور پزشکی و دارویی، رایانه‌ای، اقتصادی و حقوق شهروندی زیر نظر دادرسی شهرستان تشکیل می‌شود.

نکته ۱۴۷: انجام وظایف دادسرا در مورد جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه محل وقوع جرم است، به عهده دادرسی است که در معیت دادگاه صالح انجام وظیفه می‌کند مگر آن که قانون به نحو دیگری مقرر نماید.

نکته ۱۴۸: دادستان شهرستان مرکز استان بر اقدامات دادستان‌ها، مقامات قضایی دادرسی شهرستان‌های آن استان و افرادی که وظایف دادستان را در دادگاه بخش بر عهده دارند، از حیث این وظایف و نیز حسن اجرای آرای کیفری، نظارت می‌کند و تعلیمات لازم را ارائه می‌نماید.

نکته ۱۴۹: تعریف ضابطان دادگستری: ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.

نکته ۱۵۰: ضابطان دادگستری به دو نوع ضابطان عام و ضابطان خاص تقسیم می‌شوند.

نکته ۱۵۱: ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش دیده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران می‌شود.

نکته ۱۵۲: **کارکنان وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند.** اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسؤولیت اقدامات انجام‌شده در این رابطه با ضابطان است. این مسؤولیت نافی مسؤولیت کارکنان وظیفه نیست.

نکته ۱۵۳: ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی است که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند

نکته ۱۵۴: برخی از مصادیق ضابطین خاص عبارتند از: ۱. رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، ۲. مأموران وزارت اطلاعات، ۳. مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۴. سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون، تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود.

نکته ۱۵۵: احراز عنوان ضابط دادگستری منوط بر وثاقت و مورد اطمینان بودن و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است.

نکته ۱۵۶: تحقیقات و اقدامات صورت‌گرفته از سوی اشخاص فاقد کارت ویژه ضابطان دادگستری، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است و متخلف به ۳ ماه تا ۱ سال انفصال از خدمات دولتی محکوم می‌شود.

نکته ۱۵۷: دادستان مکلف است به طور مستمر دوره‌های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت‌های لازم و ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار نماید.

نکته ۱۵۸: به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود. وظایف و حدود اختیارات آن به موجب لایحه‌ای است که توسط رییس قوه قضاییه تهیه می‌شود.

نکته ۱۵۹: ریاست و نظارت بر ضابطان دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط به عهده دارند با دادستان است. سایر مقامات قضایی نیز در اموری که به ضابطان ارجاع می‌دهند، حق نظارت دارند.

نکته ۱۶۰: ارجاع امر از سوی مقام قضایی به مأموران یا مقاماتی که حسب قانون، ضابط تلقی نمی‌شوند، موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

نکته ۱۶۱: دادستان به منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان، واحدهای مربوط را حداقل هر دو ماه یک‌بار مورد بازرسی قرار می‌دهد و در هر مورد، مراتب را در دفتر مخصوصی که به این منظور تهیه می‌شود، قید و دستورهای لازم را صادر می‌کند.

نکته ۱۶۲: دستورهای مقام قضایی به ضابطان دادگستری به صورت **کتبی، صریح و با قید مهلت** صادر می‌شود.

نکته ۱۶۳: در موارد **فوری** که صدور دستور کتبی مقدور نیست، دستور به صورت **شفاهی** صادر می‌شود و ضابط دادگستری باید ضمن انجام دستورها و درج مراتب و اقدامات معموله در صورت‌مجلس، در اسرع وقت و **حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت** آن را به امضای مقام قضایی برساند. تخلف از این امر موجب محکومیت ضابط به **۳ ماه تا ۱ سال انفصال از خدمات دولتی** خواهد شد.

نکته ۱۶۴: ضابطان دادگستری مکلفند در اسرع وقت و در مدتی که دادستان یا مقام قضایی مربوط تعیین می‌کند، نسبت به انجام دستورها و تکمیل پرونده اقدام نمایند. در غیر این صورت ضابط متخلف به **۳ ماه تا ۱ سال انفصال از خدمات دولتی** محکوم می‌شود.

نکته ۱۶۵: چنانچه اجرای دستور یا تکمیل پرونده میسر نشود، ضابطان باید در پایان مهلت تعیین‌شده، گزارش آن را با ذکر علت برای دادستان یا مقام قضایی مربوط ارسال کنند.

نکته ۱۶۶: گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که **بر خلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد** و بر اساس **ضوابط و مقررات قانونی** تهیه و تنظیم شود.

نکته ۱۶۷: ضابطان دادگستری موظفند شکایت کتبی یا شفاهی را همه‌وقت قبول نمایند. شکایت شفاهی در صورت‌مجلس قید و به امضای شاکی می‌رسد، اگر شاکی نتواند امضاء کند یا سواد نداشته باشد، مراتب در صورت‌مجلس قید و انطباق شکایت شفاهی با مندرجات صورت‌مجلس تصدیق می‌شود. ضابطان دادگستری مکلفند پس از دریافت شکایت، به شاکی رسید تحویل دهند و به فوریت پرونده را نزد دادستان ارسال کنند. در صورت تخلف ضابط از این انجام این تکلیف وی به **۳ ماه تا ۱ سال انفصال از خدمات دولتی** محکوم می‌شود.

نکته ۱۶۸: دادستان مکلف است شکایت کتبی و شفاهی را همه وقت قبول کند. شکایت شفاهی در صورت‌مجلس قید و به امضاء یا اثر انگشت شاکی می‌رسد. هرگاه شاکی سواد نداشته باشد، مراتب در صورت‌مجلس قید و انطباق شکایت با مندرجات صورت‌مجلس تصدیق می‌شود. خودداری از این تکلیف جرم بوده و وی به مجازات جرم استنکاف از احقاق حق محکوم خواهد شد.

نکته ۱۶۹: ضابطان دادگستری مکلفند شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی آگاه سازند. تخلف از این تکلیف موجب محکومیت ضابط به **۳ ماه تا ۱ سال انفصال از خدمات دولتی** می‌شود.

نکته ۱۷۰: ضابطان دادگستری مکلفند اظهارات شاکی در مورد ضرر و زیان وارده را در گزارش خود به مراجع قضایی ذکر کنند. تخلف از این تکلیف موجب محکومیت ضابط به **۳ ماه تا ۱ سال انفصال از خدمات دولتی** می‌شود.

نکته ۱۷۱: افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است. تخلف از این تکلیف موجب محکومیت ضابط به **۳ ماه تا ۱ سال انفصال از خدمات دولتی** می‌شود.

نکته ۱۷۲: ضابطان دادگستری اختیار اخذ تأمین از متهم را ندارند و مقامات قضایی نیز نمی‌توانند اخذ تأمین را به آنان محول کنند. تخلف از این تکلیف موجب محکومیت ضابط به ۳ ماه تا ۱ سال انفصال از خدمات دولتی می‌شود.

نکته ۱۷۳: هرگاه اخذ تأمین از متهم ضرورت داشته باشد، این کار فقط توسط مقام قضایی و مطابق مقررات ق. ا.د.ک انجام می‌شود.
نکته ۱۷۴: بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود. تخلف از این تکلیف موجب محکومیت ضابط به ۳ ماه تا ۱ سال انفصال از خدمات دولتی می‌شود.

نکته ۱۷۵: هرگاه قرائن و امارات مربوط به وقوع جرم مورد تردید است یا اطلاعات ضابطان دادگستری از منابع موثق نیست، آنان باید پیش از اطلاع به دادستان، بدون داشتن حق تفتیش و بازرسی یا احضار و جلب اشخاص، تحقیقات لازم را به عمل آورند و نتیجه آن را به دادستان گزارش دهند.

نکته ۱۷۶: وظایف ضابطان در جرائم **مشهود:** ضابطان دادگستری درباره جرایم مشهود، ۱. تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و ۲. جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند، ۳. تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و ۴. بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. همچنین ۵. چنانچه شاهد یا مطلع در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد؛ اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را اخذ و در پرونده درج می‌کنند. ۶. ضابطان دادگستری **فقط** در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم **مشهود** توسط وی وجود داشته باشد.

نکته ۱۷۷: اصل بر غیر مشهود بودن جرائم است و مصادیق جرائم مشهود در قانون احصاء شده است.

نکته ۱۷۸: جرم در موارد زیر مشهود است:

الف- در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا مأموران یادشده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.

ب- بزه دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند.

پ- بلافاصله پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت شود و یا تعلق اسباب و ادله یادشده به متهم محرز گردد.

ت- متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شود.

ث- جرم در منزل یا محل سکنای افراد، اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکنای خود درخواست کند.

ج- متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد.

چ- متهم ولگرد باشد و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد.

نکته ۱۷۹: ولگرد کسی است که مسکن و مأوای مشخص و وسیله معاش معلوم و شغل یا حرفه معینی ندارد.

نکته ۱۸۰: چنانچه جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون به صورت مشهود واقع شود، در صورت عدم حضور ضابطان دادگستری، تمام شهروندان می‌توانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند.

نکته ۱۸۱: ضابطان دادگستری مکلفند نتیجه اقدامات خود را فوری به دادستان اطلاع دهند. چنانچه دادستان اقدامات انجام شده را کافی نداند، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد. در این صورت، ضابطان باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات به عمل آورند، اما نمی‌توانند متهم را تحت نظر نگاه دارند.

نکته ۱۸۲: چنانچه در جرائم **مشهود**، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند.

نکته ۱۸۳: هرگاه فردی خارج از وقت اداری به علت هریک از عناوین مجرمانه تحت نظر قرار گیرد، باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب به دادستان یا قاضی کشیک اعلام شود. دادستان یا قاضی کشیک نیز مکلف است، موضوع را بررسی نماید و در صورت نیاز با حضور در محل تحت نظر قرار گرفتن متهم اقدام قانونی به عمل آورد.

نکته ۱۸۴: با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.

نکته ۱۸۵: اگر شخص به علت اتهام ارتکاب یکی از جرائم سازمان‌یافته و یا جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، سرقت، مواد مخدر و روانگردان و یا جرائم موجب مجازات سلب حیات یا حبس ابد یا قطع عضو و یا جنایات عمدی موجب ثلث دیه کامل یا بالاتر تحت نظر قرار گیرد تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن امکان ملاقات با وکیل را ندارد.

نکته ۱۸۶: به محض آن‌که متهم تحت نظر قرار گرفت، **حداکثر ظرف یک ساعت**، مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن وی، به هر طریق ممکن، به دادسرای محل اعلام می‌شود. تخلف ضابط از این تکلیف موجب محکومیت او به ۳ ماه تا ۱ سال انفصال از خدمات دولتی خواهد شد.

نکته ۱۸۷: دادستان هر شهرستان با درج مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن متهم در دفتر مخصوص و رایانه، با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی، نظارت لازم را برای رعایت حقوق این افراد اعمال می‌نماید و فهرست کامل آنان را در پایان هر روز به رییس کل دادگستری استان مربوط اعلام می‌کند تا به همان نحو ثبت شود.

نکته ۱۸۸: والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر اشخاص تحت نظر می‌توانند از طریق دادستان شهرستان یا رییس کل دادگستری استان از تحت نظر بودن آنان اطلاع یابند. پاسخگویی به بستگان فوق درباره تحت نظر قرار گرفتن تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد، ضروری است.

نکته ۱۸۹: شخص تحت نظر می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه بنا بر ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند.

نکته ۱۹۰: بنابه درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می‌آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود.

نکته ۱۹۱: عدم رعایت تکلیف مقرر در نکته قبل توسط ضابط موجب محکومیت او به ۳ ماه تا ۱ سال انفصال از خدمات دولتی خواهد شد.

نکته ۱۹۲: هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند.

نکته ۱۹۳: عدم رعایت تکلیف مقرر در نکته قبل توسط ضابط موجب محکومیت او به ۳ ماه تا ۱ سال انفصال از خدمات دولتی خواهد شد.

نکته ۱۹۴: ضابطان دادگستری مکلفند اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و تاریخ و ساعتی را که شخص نزد قاضی معرفی شده است را در صورت مجلس قید کنند و آن را به امضاء یا اثر انگشت او برسانند.

نکته ۱۹۵: عدم رعایت تکلیف مقرر در نکته قبل توسط ضابط موجب محکومیت او به ۳ ماه تا ۱ سال انفصال از خدمات دولتی خواهد شد.

نکته ۱۹۶: ضابطان همچنین مکلفند تاریخ و ساعت آغاز و پایان تحت نظر بودن را در دفتر خاصی ثبت و ضبط کنند.

نکته ۱۹۷: عدم رعایت تکلیف مقرر در نکته قبل توسط ضابط موجب محکومیت او به ۳ ماه تا ۱ سال انفصال از خدمات دولتی خواهد شد.

نکته ۱۹۸: در هر جای ق.آ.د.ک که اخذ امضاء و یا اثر انگشت شخص پیش‌بینی شده است، اثر انگشت در صورتی دارای اعتبار است که شخص قادر به امضاء نباشد.

نکته ۱۹۹: ضابطان دادگستری پس از حضور دادستان یا بازپرس در صحنه جرم، تحقیقاتی را که انجام داده‌اند به آنان تسلیم می‌کنند و دیگر حق مداخله ندارند، مگر آن‌که انجام دستور و مأموریت دیگری از سوی مقام قضایی به آنان ارجاع شود.

نکته ۲۰۰: ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرایم **غیر مشهود** مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام می‌کنند.

نکته ۲۰۱: ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آن‌ها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم غیرمشهود با اجازه موردی مقام قضایی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد.

نکته ۲۰۲: عدم رعایت تکلیف مقرر در نکته قبل توسط ضابط موجب محکومیت او به ۳ ماه تا ۱ سال انفصال از خدمات دولتی خواهد شد.

نکته ۲۰۳: ضابطان دادگستری مکلفند طبق مجوز صادره عمل نمایند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان‌های غیرمرتبط با موضوع خودداری کنند.

نکته ۲۰۴: چنانچه ضابطان دادگستری در هنگام بازرسی محل، ادله، اسباب و آثار جرم دیگری را که تهدیدکننده امنیت و آسایش عمومی جامعه است، مشاهده کنند، ضمن حفظ ادله و تنظیم صورتمجلس، بلافاصله مراتب را به مرجع قضایی صالح گزارش و وفق دستور وی عمل می‌کنند.

نکته ۲۰۵: ضابطان دادگستری باید به هنگام ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل، ضمن ارائه اوراق هویت ضابط بودن خود، اصل دستور قضایی را به متصرف محل نشان دهند و مراتب را در صورت‌مجلس قید نمایند و به امضای شخص یا اشخاص حاضر برسانند. در صورتی که این اشخاص از رؤیت امتناع کنند، مراتب در صورت‌مجلس قید می‌شود و ضابطان بازرسی را انجام می‌دهند.

نکته ۲۰۶: ضابطان دادگستری مکلفند اوراق بازجویی و سایر مدارک پرونده را شماره‌گذاری نمایند، در صورت‌مجلسی که برای مقام قضایی ارسال می‌کنند، تعداد کل اوراق پرونده را مشخص کنند.

نکته ۲۰۷: عدم رعایت تکلیف مقرر در نکته قبل توسط ضابط موجب محکومیت او به ۳ ماه تا ۱ سال انفصال از خدمات دولتی خواهد شد.

نکته ۲۰۸: رعایت مفاد دو نکته قبل در خصوص شماره‌گذاری اوراق پرونده توسط مدیر دفتر در دادسرا و دادگاه‌ها، الزامی و تخلف از آن موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است.

نکته ۲۰۹: در بازجویی‌ها اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات **مُوهِن** [خوارکننده]، طرح سؤالات تلقینی یا اغفال‌کننده و سؤالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سؤالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است، معتبر نیست. تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورتمجلس قید شود و به امضاء یا اثر انگشت متهم برسد.

نکته ۲۱۰: تمام اقدامات ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات باید مطابق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است.

نکته ۲۱۱: تحمیل هزینه‌های ناشی از انجام وظایف ضابطان نسبت به کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی و یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، دستگیری وی، حمایت از بزه‌دیده و خانواده او در برابر تهدیدات، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی تحت هر عنوان بر بزه‌دیده ممنوع است.

نکته ۲۱۲: جهات قانونی شروع به تعقیب به شرح زیر است:

الف- شکایت شاکی یا مدعی خصوصی؛

ب- اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن؛

پ- وقوع جرم مشهود، در برابر دادستان یا بازپرس؛

ت- اظهار و اقرار متهم؛

ث- اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر.

نکته ۲۱۳: هرگاه کسی اعلام کند که خود ناظر وقوع جرمی بوده و جرم مذکور از جرایم غیرقابل گذشت باشد، در صورتی که قرائن و اماراتی مبتنی بر نادرستی اظهارات وی وجود نداشته باشد، این اظهار برای شروع به تعقیب کافی است، هرچند قرائن و امارات دیگری برای تعقیب موجود نباشد.

نکته ۲۱۴: اگر اعلام کننده شاهد قضیه نبوده، به صرف اعلام نمی توان شروع به تعقیب کرد، مگر آنکه دلیلی بر صحت ادعا وجود داشته باشد. یا جرم از جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی باشد.

نکته ۲۱۵: گزارش ها و نامه هایی که هویت گزارش دهندگان و نویسندگان آنها مشخص نیست، نمی تواند مبنای شروع به تعقیب قرار گیرد، مگر آن که دلالت بر وقوع امر مهمی کند که موجب اخلال در نظم و امنیت عمومی است یا همراه با قرائنی باشد که به نظر دادستان برای شروع به تعقیب کفایت می کند.

نکته ۲۱۶: سازمان های مردم نهادی که اساسنامه آنها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می توانند نسبت به جرایم ارتكایی در زمینه های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آرای مراجع قضایی اعتراض نمایند.

نکته ۲۱۷: در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق نکته قبل ضروری است. چنانچه بزه دیده طفل، مجنون و یا در جرایم مالی سفیه باشد، رضایت ولی یا سرپرست قانونی او اخذ می شود. اگر ولی یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می دهند.

نکته ۲۱۸: ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفند بزه دیدگان جرایم موضوع دو نکته قبل را از کمک سازمان های مردم نهاد مربوطه، آگاه کنند.

نکته ۲۱۹: اسامی سازمان های مردم نهاد که می توانند در اجرای مفاد ۳ نکته قبلی اقدام کنند، در سه ماه ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه می رسد.

نکته ۲۲۰: شاکی یا مدعی خصوصی شخصاً یا توسط وکیل شکایت کند. در شکوائیه موارد زیر باید قید شود:

الف- نام و نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، تابعیت، مذهب، شماره شناسنامه، شماره ملی، نشانی دقیق و در صورت امکان نشانی پیام نگار (ایمیل)، شماره تلفن ثابت و همراه و کد پستی شاکی؛

ب- موضوع شکایت، تاریخ و محل وقوع جرم؛

پ- ضرر و زیان وارده به مدعی و مورد مطالبه وی؛

ت- ادله وقوع جرم، اسامی، مشخصات و نشانی شهود و مطلعان در صورت امکان؛

ث- مشخصات و نشانی مشتکی عنه یا مظنون در صورت امکان.

نکته ۲۲۱: قوه قضاییه مکلف است اوراق متحدالشکل مشتمل بر موارد فوق را تهیه کند و در اختیار مراجعان قرار دهد تا در تنظیم شکوائیه مورد استفاده قرار گیرد.

نکته ۲۲۲: عدم استفاده از اوراق مذکور در فوق مانع استماع شکایت نیست.

نکته ۲۲۳: دادستان مکلف است شکایت کتبی و شفاهی را همه وقت قبول کند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضاء یا اثر انگشت شاکی می رسد. هرگاه شاکی سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت با مندرجات صورت مجلس تصدیق می شود.

نکته ۲۲۴: در مواردی که تعقیب کیفری، **منوط به شکایت شاکی است** و بزه‌دیده، محجور می‌باشد و ولی یا قیم نداشته یا به آنان دسترسی ندارد و نصب قیم نیز موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود، تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم و همچنین در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد، دادستان شخصی را به عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند و اقدامات ضروری را برای حفظ و جمع‌آوری ادله جرم و جلوگیری از فرار متهم به عمل می‌آورد. این حکم در مواردی که بزه‌دیده، ولی و یا قیم او به عللی از قبیل بیهوشی قادر به شکایت نباشد نیز جاری است.

نکته ۲۲۵: در خصوص شخص سفیه فقط در دعاوی کیفری که جنبه مالی دارد رعایت ترتیب مذکور در نکته قبل الزامی است و در غیر موارد مالی، سفیه می‌تواند شخصاً طرح شکایت نماید.

نکته ۲۲۶: در مواردی که تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است، اگر بزه‌دیده طفل یا مجنون باشد و ولی قهری یا سرپرست قانونی او با وجود مصلحت مولی‌علیه اقدام به شکایت نکند، دادستان موضوع را تعقیب می‌کند. در خصوص افراد محجور، موقوف شدن تعقیب یا اجرای حکم نیز منوط به موافقت دادستان است.

نکته ۲۲۷: همچنین در مورد بزه‌دیدگانی که به عللی از قبیل معلولیت جسمی یا ذهنی یا کهولت سن، ناتوان از اقامه دعوی هستند، دادستان موضوع را با جلب موافقت آنان تعقیب می‌کند.

نکته ۲۲۸: هرگاه مقامات و اشخاص رسمی از وقوع یکی از جرائم غیرقابل گذشت در حوزه کاری خود مطلع شوند، مکلفند موضوع را فوری به دادستان اطلاع دهند.

نکته ۲۲۹: دادستان در اموری که به بازپرس ارجاع می‌شود، حق نظارت و ارائه تعلیمات لازم را دارد.

نکته ۲۳۰: دادستان می‌تواند در تحقیقات مقدماتی حضور یابد و بر نحوه انجام آن نظارت کند؛ اما نمی‌تواند جریان تحقیقات را متوقف سازد.

نکته ۲۳۱: نظارت بر تحقیقات بر عهده دادستانی است که تحقیقات در حوزه او به‌عمل می‌آید، هر چند راجع به امری باشد که خارج از آن حوزه اتفاق افتاده است.

نکته ۲۳۲: دادستان پیش از آن‌که تحقیق در جرمی را از بازپرس بخواهد یا جریان تحقیقات را به طور کلی به بازپرس واگذار کند، می‌تواند اجرای برخی تحقیقات و اقدامات لازم را از بازپرس تقاضا کند. در این صورت، بازپرس مکلف است فقط تحقیق یا اقدام مورد تقاضای دادستان را انجام دهد و نتیجه را نزد وی ارسال کند.

نکته ۲۳۳: در صورت مشهود بودن جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) ق.آ.دک این قانون، تا پیش از حضور و مداخله بازپرس، دادستان برای حفظ آثار و علائم، جمع‌آوری ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم اقدامات لازم را به‌عمل می‌آورد.

نکته ۲۳۴: در مورد جرائم مشهود که رسیدگی به آن‌ها از صلاحیت دادگاه محل خارج است، دادستان مکلف است تمام اقدامات لازم را برای جلوگیری از امحاء آثار جرم و فرار و مخفی شدن متهم انجام دهد و هر تحقیقی را که برای کشف جرم لازم بداند، به‌عمل آورد و نتیجه اقدامات خود را فوری به مرجع قضایی صالح ارسال کند.

نکته ۲۳۵: در جرائم **قابل گذشت**، شاکی می‌تواند تا **قبل** از صدور کیفرخواست درخواست **ترک تعقیب** کند. در این صورت، دادستان قرار ترک تعقیب صادر می‌کند. شاکی می‌تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای **یک بار** تا **یک سال** از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب درخواست کند.

نکته ۲۳۶: در جرائم تعزیری درجه **هفت و هشت**، چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، مقام قضایی می‌تواند **پس از تفهیم اتهام** با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط **یک بار** از تعقیب متهم خودداری نماید و **قرار بایگانی پرونده** را صادر کند. این قرار ظرف **ده روز** از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه کیفری مربوط است.

نکته ۲۳۷: در جرائم تعزیری درجه **شش، هفت و هشت** که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب، **تعقیب** وی را از **شش ماه تا دو سال** معلق کند. در این صورت، دادستان متهم را حسب مورد، مکلف به اجرای برخی از دستورهای موضوع ماده ۸۱ می‌کند.

نکته ۲۳۸: در صورتی که متهم در مدت تعلیق به اتهام ارتکاب یکی از جرائم مستوجب حد، قصاص یا تعزیر درجه **هفت** و بالاتر مورد تعقیب قرار گیرد و تعقیب وی منتهی به صدور کیفرخواست گردد قرار تعلیق، لغو و با رعایت مقررات مربوط به تعدد، تعقیب به عمل می‌آید و مدتی که تعقیب معلق بوده است، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود. چنانچه متهم از اتهام دوم تبرئه گردد، دادگاه قرار تعلیق را ابقاء می‌کند.

نکته ۲۳۹: مرجع صادرکننده قرار تعلیق تعقیب مکلف است به مفاد نکته قبل در قرار صادره تصریح کند.

نکته ۲۴۰: در صورتی که متهم در مدت تعلیق دستورهای مقام قضایی را اجرا نکند، قرار تعلیق، لغو و با رعایت مقررات مربوط به تعدد، تعقیب به عمل می‌آید و مدتی که تعقیب معلق بوده است، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود.

نکته ۲۴۱: مرجع صادرکننده قرار تعلیق تعقیب مکلف است به مفاد نکته قبل در قرار صادره تصریح کند.

نکته ۲۴۲: قرار تعلیق تعقیب، ظرف **ده روز** پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

نکته ۲۴۳: هرگاه در مدت قرار تعلیق تعقیب معلوم شود که متهم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر است، قرار مزبور بلافاصله به وسیله مرجع صادرکننده لغو و تعقیب از سرگرفته می‌شود.

نکته ۲۴۴: در خصوص نکته قبل مدتی که تعقیب معلق بوده است، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود.

نکته ۲۵۵: بازپرس می‌تواند در صورت وجود شرایط قانونی، اعمال مقررات مربوط به تعلیق تعقیب را از دادستان درخواست کند.

نکته ۲۵۶: در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، دادگاه می‌تواند مقررات این ماده را اعمال کند.

نکته ۲۵۷: قرار تعلیق تعقیب در دفتر مخصوصی در واحد سجل کیفری ثبت می‌شود و در صورتی که متهم در مدت مقرر، ترتیبات مندرج در قرار را رعایت ننماید، تعلیق لغو می‌گردد.

نکته ۲۵۸: در جرائم تعزیری درجه **شش، هفت و هشت** که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، **حداکثر دو ماه** به متهم مهلت بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا موسسه‌ای برای میانجیگری ارجاع دهد. مدت میانجیگری **بیش از سه ماه نیست**.

نکته ۲۵۹: مهلت‌های مذکور در نکته قبل در صورت اقتضاء فقط برای **یکبار** و به میزان مذکور قابل تمدید است.

نکته ۲۶۰: در خصوص اجرای مقررات مربوط به دو نکته قبل اگر شاکی گذشت کند و موضوع از جرایم قابل گذشت باشد، تعقیب موقوف می‌شود. در سایر موارد، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، مقام قضایی می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از **شش ماه تا دو سال** معلق کند. در این صورت، مقام قضایی متهم را با رعایت مقررات مربوط به تعلیق تعقیب حسب مورد، مکلف به اجرای برخی دستورهای موضوع ماده ۸۱ ق.آ.د.ک می‌کند. همچنین در صورت عدم اجرای تعهدات مورد توافق از سوی متهم بدون عذر موجه، بنا به درخواست شاکی یا مدعی خصوصی، قرار تعلیق تعقیب را لغو و تعقیب را ادامه می‌دهد.

نکته ۲۶۱: بازپرس می‌تواند تعلیق تعقیب یا ارجاع به میانجیگری را از دادستان تقاضا نماید.

نکته ۲۶۲: نتیجه میانجیگری به صورت مشروح و با ذکر ادله آن طی صورت‌مجلسی که به امضای میانجیگر و طرفین می‌رسد، برای بررسی و تأیید و اقدامات بعدی حسب مورد نزد مقام قضایی مربوط ارسال می‌شود.

نکته ۲۶۳: در صورت حصول توافق در میانجیگری، ذکر تعهدات طرفین و چگونگی انجام آن‌ها در صورت‌مجلس الزامی است.

نکته ۲۶۴: چگونگی انجام دادن کار در مؤسسات عام‌المنفعه موضوع بند (ج) ماده (۸۱) ق.آ.دک به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می‌شود و پس از تأیید رییس قوه قضاییه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

نکته ۲۶۵: ترتیب میانجیگری و شخص یا اشخاصی که برای میانجیگری انتخاب می‌شوند، به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می‌شود و پس از تأیید رییس قوه قضاییه به تصویب هیأت‌وزیران می‌رسد.

نکته ۲۶۶: در مواردی که دیه باید از بیت‌المال پرداخت شود، پس از اتخاذ تصمیم قانونی راجع به سایر جهات، پرونده به دستور دادستان برای صدور حکم مقتضی به دادگاه ارسال می‌شود.

نکته ۲۶۷: در غیر جرایم موضوع ماده (۳۰۲) ق متهم، آ.د.ک چنانچه متهم و شاکی حاضر باشند یا متهم حاضر و شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد و تحقیقات مقدماتی هم کامل باشد، دادستان می‌تواند رأساً یا به درخواست بازپرس، با اعزام متهم به دادگاه و در صورت حضور شاکی به همراه او، دعوای کیفری را بلافاصله **بدون صدور کیفرخواست** به صورت **شفاهی** مطرح کند. در این مورد، دادگاه بدون تأخیر تشکیل جلسه می‌دهد و به متهم تفهیم می‌کند که حق دارد برای تعیین وکیل و تدارک دفاع مهلت بخواهد که در صورت درخواست متهم، حداقل **سه روز** به او مهلت داده می‌شود. تفهیم این موضوع و پاسخ متهم باید در صورتمجلس دادگاه قید شود. هرگاه متهم از این حق استفاده نکند، دادگاه در همان جلسه، رسیدگی و رأی صادر می‌کند و اگر ضمن رسیدگی انجام تحقیقاتی را لازم بداند، آن‌ها را انجام و یا دستور تکمیل تحقیقات را به دادستان یا ضابطان دادگستری می‌دهد. اخذ تأمین مناسب از متهم با دادگاه است. شاکی در صورت مطالبه ضرر و زیان می‌تواند حداکثر ظرف پنج روز دادخواست خود را تقدیم کند و دادگاه می‌تواند فارغ از امر کیفری به دعوای ضرر و زیان رسیدگی و رأی مقتضی صادر نماید.

نکته ۲۶۸: هرگاه مأموران پست بر مبنای قرائن و امارات، احتمال قوی دهند که بسته پستی حاوی مواد مخدر، سمی، میکروبی خطرناک و یا مواد منفجره، اسلحه گرم، اقلام امنیتی مطابق فهرست اعلامی از سوی مراجع ذی‌صلاح به پست و یا سایر آلات و ادوات جرم است، محموله پستی با تنظیم صورتمجلس توقیف می‌شود و موضوع فوری به اطلاع دادستان می‌رسد.

نکته ۲۶۹: در خصوص نکته قبل دادستان پس از اخذ نظر مراجع ذی‌صلاح و بررسی، در صورت منتفی بودن احتمال خطر، بلافاصله دستور استرداد یا ارسال بسته پستی را صادر می‌کند.

نکته ۲۷۰: در اموری که از طرف دادستان به معاون دادستان یا دادیار ارجاع می‌شود، آنان در امور محوله تمام وظایف و اختیارات دادستان را دارند و تحت تعلیمات و نظارت او انجام وظیفه می‌کنند. در غیاب دادستان و معاون او، دادیاری که سابقه قضایی بیشتری دارد و در صورت تساوی، دادیاری که سن بیشتری دارد، جانشین دادستان می‌شود.

نکته ۲۷۱: شروع به تحقیقات مقدماتی از سوی بازپرس منوط به **ارجاع** دادستان است.

نکته ۲۷۲: چنانچه بازپرس، ناظر وقوع جرم باشد تحقیقات را شروع می‌کند، مراتب را فوری به اطلاع دادستان می‌رساند و در صورت ارجاع دادستان، تحقیقات را ادامه می‌دهد.

نکته ۲۷۳: تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود.

نکته ۲۷۴: تحقیقات مقدماتی به صورت **محرمانه** صورت می‌گیرد مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید.

نکته ۲۷۵: کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند.

نکته ۲۷۶: تحقیقات مقدماتی تمام جرایم بر عهده بازپرس است.

نکته ۲۷۷: در غیر جرائم مستوجب مجازات‌های مقرر در ماده (۳۰۲) ق.آ.د.ک در صورت کمبود بازپرس، دادستان نیز دارای تمام وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس تعیین شده است. در این حالت، چنانچه دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به دادیار ارجاع دهد، **قرارهای نهایی دادیار و همچنین قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم**، باید در همان روز صدور به نظر دادستان برسد و دادستان نیز مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت در این بار اظهار نظر کند.

نکته ۲۷۸: در صورت عدم حضور بازپرس یا معذور بودن وی از انجام وظیفه و عدم دسترسی به بازپرس دیگر در آن دادسرا، در جرایم موضوع ماده (۳۰۲) ق.آ.د.ک دادرس دادگاه به تقاضای دادستان و تعیین رییس حوزه قضایی، وظیفه بازپرس را فقط تا زمان باقی بودن وضعیت مذکور انجام می‌دهد.

نکته ۲۷۹: بازپرس باید در کمال بی‌طرفی و در حدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام دهد و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است فرق نگذارد.

نکته ۲۸۰: تحقیقات مقدماتی باید به سرعت و به نحو مستمر انجام شود و ایام تعطیل مانع انجام آن نیست.

نکته ۲۸۱: بازپرس مکلف است برای جلوگیری از امحاء آثار و علائم جرم، اقدامات فوری را به عمل آورد و در تحصیل و جمع‌آوری ادله وقوع جرم تأخیر نکند.

نکته ۲۸۲: عدم رعایت مفاد نکته قبل موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار می‌شود.

نکته ۲۸۳: انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع است.

نکته ۲۸۴: در مورد اشخاص زیر تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر و یا سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است:

الف- متهمان به ارتکاب جرائم عمدی موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) ق.آ.د.ک که **متواری** بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد، به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به‌دست‌آمده از طریق چهره‌نگاری آنان منتشر می‌شود.

ب- متهمان دستگیرشده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده‌اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه‌دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه دعوی خصوصی توسط آنان، منتشر می‌شود.

نکته ۲۸۵: بازپرس به منظور حمایت از بزه‌دیده، شاهد، مطلع، اعلام‌کننده جرم یا خانواده آنان و همچنین خانواده متهم در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می‌دهد. ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورها و ارائه گزارش به بازپرس هستند.

نکته ۲۸۶: بازپرس باید شخصاً تحقیقات و اقدامات لازم را به منظور جمع‌آوری ادله وقوع جرم به عمل آورد. ولی می‌تواند در غیر جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) ق.آ.د.ک، تفتیش، تحقیق از شهود و مطلعان، جمع‌آوری اطلاعات و ادله وقوع جرم و یا هر اقدام قانونی دیگری را که برای کشف جرم لازم بداند، پس از دادن تعلیمات لازم به ضابطان دادگستری ارجاع دهد که در این صورت، ضمن نظارت، چنانچه تکمیل آن‌ها را لازم بداند، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.

نکته ۲۸۷: هرگاه بازپرس ضمن تحقیق، جرم دیگری را کشف کند که با جرم اول مرتبط نباشد و بدون شکایت شاکی نیز قابل تعقیب باشد، اقدامات لازم را طبق قانون برای حفظ آثار و علائم وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم به عمل می‌آورد و هم‌زمان مراتب را به دادستان اطلاع می‌دهد و در صورت ارجاع دادستان، تحقیقات را ادامه می‌دهد.

نکته ۲۸۸: چنانچه جرم کشف‌شده در نکته قبل از جرایمی باشد که با شکایت شاکی قابل تعقیب است، مراتب در صورت امکان، توسط دادستان به نحو مقتضی به اطلاع بزه‌دیده می‌رسد.

نکته ۲۸۹: شاکی می‌تواند در هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و ادله‌اش را اظهار کند و در تحقیقات حضور یابد، صورتمجلس تحقیقات مقدماتی یا سایر اوراق پرونده را که با ضرورت کشف حقیقت منافات ندارد، مطالعه کند و یا به هزینه خود از آن‌ها تصویر یا رونوشت بگیرد.

- نکته ۲۹۰:** در صورت درخواست شاکی، چنانچه بازپرس مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده را منافی با ضرورت کشف حقیقت بداند، با ذکر دلیل، قرار رد درخواست را صادر می‌کند.
- نکته ۲۹۱:** قرار رد درخواست مذکور در نکته قبل، حضوری به شاکی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. تصمیم دادگاه قطعی است.
- نکته ۲۹۲:** ارائه اسناد و مدارک طبقه‌بندی‌شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم منافی عفت و جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی به شاکی ممنوع است.
- نکته ۲۹۳:** شاکی باید از انتشار مطالب و مدارکی که انتشار آن‌ها به موجب شرع یا قانون ممنوع است امتناع کند، مگر در مقام احقاق حق خود در مراجع صالح.
- نکته ۲۹۴:** بازپرس مکلف است در مواردی که دسترسی به اطلاعات فردی بزه‌دیده از قبیل نام و نام خانوادگی، نشانی و شماره تلفن، احتمال خطر و تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیت بزه‌دیده را به همراه داشته باشد، تدابیر مقتضی را برای جلوگیری از دسترسی به این اطلاعات اتخاذ کند.
- نکته ۲۹۵:** نکته مذکور در فوق، در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز باید به تشخیص رییس دادگاه و با رعایت مصالح بزه‌دیده اعمال شود.
- نکته ۲۹۶:** انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرم زنا و لواط و سایر جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شود و یا دارای شاکی باشد یا به عنف و سازمان‌یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط قاضی دادگاه انجام می‌شود.
- نکته ۲۹۷:** عدم رعایت مفاد نکته قبل موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار می‌شود.
- نکته ۲۹۸:** در جرم زنا و لواط و سایر جرائم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدو قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند.
- نکته ۲۹۹:** عدم رعایت مفاد نکته قبل موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار می‌شود.
- نکته ۳۰۰:** قاضی مکلف است عواقب شهادت فاقد شرایط قانونی را به شاهدان تذکر دهد.
- نکته ۳۰۱:** در جرائم منافی عفت اگر بزه‌دیده محجور باشد، ولی یا سرپرست قانونی او حق طرح شکایت دارد. در مورد بزه‌دیده بالغی که سن او زیر هجده سال است، ولی یا سرپرست قانونی او نیز حق طرح شکایت دارد.
- نکته ۳۰۲:** هرگاه در برابر مقام قضایی به هنگام انجام وظیفه مقاومتی شود، او می‌تواند از قوای انتظامی و در صورت ضرورت از نیروهای نظامی استفاده کند.
- نکته ۳۰۳:** قوای مذکور در نکته قبل مکلف به انجام دستور مقام قضایی هستند. در صورت عدم اجرای دستور، مستنکف به مجازات مقرر قانونی محکوم می‌شود.
- نکته ۳۰۴:** بازپرس نمی‌تواند به عذر آن‌که متهم معین نیست، مخفی شده و یا دسترسی به او مشکل است، تحقیقات خود را متوقف کند.
- نکته ۳۰۵:** عدم رعایت مفاد نکته قبل موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار می‌شود.
- نکته ۳۰۶:** در جرائم تعزیری درجه چهار، پنج، شش، هفت و هشت، هرگاه با انجام تحقیقات لازم، مرتکب جرم معلوم نشود و دو سال تمام از وقوع جرم بگذرد، با موافقت دادستان، قرار توقف تحقیقات صادر و پرونده به طور موقت بایگانی و مراتب در مواردی که پرونده شاکی دارد، به شاکی ابلاغ می‌شود. شاکی می‌تواند ظرف مهلت اعتراض به قرارها، به این قرار اعتراض کند.
- نکته ۳۰۷:** در خصوص نکته قبل هرگاه شاکی، هویت مرتکب را به دادستان اعلام کند یا مرتکب به نحو دیگری شناخته شود، به دستور دادستان موضوع مجدداً تعقیب می‌شود. در مواردی که پرونده مطابق قانون به طور مستقیم در دادگاه مطرح شود، دادگاه رأساً، مطابق مقررات مذکور در فوق اقدام می‌کند.

نکته ۳۰۸: بازپرس در جریان تحقیقات، تقاضای **قانونی** دادستان را اجرا و مراتب را در صورتمجلس قید می‌کند و هرگاه در هنگام اجرا با اشکال مواجه شود، به نحوی که انجام تقاضا مقدور نباشد مراتب را به دادستان اعلام می‌نماید.

نکته ۳۰۹: بازپرس مکلف است پیش از اخذ مرخصی، عزیمت به مأموریت، انتقال و مانند آن، نسبت به پرونده‌هایی که متهمان آن‌ها **بازداشت** می‌باشند، اقدام قانونی لازم را انجام دهد و در صورتی که امکان آزادی زندانی به هر علت فراهم نشود، مراتب را به طور کتبی به دادستان اعلام کند.

نکته ۳۱۰: عدم رعایت مفاد نکته قبل موجب محکومیت **انتظامی تا درجه چهار** می‌شود.

نکته ۳۱۱: شاکی می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را از بازپرس بخواهد. هرگاه این تقاضا مبتنی بر ادله قابل قبول باشد، بازپرس قرار **تأمین خواسته** صادر می‌کند. «صدور قرار **تأمین خواسته** باید مبتنی بر دلایل قابل قبول باشد همچنین در خصوص جرمی که به دلیل صدمه‌ی بدنی، مستوجب دیه یا ارش است هیچ منعی در خصوص صدور قرار تأمین خواسته وجود ندارد.»

نکته ۳۱۲: چنانچه با صدور قرار تأمین خواسته، اموال متهم توقیف شود، بازپرس مکلف است هنگام صدور قرار تأمین کیفری این موضوع را مدنظر قرار دهد.

نکته ۳۱۳: در صورتی که خواسته شاکی، عین معین نبوده یا عین معین بوده، اما توقیف آن ممکن نباشد، بازپرس معادل مبلغ ضرر و زیان شاکی از سایر اموال و دارایی‌های متهم توقیف می‌کند.

نکته ۳۱۴: قرار تأمین خواسته به محض ابلاغ، اجرا می‌شود.

نکته ۳۱۵: در خصوص نکته قبل در مواردی که ابلاغ فوری ممکن نیست و تأخیر در اجرا موجب تضییع خواسته می‌شود، ابتدا قرار تأمین، اجرا و سپس ابلاغ می‌شود. این موارد، فوراً به اطلاع دادستان می‌رسد.

نکته ۳۱۶: قرار تأمین خواسته مطابق مقررات اجرای احکام مدنی در اجرای احکام کیفری دادرسی مربوط اجرا می‌شود.

نکته ۳۱۷: رفع ابهام و اجمال از قرار تأمین خواسته به عهده **بازپرس** است و رفع اشکالات ناشی از **اجرای آن توسط دادستان** یا **قاضی اجرای احکام** به عمل می‌آید.

نکته ۳۱۸: دادگاه حقوقی به اعتراض اشخاص ثالث نسبت به توقیف اموال ناشی از اجرای قرار تأمین خواسته، مطابق مقررات اجرای احکام مدنی رسیدگی می‌کند.

نکته ۳۱۹: در مواردی که مطالبه خواسته به تقدیم دادخواست نیاز دارد، چنانچه شاکی تا قبل از ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را به دادگاه کیفری تقدیم نکند، به درخواست متهم، از قرار تأمین خواسته رفع اثر می‌شود.

نکته ۳۲۰: در صورتی که به جهتی از جهات قانونی، تعقیب متهم موقوف یا قرار منع تعقیب صادر و یا پرونده به هر کیفیت مختومه شود، پس از **قطعیت رأی** و اجرای آن، از قرار تأمین خواسته رفع اثر می‌شود.

نکته ۳۲۱: جلوگیری از فعالیت تمام یا بخشی از امور خدماتی یا تولیدی از قبیل امور تجاری، کشاورزی، فعالیت کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و شرکت‌ها تجاری و تعاونی‌ها و مانند آن ممنوع است، مگر در مواردی که حسب قرائن معقول و ادله مثبت، ادامه این فعالیت متضمن ارتکاب اعمال مجرمانه‌ای باشد که مضر به سلامت، مخل امنیت جامعه و یا نظم عمومی باشد که در این صورت، بازپرس مکلف است با اطلاع دادستان، حسب مورد از آن بخش از فعالیت مذکور جلوگیری و ادله یاد شده را در تصمیم خود قید کند. این تصمیم ظرف **پنج روز** پس از ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه کیفری مربوط است.

نکته ۳۲۲: نوشتن بین سطور، قلم‌خوردگی و تراشیدن کلمات در اوراق بازجویی و تحقیقات، ممنوع است.

نکته ۳۲۳: اگر یک یا چند کلمه در اوراق فوق اضافه گردد باید بر روی آن خط نازکی کشیده و این موضوع قید شود و بازپرس و شخصی که تحقیق از او به عمل می‌آید، آن را امضاء کنند.

نکته ۳۲۴: اگر یک یا چند کلمه از در اوراق فوق قلم افتاده و در حاشیه نوشته شود، اشخاص یادشده باید زیر آن را امضاء کنند. هرگاه این ترتیب رعایت نشود، کلمات و خطوط مزبور فاقد اعتبار است.

نکته ۳۲۵: رعایت مقررات مذکور در خصوص نحوه نوشتن صورتمجلس در تمام مراحل دادرسی از سوی مقامات قضایی و ضابطان دادگستری الزامی است.

نکته ۳۲۶: در صورت قلم‌خوردگی جزئی در اوراق صورت‌مجلس موضوع باید در ذیل برگه توضیح داده شده و به امضای بازپرس و شخصی که تحقیق از او به عمل می‌آید، برسد.

نکته ۳۲۷: بازپرس در حوزه قضایی محل مأموریت خود با رعایت مفاد این قانون ایفاء وظیفه می‌کند و در صورت وجود **جهات قانونی** در موارد زیر شروع به تحقیق می‌نماید:
الف- جرم در حوزه قضایی **محل مأموریت او** واقع شود.

ب- جرم در حوزه قضایی دیگری واقع گردد و در حوزه قضایی محل مأموریت او **کشف** یا متهم در آن حوزه **دستگیر** شود.

پ- جرم در حوزه قضایی دیگری واقع شود، اما متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او **مقیم** باشد.

نکته ۳۲۸: در مواردی که جرم خارج از حوزه قضایی محل مأموریت بازپرس واقع شده، اما در حوزه او کشف یا مرتکب در آن حوزه دستگیر شود، بازپرس تحقیقات و اقدامات مقتضی را به عمل می‌آورد و در صورت لزوم، قرار تأمین نیز صادر می‌کند و چنانچه قرار صادره منتهی به بازداشت متهم شود، پس از رسیدگی به اعتراض وی در دادگاه کیفری که بازپرس در معیت آن انجام وظیفه می‌نماید، با صدور **قرار عدم صلاحیت**، پرونده را به همراه متهم، حداکثر ظرف **چهل و هشت ساعت**، به دادرسی محل وقوع جرم می‌فرستد.

نکته ۳۲۹: هرگاه آثار و ادله وقوع جرمی در حوزه قضایی محل مأموریت بازپرس کشف شود، اما محل وقوع آن معلوم نباشد، بازپرس ضمن انجام تحقیقات، سعی در کشف محل وقوع جرم می‌کند و اگر محل وقوع جرم تا ختم تحقیقات مشخص نشود، بازپرس در خصوص موضوع، اظهار عقیده می‌کند.

نکته ۳۳۰: هرگاه تحقیق از متهم، استماع شهادت شهود و مطلع، معاینه محل، بازرسی از منازل و اماکن و اشیاء، جمع‌آوری آلات جرم و به طور کلی هر اقدام دیگری خارج از حوزه قضایی محل مأموریت بازپرس لازم شود، وی با صدور **قرار نیابت قضایی** مطابق مقررات قانونی و ارسال اصل یا تصویر اوراق موردنیاز پرونده و تصریح موارد، انجام آن‌ها را از بازپرس محل، تقاضا می‌کند.

نکته ۳۳۱: بازپرس مجری نیابت در حدود مفاد نیابت اعطائی، موضوع نیابت را انجام می‌دهد و اوراق تنظیمی را پس از امضاء به همراه سایر مدارک به دست‌آمده نزد مرجع نیابت‌دهنده می‌فرستد.

نکته ۳۳۲: در صورتی که اجرای تمام یا بخشی از مفاد نیابت، مربوط به حوزه قضایی دیگری باشد، بازپرس مجری نیابت اوراق را برای اجرای نیابت به مرجع مزبور ارسال و مراتب را به بازپرس نیابت‌دهنده اعلام می‌دارد.

نکته ۳۳۳: انجام نیابت قضایی در حوزه قضایی بخش به‌عهده **رییس** یا **دادرس علی‌البدل** دادگاه آن محل است.

نکته ۳۳۴: در مواردی که اقرار متهم و یا شهادت شاهد و یا شهادت بر شهادت شاهد، مستند رأی دادگاه باشد، استماع آن توسط قاضی صادرکننده رأی الزامی است.

نکته ۳۳۵: بازپرس در هنگام صدور قرار نیابت قضایی می‌تواند نوع تأمین را معین یا اختیار اخذ تأمین و نوع آن را به نظر بازپرسی که تحقیق از او خواسته شده، واگذار کند.

نکته ۳۳۶: چنانچه بازپرسی که تحقیق از او درخواست شده با توجه به دفاع متهم و ادله ابرازی وی احراز کند که تأمین خواسته شده نامتناسب است به نظر خود، تأمین متناسبی اخذ می‌کند. همچنین در موردی که تقاضای اخذ تأمین نشده باشد، وی **می‌تواند** در صورت توجه اتهام با نظر خود تأمین مناسب اخذ کند.

نکته ۳۳۷: هرگاه در اجرای نیابت قضایی، قرار تأمین صادره منتهی به بازداشت متهم شود، پرونده جهت اظهارنظر نزد دادستان **محل اجرای نیابت** ارسال می‌شود. به اعتراض متهم نسبت به قرار بازداشت، مطابق مقررات در دادگاه صالح محل اجرای نیابت، رسیدگی می‌شود.

نکته ۳۳۸: هرگاه به تشخیص بازپرس، مباشرت وی در انجام تحقیقی در خارج از حوزه قضایی محل مأموریتش ضروری باشد، موضوع را به نحو مستدل به دادستان اعلام و پس از کسب نظر موافق وی، ضمن هماهنگی با دادستان محل و تحت نظارت او، نسبت به اجرای مأموریت اقدام می‌کند.

نکته ۳۳۹: در صورت تحقق نکته قبل، ضابطان دادگستری و مراجع رسمی مکلف به اجرای دستورهای بازپرس هستند.

- نکته ۳۴۰:** هرگاه برای کشف واقع و روشن شدن موضوع، تحقیق محلی یا معاینه محل ضرورت یابد و یا متهم یا شاکی درخواست نمایند، بازپرس اقدام به تحقیقات محلی یا معاینه محل می‌کند.
- نکته ۳۴۱:** معاینه محل و تحقیق محلی جز در مواردی که **ضرورت** دارد باید در روز انجام شود.
- نکته ۳۴۲:** در خصوص نکته قبل مراتب ضرورت باید در دستور قید شود.
- نکته ۳۴۳:** معاینه محل و تحقیق محلی توسط بازپرس و یا به دستور او توسط ضابط دادگستری انجام می‌شود.
- نکته ۳۴۴:** هنگام معاینه محل، اشخاصی که در امر کیفری شرکت دارند می‌توانند حاضر شوند، اما عدم حضور آنان، مانع از انجام معاینه نیست.
- نکته ۳۴۵:** هرگاه حضور متهم یا سایر اشخاصی که در امر کیفری شرکت دارند در هنگام معاینه محل ضروری باشد، مکلفند به دستور بازپرس در محل حاضر شوند.
- نکته ۳۴۶:** هنگام تحقیق محلی و معاینه محل، چنانچه بازپرس لازم بداند، شخصاً حاضر می‌شود؛
- نکته ۳۴۷:** در جرائم موضوع بند (الف) ماده (۳۰۲) ق.آ.د.ک و همچنین هنگام معاینه اجساد، بازپرس **مکلف** است شخصاً و در اسرع وقت در معاینه محل حضور یابد.
- نکته ۳۴۸:** هنگام تحقیق محلی و معاینه محل، شهود و مطلعان نیز دعوت می‌شوند. در موارد ضروری، بازپرس می‌تواند دیگر اشخاصی را که حضور آنان لازم است به محل دعوت کند.
- نکته ۳۴۹:** چنانچه اثبات حق به اظهارات اشخاص موضوع نکته قبل منحصر باشد و آنان بدون عذر موجه حاضر نشوند، بازپرس دستور **جلب** آنان را صادر می‌کند. مشروط به اینکه به تشخیص بازپرس حضور آنان ضرورت داشته باشد.
- نکته ۳۵۰:** کارشناس رسمی یا خبره، از قبیل پزشک، داروساز، مهندس و ارزیاب هنگامی دعوت می‌شوند که اظهار نظر آنان از جهت علمی یا فنی یا معلومات مخصوص لازم باشد.
- نکته ۳۵۱:** بازپرس می‌تواند در صورت لزوم از پزشک معالج نیز دعوت به عمل آورد.
- نکته ۳۵۲:** هنگام تحقیق محلی و معاینه محل، تمام آثار و نشانه‌های مشهود و مکشوف که به نحوی در قضیه مؤثر است، به دستور بازپرس توسط کارشناسان جمع‌آوری و در صورت مجلس قید می‌شود و به امضای اشخاص دخیل در موضوع می‌رسد.
- نکته ۳۵۳:** صحنه جرم باید توسط گروه بررسی صحنه جرم و تحت نظارت بازپرس و در صورت ضرورت به سرپرستی وی بررسی شود.
- نکته ۳۵۴:** گروه بررسی صحنه جرم متشکل از پزشک قانونی، کارشناسان بررسی صحنه جرم و تشخیص هویت، کارآگاهان نیروی انتظامی و عنداللزوم سایر کارشناسان است.
- نکته ۳۵۵:** حدود اختیارات، شرح وظایف و چگونگی بررسی صحنه جرم توسط گروه بررسی صحنه جرم به موجب آیین‌نامه اجرایی است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن ق.آ.د.ک توسط وزیر دادگستری و وزیر کشور با همکاری نیروی انتظامی و سازمان پزشکی قانونی کشور تهیه می‌شود و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد.
- نکته ۳۵۶:** بازپرس برای حفظ جسد، کشف هویت متوفی و چگونگی فوت وی، نسبت به ترسیم کروکی، عکسبرداری و در صورت امکان، فیلمبرداری از جسد و غیره اقدام و دستورهای لازم را صادر می‌کند.
- نکته ۳۵۷:** هرگاه هویت متوفی معلوم نباشد به دستور بازپرس، علائم و مشخصات جسد به طور دقیق در صورتمجلس قید می‌گردد و اثرانگشتان دست متوفی در پرونده ثبت و برای تشخیص هویت وی به هر نحو که مقتضی بداند، اقدام می‌شود.
- نکته ۳۵۸:** در صورت ضرورت، بازپرس می‌تواند دستور انتشار تصویر متوفی را در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی نیروی انتظامی یا پزشکی قانونی و یا به هر نحو مناسب دیگر صادر کند.
- نکته ۳۵۹:** ضابطان دادگستری **مکلفند** در جرایم منجر به **سلب حیات**، صحنه جرم و محل کشف جسد را با وسایل مناسب محصور کنند و تا حضور بازپرس یا صدور دستور لازم برای معاینه محل، در صورت ضرورت از ورود افراد و خروج آنان از محل جلوگیری کنند.

نکته ۳۶۰: از تمام آثار قابل انتقال موجود در صحنه جرم که در کشف جرم مؤثر است باید به میزان لازم برداشت و به نحوی مهر و موم نمود که در معرض تلف نباشد.

نکته ۳۶۱: هرگاه ادله وقوع جرم، مواردی از قبیل مایعات ریخته شده و غیرقابل انتقال از محل باشد، تا جمع‌آوری آن‌ها، بازپرس برای حفظ ادله یادشده اقدام می‌کند و اگر لازم بداند محل را قفل یا مهر و موم می‌کند و حفاظت آن‌ها را به ضابط دادگستری می‌سپارد.

نکته ۳۶۲: بازپرس برای معاینه جراحات، آثار و علائم ضرب، صدمات جسمی، آسیب‌های روانی و سایر معاینات و آزمایش‌های پزشکی، نظر پزشک قانونی را اخذ یا حسب مورد، از وی دعوت می‌کند. اگر پزشک قانونی نتواند حضور یابد و یا در جایی پزشک قانونی نباشد، پزشک متخصص معتمد دعوت می‌شود.

نکته ۳۶۳: تفتیش و بازرسی منازل، اماکن بسته و تعطیل و همچنین تفتیش و بازرسی اشیاء در مواردی که حسب قرائن و امارات، ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود دارد، با دستور بازپرس و با قید جهات ظن قوی در پرونده، انجام می‌شود.

نکته ۳۶۴: مجوز تفتیش و بازرسی منزل و محل کار اشخاص و مقامات موضوع مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) و نیز متهمان جرائم موضوع بند (ث) ماده (۳۰۲) ق.آ.د.ک، باید به **تأیید رییس کل دادگستری استان برسد** و با حضور مقام قضایی اجرا شود.

نکته ۳۶۵: چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص در تراحم باشد، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهم‌تر باشد.

نکته ۳۶۶: تفتیش و بازرسی منزل در روز به عمل می‌آید و در صورتی هنگام شب انجام می‌شود که **ضرورت** اقتضاء کند. بازپرس دلایل ضرورت را احراز و در صورتجلسه قید می‌کند و در صورت امکان، خود در محل حضور می‌یابد.

نکته ۳۶۷: روز از طلوع آفتاب تا غروب آن است.

نکته ۳۶۸: دستور مقام قضایی برای ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل، تحت هر عنوان باید **موردی** باشد و موضوعی که تفتیش برای آن صورت می‌گیرد، زمان، دفعات ورود، اموال، اماکن و نشانی آن‌ها به صراحت مشخص شود.

نکته ۳۶۹: ضابطان مکلفند ضمن رعایت دستورهای مقام قضایی، کیفیت تفتیش و بازرسی و نتیجه را در صورتجلسه تنظیم کرده، آن را به امضاء یا اثر انگشت متصرف برسانند و مراتب را حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت به مقام قضایی اعلام کنند.

نکته ۳۷۰: تخلف از رعایت مفاد حکم مقرر در نکته قبل موجب محکومیت به ۳ ماه تا ۱ سال انفصال از خدمات دولتی خواهد شد.

نکته ۳۷۱: تفتیش و بازرسی منزل یا محل سکونای افراد در حضور متصرف یا ارشد حاضران و در صورت ضرورت با حضور شهود تحقیق، ضمن رعایت موازین شرعی و قانونی، حفظ نظم محل مورد بازرسی و مراعات حرمت متصرفان و ساکنان و مجاوران آن به عمل می‌آید.

نکته ۳۷۲: هرگاه در محل مورد بازرسی کسی نباشد، در صورت **فوریت**، بازرسی در غیاب متصرفان و ساکنان محل، با حضور دو نفر از اهل محل به عمل می‌آید و مراتب فوریت در صورتجلسه قید می‌شود.

نکته ۳۷۳: حضور اشخاصی که در امر کیفری دخیل هستند در هنگام بازرسی منوط به اجازه متصرف است؛ اما چنانچه بازپرس حضور اشخاصی را برای تحقیق ضروری بداند، به دستور وی در محل حاضر می‌شوند.

نکته ۳۷۴: در صورت ضرورت، بازپرس می‌تواند ورود و خروج به محل بازرسی را تا پایان بازرسی ممنوع کند و برای اجرای این دستور از نیروی انتظامی و حسب ضرورت از نیروی نظامی با هماهنگی مقامات مربوط استفاده کند که در این صورت، نیروی نظامی زیر نظر مقام قضایی و در حکم ضابط دادگستری است.

نکته ۳۷۵: در صورتی که متصرف منزل و مکان و یا اشیاء مورد بازرسی، از باز کردن محل‌ها و اشیاء بسته خودداری کند، بازپرس می‌تواند دستور بازگشایی آن‌ها را بدهد، اما تا حد امکان باید از اقداماتی که موجب ورود خسارت می‌گردد، خودداری شود.

نکته ۳۷۶: در صورتی که در اجرای نکته قبل، خسارت مادی وارد شود و به موجب تصمیم قطعی، قرار منع یا موقوفی تعقیب و یا حکم برائت صادر شود، همچنین در مواردی که امتناع کننده شخص مجرم نباشد، حتی اگر موضوع به صدور قرار مجرمیت یا محکومیت متهم منجر شود، دولت مسؤول جبران خسارت است، مگر آنکه تقصیر بازپرس یا سایر مأموران محرز شود که در این صورت، دولت جبران خسارت می‌کند و به بازپرس و یا مأموران مقصر مراجعه می‌نماید.

نکته ۳۷۷: از اوراق، نوشته‌ها و سایر اشیاء متعلق به متهم، فقط آنچه راجع به جرم است تحصیل و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارائه می‌شود.

نکته ۳۷۸: بازپرس مکلف است در خصوص نکته قبل در مورد سایر نوشته‌ها و اشیاء متعلق به متهم با احتیاط رفتار کند، موجب افشا مضمون و محتوای غیرمرتبط آن‌ها با جرم نشود، در غیر این صورت وی به جرم افشا اسرار محکوم می‌شود.

نکته ۳۷۹: آلات و ادوات جرم، از قبیل اسلحه، اسناد و مدارک ساختگی، سکه تقلبی و تمامی اشیائی که حین بازرسی به دست می‌آید و مرتبط با کشف جرم یا اقرار متهم باشد، توقیف می‌شود و هریک در صورتمجلس توصیف و شماره‌گذاری می‌گردد. آنگاه در لفاف یا مکان مناسب نگهداری و رسیدی مشتمل بر ذکر مشخصات آن اشیاء به صاحب یا متصرف آن‌ها داده می‌شود.

نکته ۳۸۰: مال توقیف‌شده با توجه به وضعیت آن در محل مناسبی که از طرف دادگستری برای این منظور تعیین می‌شود، نگهداری می‌گردد.

نکته ۳۸۱: شیوه نگهداری اموال و پرداخت هزینه‌های مربوط که از محل اعتبارات قوه قضاییه است، به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن ق.آ.د.ک توسط وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد.

نکته ۳۸۲: بازپرس در صورت صدور قرار منع، موقوفی یا ترک تعقیب باید درباره استرداد و یا معدوم کردن اشیاء و اموال مکشوفه که دلیل یا وسیله ارتکاب جرم بوده، از جرم تحصیل شده، حین ارتکاب استعمال شده و یا برای استعمال اختصاص داده شده است، تعیین تکلیف کند. در مورد ضبط این اموال یا اشیاء دادگاه تکلیف آن‌ها را تعیین می‌کند.

نکته ۳۸۳: بازپرس مکلف است مادام که پرونده نزد او جریان دارد به تقاضای ذی‌نفع و با رعایت شرایط زیر، دستور رد اموال و اشیاء مذکور را صادر کند:

الف- وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد.

ب- اشیاء و اموال بلامعارض باشد.

پ- از اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم شود.

نکته ۳۸۴: در تمام امور کیفری، دادگاه نیز باید ضمن صدور رأی، نسبت به استرداد، ضبط و یا معدوم کردن اشیاء و اموال موضوع این ماده تعیین تکلیف کند.

نکته ۳۸۵: متضرر از تصمیم بازپرس یا دادگاه در مورد اشیاء و اموال موضوع دو نکته قبل، می‌تواند طبق مقررات اعتراض کند، هرچند قرار بازپرس یا حکم دادگاه نسبت به امر کیفری قابل اعتراض نباشد. در این مورد، مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به تصمیم بازپرس، دادگاه و نسبت به تصمیم دادگاه، دادگاه تجدیدنظر استان است.

نکته ۳۸۶: مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب است و یا موجب خرابی یا کسر فاحش قیمت آن شود و حفظ مال هم برای دادرسی لازم نباشد و همچنین اموال ضایع شدنی و سریع‌الفساد در صورت عدم دسترسی به مالک، حسب مورد، به تقاضای بازپرس و موافقت دادستان و یا دستور دادگاه به قیمت روز فروخته می‌شود. وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهائی در صندوق دادگستری به عنوان امانت نگهداری می‌شود.

نکته ۳۸۷: هرگونه دخالت و تصرف غیرمجاز و استفاده از اموال توقیفی ممنوع است.

نکته ۳۸۸: چنانچه مدعی مالکیت، همان قیمت را پرداخت کند در اولویت خرید قرار دارد.

نکته ۳۸۹: کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) ق.آ.د.ک لازم تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رییس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می‌شود.

نکته ۳۹۰: کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده (۳۰۷) ق.آ.د.ک منوط به تأیید رییس قوه قضاییه است و این اختیار قابل تفویض به سایرین نمی‌باشد.

نکته ۳۹۱: شرایط و کیفیات کنترل ارتباطات مخابراتی به موجب مصوبه شورای عالی امنیت ملی تعیین می‌شود.

نکته ۳۹۲: کنترل ارتباطات مخابراتی محکومان جز به تشخیص دادگاه نخستین که رأی زیر نظر آن اجرا می‌شود یا قاضی اجرای احکام ممنوع است.

نکته ۳۹۳: بازپرس می‌تواند در موارد ضروری، برای کشف جرم و یا دستیابی به ادله وقوع جرم، حساب‌های بانکی اشخاص را با تأیید رییس کل دادگستری استان کنترل کند.

نکته ۳۹۴: تفتیش و بازرسی مراسلات پستی مربوط به متهم در مواردی به عمل می‌آید که ظن قوی به کشف جرم، دستیابی به ادله وقوع جرم و یا شناسایی متهم وجود داشته باشد. در این صورت، بازپرس از مرجع مربوط می‌خواهد، این مراسلات را توقیف کند و نزد او بفرستد. در صورت عدم امکان توقیف، مرجع مربوط، این امر را به اطلاع بازپرس می‌رساند و از وی کسب تکلیف می‌کند.

نکته ۳۹۵: پس از وصول مراسلات پستی مذکور در نکته قبل، بازپرس آن‌ها را در حضور متهم یا وکیل او بررسی و مراتب را در صورتمجلس قید می‌کند و پس از امضای متهم، آن را پیوست پرونده می‌نماید یا در محل مناسب نگهداری می‌کند. استتکاف متهم از امضاء یا عدم حضور متهم یا وکیل او در صورتمجلس قید می‌شود. چنانچه اشیاء مزبور حائز اهمیت نباشد و نگهداری آن‌ها ضرورت نداشته باشد، با اخذ رسید به مرجع ارسال کننده یا به صاحبش مسترد می‌شود.

نکته ۳۹۶: موارد ضرورت بازرسی مکاتبات و مراسلات محکومان، به تشخیص دادگاه به وسیله مأموران مورد اعتماد زندان اعمال می‌گردد و پس از تأیید، حسب مورد ارسال یا به محکوم تسلیم می‌شود. در صورت عدم تأیید، مکاتبات و مراسلات ضبط و مراتب به اطلاع دادگاه می‌رسد.

نکته ۳۹۷: مقامات و مأموران وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی و نهادها و شرکت‌های وابسته به آن‌ها، سازمان‌های نظامی و انتظامی، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، دفاتر اسناد رسمی و دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است مکلفند اسباب، ادله و اطلاعات راجع به جرم و آن قسمت از اوراق و اسناد و دفاتری را که مراجعه به آن‌ها برای تحقیق امر کیفری لازم است، به درخواست مرجع قضایی در دسترس آنان قرار دهند، مگر در مورد اسناد سری و به کلی سری که این درخواست باید با موافقت رییس قوه قضاییه باشد.

نکته ۳۹۸: متخلف از مقرر مذکور در نکته قبل، در صورتی که عمل وی برای خلاصی متهم از محاکمه و محکومیت نباشد، حسب مورد به انفصال موقت از خدمات دولتی یا عمومی از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود.

نکته ۳۹۹: در خصوص اسناد سری و به کلی سری مربوط به نیروهای مسلح رییس قوه قضاییه می‌تواند اختیار خود را به رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح تفویض کند.

نکته ۴۰۰: هرگاه متهم، نوشته، اسناد، مدارک، اسباب و ادله مؤثر در کشف جرم مربوط را به وکیل خود یا شخص دیگری بسپارد، بازپرس می‌تواند آن‌ها را حسب مورد، در حضور وکیل یا آن شخص بررسی کند. در صورت استتکاف اشخاص مذکور از ارائه آن‌ها، مستنکف به مجازات مقرر برای خلاصی متهم از محاکمه محکوم می‌شود، اما در صورتی که این اشخاص عذر موجه داشته باشند، ادله خود را به مقام قضایی رسیدگی کننده ارائه می‌دهند.

نکته ۴۰۱: در خصوص نکته قبل نوشته، اسناد و مدارک غیر مرتبط با جرم نباید مطالبه و مورد بررسی قرار گیرد.

نکته ۴۰۲: هرگاه بازپرس رأساً یا به تقاضای یکی از طرفین انجام کارشناسی را ضروری بداند، قرار ارجاع امر به کارشناسی را صادر می‌کند.

نکته ۴۰۳: بازپرس باید موضوعی را که جلب نظر کارشناس نسبت به آن لازم است به طور دقیق تعیین کند.

نکته ۴۰۴: بازپرس، کارشناس را به قید قرعه از بین کارشناسان رسمی دادگستری دارای صلاحیت در رشته مربوط انتخاب می‌کند.

نکته ۴۰۵: در صورت تعدد کارشناسان، عده منتخبان باید فرد باشد تا به هنگام اختلاف نظر، نظر اکثریت ملاک عمل قرار گیرد.

نکته ۴۰۶: در خصوص نکته قبل اعتبار نظر اکثریت در صورتی است که کارشناسان از نظر تخصص با هم مساوی باشند.

نکته ۴۰۷: اگر حوزه‌ای فاقد کارشناس رسمی دادگستری است یا به تعداد کافی کارشناس رسمی دادگستری ندارد و یا در دسترس نیست، بازپرس می‌تواند از میان کارشناسان رسمی آن رشته در حوزه قضایی مجاور یا اهل خبره انتخاب کند.

نکته ۴۰۸: بازپرس دستمزد کارشناس را با رعایت کمیت، کیفیت و ارزش کار، پیش از ارجاع امر، تعیین می‌کند.

- نکته ۴۰۹:** هرگاه پس از اظهار نظر کارشناس معلوم شود که دستمزد تعیین شده متناسب نبوده است، بازپرس میزان آن را به طور قطعی تعیین و دستور وصول آن را می‌دهد.
- نکته ۴۱۰:** در هر حال دستمزد مزبور در نکته قبل نباید از تعرفه قانونی تجاوز نماید.
- نکته ۴۱۱:** کارشناس منتخب از سوی بازپرس مکلف به انجام موضوع کارشناسی است، مگر آن که به تشخیص بازپرس عذر موجه داشته باشد یا موضوع از موارد رد کارشناس محسوب شود که در این صورت، کارشناس باید پیش از اقدام به کارشناسی، مراتب را به طور کتبی به بازپرس اعلام دارد.
- نکته ۴۱۲:** جهات رد کارشناس همان جهات رد دادرسی است.
- نکته ۴۱۳:** بازپرس هنگام ارجاع موضوع به کارشناس، مهلت معین را برای اعلام نظر وی مشخص می‌کند.
- نکته ۴۱۴:** در مواردی که اظهار نظر مستلزم زمان بیشتر باشد، کارشناس باید ضمن تهیه و ارسال گزارشی از اقدامات انجام شده، با ذکر دلیل، تقاضای تمدید مهلت کند که در این صورت، بازپرس می‌تواند برای **یک بار** مهلت را تمدید کند.
- نکته ۴۱۵:** تمدید مهلت به کارشناس و طرفین ابلاغ می‌گردد.
- نکته ۴۱۶:** هرگاه کارشناس ظرف مدت معین نظر خود را به طور کتبی تقدیم دادگاه ننماید، کارشناس دیگری تعیین می‌شود.
- نکته ۴۱۷:** در خصوص نکته قبل چنانچه قبل از انتخاب یا اخطار به کارشناس دیگر نظر کارشناس به دادگاه واصل شود، دادگاه به آن ترتیب اثر می‌دهد. در هر حال دادگاه تخلف کارشناس را به مرجع صلاحیتدار اعلام می‌دارد.
- نکته ۴۱۸:** بازپرس پرسش‌های لازم را از کارشناس به صورت کتبی یا شفاهی به عمل می‌آورد و نتیجه را در صورتمجلس قید می‌کند.
- نکته ۴۱۹:** در صورتی که بعضی موارد از نظر بازپرس در کشف حقیقت اهمیت داشته باشد، کارشناس مکلف است به درخواست بازپرس در مورد آن‌ها اظهار نظر کند.
- نکته ۴۲۰:** جز در موارد فوری، پس از پرداخت دستمزد، به کارشناس اخطار می‌شود که ظرف مهلت تعیین شده در قرار کارشناسی، نظر خود را تقدیم کند.
- نکته ۴۲۱:** مراتب وصول نظر کارشناس به طرفین ابلاغ می‌شود.
- نکته ۴۲۲:** طرفین می‌توانند ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ، جهت ملاحظه نظر کارشناس به دفتر بازپرسی مراجعه و نظر خود را به طور کتبی اعلام کنند.
- نکته ۴۲۳:** شهود تحقیق و سایر اشخاصی که هنگام اجرای قرار کارشناسی حق حضور دارند، می‌توانند مخالفت خود با نظریه کارشناس را با ذکر دلیل اعلام کنند. این امر در صورتمجلس قید می‌شود.
- نکته ۴۲۴:** در صورت نقص نظریه کارشناسی یا ضرورت اخذ توضیح از کارشناس، بازپرس موارد لازم را در صورتمجلس درج و به کارشناس اعلام می‌کند و او را برای اداء توضیح دعوت می‌نماید.
- نکته ۴۲۵:** در خصوص نکته قبل در صورتی که کارشناس بدون عذر موجه در بازپرسی حاضر نشود، جلب می‌شود.
- نکته ۴۲۶:** هرگاه پس از اخذ توضیحات، بازپرس نظریه کارشناسی را ناقص تشخیص دهد، قرار تکمیل آن را صادر و اجرای قرار را به همان کارشناس یا کارشناس دیگر محول می‌کند.
- نکته ۴۲۷:** اگر یکی از کارشناسان در موقع رسیدگی و مشاوره حاضر باشد، اما بدون عذر موجه از اظهار نظر یا حضور در جلسه یا امضای نظریه کارشناسی امتناع کند، نظر اکثریت ملاک عمل است. عدم حضور کارشناس یا امتناع وی از اظهار نظر یا امضاء، باید از طرف کارشناسان دیگر صورتمجلس شود.
- نکته ۴۲۸:** هرگاه نظریه کارشناس به نظر بازپرس، محل تردید باشد یا در صورت تعدد کارشناسان، بین نظر آنان اختلاف باشد، بازپرس می‌تواند تا دو بار دیگر از سایر کارشناسان دعوت به عمل آورد، یا نظریه کارشناس یا کارشناسان مذکور را نزد متخصص علم یا فن مربوط ارسال و نظر او را استعلام کند.
- نکته ۴۲۹:** در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، بازپرس نظر کارشناس را به نحو مستدل رد می‌کند و موضوع را به کارشناس دیگر ارجاع می‌دهد.

نکته ۴۳۰: هرگاه یکی از طرفین دعوی از تخلف کارشناس متضرر گردد، می‌تواند مطابق قوانین و مقررات مربوط از کارشناس مطالبه جبران خسارت کند.

نکته ۴۳۱: بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند.

نکته ۴۳۲: تخلف از مقررات نکته قبل موجب **محکومیت انتظامی تا درجه چهار** است.

نکته ۴۳۳: احضار متهم به وسیله احضاریه به عمل می‌آید.

نکته ۴۳۴: احضاریه در دو نسخه تنظیم می‌شود که یک نسخه از آن به متهم ابلاغ می‌گردد و نسخه دیگر پس از امضاء، به مأمور ابلاغ مسترد می‌شود.

نکته ۴۳۵: در احضاریه، نام، نام خانوادگی و نام پدر احضار شونده، تاریخ، ساعت، محل حضور، علت احضار و نتیجه عدم حضور قید می‌شود و به امضای مقام قضایی می‌رسد.

نکته ۴۳۶: در جرایمی که به تشخیص مرجع قضایی، **حیثیت اجتماعی متهم، عفت یا امنیت عمومی** اقتضاء کند، علت احضار ذکر نمی‌شود، اما متهم می‌تواند برای اطلاع از علت احضار به دفتر مرجع قضایی مراجعه کند.

نکته ۴۳۷: فاصله میان ابلاغ اوراق احضاریه و زمان حضور نزد بازپرس نباید کمتر از پنج روز باشد.

نکته ۴۳۸: ابلاغ احضاریه توسط مأموران ابلاغ بدون استفاده از لباس رسمی و با ارائه کارت شناسایی انجام می‌شود.

نکته ۴۳۹: هرگاه شخص احضار شده بی‌سواد باشد، مأمور ابلاغ، مفاد احضاریه را به وی تفهیم می‌کند.

نکته ۴۴۰: هرگاه ابلاغ احضاریه به لحاظ معلوم نبودن محل اقامت متهم ممکن نباشد و اقدامات برای دستیابی به متهم به نتیجه نرسد و ابلاغ نیز به طریق دیگر میسر نگردد، متهم از طریق انتشار **یک نوبت آگهی** در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار کشوری یا محلی و با ذکر عنوان اتهام و مهلت **یک ماه** از تاریخ نشر آگهی، احضار می‌شود. در این صورت، بازپرس پس از انقضای مهلت مقرر به موضوع رسیدگی و اظهار عقیده می‌کند.

نکته ۴۴۱: در جرایمی که به تشخیص بازپرس، حیثیت اجتماعی متهم، عفت یا امنیت عمومی اقتضاء کند، عنوان اتهام در آگهی موضوع نکته قبل ذکر نمی‌شود.

نکته ۴۴۲: قوه قضاییه می‌تواند ابلاغ اوراق قضایی را به بخش خصوصی واگذار کند.

نکته ۴۴۳: سایر ترتیبات و قواعد ابلاغ احضاریه و دیگر اوراق قضایی بر اساس قانون آیین دادرسی مدنی صورت می‌گیرد.

نکته ۴۴۴: متهم مکلف است در موعد مقرر حاضر شود و اگر نتواند باید عذر موجه خود را اعلام کند. جهات زیر عذر موجه محسوب می‌شود:

الف- نرسیدن یا دیر رسیدن احضاریه به گونه‌ای که مانع از حضور شود.

ب- بیماری متهم و بیماری سخت والدین، همسر یا اولاد وی که مانع از حضور شود.

پ- همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم فوت شود.

ت- ابتلا به حوادث مهم از قبیل بیماری‌های واگیردار و بروز حوادث قهری مانند سیل و زلزله که موجب عدم امکان تردد گردد.

ث- متهم در توقیف یا حبس باشد.

ج- سایر مواردی که عرفاً به تشخیص بازپرس عذر موجه محسوب می‌شود.

نکته ۴۴۵: در سایر موارد، متهم می‌تواند برای **یکبار** پیش از موعد تعیین شده، بازپرس را از علت عدم حضور خود مطلع سازد و موافقت وی را اخذ نماید که در این مورد، بازپرس می‌تواند در صورت عدم تأخیر در تحقیقات، **تا سه روز** مهلت را تمدید کند.

نکته ۴۴۶: متهمی که بدون عذر موجه حضور نیابد یا عذر موجه خود را اعلام نکند، به دستور بازپرس جلب می‌شود.

نکته ۴۴۷: در صورتی که احضاریه، **ابلاغ قانونی** شده باشد و بازپرس احتمال دهد که متهم از احضاریه مطلع نشده است، وی را فقط برای **یکبار** دیگر احضار می‌نماید.

نکته ۴۴۸: در موارد زیر بازپرس می‌تواند بدون آن که ابتدا احضاریه فرستاده باشد، دستور جلب متهم را صادر کند:

الف- در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها **سلب حیات، قطع عضو** و یا **حبس ابد** است.

ب- هرگاه محل اقامت، محل کسب و یا شغل متهم معین نباشد و اقدامات بازپرس برای شناسایی نشانی وی به نتیجه نرسد.
پ- در مورد جرائم تعزیری **درجه پنج و بالاتر** در صورتی که از اوضاع و احوال و قرائن موجود، بیم **تبانی** یا **فرار** یا مخفی شدن متهم برود.

ت- در مورد اشخاصی که به **جرائم سازمان یافته و جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی** متهم باشند.

نکته ۴۴۹: جلب متهم به موجب برگه جلب به عمل می آید. مضمون برگه جلب که حاوی مشخصات متهم و علت جلب است باید توسط بازپرس امضاء و به متهم ابلاغ شود.

نکته ۴۵۰: مأمور جلب پس از ابلاغ برگه جلب، متهم را دعوت می کند که با او نزد بازپرس حاضر شود. چنانچه متهم امتناع کند، مأمور او را جلب و تحت الحفظ نزد بازپرس حاضر می نماید و در صورت نیاز می تواند از سایر مأموران کمک بخواهد.

نکته ۴۵۱: جلب متهم به استثناء موارد ضروری باید در روز به عمل آید و در همان روز به وسیله بازپرس و یا قاضی کشیک تعیین تکلیف شود.

نکته ۴۵۲: تشخیص موارد ضرورت با توجه به اهمیت جرم، وضعیت متهم، کیفیت ارتکاب جرم و احتمال فرار متهم با نظر بازپرس است. بازپرس موارد ضرورت را در پرونده درج می کند.

نکته ۴۵۳: در صورتی که متواری بودن متهم به نظر بازپرس محرز باشد، برگه جلب با تعیین مدت اعتبار در اختیار ضابطان دادگستری قرار می گیرد تا هر جا متهم را یافتند، جلب و نزد بازپرس حاضر کنند.

نکته ۴۵۴: چنانچه جلب متهم به هر علت در مدت تعیین شده میسر نشود، ضابطان مکلفند علت عدم جلب متهم را گزارش کنند.

نکته ۴۵۵: در صورت ضرورت، بازپرس می تواند برگه جلب را برای مدت معین در اختیار شاکی قرار دهد تا با معرفی او، ضابطان حوزه قضایی مربوط، متهم را جلب کنند و تحویل دهند.

نکته ۴۵۶: در صورتی که متهم در منزل یا محل کار خود یا دیگری مخفی شده باشد، ضابطان باید حکم ورود به آن محل را از مقام قضایی اخذ کنند.

نکته ۴۵۷: ضابطان دادگستری مکلفند متهم جلب شده را بلافاصله نزد بازپرس بیاورند و در صورت عدم دسترسی به بازپرس یا مقام قضایی جانشین، در اولین وقت اداری، متهم را نزد او حاضر کنند. در صورت تأخیر از تحویل فوری متهم، باید علت آن و مدت زمان نگهداری در پرونده درج شود. به هر حال مدت نگهداری متهم تا تحویل وی به بازپرس یا قاضی کشیک نباید بیش از بیست و چهار ساعت باشد.

نکته ۴۵۸: در ایام تعطیل متوالی، قاضی کشیک، پرونده متهم جلب شده را با تنظیم صورتمجلس از شعبه بازپرسی خارج و تصمیم مقتضی اتخاذ می نماید و در نخستین روز پس از تعطیلی، پرونده را با شرح اقدامات به شعبه مزبور اعاده می کند.

نکته ۴۵۹: هرگاه شخصی که دستور احضار یا جلب او داده شده به علت بیماری، کهولت سن یا معاذیری که بازپرس موجه تشخیص می دهد، نتواند نزد بازپرس حاضر شود، در صورت اهمیت و فوریت امر کیفری و امکان انجام تحقیقات، بازپرس نزد او می رود و تحقیقات لازم را به عمل می آورد.

نکته ۴۶۰: تا هنگامی که به متهم دسترسی حاصل نشده، بازپرس می تواند با توجه به اهمیت و ادله وقوع جرم، **دستور منع خروج** او را از کشور صادر کند. مدت اعتبار این دستور، **شش ماه و قابل تمدید** است. در صورت حضور متهم در بازپرسی و یا صدور قرار موقوفی، ترک و یا منع تعقیب، ممنوعیت خروج منتفی و مراتب بلافاصله به مراجع مربوط اطلاع داده می شود. در صورتی که مدت مندرج در دستور منع خروج منقضی شود این دستور خودبه خود منتفی است و مراجع مربوط نمی توانند مانع از خروج شوند.

نکته ۴۶۱: بازپرس مکلف است بلافاصله پس از حضور یا جلب متهم، تحقیقات را شروع کند و در صورت عدم امکان، حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت از زمان تحت نظر قرار گرفتن او توسط ضابطان دادگستری، مبادرت به تحقیق نماید.

نکته ۴۶۲: در خصوص نکته قبل در صورت غیبت یا عذر موجه بازپرس یا امتناع وی از شروع تحقیقات به دلایل قانونی، دادستان انجام تحقیقات را به بازپرس دیگر یا در صورت اقتضاء به دادرس دادگاه محول می کند.

- نکته ۴۶۳:** تحت نظر قرار دادن متهم بیش از بیست و چهار ساعت، بدون آن که تحقیق از او شروع یا تعیین تکلیف شود، **بازداشت غیرقانونی** محسوب و مرتکب به مجازات قانونی محکوم می‌شود.
- نکته ۴۶۴:** متهم می‌تواند در **مرحله تحقیقات مقدماتی**، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود.
- نکته ۴۶۵:** چنانچه متهم احضار شود حق برخورداری از وکیل باید در برگه احضاریه قید و به او ابلاغ شود.
- نکته ۴۶۶:** وکیل متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورتمجلس نوشته می‌شود.
- نکته ۴۶۷:** سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بی‌اعتباری تحقیقات می‌شود.
- نکته ۴۶۸:** در جرایمی که مجازات آن **سلب حیات یا حبس ابد** است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس در این مرحله برای وی وکیل **تسخیری** انتخاب می‌کند.
- نکته ۴۶۹:** چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، یا موضوع از جرائم **علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور** باشد با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آن‌ها را صادر می‌کند.
- نکته ۴۷۰:** قرار عدم دسترسی مذکور در نکته قبل، **حضور** به متهم یا وکیل وی ابلاغ می‌شود و ظرف **سه روز** قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است **در وقت فوق‌العاده** به اعتراض رسیدگی و تصمیم‌گیری کند. تصمیم دادگاه قطعی است.
- نکته ۴۷۱:** تحقیق از شاکی و متهم **غیرعلنی و انفرادی** است مگر در جرائم **قابل گذشت** که به آن‌ها در دادسرا حتی‌الامکان به صورت **ترافیعی** رسیدگی می‌شود و بازپرس مکلف است در صورت امکان، سعی در ایجاد صلح و سازش و یا ارجاع امر به میانجیگری نماید.
- نکته ۴۷۲:** بازپرس در ابتدا تحقیق به متهم تفهیم می‌کند محلی را که برای اقامت خود اعلام می‌نماید. محل اقامت قانونی او است و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد، باید محل جدید را به گونه‌ای که ابلاغ ممکن باشد اعلام کند و در غیر این صورت، احضاریه ها و سایر اوراق قضایی به محل اقامت اعلام‌شده قبلی فرستاده می‌شود.
- نکته ۴۷۳:** تغییر محل اقامت به منظور تأخیر و تعلل به گونه‌ای که ابلاغ اوراق دشوار باشد، پذیرفته نیست و تمام اوراق در همان محل اعلام‌شده قبلی ابلاغ می‌شود.
- نکته ۴۷۴:** تشخیص تغییر محل به منظور تأخیر و تعلل، با مقامی است که به اتهام رسیدگی می‌کند.
- نکته ۴۷۵:** بازپرس پیش از شروع به تحقیق با توجه به حقوق متهم به وی اعلام می‌کند مراقب اظهارات خود باشد. سپس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می‌کند و به او اعلام می‌نماید که اقرار یا همکاری مؤثر وی می‌تواند موجبات تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم سازد و آنگاه شروع به پرسش می‌کند.
- نکته ۴۷۶:** پرسش‌ها باید مفید، روشن، مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد. پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است.
- نکته ۴۷۷:** تخلف از مقررات نکته قبل موجب **محکومیت انتظامی تا درجه چهار** است.
- نکته ۴۷۸:** وکیل متهم می‌تواند در صورت طرح سؤالات تلقینی یا سایر موارد خلاف قانون به بازپرس تذکر دهد.
- نکته ۴۷۹:** متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورتمجلس قید می‌شود.
- نکته ۴۸۰:** بازپرس جز در موارد مواجهه حضوری، از متهمان به نحو انفرادی تحقیق می‌کند. متهمان نباید با یکدیگر داخل در مذاکره و مواضعه شوند.
- نکته ۴۸۱:** پاسخ پرسش‌ها باید بدون تغییر، تبدیل و یا تحریف نوشته شود و پس از قرائت برای متهم به امضاء یا اثر انگشت او برسد. متهم باسواد خودش پاسخ را می‌نویسد، مگر آن که نخواهد از این حق استفاده کند.

نکته ۴۸۲: بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلع که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و در صورت عدم دسترسی به مترجم رسمی، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین می‌کند.

نکته ۴۸۳: مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند. عدم اتیان سوگند سبب عدم پذیرش ترجمه مترجم مورد وثوق نیست.

نکته ۴۸۴: بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلع که ناشنوا است یا قدرت تکلم ندارد، فرد مورد وثوقی که توانایی بیان مقصود را از طریق اشاره یا وسایل فنی دیگر دارد، به عنوان مترجم انتخاب می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند.

نکته ۴۸۵: چنانچه افراد مذکور در فوق قادر به نوشتن باشند، منشی شعبه سؤال را برای آنان می‌نویسد تا به‌طور کتبی پاسخ دهند.

نکته ۴۸۶: هرگاه بازپرس در جریان تحقیقات احتمال دهد متهم هنگام ارتکاب جرم **مجنون** بوده است، تحقیقات لازم را از نزدیکان او و سایر مطلعان به عمل می‌آورد، نظریه پزشکی قانونی را تحصیل می‌کند و با احراز جنون، پرونده را با صدور قرار موقوفی تعقیب نزد دادستان می‌فرستد. در صورت موافقت دادستان با نظر بازپرس، چنانچه جنون استمرار داشته باشد شخص مجنون بنا بر ضرورت، حسب **دستور دادستان** به مراکز مخصوص نگهداری و درمان سازمان بهزیستی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منتقل می‌شود.

نکته ۴۸۷: مراکز مذکور در فوق مکلف به پذیرش می‌باشند و در صورت امتناع از اجرای دستور دادستان، به مجازات امتناع از دستور مقام قضایی مطابق قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.

نکته ۴۸۸: در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها **سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد** و یا **تغزیر درجه چهار و بالاتر** است و همچنین در جنایات **عمدی** علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن‌ها **ثلث دیه کامل** مجنی‌علیه یا **بیش** از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور **تشکیل پرونده شخصیت** متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید.

نکته ۴۸۹: پرونده شخصیت که به صورت مجزا از پرونده عمل مجرمانه تشکیل می‌گردد، حاوی مطالب زیر است:

الف- گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم؛

ب- گزارش پزشکی و روان‌پزشکی.

نکته ۴۹۰: بازپرس به تشخیص خود یا با معرفی شاکی یا به تقاضای متهم و یا حسب اعلام مقامات ذیربط، شخصی که حضور یا تحقیق از وی را برای روشن شدن موضوع ضروری تشخیص دهد، برابر مقررات احضار می‌کند.

نکته ۴۹۱: در صورتی که شاهد یا مطلع برای عدم حضور خود عذر موجهی نداشته باشد **جلب** می‌شود؛ اما در صورتی که عذر موجهی داشته باشد و بازپرس آن عذر را بپذیرد، مجدداً احضار و در صورت عدم حضور جلب می‌شود.

نکته ۴۹۲: در صورتی که شاهد یا مطلع از نیروهای مسلح باشد، باید حداقل بیست و چهار ساعت پیش از تحقیق یا جلسه محاکمه از طریق فرمانده یا رییس او دعوت شود. فرمانده یا رییس مربوط مکلف است پس از وصول دستور مقام قضایی، شخص احضار شده را در موقع مقرر بفرستد.

نکته ۴۹۳: تحقیق و بازجویی از شهود و مطلعان قبل از رسیدگی در دادگاه، **غیرعلنی** است.

نکته ۴۹۴: بازپرس از هر یک از شهود و مطلعان جداگانه و بدون حضور متهم تحقیق می‌کند و منشی اطلاعات ایشان را ثبت می‌کند و به امضاء یا اثر انگشت آنان می‌رساند. تحقیق مجدد از شهود و مطلعان در موارد ضرورت یا مواجهه آنان بلامانع است. دلیل ضرورت باید در صورتمجلس قید شود.

نکته ۴۹۵: پس از حضور شهود و مطلعان، بازپرس ابتدا اسامی حاضران را در صورتمجلس قید می‌کند و سپس از آنان به ترتیبی که از جهت تقدم و تأخر صلاح بداند تحقیق می‌نماید.

نکته ۴۹۶: بازپرس پیش از شروع به تحقیق، حرمت و مجازات شهادت دروغ و کتمان شهادت را به شاهد تفهیم می‌کند و نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، میزان تحصیلات، مذهب، محل اقامت، پیام‌نگار (ایمیل)، شماره تلفن ثابت و همراه و سابقه محکومیت کیفری و درجه قرابت سببی یا نسبی و وجود یا عدم رابطه خادم و مخدومی شاهد یا مطلع با طرفین پرونده را سؤال می‌نماید و در صورت مجلس قید می‌کند.

نکته ۴۹۷: شاهد و مطلع پیش از اظهار اطلاعات خود به این شرح سوگند یاد می‌کند: «به خداوند متعال سوگند یاد می‌کنم که جز به راستی چیزی نگویم و تمام واقعیت را بیان کنم».

نکته ۴۹۸: بازپرس می‌تواند در صورتی که شاهد یا مطلع واجد شرایط شهادت نباشد، بدون یاد کردن سوگند، اظهارات او را برای اطلاع بیشتر استماع کند.

نکته ۴۹۹: اظهارات شهود و مطلعان در صورت مجلس قید می‌شود، سپس متن آن قرائت می‌گردد و به امضاء یا اثر انگشت شاهد یا مطلع می‌رسد و چنانچه از امضاء یا اثر انگشت امتناع یا از اداء شهادت خودداری ورزد یا قادر به انجام آن نباشد، مراتب در صورت مجلس قید می‌شود و تمام صفحات صورت مجلس به امضای بازپرس و منشی می‌رسد.

نکته ۵۰۰: بازپرس مکلف است از شاهد یا مطلع علت امتناع از امضاء یا اثر انگشت یا اداء شهادت را بپرسد و پاسخ را در صورت مجلس قید کند.

نکته ۵۰۱: تفهیم اتهام به کسی که به عنوان متهم احضار نشده از قبیل شاهد یا مطلع ممنوع است و چنانچه این شخص پس از تحقیق در مظان اتهام قرار گیرد، باید طبق مقررات و به عنوان متهم برای وقت دیگر احضار شود.

نکته ۵۰۲: هرگاه بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی برای شاهد یا مطلع و یا خانواده آنان وجود داشته باشد، اما استماع اظهارات آنان ضروری باشد، بازپرس به منظور حمایت از شاهد یا مطلع و با ذکر علت در پرونده، تدابیر زیر را اتخاذ می‌کند:

الف- عدم مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع با شاکی یا متهم؛

ب- عدم افشاء اطلاعات مربوط به هویت، مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت شاهد یا مطلع؛

پ- استماع اظهارات شاهد یا مطلع در خارج از دادسرا با وسایل ارتباط از راه دور.

نکته ۵۰۳: در صورت شناسایی شاهد یا مطلع حسب مورد توسط متهم یا متهمان یا شاکی و یا وجود قرائن یا شواهد، مبنی بر احتمال شناسایی و وجود بیم خطر برای آنان، بازپرس به درخواست شاهد یا مطلع، تدابیر لازم را از قبیل آموزش برای حفاظت از سلامت جسمی و روحی یا تغییر مکان آنان اتخاذ می‌کند.

نکته ۵۰۴: در صورتی که شاهد یا مطلع برای حضور خود درخواست هزینه ایاب و ذهاب کند یا مدعی ضرر و زبانی از حیث ترک شغل خود شود، بازپرس هزینه ایاب و ذهاب را طبق تعرفه‌ای که قوه قضاییه اعلام می‌کند و ضرر و زیان ناشی از ترک شغل را در صورت لزوم با استفاده از نظر کارشناس تعیین و شاکی را مکلف به تودیع آن در صندوق دادگستری می‌نماید. هرگاه شاکی، به تشخیص بازپرس توانایی پرداخت هزینه را نداشته یا احضار از طرف بازپرس باشد، هزینه‌های مذکور از محل اعتبارات مصوب قوه قضاییه پرداخت می‌شود. هرگاه در جرائم **قابل گذشت**، شاکی با وجود ملائت از پرداخت هزینه‌های مذکور در این ماده خودداری کند، استماع شهادت یا گواهی مطلعین معرفی شده از جانب وی به عمل نمی‌آید؛ اما در جرائم **غیر قابل گذشت**، هزینه‌های مذکور به دستور بازپرس از محل اعتبارات مصوب قوه قضاییه پرداخت می‌شود. هرگاه متهم متقاضی احضار شاهد یا مطلع باشد، هزینه‌های مذکور از محل اعتبارات مصوب قوه قضاییه پرداخت می‌شود.

نکته ۵۰۵: در صورتی که شاهد یا مطلع به عللی از قبیل بیماری یا کهولت سن نتواند حاضر شود و یا تعداد شهود یا مطلعان، زیاد و در یک یا چند محل باشند و همچنین هرگاه اهمیت و فوریت امر اقتضاء کند، بازپرس در محل حضور می‌یابد و مبادرت به تحقیق می‌کند.

نکته ۵۰۶: به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند:

الف- التزام به حضور با قول شرف؛

- ب- التزام به حضور با تعیین وجه التزام؛
- پ- التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف؛
- ت- التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام؛
- ث- التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام؛
- ج- التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط؛
- چ- التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات؛
- ح- اخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله؛
- خ- اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت نامه بانکی، مال منقول یا غیر منقول؛
- د- بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی.
- نکته ۵۰۷:** در صورت امتناع متهم از پذیرش قرار تأمین مندرج در بند (الف) در فوق، قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام صادر می‌شود.
- نکته ۵۰۸:** در صورت امتناع از پذیرش قرارهای مندرج در بندهای (ب)، (پ)، (ت) و (ث) فوق، قرار کفالت صادر می‌شود.
- نکته ۵۰۹:** در مورد بندهای (پ) و (ت) فوق، خروج از حوزه قضایی با اجازه قاضی ممکن است.
- نکته ۵۱۰:** در جرائم غیر عمدی در صورتی که به تشخیص مقام قضایی تضمین حقوق بزه‌دیده به طریق دیگر امکان‌پذیر باشد، صدور قرار کفالت و وثیقه جایز نیست.
- نکته ۵۱۱:** برای اتهامات متعدد متهم، قرار تأمین واحد صادر می‌شود، مگر آن‌که رسیدگی به جرائم ارتكابی در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های مختلف باشد که در این صورت برای اتهامات موضوع صلاحیت هر دادگاه، قرار تأمین متناسب و مستقل صادر می‌شود.
- نکته ۵۱۲:** مبلغ وجه التزام، وجه الکفاله و وثیقه نباید در هر حال از خسارت وارد به بزه‌دیده کمتر باشد. در مواردی که دیه یا خسارت زیان‌دیده از طریق بیمه قابل جبران است، بازپرس با لحاظ مبلغ قابل پرداخت از سوی بیمه قرار تأمین متناسب صادر می‌کند.
- نکته ۵۱۳:** در صورتی که متهم بخواهد به جای معرفی کفیل، وثیقه بسپارد، بازپرس مکلف به قبول آن و تبدیل قرار است. در این صورت متهم می‌تواند در هر زمان با معرفی کفیل، آزادی وثیقه را تقاضا کند.
- نکته ۵۱۴:** کفالت شخصی پذیرفته می‌شود که ملائت او به تشخیص بازپرس برای پرداخت وجه الکفاله محل تردید نباشد.
- نکته ۵۱۵:** چنانچه بازپرس ملائت کفیل را احراز نکند، مراتب را فوری به نظر دادستان می‌رساند. دادستان موظف است در همان روز، رسیدگی و در این باره اظهار نظر کند. تشخیص دادستان برای بازپرس الزامی است.
- نکته ۵۱۶:** در صورت تأیید نظر بازپرس در عدم ملائت کفیل توسط دادستان مراتب در پرونده درج می‌شود.
- نکته ۵۱۷:** پذیرش کفالت اشخاص حقوقی با رعایت مقررات این ماده بلامانع است.
- نکته ۵۱۸:** در صورت عدم پذیرش تقاضای کتبی وثیقه‌گذار توسط بازپرس، مراتب با ذکر علت در پرونده منعکس می‌شود. تخلف از این مورد موجب محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا است.
- نکته ۵۱۹:** بازپرس در مورد قبول وثیقه یا کفالت، قرار صادر می‌نماید و پس از امضای کفیل یا وثیقه‌گذار، خود نیز آن را امضاء می‌کند و با درخواست کفیل یا وثیقه‌گذار، تصویر قرار را به آنان می‌دهد.
- نکته ۵۲۰:** بازپرس مکلف است ضمن صدور قرار قبولی کفالت یا وثیقه، به کفیل یا وثیقه‌گذار تفهیم کند که در صورت احضار متهم و عدم حضور او بدون عذر موجه و عدم معرفی وی از ناحیه کفیل یا وثیقه‌گذار، وجه الکفاله وصول یا وثیقه ضبط می‌شود.
- نکته ۵۲۱:** قرار تأمین باید فوری به متهم ابلاغ و تصویر آن به وی تحویل شود. در صورتی که قرار تأمین منتهی به بازداشت گردد، مفاد قرار در برگه اعزام درج می‌شود.

نکته ۵۲۲: متهمی که در مورد او قرار کفالت یا وثیقه صادر می‌شود تا معرفی کفیل یا سپردن وثیقه به بازداشتگاه معرفی می‌گردد؛ اما در صورت بازداشت، متهم می‌تواند تا مدت **ده روز** از تاریخ ابلاغ قرار بازپرس، نسبت به اصل قرار منتهی به بازداشت یا عدم پذیرش کفیل یا وثیقه اعتراض کند.

نکته ۵۲۳: مرجع صادرکننده قرار و رییس یا معاون زندان مکلفند تمهیدات لازم را به منظور دسترسی متهم به افرادی که وی برای یافتن کفیل یا وثیقه‌گذار معرفی می‌کند، فراهم کنند و هر زمان متهم، کفیل یا وثیقه معرفی نماید هرچند خارج از وقت اداری باشد، در صورت وجود شرایط قانونی، مرجع صادرکننده قرار یا قاضی کشیک مکلف به پذیرش آن هستند.

نکته ۵۲۴: مراتب تحویل متهم توسط مأمور رسمی در سوابق بازداشتگاه ثبت و تحویل دهنده، رسیدی حاوی تاریخ و ساعت تحویل متهم اخذ و به بازپرس تسلیم می‌کند.

نکته ۵۲۵: کفیل یا وثیقه‌گذار در هر مرحله از تحقیقات و دادرسی با معرفی و تحویل متهم می‌تواند، حسب مورد، رفع مسؤولیت یا آزادی وثیقه خود را از مرجعی که پرونده در آنجا مطرح است درخواست کند. مرجع مزبور مکلف است بلافاصله مراتب رفع مسؤولیت یا آزادی وثیقه را فراهم نماید.

نکته ۵۲۶: در مواردی که متهم به علت دیگری از سوی سایر مراجع بازداشت باشد نیز، کفیل یا وثیقه‌گذار می‌تواند اعزام وی را درخواست نماید.

نکته ۵۲۷: خواستن متهم از کفیل یا وثیقه‌گذار جز در موردی که حضور متهم برای تحقیقات، دادرسی و یا اجرای حکم ضرورت دارد، ممنوع است.

نکته ۵۲۸: تخلف از مقررات مذکور در نکته قبل موجب **محکومیت انتظامی تا درجه چهار** است.

نکته ۵۲۹: متهمی که برای او قرار تأمین صادر و خود ملتزم شده یا وثیقه گذاشته است، در صورتی که حضورش لازم باشد، احضار می‌شود و هرگاه ثابت شود بدون عذر موجه حاضر نشده است، در صورت ابلاغ واقعی اختطاریه، وجه التزام تعیین شده به دستور دادستان اخذ و یا از وثیقه سپرده شده معادل وجه قرار ضبط می‌شود.

نکته ۵۳۰: در خصوص نکته قبل چنانچه متهم، کفیل معرفی کرده یا شخص دیگری برای او وثیقه سپرده باشد به کفیل یا وثیقه‌گذار اخطار می‌شود که ظرف **یک ماه** متهم را تحویل دهد. در صورت ابلاغ واقعی اختطاریه و عدم تحویل متهم، به **دستور دادستان**، حسب مورد، وجه‌الکفاله اخذ و یا از وثیقه، معادل وجه قرار، ضبط می‌شود. دستور دادستان پس از قطعیت، بدون صدور اجرائیه در اجرای احکام کیفری و مطابق مقررات اجرای احکام مدنی اجرا می‌شود.

نکته ۵۳۱: مبلغ مازاد بر وجه قرار وثیقه، پس از کسر هزینه‌های ضروری مربوط به اجرای دستور، به وثیقه‌گذار مسترد می‌شود.

نکته ۵۳۲: هرگاه ثابت شود که متهم، کفیل یا وثیقه‌گذار به منظور عدم امکان ابلاغ واقعی اختطاریه، نشانی محل اقامت واقعی یا تغییر آن را به مرجع قبول کننده کفالت یا وثیقه اعلام نکرده یا به این منظور از محل خارج شده یا به هر نحو دیگر به این منظور امکان ابلاغ واقعی را دشوار کرده است و این امر از نظر بازپرس محرز شود، **ابلاغ قانونی** اختطاریه برای ضبط وثیقه، اخذ وجه‌الکفاله و یا وجه التزام کافی است.

نکته ۵۳۳: دیه با رعایت مقررات مربوط و ضرر و زیان محکوم‌له، در صورتی از مبلغ وثیقه یا وجه‌الکفاله کسر می‌شود که امکان وصول آن از بیمه میسر نباشد و محکوم‌علیه حاضر نشود و وثیقه‌گذار یا کفیل هم وی را طبق مقررات حاضر ننموده و عذر موجهی هم نداشته باشد.

نکته ۵۳۴: چنانچه قرار تأمین صادرشده، متضمن تأدیه وجه التزام باشد یا متهم خود ایداع وثیقه کرده باشد، در صورت عدم حضور محکوم‌علیه و عدم امکان وصول آن از بیمه، علاوه بر اخذ دیه و ضرر و زیان محکوم‌له از محل تأمین، جزای نقدی نیز در صورت محکومیت وصول می‌شود و در مورد قرار وثیقه، در صورت حضور و عجز از پرداخت، محکومیت‌های فوق، با لحاظ مستثنیات دین از محل تأمین اخذ می‌شود.

نکته ۵۳۵: در صورت **فوت** کفیل یا وثیقه‌گذار، قرار قبولی کفالت یا وثیقه منتهی است و متهم حسب مورد، باید نسبت به معرفی کفیل یا ایداع وثیقه جدید اقدام کند، مگر آن که دستور اخذ وجه‌الکفاله یا ضبط وثیقه صادر شده باشد.

نکته ۵۳۶: متهم، کفیل و وثیقه‌گذار می‌توانند ظرف **ده روز** از تاریخ ابلاغ دستور دادستان، درباره اخذ وجه التزام، وجه‌الکفاله و یا ضبط وثیقه اعتراض کنند. مرجع رسیدگی به این اعتراض، **دادگاه کیفری دو** است.

نکته ۵۳۷: جهات اعتراض به دستور مذکور در فوق عبارتند از:

الف- هرگاه مدعی شوند در اخذ وجه التزام و وجه‌الکفاله و یا ضبط وثیقه مقررات مربوط رعایت نشده است.

ب- هرگاه مدعی شوند متهم در موعد مقرر حاضر شده یا او را حاضر کرده‌اند یا شخص ثالثی متهم را حاضر کرده است.

پ- هرگاه مدعی شوند به جهات مذکور در ماده (۱۷۸) این قانون، متهم نتوانسته حاضر شود یا کفیل و وثیقه‌گذار به یکی از آن جهات نتوانسته‌اند متهم را حاضر کنند.

ت- هرگاه مدعی شوند پس از صدور قرار قبولی کفالت یا التزام معسر شده‌اند.

ث- هرگاه کفیل یا وثیقه‌گذار مدعی شوند تسلیم متهم، به علت فوت او در مهلت مقرر ممکن نبوده است.

نکته ۵۳۸: دادگاه در تمام موارد فوق، **خارج از نوبت** و بدون رعایت تشریفات دادرسی به شکایت رسیدگی می‌کند. رأی دادگاه **قطعی** است.

نکته ۵۳۹: مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به دستور رییس یا دادرس دادگاه عمومی بخش، دادگاه کیفری دو نزدیک‌ترین شهرستان آن استان است.

نکته ۵۴۰: در خصوص بند (ت) مذکور در فوق، دادگاه به ادعای اعسار متهم یا کفیل رسیدگی و در صورت احراز اعسار آنان، به معافیت آنان از پرداخت وجه التزام یا وجه‌الکفاله حکم می‌کند.

نکته ۵۴۱: در صورتی که متهم پس از صدور دستور دادستان مبنی بر اخذ وجه‌التزام یا وجه‌الکفاله و یا ضبط وثیقه و پیش از اتمام عملیات اجرائی، در مرجع قضایی حاضر شود یا کفیل یا وثیقه‌گذار او را حاضر کند، دادستان با رفع اثر از دستور صادره، دستور اخذ یا ضبط **حداکثر تا یک چهارم** از وجه قرار را صادر می‌کند. در این صورت، اعتبار قرار تأمین صادره به قوت خود باقی است. هرگاه متهم خود ایداع وثیقه کرده باشد، مکلف است، نسبت به تکمیل وجه قرار اقدام کند و چنانچه شخص ثالث از متهم کفالت نموده و یا ایداع وثیقه کرده باشد و رفع مسؤلیت خود را درخواست نکند، مکلف است نسبت به تکمیل وجه قرار اقدام کند. در صورتی که شخص ثالث، رفع مسؤلیت خود را درخواست کند، متهم حسب مورد، نسبت به معرفی کفیل یا وثیقه‌گذار جدید اقدام می‌کند.

نکته ۵۴۲: هرگاه متهم یا وثیقه‌گذار یا کفیل، ظرف **ده روز** از تاریخ ابلاغ دستور ضبط بخشی از وجه قرار، معادل وجه مقرر را به صندوق دولت واریز کند، ضبط انجام نمی‌شود و اعتبار قرار تأمین صادره به صورت کامل به قوت خود باقی است.

نکته ۵۴۳: **صدور قرار بازداشت موقت جایز نیست**، مگر در مورد جرائم زیر که دلایل، قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت کند:

الف- جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها **سلب حیات**، **حبس ابد** یا **قطع عضو** و در جنایات **عمدی** علیه تمامیت جسمانی، جنایاتی که میزان دیه آن‌ها **ثلث دیه** کامل مجنی علیه یا **بیش** از آن است.

ب- جرائم تعزیری که **درجه چهارم و بالاتر** است.

پ- جرائم **علیه امنیت داخلی و خارجی کشور** که مجازات قانونی آن‌ها **درجه پنجم و بالاتر** است.

ت- ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال و تظاهر، قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص که به‌وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه انجام شود.

ث- سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، جعل یا استفاده از سند مجعول در صورتی که مشمول بند (ب) فوق‌الذکر نباشد و متهم دارای **یک فقره سابقه محکومیت قطعی** به علت ارتکاب هر یک از جرائم مذکور باشد.

نکته ۵۴۴: موارد بازداشت موقت الزامی، موضوع قوانین خاص، به جز قوانین ناظر بر جرائم نیروهای مسلح از تاریخ لازم‌الاجرا شدن ق.آ.د.ک ملغی است.

نکته ۵۴۵: صدور قرار بازداشت موقت در موارد مذکور در نکته قبل، منوط به وجود یکی از شرایط زیر است:

الف- آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و ادله جرم یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقعه گردد و یا سبب شود شهود از اداء شهادت امتناع کنند.

ب- بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگر نتوان از آن جلوگیری کرد.

پ- آزاد بودن متهم محل نظم عمومی، موجب به خطر افتادن جان شاکی، شهود یا خانواده آنان و خود متهم باشد.

نکته ۵۴۶: قرار بازداشت موقت باید مستدل و موجه باشد و مستند قانونی و ادله آن و حق اعتراض متهم در متن قرار ذکر شود. با صدور قرار بازداشت موقت، متهم به بازداشتگاه معرفی می‌شود. چنانچه متهم به منظور جلوگیری از تبانی، بازداشت شود، دلیل آن در برگه اعزام قید می‌شود.

نکته ۵۴۷: قرار بازداشت متهم باید فوری نزد دادستان ارسال شود. دادستان مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت نظر خود را به‌طور کتبی به بازپرس اعلام کند.

نکته ۵۴۸: هرگاه دادستان با قرار بازداشت متهم موافق نباشد، حل اختلاف با **دادگاه صالح** است و متهم تا صدور رأی دادگاه در این مورد که حداکثر از ده روز تجاوز نمی‌کند، بازداشت می‌شود.

نکته ۵۴۹: هرگاه علت بازداشت مرتفع شود و موجب دیگری برای ادامه آن نباشد، بازپرس با موافقت دادستان فوری از متهم رفع بازداشت می‌کند. در صورت مخالفت دادستان با تصمیم بازپرس، حل اختلاف با دادگاه صالح است.

نکته ۵۵۰: اگر متهم نیز موجبات بازداشت را مرتفع بداند، می‌تواند فک قرار بازداشت یا تبدیل آن را از بازپرس تقاضا کند. بازپرس فوری و حداکثر ظرف **پنج روز** به طور مستدل راجع به درخواست متهم اظهارنظر می‌کند.

نکته ۵۵۱: در صورت رد درخواست فوق‌الذکر، مراتب در پرونده ثبت و قرار رد به متهم ابلاغ می‌شود و متهم می‌تواند ظرف **ده روز** به آن اعتراض کند. متهم در هر ماه فقط یک‌بار می‌تواند این درخواست را مطرح کند.

نکته ۵۵۲: هرگاه در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) ق.آ.د.ک تا **دو ماه** و در سایر جرائم تا **یک ماه** به علت صدور قرار تأمین، متهم در بازداشت بماند و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهائی در دادسرا نشود، بازپرس مکلف به فک یا تخفیف قرار تأمین است. اگر علل موجهی برای بقای قرار وجود داشته باشد، با ذکر علل مزبور، قرار، ابقاء و مراتب به متهم ابلاغ می‌شود. متهم می‌تواند از این تصمیم ظرف **ده روز** از تاریخ ابلاغ به دادگاه صالح اعتراض کند.

نکته ۵۵۳: فک یا تخفیف قرار بدون نیاز به موافقت دادستان انجام می‌شود و ابقاء تأمین باید به تأیید دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است.

نکته ۵۵۴: فک، تخفیف، یا ابقاء بازداشت موقت، باید به تأیید دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است.

نکته ۵۵۵: هرگاه بازداشت متهم ادامه یابد، حسب مورد، هر دو ماه یا هر یک ماه مراتب مذکور در فوق اعمال می‌شود. به هر حال، مدت بازداشت متهم نباید از **حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند** و در هر صورت در جرائم موجب مجازات سلب حیات مدت بازداشت موقت از **دو سال** و در سایر جرائم از **یک سال** تجاوز نمی‌کند.

نکته ۵۵۶: نصاب حداکثر مدت بازداشت، شامل مجموع قرارهای صادره در دادسرا و دادگاه است و سایر قرارهای منتهی به بازداشت متهم را نیز شامل می‌شود.

نکته ۵۵۷: بازپرس می‌تواند در تمام مراحل تحقیقات با رعایت مقررات، قرار تأمین صادره را تشدید کند یا تخفیف دهد.

نکته ۵۵۸: تشدید یا تخفیف قرار تأمین، اعم از تبدیل نوع قرار یا تغییر مبلغ آن است.

نکته ۵۵۹: دادستان در جریان تحقیقات مقدماتی تا پیش از تنظیم کیفرخواست می‌تواند تشدید یا تخفیف تأمین را از بازپرس درخواست کند. هرگاه بین بازپرس و دادستان موافقت حاصل نشود، پرونده برای رفع اختلاف به دادگاه ارسال می‌شود و بازپرس طبق نظر دادگاه اقدام می‌کند.

نکته ۵۶۰: پس از تنظیم کیفرخواست نیز دادستان می‌تواند حسب مورد، از دادگاهی که پرونده در آن مطرح است، درخواست تشدید یا تخفیف تأمین کند. متهم نیز می‌تواند تخفیف تأمین را درخواست کند. تقاضای فرجام‌خواهی نسبت به حکم، مانع از آن نیست که دادگاه صادرکننده حکم، به این درخواست رسیدگی کند. در صورت رد درخواست، مراتب رد در پرونده ثبت می‌شود. تصمیم دادگاه در این موارد قطعی است.

نکته ۵۶۱: تقاضای دادستان یا متهم به شرح مقرر در نکته قبل، در مورد تشدید یا تخفیف نمی‌تواند بیش از یک بار مطرح شود.

نکته ۵۶۲: چنانچه به نظر دادگاه، قرار تأمین صادره متناسب نباشد، نسبت به تخفیف یا تشدید آن اتخاذ تصمیم می‌نماید.

نکته ۵۶۳: در مواردی که پرونده متهم در دادگاه مطرح شده و از متهم قبلاً تأمین اخذ نشده یا تأمین قبلی منتفی شده باشد، دادگاه خود یا به تقاضای دادستان و با رعایت مقررات قرار تأمین یا نظارت قضایی صادر می‌کند.

نکته ۵۶۴: در خصوص نکته قبل چنانچه تصمیم دادگاه منتفی به صدور قرار بازداشت موقت شود، این قرار، طبق مقررات قانونی، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان است.

نکته ۵۶۵: بازپرس می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضایی را که شامل یک یا چند مورد از دستورهای زیر است، برای مدت معین صادر کند:

الف- معرفی نوبه‌ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین شده توسط بازپرس؛

ب- منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری؛

پ- منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی؛

ت- ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز؛

ث- ممنوعیت خروج از کشور.

نکته ۵۶۶: در جرائم تعزیری درجه هفت و هشتم، در صورت ارائه تضمین لازم برای جبران خسارات وارده، مقام قضایی می‌تواند فقط به صدور قرار نظارت قضایی اکتفاء کند.

نکته ۵۶۷: قرارهای نظارت قضایی ظرف ده روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. چنانچه این قرار توسط دادگاه صادر شود، ظرف ده روز، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان می‌باشد.

نکته ۵۶۸: مدت اعتبار قرار منع خروج از کشور شش ماه و قابل تمدید است. در صورتی که مدت مندرج در دستور منع خروج منقضی شود، این دستور خود به خود منتفی است و مراجع مربوط نمی‌توانند مانع از خروج شوند.

نکته ۵۶۹: در صورت صدور قرار ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز، سلاح و پروانه مربوط اخذ و به یکی از محل‌های مجاز نگهداری سلاح تحویل می‌شود و بازپرس مراتب را به مرجع صادرکننده پروانه اعلام می‌کند.

نکته ۵۷۰: قرار تأمین و نظارت قضایی باید مستدل و موجه و با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد.

نکته ۵۷۱: اخذ تأمین نامتناسب موجب محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا است.

نکته ۵۷۲: هرگاه متهم یا محکوم‌علیه در مواعد مقرر حاضر شود، یا پس از آن حاضر و عذر موجه خود را اثبات کند، با شروع به اجرای حبس و تبعید یا اقامت اجباری و با اجرای کامل سایر مجازات‌ها و یا صدور قرارهای منع و موقوفی و تعلیق تعقیب، تعلیق اجرای مجازات و مختومه شدن پرونده به هر کیفیت، قرار تأمین و نظارت قضایی لغو می‌شود.

نکته ۵۷۳: در صورت الغای قرار تأمین یا نظارت قضایی، این امر بلافاصله به مراجع مربوط اعلام می‌شود.

نکته ۵۷۴: در صورتی که متهم دستورهای مندرج در قرار نظارت قضایی را رعایت نماید، بنا به درخواست وی که باید به تأیید دادستان برسد و یا پیشنهاد دادستان، دادگاه می‌تواند با رعایت مقررات قانونی در مجازات وی تخفیف دهد.

نکته ۵۷۵: هرگاه متهم از اجرای قرار نظارت قضایی که توأم با قرار تأمین صادر شده است، تخلف کند، قرار نظارت لغو و قرار تأمین تشدید می‌شود و در صورت تخلف متهم از اجرای قرار نظارت مستقل، قرار صادره به قرار تأمین متناسب تبدیل می‌گردد. مفاد این نکته در حین صدور قرار نظارت قضایی به متهم، تفهیم می‌شود.

نکته ۵۷۶: در اجرای نکته قبل نمی‌توان قرار صادره را به قرار بازداشت موقت تبدیل کرد.

نکته ۵۷۷: اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می‌توانند، خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند.

نکته ۵۷۸: در موارد زیر شخص بازداشت‌شده مستحق جبران خسارت نیست:

الف- بازداشت شخص، ناشی از خودداری در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی‌گناهی خود باشد.

ب- به منظور فراری دادن مرتکب جرم، خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار داده باشد.

پ- به هر جهتی به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد.

ت- هم‌زمان به علت قانونی دیگر بازداشت باشد.

نکته ۵۷۹: شخص بازداشت‌شده باید ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حاکی از بی‌گناهی خود، درخواست جبران خسارت را به کمیسیون استانی، متشکل از سه نفر از قضات دادگاه تجدیدنظر استان به انتخاب رییس قوه قضاییه تقدیم کند. کمیسیون در صورت احراز شرایط مقرر در این قانون، حکم به پرداخت خسارت صادر می‌کند. در صورت رد درخواست، این شخص می‌تواند ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ، اعتراض خود را به کمیسیون موضوع ماده (۲۵۸) این قانون اعلام کند.

نکته ۵۸۰: رسیدگی به اعتراض شخص بازداشت‌شده، در کمیسیون ملی جبران خسارت متشکل از رییس دیوان عالی کشور یا یکی از معاونان وی و دو نفر از قضات دیوان عالی کشور به انتخاب رییس قوه قضاییه به عمل می‌آید. رأی کمیسیون قطعی است.

نکته ۵۸۱: جبران خسارت موضوع نکات فوق این قانون بر عهده دولت است و در صورتی که بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه جرم، شهادت کذب و یا تقصیر مقامات قضایی باشد، دولت پس از جبران خسارت می‌تواند به مسؤول اصلی مراجعه کند.

نکته ۵۸۲: بازپرس پس از پایان تحقیقات و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم و توجه اتهام به متهم به او یا وکیل وی اعلام می‌کند که برای برائت یا کشف حقیقت هر اظهاری دارد به عنوان آخرین دفاع بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع، مطالبی اظهار کند یا مدرکی ابراز نماید که در کشف حقیقت یا برائت مؤثر باشد، بازپرس مکلف به رسیدگی است.

نکته ۵۸۳: در صورتی که متهم یا وکیل وی برای اخذ آخرین دفاع احضار شود و هیچ یک از آنان بدون اعلام عذر موجه، حضور نیابد، بدون اخذ آخرین دفاع، اتخاذ تصمیم می‌شود.

نکته ۵۸۴: پس از انجام تحقیقات لازم و اعلام کفایت و ختم تحقیقات، بازپرس مکلف است به صورت مستدل و مستند، عقیده خود را حداکثر ظرف پنج روز در قالب قرار مناسب، اعلام کند.

نکته ۵۸۵: بازپرس در صورت جرم بودن عمل ارتكابی و وجود ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار جلب به دادرسی و در صورت جرم نبودن عمل ارتكابی و یا فقدان ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار منع تعقیب صادر و پرونده را فوری نزد دادستان ارسال می‌کند. دادستان باید ظرف سه روز از تاریخ وصول، پرونده تحقیقات را ملاحظه و نظر خود را به طور کتبی اعلام کند و پرونده را نزد بازپرس برگرداند. چنانچه مورد از موارد موقوفی تعقیب باشد، قرار موقوفی تعقیب صادر و وفق مقررات فوق اقدام می‌شود.

نکته ۵۸۶: چنانچه دادستان تحقیقات بازپرس را کامل نداند، صرفاً مواردی را که برای کشف حقیقت لازم است به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در پرونده درج می‌کند و تکمیل آن را می‌خواهد. در این صورت، بازپرس مکلف به انجام این تحقیقات است.

نکته ۵۸۷: هرگونه درخواست تکمیل تحقیقات توسط دادستان که برای کشف حقیقت لازم نباشد، موجب محکومیت انتظامی تا درجه سه است.

نکته ۵۸۸: در صورت موافقت دادستان با قرار بازپرس، در خصوص عدم صلاحیت، پرونده به مرجع صالح ارسال می‌شود و در موارد موقوفی یا منع تعقیب، بازپرس مراتب را به طرفین ابلاغ می‌کند. در این صورت، قرار تأمین و قرار نظارت قضایی ملغی می‌گردد و چنانچه متهم بازداشت باشد، بلافاصله آزاد می‌شود. قاضی مربوط مکلف است از قرار تأمین مأخوذه رفع اثر نماید.

نکته ۵۸۹: در صورتی که عقیده دادستان و بازپرس بر جلب متهم به دادرسی باشد، دادستان ظرف دو روز با صدور کیفرخواست، از طریق شعبه بازپرسی بلافاصله پرونده را به دادگاه صالح ارسال می‌کند.

نکته ۵۹۰: در هر مورد که دادستان با عقیده بازپرس مخالف باشد و بازپرس بر عقیده خود اصرار کند، پرونده برای حل اختلاف، به دادگاه صالح ارسال و طبق تصمیم دادگاه عمل می‌شود.

نکته ۵۹۱: علاوه بر موارد مذکور در قانون قرارهای بازپرس در موارد زیر قابل اعتراض است:

الف- قرار منع و موقوفی تعقیب و اناطه به تقاضای شاکی؛

ب- قرار بازداشت موقت، ابقاء و تشدید تأمین به تقاضای متهم؛

پ- قرار تأمین خواسته به تقاضای متهم.

نکته ۵۹۲: مهلت اعتراض به قرارهای قابل اعتراض، برای اشخاص مقیم ایران **ده روز** و برای افراد مقیم خارج از کشور **یک ماه** از تاریخ ابلاغ است.

نکته ۵۹۳: مرجع حل اختلاف بین دادستان و بازپرس و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض، با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به آن اتهام را دارد.

نکته ۵۹۴: در خصوص نکته قبل چنانچه دادگاه انقلاب یا دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی دادسرا تشکیل نشده باشد، **دادگاه کیفری دو محل**، صالح به رسیدگی است.

نکته ۵۹۵: در صورت اختلاف دادستان و بازپرس در صلاحیت، نوع جرم یا مصادیق قانونی آن، حل اختلاف با دادگاه کیفری دویی است که دادسرا در معیت آن انجام وظیفه می‌کند.

نکته ۵۹۶: حل اختلاف بین بازپرس و دادستان و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض، در جلسه فوق‌العاده دادگاه صورت می‌گیرد. تصمیم دادگاه در این خصوص **قطعی** است، مگر در مورد قرارهای **منع یا موقوفی تعقیب** در جرائم موضوع **بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) ق.آ.د.ک** که در صورت **تأیید**، این قرارها مطابق مقررات **قابل تجدیدنظر** است.

نکته ۵۹۷: دادگاه در صورتی که اعتراض شاکی به قرار منع یا موقوفی تعقیب را موجه بداند، آن را نقض و قرار جلب به دادرسی صادر می‌کند.

نکته ۵۹۸: در مواردی که به نظر دادگاه، تحقیقات دادسرا کامل نباشد، بدون نقض قرار می‌تواند تکمیل تحقیقات را از دادسرا بخواهد یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات کند.

نکته ۵۹۹: در مورد نکته قبل موارد نقص تحقیق باید به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در تصمیم دادگاه قید شود. در صورت نقض قرار اناطه توسط دادگاه، بازپرس تحقیقات خود را ادامه می‌دهد.

نکته ۶۰۰: هرگاه پرونده برای تکمیل تحقیقات به دادسرا اعاده شود، دادرسی مربوط با انجام تحقیقات موردنظر دادگاه، بدون صدور قرار، مجدداً پرونده را به دادگاه ارسال می‌کند و اگر در تحقیقات موردنظر دادگاه ابهامی بیاید، مراتب را برای رفع ابهام از دادگاه استعلام می‌کند.

نکته ۶۰۱: در صورت نقض قرار منع تعقیب و صدور قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه، بازپرس مکلف است متهم را احضار و موضوع اتهام را به او تفهیم کند و با اخذ آخرین دفاع و تأمین مناسب از وی، پرونده را به دادگاه ارسال نماید.

نکته ۶۰۲: در صورت نقض قرار موقوفی تعقیب، بازپرس مطابق مقررات و صرف‌نظر از جهتی که علت نقض قرار موقوفی تعقیب است، به پرونده رسیدگی و با انجام تحقیقات لازم، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.

نکته ۶۰۳: هرگاه به علت جرم نبودن عمل ارتكابی، قرار منع تعقیب صادر و به هر دلیل قطعی شود، نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد.

نکته ۶۰۴: هرگاه به علت فقدان یا عدم کفایت دلیل، قرار منع تعقیب صادر و در دادسرا قطعی شود، نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد، مگر پس از **کشف دلیل جدید** که در این صورت، با نظر دادستان برای **یک بار** قابل تعقیب است.

نکته ۶۰۵: هرگاه به علت فقدان یا عدم کفایت دلیل، قرار منع تعقیب صادر و در دادگاه قطعی شود، پس از کشف دلیل جدید به درخواست دادستان می‌توان او را برای یک‌بار با **اجازه دادگاه** صالح برای رسیدگی به اتهام، تعقیب کرد. در صورتی که دادگاه، تعقیب مجدد را تجویز کند، بازپرس مطابق مقررات رسیدگی می‌کند.

نکته ۶۰۶: در کیفرخواست موارد زیر قید می‌شود:

الف- مشخصات متهم، شامل نام، نام خانوادگی، نام پدر، شهرت، سن، شغل، شماره ملی، شماره شناسنامه، تابعیت، مذهب، محل اقامت و وضعیت تأهل او؛

ب- آزاد، تحت قرار تأمین یا نظارت قضایی بودن متهم و نوع آن و یا بازداشت بودن وی با قید علت و تاریخ شروع بازداشت؛

پ- نوع اتهام، تاریخ و محل وقوع جرم اعم از بخش، دهستان، روستا، شهر، ناحیه، منطقه، خیابان و کوچه؛

ت- ادله انتساب اتهام؛

ث- مستند قانونی اتهام؛

ج- سابقه محکومیت مؤثر کیفری متهم؛

چ- خلاصه پرونده شخصیت یا وضعیت روانی متهم.

نکته ۶۰۷: هرگاه در صدور کیفرخواست، سهو قلم یا اشتباه بین صورت گیرد، تا پیش از ارسال به دادگاه، دادستان آن را اصلاح و پس از ارسال کیفرخواست به دادگاه، موارد اصلاحی آن را به دادگاه اعلام می‌کند.

نکته ۶۰۸: عنوان اتهامی که در کیفرخواست ذکر می‌شود، مانع از تعیین عنوان صحیح قانونی توسط دادگاه نیست. در صورتی که مجموع اعمال ارتكابی متهم در نتیجه تحقیقات دادرسی روشن باشد و دادگاه فقط عنوان اتهام را نادرست تشخیص دهد، مکلف است اتهام جدید را به متهم تفهیم، تا از اتهام انتسابی مطابق مقررات دفاع کند و سپس مبادرت به صدور رأی نماید.

نکته ۶۰۹: هر گاه قبل از ارسال پرونده به دادگاه، موجبی برای آزادی متهم یا تبدیل قرار تأمین به وجود آید، دادرسی با رعایت مقررات قانونی اقدام می‌کند.

نکته ۶۱۰: دادستان **نمی‌تواند** پس از ارسال پرونده به دادگاه از اصل اتهام یا ادله آن عدول و بر این اساس کیفرخواست را مسترد یا اصلاح کند و فقط می‌تواند دلایل جدید له یا علیه متهم را که کشف یا حادث می‌شود به دادگاه اعلام کند.

نکته ۶۱۱: پس از صدور کیفرخواست و قبل از ارسال به دادگاه، هرگاه شاکی در جرائم قابل گذشت، رضایت قطعی خود را به دادستان اعلام کند، در صورت وجود پرونده در دادرسی، دادستان از کیفرخواست عدول می‌کند. در این صورت، قرار موقوفی تعقیب توسط بازپرس صادر می‌شود.

نکته ۶۱۲: در خصوص نکته قبل در جرائم **غیر قابل گذشت**، هرگاه شاکی رضایت قطعی خود را اعلام کند، دادستان در صورت فراهم بودن شرایط صدور قرار تعلیق تعقیب، می‌تواند از کیفرخواست عدول و تعقیب را معلق کند و در صورتی که در نتیجه رضایت شاکی نوع مجازات تغییر کند، دادستان از کیفرخواست قبلی عدول و بر این اساس کیفرخواست جدید صادر می‌کند.

نکته ۶۱۳: در صورت انتساب اتهامات متعدد به متهم که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های مختلف است، کیفرخواست جداگانه خطاب به هر یک از دادگاه‌های صالح صادر می‌شود.

نکته ۶۱۴: در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادرسی عمومی و انقلاب با عنوان دادرسی ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می‌شود.

نکته ۶۱۵: تحقیقات مقدماتی جرائم افراد پانزده تا هجده سال به جز جرائم موضوع مواد (۳۰۶) و (۳۴۰) ق.آ.د.ک که به‌طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می‌گیرد، در این دادرسی به عمل می‌آید.

نکته ۶۱۶: تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم افراد زیر پانزده سال به‌طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادرسی است انجام می‌دهد.

نکته ۶۱۷: در جرائم مشهود، هرگاه مرتکب، طفل یا نوجوان باشد، ضابطان دادگستری مکلفند نسبت به حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و دلایل جرم اقدام نمایند، لکن اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوان را ندارند و در صورت دستگیری وی، موظفند متهم را حسب مورد، فوری به دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند. انقضای وقت اداری و نیز ایام تعطیل مانع از رجوع به دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان نیست.

نکته ۶۱۸: علاوه بر موارد مذکور در ماده (۳۰۲) ق.آ.د.ک، در جرایم تعزیری درجه پنج و شش نیز، تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است.

نکته ۶۱۹: در جریان تحقیقات مقدماتی، مرجع قضایی حسب مورد، اطفال و نوجوانان موضوع این قانون را به والدین، اولیاء، یا سرپرست قانونی یا در صورت فقدان یا عدم دسترسی و یا امتناع از پذیرش آنان، به هر شخص حقیقی یا حقوقی که مصلحت بداند، می سپارد. اشخاص مذکور ملتزمند هرگاه حضور طفل یا نوجوان لازم باشد او را به مرجع قضایی معرفی نمایند.

نکته ۶۲۰: افراد پانزده تا هجده سال نیز شخصاً ملزم به معرفی خود به دادگاه می باشند.

نکته ۶۲۱: بر کلیه دادرسی‌های عمومی و انقلاب و نظامی نظارت دارد و به منظور حسن اجرای قوانین و ایجاد هماهنگی بین دادرسی‌ها می‌تواند اقدام به بازرسی کند و تذکرات و دستورهای لازم را خطاب به مراجع قضایی مذکور صادر نماید. همچنین وی پیشنهادهای لازم را به رییس قوه قضاییه و سایر مراجع قضایی و اجرایی ذی‌ربط ارائه می‌کند.

نکته ۶۲۲: چنانچه دادستان کل کشور در اجرای وظایف قانونی خود، به موارد تخلف یا جرم برخورد نماید حسب مورد مراتب را برای تعقیب قانونی به دادرسی انتظامی قضات، مراجع قضایی یا اداری صالح اعلام می‌کند.

نکته ۶۲۳: کلیه مراجع قضایی و قضات مکلفند همکاری‌های لازم را در اعمال نظارت دادستان کل کشور انجام دهند.

نکته ۶۲۴: دادستان کل کشور می‌تواند انتصاب، جابه‌جایی و تغییر شغل و محل خدمت مقامات قضایی دادرسی‌ها را به رییس قوه قضاییه پیشنهاد دهد.

نکته ۶۲۵: پیشنهاد انتصاب، جابه‌جایی و تغییر شغل و محل خدمت دادستان‌های عمومی سراسر کشور پس از کسب نظر موافق از رییس کل دادگستری استان ذی‌ربط با دادستان کل کشور است.

نکته ۶۲۶: پیشنهاد انتصاب، جابه‌جایی و تغییر شغل و محل خدمت دادستان‌های نظامی پس از کسب نظر موافق از رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح با دادستان کل کشور است.

نکته ۶۲۷: دادستان کل کشور مکلف است در جرائم راجع به اموال، منافع و مصالح ملی و خسارت وارده به حقوق عمومی که نیاز به طرح دعوی دارد از طریق مراجع ذی‌صلاح داخلی، خارجی و یا بین‌المللی پیگیری و نظارت نماید.

نکته ۶۲۸: در مواردی که مطابق قانون، تعقیب و رسیدگی به تخلفات مقامات و مسؤولان کشوری به‌عهده دیوان عالی کشور است، اقدامات مقدماتی و انجام تحقیقات لازم توسط دادرسی دیوان عالی کشور صورت می‌گیرد.

نکته ۶۲۹: کلیه مراجع قضایی مکلفند در موارد قانونی پس از اتخاذ تصمیم بر ممنوعیت خروج اشخاص از کشور، مراتب را به دادستانی کل کشور ارسال دارند تا از آن طریق به مراجع ذی‌ربط اعلام گردد.

نکته ۶۳۰: دادستان کل کشور در موارد انقضای مدت قانونی ممنوعیت خروج از کشور اشخاص و عدم تمدید آن توسط مراجع مربوط، نسبت به رفع ممنوعیت خروج اقدام می‌کند.

نکته ۶۳۱: هرگاه در موارد حقوق عامه و دعاوی راجع به دولت، امور خیریه و اوقاف عامه و امور محجورین و غایب مفقودالایر بی سرپرست حکم قطعی صادر شود و دادستان کل کشور حکم مذکور را خلاف بین موازین شرعی و یا قانونی تشخیص دهد به‌طور مستدل از دیوان عالی کشور درخواست نقض حکم را می‌نماید. دیوان عالی کشور در صورت پذیرش تقاضا، رأی صادره را نقض و پرونده را جهت رسیدگی مجدد به شعبه هم‌عرض دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارجاع می‌نماید.

نکته ۶۳۲: دادگاه‌های کیفری به دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های نظامی تقسیم می‌شوند.

نکته ۶۳۳: دادگاه کیفری دو با حضور رییس یا دادرس علی‌البدل در حوزه قضایی هر شهرستان تشکیل می‌شود.

نکته ۶۳۴: دادگاه کیفری یک با حضور رییس و دو مستشار و در غیاب رییس با حضور دو مستشار تشکیل می‌شود. در این وضعیت ریاست دادگاه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضایی بیشتری دارد.

نکته ۶۳۵: دادگاه کیفری یک در مرکز استان و به تشخیص رییس قوه قضاییه در حوزه قضایی شهرستان‌ها تشکیل می‌شود.

نکته ۶۳۶: در حوزه‌هایی که دادگاه کیفری یک تشکیل نشده است، به جرائم موضوع صلاحیت این دادگاه در نزدیک‌ترین دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی آن استان رسیدگی می‌شود.

نکته ۶۳۷: دادرسی علی‌البدل حسب مورد می‌تواند به جای رییس یا مستشار انجام وظیفه کند. همچنین با انتخاب رییس کل دادگستری استان، عضویت مستشاران دادگاه‌های تجدیدنظر در دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند بلامانع است.

نکته ۶۳۸: دادگاه‌های کیفری استان و عمومی جزایی موجود به ترتیب به دادگاه‌های کیفری یک و دو تبدیل می‌شوند.

نکته ۶۳۹: جرایمی که تا تاریخ لازم‌الاجرا شدن ق.آ.د.ک جدید در دادگاه ثبت شده است، از نظر صلاحیت رسیدگی تابع مقررات زمان ثبت است و سایر مقررات رسیدگی طبق این قانون در همان شعب مرتبط انجام می‌شود.

نکته ۶۴۰: دادگاه انقلاب برای رسیدگی به جرائم موجب مجازات مندرج در بندهای «الف»، «ب»، «پ و ت ماده (۳۰۲) این قانون با حضور رییس و دو مستشار تشکیل می‌شود.

نکته ۶۴۱: در غیر از موارد فوق، دادگاه انقلاب با حضور رییس یا دادرسی علی‌البدل یا توسط یک مستشار تشکیل می‌شود.

نکته ۶۴۲: مقررات دادرسی دادگاه کیفری یک به شرح مندرج در قانون در دادگاه انقلاب، در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند جاری است.

نکته ۶۴۳: دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و **یک مشاور** تشکیل می‌شود. نظر مشاور، **مشورتی** است.

نکته ۶۴۴: در هر حوزه قضایی شهرستان یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان برحسب نیاز تشکیل می‌شود. تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه جرائم اطفال و نوجوانان به جز جرائم در صلاحیت دادگاه انقلاب و کیفری یک در دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد، رسیدگی می‌شود.

نکته ۶۴۵: در صورت ضرورت به تشخیص رییس قوه قضاییه در حوزه بخش، دادگاه عمومی بخش تشکیل می‌شود. این دادگاه به تمامی جرائم در صلاحیت **دادگاه کیفری دو** رسیدگی می‌کند.

نکته ۶۴۶: به تشخیص رییس قوه قضاییه، تشکیل دادگاه عمومی بخش در شهرستان‌های جدید که به لحاظ قَلَّت میزان دعاوی حقوقی و کیفری، ضرورتی به تشکیل دادگستری نباشد بلامانع است.

نکته ۶۴۷: به تشخیص رییس قوه قضاییه، در حوزه قضایی بخش‌هایی که به لحاظ کثرت میزان دعاوی حقوقی و کیفری، ضرورت ایجاد می‌کند، تشکیل دادگستری با همان صلاحیت و تشکیلات دادگستری شهرستان بلامانع است.

نکته ۶۴۸: در تمامی جلسات دادگاه‌های کیفری دو، دادستان یا معاون او یا یکی از دادیاران به تعیین دادستان می‌توانند برای دفاع از کیفرخواست حضور یابند، مگر این که دادگاه حضور این اشخاص را **ضروری** تشخیص دهد که در این مورد در تمامی جلسات دادگاه کیفری یک، حضور دادستان یا نماینده او **الزامی** است، لکن عدم حضور این اشخاص موجب توقف رسیدگی نمی‌شود مگر آن که دادگاه حضور آنان را الزامی بداند.

نکته ۶۴۹: **دادگاه کیفری دو** صلاحیت رسیدگی به **تمام** جرائم را دارد، مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد.

نکته ۶۵۰: به جرائم زیر در **دادگاه کیفری یک** رسیدگی می‌شود:

الف- جرائم موجب مجازات سلب حیات؛

ب- جرائم موجب حبس ابد؛

پ- جرائم موجب مجازات قطع عضو و جنایات **عمدی** علیه تمامیت جسمانی با میزان **نصف** دیه کامل یا بیش از آن؛

ت- جرائم موجب مجازات تعزیری درجه **سه** و بالاتر؛

ث- جرائم سیاسی و مطبوعاتی.

نکته ۶۵۱: به جرائم زیر در دادگاه انقلاب رسیدگی می‌شود:

الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، محاربه و افساد فی‌الارض، بغی، تباہی و اجتماع علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه یا احراق، تخریب و اتلاف اموال به منظور مقابله با نظام؛

ب- توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری؛

پ- تمام جرائم مربوط به مواد مخدر، روان‌گردان و پیش‌سازهای آن و قاچاق اسلحه، مهمات و اقلام و مواد تحت کنترل.

ت- سایر مواردی که به موجب قوانین خاص در صلاحیت این دادگاه است.

نکته ۶۵۲: به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. در هر صورت محکومان بالای سن هجده سال تمام موضوع این ماده، در بخش نگهداری جوانان که در کانون اصلاح و تربیت ایجاد می‌شود، نگهداری می‌شوند.

نکته ۶۵۳: طفل، کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است.

نکته ۶۵۴: هرگاه در حین رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز نماید، رسیدگی به اتهام وی مطابق قانون در دادگاه اطفال و نوجوانان ادامه می‌یابد.

نکته ۶۵۵: چنانچه قبل از شروع به رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز کند، رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می‌گیرد. در این صورت متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد.

نکته ۶۵۶: به جرایم سیاسی و مطبوعاتی به طور علنی در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم با حضور هیأت

منصفه رسیدگی می‌شود مگر در مواردی که در قانون رسیدگی به شکل غیر علنی صورت می‌گیرد.

نکته ۶۵۷: احکام و ترتیبات هیأت منصفه، مطابق قانون مطبوعات و آیین‌نامه اجرائی آن است.

نکته ۶۵۸: به جرائم زنا و لواط و سایر جرایم منافی عفت بطور مستقیم، در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود.

نکته ۶۵۹: رسیدگی به اتهامات رؤسای قوای سه‌گانه و معاونان و مشاوران آنان، رییس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خیرگان رهبری، وزیران و معاونان وزیران، دارندگان پایه قضایی، رییس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران مراکز استان و جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محل‌های سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری تهران است، مگر آنکه رسیدگی به این جرایم به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.

نکته ۶۶۰: شمول نکته قبل بر دارندگان پایه قضایی و افسران نظامی و انتظامی در صورتی است که حسب مورد، در قوه قضاییه یا نیروهای مسلح انجام وظیفه کنند.

نکته ۶۶۱: رسیدگی به اتهامات افسران نظامی و انتظامی موضوع دو نکته قبل که در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح می‌باشد، حسب مورد در صلاحیت دادگاه نظامی یک یا دو تهران است.

نکته ۶۶۲: رسیدگی به اتهامات مشاوران وزیران، بالاترین مقام سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسه‌های دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی، مدیران کل، فرمانداران، مدیران مؤسسه‌ها، سازمان‌ها، ادارات دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی استان‌ها و شهرستان‌ها، رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، شهرداران مراکز شهرستان‌ها و بخشداران، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری مرکز استان محل وقوع جرم است، مگر آنکه رسیدگی به این اتهامات به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.

نکته ۶۶۳: صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به جرائم اشخاص موضوع مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) ق.آ.د.ک اعم از آن است که در زمان تصدی سمت‌های مذکور یا قبل از آن مرتکب جرم شده باشند.

نکته ۶۶۴: متهم در دادگاهی محاکمه می‌شود که جرم در حوزه آن واقع شود.

نکته ۶۶۵: اگر شخصی مرتکب چند جرم در حوزه‌های قضایی مختلف گردد، رسیدگی در دادگاهی صورت می‌گیرد که مهم‌ترین جرم در حوزه آن واقع شده باشد.

نکته ۶۶۶: اگر شخصی مرتکب جرائم متعدد شده باشد، چنانچه جرائم ارتكابی از حیث مجازات مساوی باشد، دادگاهی که مرتکب در حوزه آن **دستگیر** شود، به همه آن‌ها رسیدگی می‌کند. در صورتی که متهم دستگیر نشده باشد، دادگاهی که ابتدا تعقیب در حوزه آن شروع شده است، صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد.

نکته ۶۶۷: شرکاء و معاونان جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام متهم اصلی را دارد، مگر اینکه در قوانین خاص ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

نکته ۶۶۸: هرگاه دو یا چند نفر متهم به مشارکت یا معاونت در ارتکاب جرم باشند و یکی از آنان جزء مقامات مذکور در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) ق.آ.د.ک باشد، به اتهام همه آنان، حسب مورد، در دادگاه‌های کیفری تهران و یا مراکز استان رسیدگی می‌شود و چنانچه افراد مذکور در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) در ارتکاب یک جرم مشارکت یا معاونت نمایند به اتهام افراد مذکور در ماده (۳۰۸) نیز حسب مورد در دادگاه‌های کیفری تهران رسیدگی می‌شود.

نکته ۶۶۹: هرگاه یک یا چند طفل یا نوجوان با مشارکت یا معاونت اشخاص بزرگسال مرتکب جرم شوند و یا در ارتکاب جرم با اشخاص بزرگسال معاونت نمایند، **فقط** به جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود.

نکته ۷۰۰: در جرایمی که **تحقق آن منوط به فعل دو یا چند نفر** است، در صورتی که رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان باشد، رسیدگی به اتهام کلیه متهمان در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید. در این صورت اصول حاکم بر رسیدگی به جرائم اشخاص بالاتر از هجده سال تابع قواعد عمومی است.

نکته ۷۰۱: به اتهامات متعدد متهم باید با رعایت صلاحیت ذاتی، توأمان و یکجا در دادگاهی رسیدگی شود که صلاحیت رسیدگی به جرم مهم‌تر را دارد.

نکته ۷۰۲: هرکس متهم به ارتکاب جرایم متعدد باشد که رسیدگی به بعضی از آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و دو و بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه انقلاب یا نظامی باشد، متهم ابتدا در دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به مهم‌ترین اتهام را دارد، محاکمه می‌شود و پس از آن برای رسیدگی به اتهام دیگر به دادگاه مربوط اعزام می‌شود. در صورتی که اتهامات از حیث مجازات مساوی باشد، متهم حسب مورد، به ترتیب در دادگاه انقلاب، نظامی، کیفری یک یا کیفری دو محاکمه می‌شود.

نکته ۷۰۳: هرگاه شخصی متهم به ارتکاب جرائم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و رسیدگی به بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه کیفری دو و یا اطفال و نوجوانان است، به تمام جرائم او در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود.

نکته ۷۰۴: چنانچه جرمی به اعتبار یکی از بندهای ماده (۳۰۲) ق.آ.د.ک در دادگاه کیفری یک مطرح گردد و دادگاه پس از رسیدگی و تحقیقات کافی و ختم دادرسی تشخیص دهد عمل ارتكابی عنوان مجرمانه دیگری دارد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری دو است، **دادگاه کیفری یک** به این جرم رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌نماید.

نکته ۷۰۵: در صورتی که اطفال و نوجوانان مرتکب یکی از جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب شوند، به جرائم آنان در **دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان** رسیدگی می‌شود و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد.

نکته ۷۰۶: در هر شهرستان به تعداد مورد نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه کیفری یک به عنوان «دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان» اختصاص می‌یابد. تخصصی بودن این شعب، مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آن‌ها نیست.

نکته ۷۰۷: حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر در قانون، برای رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم آنان **الزامی** است.

نکته ۷۰۸: به اتهامات اشخاصی که در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم می‌شوند و مطابق قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آن‌ها را دارند، چنانچه از اتباع ایران باشند، حسب مورد در دادگاه محل دستگیری و چنانچه از اتباع بیگانه باشند حسب مورد، در دادگاه تهران رسیدگی می‌شود.

نکته ۷۰۹: حل اختلاف در صلاحیت در امور کیفری، مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی است و حل اختلاف بین دادرها مطابق قواعد حل اختلاف دادگاه‌هایی است که دادسرا در معیت آن قرار دارد.

نکته ۷۱۰: ادله اثبات در امور کیفری شامل مواردی می‌شود که در قانون مجازات اسلامی مقرر گردیده است.

نکته ۷۱۱: ادله اثبات جرم عبارت از اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در موارد مقرر قانونی و علم قاضی است.

نکته ۷۱۲: احکام و شرایط قسامه که برای اثبات یا نفی قصاص و دیه معتبر است، مطابق مقررات مذکور در کتاب قصاص و دیات می‌باشد.

نکته ۷۱۳: در مواردی که دعوای کیفری با ادله شرعی از قبیل اقرار و شهادت که موضوعیت دارد، اثبات می‌شود، قاضی به استناد آن‌ها رأی صادر می‌کند مگر اینکه علم به خلاف آن داشته باشد.

نکته ۷۱۴: هر گاه ادله‌ای که موضوعیت دارد فاقد شرایط شرعی و قانونی لازم باشد، می‌تواند به عنوان اماره قضائی مورد استناد قرار گیرد مشروط بر اینکه همراه با قرائن و امارات دیگر، موجب علم قاضی شود.

نکته ۷۱۵: اگر پس از اجرای حکم، دلیل اثبات‌کننده جرم باطل گردد، مانند آنکه در دادگاه مشخص شود که مجرم، شخص دیگری بوده یا اینکه جرم رخ نداده است و متهم به علت اجرای حکم، دچار آسیب بدنی، جانی یا خسارت مالی شده باشد، کسانی که ایراد آسیب یا خسارت مذکور، مستند به آنان است، اعم از اداکننده سوگند، شاکی یا شاهد حسب مورد به قصاص یا پرداخت دیه یا تعزیر مقرر در قانون و جبران خسارت مالی محکوم می‌شوند.

نکته ۷۱۶: اقرار عبارت از اخبار شخص به ارتکاب جرم از جانب خود است.

نکته ۷۱۷: اظهارات وکیل علیه موکل و ولی و قیم علیه مولی علیه اقرار محسوب نمی‌شود.

نکته ۷۱۸: اقرار به ارتکاب جرم قابل توکیل نیست.

نکته ۷۱۹: اقرار باید با لفظ یا نوشتن باشد و در صورت تعذر، با فعل از قبیل اشاره نیز واقع می‌شود و در هر صورت باید روشن و بدون ابهام باشد.

نکته ۷۲۰: اقرار باید منجز باشد و اقرار معلق و مشروط معتبر نیست.

نکته ۷۲۱: اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده در حین اقرار، عاقل، بالغ، قاصد و مختار باشد.

نکته ۷۲۲: اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی اخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد نماید.

نکته ۷۲۳: اقرار شخص سفیه که حکم حجر او صادر شده است و شخص ورشکسته، نسبت به امور کیفری نافذ است، اما نسبت به ضمان مالی ناشی از جرم معتبر نیست.

نکته: هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم کند، اقرار وی معتبر است و نوبت به ادله دیگر نمی‌رسد، مگر اینکه با بررسی قاضی رسیدگی کننده قرائن و امارات برخلاف مفاد اقرار باشد که در این صورت دادگاه، تحقیق و بررسی لازم را انجام می‌دهد و قرائن و امارات مخالف اقرار را در رأی ذکر می‌کند.

نکته ۷۲۴: در کلیه جرائم، يك بار اقرار کافی است، مگر در جرائم زیر که نصاب آن به شرح زیر است:

الف- چهار بار در زنا، لواط، تفخیز و مساحقه

ب- دو بار در شرب خمر، قوادی، قذف و سرقت موجب حد

نکته ۷۲۵: برای اثبات جنبه غیر کیفری کلیه جرائم، يك بار اقرار کافی است.

نکته ۷۲۶: در مواردی که تعدد اقرار شرط است، اقرار می‌تواند در یک یا چند جلسه انجام شود.

نکته ۷۲۷: انکار بعد از اقرار موجب سقوط مجازات نیست به جز در اقرار به جرمی که مجازات آن **رجم** یا **حد قتل** است که در این صورت در هر مرحله، ولو در حین اجراء، مجازات مزبور ساقط و به جای آن در زنا و لواط **صد ضربه شلاق** و در غیر آن‌ها **حبس تعزیری درجه پنج** ثابت می‌گردد.

نکته ۷۲۸: شهادت عبارت از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوی به وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضائی است.

نکته ۷۲۹: شهادت شرعی آن است که شارع آن را معتبر و دارای حجیت دانسته است اعم از آن که مفید علم باشد یا نباشد.

نکته ۷۳۰: در صورتی که شاهد واجد شرایط شهادت شرعی نباشد، اظهارات او استماع می‌شود. تشخیص میزان تأثیر و ارزش این اظهارات در علم قاضی در حدود اماره قضائی با دادگاه است.

نکته ۷۳۱: شاهد شرعی در زمان ادای شهادت باید شرایط زیر را دارا باشد:

الف- بلوغ

ب- عقل

پ- ایمان

ت- عدالت

ث- طهارت مولد

ج- ذی نفع نبودن در موضوع

چ- نداشتن خصومت با طرفین یا یکی از آن‌ها

ح- عدم اشتغال به تکدی

خ- ولگرد نبودن

نکته ۷۳۲: شرایط موضوع نکته قبل باید توسط قاضی احراز شود.

نکته ۷۳۳: در مورد شرط خصومت، هرگاه شهادت شاهد به نفع طرف مورد خصومت باشد، پذیرفته می‌شود.

نکته ۷۳۴: شهادت مجنون ادواری **در حال افاقه** پذیرفته می‌شود مشروط بر آنکه **تحمل** شهادت نیز **در حال افاقه** بوده باشد.

نکته ۷۳۵: هرگاه شاهد در زمان تحمل شهادت، غیربالغ ممیز باشد، اما در زمان ادای شهادت به سن بلوغ برسد، شهادت او معتبر است.

نکته ۷۳۶: شهادت اشخاص غیرعادی، مانند **فراموشکار و ساهی** به عنوان شهادت شرعی معتبر نیست مگر آنکه قاضی به عدم فراموشی، سهو و امثال آن در مورد شهادت علم داشته باشد.

نکته ۷۳۷: عادل کسی است که در نظر قاضی یا شخصی که بر عدالت وی گواهی می‌دهد، اهل معصیت نباشد. شهادت شخصی که اشتها به فسق داشته باشد، مرتکب گناه کبیره شود یا بر گناه صغیره اصرار داشته باشد تا احراز تغییر در اعمال او و اطمینان از صلاحیت و عدالت وی، پذیرفته نمی‌شود.

نکته ۷۳۸: در شهادت شرعی، در صورت تعدد شهود، وحدت موضوع شهادت ضروری است و باید مفاد شهادت‌ها در خصوصیات مؤثر در اثبات جرم یکسان باشد. هرگاه اختلاف مفاد شهادت‌ها موجب تعارض شود و یا وحدت موضوع را مخدوش کند، شهادت شرعی محسوب نمی‌شود.

نکته ۷۳۹: شهادت باید از روی قطع و یقین به نحوی که مستند به امور حسی و از طریق متعارف باشد، اداء شود؛ و در هر صورت باید روشن و بدون ابهام باشد.

نکته ۷۴۰: در صورت وجود **تعارض** بین دو شهادت شرعی، هیچ یک معتبر نیست.

نکته ۷۴۱: چنانچه حضور شاهد متعذر باشد، گواهی به صورت مکتوب، صوتی- تصویری زنده و یا ضبط‌شده، با احراز شرایط و صحت انتساب، معتبر است.

نکته ۷۴۲: در شهادت شرعی نباید علم به خلاف مفاد شهادت وجود داشته باشد. هرگاه قرائن و امارات بر خلاف مفاد شهادت شرعی باشد، دادگاه، تحقیق و بررسی لازم را انجام می‌دهد و در صورتی که به خلاف واقع بودن شهادت، علم حاصل کند، شهادت معتبر نیست.

نکته ۷۴۳: شهادت بر شهادت شرعی در صورتی معتبر است که شاهد اصلی فوت نموده و یا به علت غیبت، بیماری و امثال آن، حضور وی متعذر باشد.

نکته ۷۴۴: شاهد بر شهادت شاهد اصلی باید واجد شرایط مقرر برای شاهد اصلی باشد.

نکته ۷۴۵: شهادت بر شهادت شاهد فرع، معتبر نیست.

نکته ۷۴۶: جرائم موجب حد و تعزیر با شهادت بر شهادت اثبات نمی‌شود لکن قصاص، دیه و ضمان مالی با آن قابل اثبات است.

نکته ۷۴۷: در صورتی که شاهد اصلی، پس از اقامه شهادت به وسیله شهود فرع و پیش از صدور رأی، منکر شهادت شود، گواهی شهود فرع از اعتبار ساقط می‌شود اما بر انکار پس از صدور حکم، اثری مترتب نیست.

نکته ۷۴۸: شاهد شرعی قابل جرح و تعدیل است. جرح شاهد عبارت از شهادت بر فقدان یکی از شرایطی که قانون برای شاهد شرعی مقرر کرده است و تعدیل شاهد عبارت از شهادت بر وجود شرایط مذکور برای شاهد شرعی است.

نکته ۷۴۹: قاضی مکلف است حق جرح و تعدیل شهود را به طرفین اعلام کند.

نکته ۷۵۰: جرح شاهد شرعی باید پیش از ادای شهادت به عمل آید مگر آنکه موجبات جرح پس از شهادت معلوم شود. در این صورت، جرح تا پیش از صدور حکم به عمل می‌آید و در هر حال دادگاه مکلف است به موضوع جرح، رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند.

نکته ۷۵۱: در صورت رد شاهد شرعی از سوی قاضی یا جرح وی، مدعی صلاحیت شاهد می‌تواند برای اثبات آن دلیل اقامه کند.

نکته ۷۵۲: در اثبات جرح یا تعدیل شاهد، ذکر اسباب آن لازم نیست و گواهی مطلق به تعدیل یا جرح، کفایت می‌کند مشروط بر آنکه شاهد دارای شرایط شرعی باشد.

نکته ۷۵۳: در اثبات یا نفی عدالت، علم شاهد به عدالت یا فقدان آن لازم است و حسن ظاهر به تنهایی برای احراز عدالت کافی نیست.

نکته ۷۵۴: هرگاه گواهی شهود معرفی شده در اثبات جرح یا تعدیل شاهد با یکدیگر معارض باشد از اعتبار ساقط است.

نکته ۷۵۵: هرگاه دادگاه، شهود معرفی شده را واجد شرایط قانونی تشخیص دهد، شهادت را می‌پذیرد و در غیر این صورت، شهادت را شهادت شرعی محسوب نمی‌کند و اگر از وضعیت آن‌ها اطلاع نداشته باشد تا زمان احراز شرایط و کشف وضعیت که نباید بیش از ده روز طول بکشد، رسیدگی را متوقف و پس از آن، حسب مورد، اتخاذ تصمیم می‌کند مگر اینکه به نظر قاضی احراز شرایط در مدت ده روز ممکن نباشد.

نکته ۷۵۶: رجوع از شهادت شرعی، قبل از اجرای مجازات موجب سلب اعتبار شهادت می‌شود و اعاده شهادت پس از رجوع از آن، مسموع نیست.

نکته ۷۵۷: نصاب شهادت در کلیه جرائم، دو شاهد مرد است مگر در زنا، لواط، تفخیز و مساحقه که با چهار شاهد مرد اثبات می‌گردد. برای اثبات زناى موجب حد جلد، تراشیدن و یا تبعید، شهادت دو مرد و چهار زن عادل نیز کافی است. زمانی که مجازات غیر از موارد مذکور است، حداقل شهادت سه مرد و دو زن عادل لازم است. در این مورد هرگاه دو مرد و چهار زن عادل به آن شهادت دهند تنها حد شلاق، ثابت می‌شود. جنایات موجب دیه با شهادت یک شاهد مرد و دو شاهد زن نیز قابل اثبات است.

نکته ۷۵۸: در خصوص شهادت بر زنا یا لواط، شاهد باید حضوری عملی را که زنا یا لواط با آن محقق می‌شود دیده باشد و هرگاه شهادت مستند به مشاهده نباشد و همچنین در صورتی که شهود به عدد لازم نرسند شهادت در خصوص زنا یا لواط، قذف محسوب می‌شود و موجب حد است.

نکته ۷۵۹: سوگند عبارت از گواه قراردادن خداوند بر درستی گفتار اداءکننده سوگند است.

نکته ۷۶۰: اداءکننده سوگند باید عاقل، بالغ، قاصد و مختار باشد.

- نکته ۷۶۱:** سوگند باید مطابق قرار دادگاه و با لفظ جلاله والله، بالله، تالله یا نام خداوند متعال به سایر زبانها اداء شود و در صورت نیاز به تغلیظ و قبول اداءکننده سوگند، دادگاه کیفیت ادای آن را از حیث زمان، مکان، الفاظ و مانند آنها تعیین می کند. در هر صورت، بین مسلمان و غیرمسلمان در ادای سوگند به نام خداوند متعال تفاوتی وجود ندارد.
- نکته ۷۶۲:** سوگند باید مطابق با ادعا، صریح در مقصود و بدون هرگونه ابهام باشد و از روی قطع و یقین اداء شود.
- نکته ۷۶۳:** سوگند باید با لفظ باشد و در صورت تعذر، با نوشتن یا اشاره ای که روشن در مقصود باشد، اداء شود.
- نکته ۷۶۴:** در مواردی که اشاره، مفهوم نباشد یا قاضی به زبان شخصی که سوگند یاد می کند، آشنا نباشد و یا اداءکننده سوگند قادر به تکلم نباشد، دادگاه به وسیله مترجم یا متخصص امر، مراد وی را کشف می کند.
- نکته ۷۶۵:** سوگند فقط نسبت به طرفین دعوی و قائم مقام آنها مؤثر است.
- نکته ۷۶۶:** حدود و تعزیرات با سوگند نفی یا اثبات نمی شود لکن قصاص، دیه، ارش و ضرر و زیان ناشی از جرائم، مطابق مقررات قانون با سوگند اثبات می گردد.
- نکته ۷۶۷:** هرگاه در دعاوی مالی مانند دیه جنایات و همچنین دعاوی ای که مقصود از آن مال است مانند جنایت خطائی و شبه عمدی موجب دیه، برای مدعی خصوصی امکان اقامه بینه شرعی نباشد، وی می تواند با معرفی یک شاهد مرد یا دو شاهد زن به ضمیمه یک سوگند، ادعای خود را فقط از جنبه مالی اثبات کند.
- نکته ۷۶۸:** در موارد مذکور در فوق، ابتداء شاهد واجد شرایط شهادت می دهد و سپس سوگند توسط مدعی اداء می شود.
- نکته ۷۶۹:** هرگاه ثابت شود سوگند، دروغ و یا اداءکننده سوگند فاقد شرایط قانونی بوده است، به سوگند مزبور ترتیب اثر داده نمی شود.
- نکته ۷۷۰:** علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند.
- نکته ۷۷۱:** مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می تواند مستند علم قاضی قرار گیرد.
- نکته ۷۷۲:** مجرد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی شود، نمی تواند ملاک صدور حکم باشد.
- نکته ۷۷۳:** در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد اگر علم، بین باقی بماند، آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رأی صادر می کند. چنانچه برای قاضی علم حاصل نشود، ادله قانونی معتبر است و بر اساس آنها رأی صادر می شود.
- نکته ۷۷۴:** در تعارض سایر ادله با یکدیگر، اقرار بر شهادت شرعی، قسامه و سوگند مقدم است. همچنین شهادت شرعی بر قسامه و سوگند تقدم دارد.
- نکته ۷۷۵:** عین اظهارات مفید اقرار در صورتمجلس درج می شود و متن آن قرائت می شود، به امضاء یا اثر انگشت اقرارکننده می رسد و هرگاه اقرارکننده از امضاء یا اثر انگشت امتناع ورزد، تأثیری در اعتبار اقرار ندارد، مراتب امتناع یا عجز از امضاء یا اثر انگشت، باید در صورتمجلس قید شود و به امضاء و مهر قاضی و منشی برسد.
- نکته ۷۷۶:** شاهد یا مطلع برای حضور در دادگاه احضار می شود. چنانچه شاهد یا مطلع بدون عذر موجه در جلسه دادگاه حاضر نشود و کشف حقیقت و احقاق حق، متوقف بر شهادت شاهد یا کسب اطلاع از مطلع باشد و یا جرم با امنیت و نظم عمومی مرتبط باشد، به دستور دادگاه در صورت وجود ضرورت حضور، جلب می شود.
- نکته ۷۷۷:** در احضاریه شاهد یا مطلع باید موضوع شهادت یا کسب اطلاع و نتیجه عدم حضور ذکر شود.
- نکته ۷۷۸:** هرگاه به علت بیماری که برای مدت طولانی یا نامعلوم، غیر قابل رفع است، حضور شاهد و یا مطلع در جلسه دادگاه مقدور نباشد، رییس دادگاه یا یکی دیگر از قضات عضو شعبه، با حضور نزد شاهد و یا مطلع، اظهارات وی را استماع می کند.

نکته ۷۷۹: دادگاه پیش از شروع به تحقیق از شاهد، حرمت و مجازات شهادت دروغ را به او تفهیم می‌نماید و سپس نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، شماره شناسنامه و شماره ملی، میزان تحصیلات، مذهب، محل اقامت، شماره تلفن ثابت و همراه و سابقه محکومیت کیفری شاهد و درجه قرابت سببی یا نسبی و وجود یا عدم رابطه خادم و مخدومی او با طرفین را سؤال و در صورت مجلس قید می‌کند.

نکته ۷۸۰: رابطه خادم و مخدومی و قرابت نسبی یا سببی مانع از پذیرش شهادت شرعی نیست.

نکته ۷۸۱: در مواردی که احقاق حق متوقف بر شهادت باشد و شاهد از اتیان سوگند خودداری کند، بدون سوگند، شهادت وی استماع می‌شود و در مورد مطلع، اظهارات وی برای اطلاع بیشتر استماع می‌شود.

نکته ۷۸۲: دادگاه آن دسته از ویژگی‌های ظاهری جسمی و روانی شاهد را که ممکن است در ارزیابی شهادت مؤثر باشد، در صورت مجلس قید می‌کند.

نکته ۷۸۳: دادگاه پرسش‌هایی را که برای روشن شدن موضوع و رفع اختلاف یا ابهام لازم است، از شهود و مطلعان مطرح می‌کند.

نکته ۷۸۴: هنگامی که دادگاه، شهادت شاهد یک طرف دعوی را استماع نمود، به طرف دیگر اعلام می‌کند چنانچه پرسش‌هایی از شاهد دارد، می‌تواند مطرح کند.

نکته ۷۸۵: دادگاه می‌تواند از شهود به‌طور انفرادی تحقیق نماید و برای عدم ارتباط شهود با یکدیگر و یا با متهم اقدام لازم را انجام دهد و بعد از تحقیقات انفرادی برحسب درخواست متهم یا مدعی خصوصی یا با نظر خود مجدداً به صورت انفرادی یا جمعی از شهود تحقیق نماید.

نکته ۷۸۶: قطع کلام شهود در هنگام ادای شهادت ممنوع است. هر یک از اصحاب دعوی و دادستان می‌توانند سؤالات خود را با اذن دادگاه مطرح کنند.

نکته ۷۸۷: شهود نباید پس از ادای شهادت بدون اذن دادگاه متفرق شوند.

نکته ۷۸۸: وقت جلسه‌ای که برای استماع شهادت تعیین می‌شود، باید از قبل به اطلاع دادستان و طرفین یا وکلای آنان برسد. حضور این اشخاص در هنگام استماع شهادت ضروری نیست، ولی می‌توانند صورتجلسه ادای شهادت را ملاحظه کنند.

نکته ۷۸۹: تقاضای سوگند قابل توکیل است و وکیل در دعوی می‌تواند در صورتی که در وکالتنامه تصریح شده باشد، طرف را سوگند دهد، اما سوگند یادکردن قابل توکیل نیست و وکیل نمی‌تواند به جای موکل سوگند یاد کند.

نکته ۷۹۰: در مواردی که مطابق قانون فصل خصومت یا اثبات دعوی با سوگند محقق می‌شود، هر یک از اصحاب دعوی می‌تواند از حق سوگند خود استفاده کند. در حق الناس، سوگند متهم منوط به مطالبه صاحب حق است و دادگاه بدون مطالبه صاحب حق نمی‌تواند متهم را سوگند دهد.

نکته ۷۹۱: سوگند به درخواست اصحاب دعوی، مطابق قرار دادگاه و نزد قاضی به‌عمل می‌آید. در قرار دادگاه، موضوع سوگند و شخصی که باید سوگند یاد کند، تعیین می‌شود. صورتجلسه ادای سوگند به امضای قاضی و طرفین دعوی می‌رسد.

نکته ۷۹۲: هرگاه شخصی که باید سوگند یاد کند، به دلیل عذر موجه، نتواند در دادگاه حاضر شود، قاضی می‌تواند وقت دیگری برای سوگند معین کند یا خود نزد وی حاضر شود و در آن محل، سوگند را استماع کند و یا استماع آن را به قاضی دیگری نیابت دهد.

نکته ۷۹۳: دادگاه‌های کیفری در موارد زیر شروع به رسیدگی می‌کنند:

الف- کیفرخواست دادستان؛

ب- قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه؛

پ- ادعای شفاهی دادستان در دادگاه.

نکته ۷۹۴: در دادگاه بخش، رییس یا دادرس علی‌البدل در جرائم موضوع صلاحیت این دادگاه رأساً رسیدگی و رأی صادر می‌کند. در این دادگاه وظیفه دادستان از حیث تجدیدنظرخواهی از آراء بر عهده رییس دادگاه است و در مورد آرائی که توسط وی صادر می‌شود بر عهده دادرس علی‌البدل است.

نکته ۷۹۵: در جرائم موضوع ماده (۳۰۲) ق.آ.د.ک، رییس دادگاه بخش به جانشینی از بازپرس و تحت نظارت و تعلیمات دادستان شهرستان مربوط، انجام وظیفه می‌نماید. در صورت تعدد شعب با ارجاع رییس حوزه قضایی، رؤسای شعب عهده‌دار این وظیفه هستند. هرگاه دادگاه بخش فاقد رییس باشد، دادرس علی‌البدل به‌عنوان جانشین بازپرس اقدام می‌کند و در هر حال، صدور کیفرخواست بر عهده دادستان است.

نکته ۷۹۶: در حوزه‌هایی که شعب متعدد دادگاه تشکیل می‌شود، ارجاع پرونده با رییس حوزه قضایی است. رییس حوزه قضایی می‌تواند این وظیفه را به یکی از معاونان خود تفویض کند و در صورت عدم حضور آنان، ارجاع با رییس شعبه‌ای است که دارای سابقه قضایی بیشتر است.

نکته ۷۹۷: پس از ارجاع پرونده نمی‌توان آن را از شعبه مرجوع‌آلیه، اخذ و به شعبه دیگر مگر به تجویز قانون ارجاع داد.

نکته ۷۹۸: رعایت مفاد نکته قبل در مورد شعب بازپرسی، دادگاه تجدیدنظر استان و شعب دیوان عالی کشور نیز الزامی است.

نکته ۷۹۹: تخلف از مقررات دو نکته قبل، موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

نکته ۸۰۰: جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود.

نکته ۸۰۱: در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، دادگاه پس از انجام تحقیقات به ترتیب زیر اقدام می‌کند:

الف- چنانچه دادگاه خود را صالح به رسیدگی نداند، قرار عدم صلاحیت صادر می‌کند و اگر مورد را از موارد منع یا موقوفی تعقیب بداند، حسب مورد، اتخاذ تصمیم می‌کند.

ب- در غیر موارد مذکور در بند (الف)، چنانچه اصحاب دعوی حاضر باشند و درخواست مهلت نکنند، دادگاه با تشکیل جلسه رسمی، مبادرت به رسیدگی می‌کند. در صورتی که اصحاب دعوی حاضر نباشند یا برای تدارک دفاعیات قدیم دادخواست ضرر و زیان، درخواست مهلت کنند، دادگاه با اخذ تأمین متناسب از متهم، وقت رسیدگی را تعیین و مراتب را به اصحاب دعوی و سایر اشخاصی که باید در دادگاه حاضر شوند، ابلاغ می‌کند.

نکته ۸۰۲: هرگاه پرونده با کیفرخواست به دادگاه ارجاع شود، دادگاه مکلف است بدون تعیین وقت رسیدگی حداکثر ظرف یک‌ماه، پرونده را بررسی و چنانچه خود را صالح به رسیدگی نداند یا مورد را از موارد منع یا موقوفی تعقیب تشخیص دهد، حسب مورد، اتخاذ تصمیم کند.

نکته ۸۰۳: در صورتی که دادگاه تحقیقات را ناقص بداند یا موارد جدیدی پس از پایان تحقیقات کشف شود که مستلزم انجام تحقیق باشد، دادگاه با ذکر دقیق موارد، تکمیل تحقیقات را از دادرسی مربوط درخواست یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات می‌کند.

نکته ۸۰۴: در غیر موارد مذکور در دو نکته قبل، دادگاه با تعیین وقت رسیدگی و ابلاغ آن به شاکی یا مدعی خصوصی، متهم، وکیل یا وکلای آنان، دادستان و سایر اشخاصی که باید در دادگاه حاضر شوند، آنان را برای شرکت در جلسه رسیدگی احضار می‌کند.

نکته ۸۰۵: تصویر کیفرخواست برای متهم فرستاده می‌شود.

نکته ۸۰۶: فاصله بین ابلاغ احضاریه تا جلسه رسیدگی نباید کمتر از یک هفته باشد. هر گاه متهم عذر موجهی داشته باشد، جلسه رسیدگی به وقت مناسبی موکول می‌شود.

نکته ۸۰۷: هرگاه ابلاغ احضاریه به علت معلوم نبودن محل اقامت متهم ممکن نباشد و به طریق دیگر نیز ابلاغ احضاریه مقدور نشود، وقت رسیدگی تعیین و مفاد احضاریه یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار ملی یا محلی آگهی می‌شود. تاریخ انتشار آگهی تا روز رسیدگی نباید کمتر از یک‌ماه باشد. چنانچه نوع اتهام با حیثیت اجتماعی متهم یا عفت عمومی منافی باشد در آگهی قید نمی‌شود.

نکته ۸۰۸: هرگاه متهم بدون عذر موجه حاضر نشود و دادگاه حضور وی را لازم بداند، علت ضرورت حضور در احضاریه ذکر می‌گردد و با قید اینکه نتیجه عدم حضور جلب است، احضار می‌شود. هر گاه متهم بدون عذر موجه حاضر نشود و دادگاه همچنان حضور وی را ضروری بداند، برای روز و ساعت معین جلب می‌شود. چنانچه حضور متهم در دادگاه لازم نباشد و موضوع، جنبه حق الهی نداشته باشد، بدون حضور وی رسیدگی و رأی مقتضی صادر می‌شود.

نکته ۸۰۹: در تمام امور کیفری، طرفین می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را معرفی کنند. در صورت تعدد وکیل، حضور یکی از آنان برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است.

نکته ۸۱۰: در غیر جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک، هر یک از طرفین می‌توانند حداکثر دو وکیل به دادگاه معرفی کنند.
نکته ۸۱۱: متهم می‌تواند تا پایان اولین جلسه رسیدگی از دادگاه تقاضا کند وکیل برای او تعیین شود. دادگاه در صورت احراز عدم تمکن متقاضی، از بین وکلای حوزه قضایی و در صورت عدم امکان از نزدیک‌ترین حوزه قضایی، برای متهم، وکیل تعیین می‌نماید. در صورتی که وکیل درخواست حق الوکاله کند، دادگاه حق الوکاله او را متناسب با اقدامات انجام‌شده، تعیین می‌کند که در هر حال میزان حق الوکاله نباید از تعرفه قانونی تجاوز کند. حق الوکاله از محل اعتبارات قوه قضاییه پرداخت می‌شود.
نکته ۸۱۲: هرگاه دادگاه حضور و دفاع وکیل را برای شخص بزه‌دیده فاقد تمکن مالی ضروری بداند، طبق مفاد نکته قبل اقدام می‌کند.

نکته ۸۱۳: در جرائم موضوع **بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) ق.آ.د.ک**، جلسه رسیدگی بدون حضور وکیل متهم تشکیل نمی‌شود. چنانچه متهم، خود وکیل معرفی نکند یا وکیل او بدون اعلام عذر موجه در دادگاه حاضر نشود، تعیین وکیل تسخیری الزامی است و چنانچه وکیل تسخیری بدون اعلام عذر موجه در جلسه رسیدگی حاضر نشود، دادگاه ضمن عزل او، وکیل تسخیری دیگری تعیین می‌کند.

نکته ۸۱۴: حق الوکاله وکیل تسخیری از محل اعتبارات قوه قضاییه پرداخت می‌شود.
نکته ۸۱۵: هرگاه وکیل بدون عذر موجه از حضور در دادرسی امتناع کند، دادگاه مراتب را به مرجع صالح به منظور تعقیب وکیل متخلف اعلام می‌دارد.

نکته ۸۱۶: هرگاه پس از تعیین وکیل تسخیری، متهم، وکیل تعیینی به دادگاه معرفی کند، وکالت تسخیری منتفی می‌شود.
نکته ۸۱۷: تقاضای تغییر وکیل تسخیری از سوی متهم فقط برای یک‌بار قابل پذیرش است.
نکته ۸۱۸: وجود یکی از جهات رد دادرسی بین وکیل تسخیری با طرف مقابل، شرکاء و معاونان جرم یا وکلای آنان موجب ممنوعیت از انجام وکالت در آن پرونده است.

نکته ۸۱۹: در صورتی که متهم دارای وکیل باشد، جز در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) ق.آ.د.ک و نیز در مواردی که دادگاه حضور متهم را لازم تشخیص دهد، عدم حضور متهم در جلسه دادگاه مانع از رسیدگی نیست.
نکته ۸۲۰: شاکی یا مدعی خصوصی و متهم یا وکلای آنان می‌توانند با مراجعه به دادگاه و مطالعه پرونده، اطلاعات لازم را تحصیل نمایند و با اطلاع رییس دادگاه به هزینه خود از اوراق موردنیاز، تصویر تهیه کنند.

نکته ۸۲۱: دادن تصویر از اسناد طبقه‌بندی‌شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم منافی عفت و جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی ممنوع است.

نکته ۸۲۲: محاکمات دادگاه علنی است، مگر در جرائم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند. همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیرعلنی بودن محاکمه را در موارد زیر صادر می‌کند:
الف- امور خانوادگی و جرایمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است.
ب- علنی بودن، مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد.

نکته ۸۲۳: منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است.
نکته ۸۲۴: انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد، در رسانه‌ها مجاز است. بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم‌علیه فقط در موارد مقرر در قانون امکان‌پذیر است.

نکته ۸۲۵: تخلف از مفاد نکته قبل در حکم افتراء است.
نکته ۸۲۶: هرگونه عکسبرداری یا تصویربرداری یا ضبط صدا از جلسه دادگاه **ممنوع** است؛ اما رییس دادگاه می‌تواند دستور دهد تمام یا بخشی از محاکمات تحت نظارت او به صورت صوتی یا تصویری ضبط شود.

نکته ۸۲۷: انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمات علنی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم است، در صورتی که به عللی از قبیل خدشه‌دار شدن وجدان جمعی و یا حفظ نظم عمومی جامعه، ضرورت یابد، به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رییس قوه قضاییه امکان‌پذیر است.

نکته ۸۲۸: اخلال در نظم دادگاه از طرف متهم یا سایر اشخاص، موجب غیرعلنی شدن محاکمه نمی‌شود، بلکه باید به‌گونه مقتضی نظم برقرار شود. رییس دادگاه می‌تواند دستور اخراج کسانی را که باعث اخلال در نظم دادگاه می‌شوند، صادر کند، مگر این که اخلال‌کننده از اصحاب دعوی باشد که در این صورت رییس دادگاه دستور حبس او را از یک تا پنج روز صادر می‌کند. این دستور پس از جلسه رسیدگی، فوری اجرا می‌شود.

نکته ۸۲۹: اگر اخلال‌کننده از وکلای اصحاب دعوی باشد، دادگاه به وی در خصوص رعایت نظم دادگاه تذکر می‌دهد و در صورت عدم تأثیر، وی را اخراج و به دادرسی انتظامی وکلا معرفی می‌کند.

نکته ۸۳۰: چنانچه اعمال ارتكابی مذکور در دو نکته قبل، واجد وصف کیفری باشد، اجرای مفاد نکات مذکور، مانع از اعمال مجازات قانونی نیست.

نکته ۸۳۱: دادگاه پیش از شروع به رسیدگی، مفاد ۳ نکته قبل را به اشخاصی که در جلسه دادگاه حضور دارند، تذکر می‌دهد.

نکته ۸۳۲: حضور افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی به‌عنوان تماشاگر در محاکمات کیفری جز به تشخیص دادگاه ممنوع است.

نکته ۸۳۳: در صورتی که متهم بازداشت باشد آزادانه و تحت مراقبت لازم در جلسه دادگاه حضور می‌یابد.

نکته ۸۳۴: در همه دادگاه‌هایی که با تعدد قضات تشکیل می‌شوند، در صورت غیبت یا معذور بودن رییس دادگاه، عضو ارشد دادگاه از حیث سابقه خدمت قضایی و در صورت یکسان بودن سابقه خدمت قضایی، عضوی که سن او بیشتر است، وظیفه رییس دادگاه را بر عهده می‌گیرد.

نکته ۸۳۵: رسیدگی در دادگاه به‌صورت توافقی و به ترتیب زیر انجام می‌شود:

الف- قرائت کیفرخواست توسط منشی دادگاه یا استماع عقیده دادستان یا نماینده وی در مواردی که طبق قانون، پرونده با بیان ادعای شفاهی در دادگاه مطرح شده است.

ب- استماع اظهارات و دلایل دادستان یا نماینده وی که برای اثبات اتهام انتسابی ارائه می‌شود.

پ- استماع اظهارات شاکی یا مدعی خصوصی که شخصاً یا از سوی وکلای آنان بیان می‌شود.

ت- پرسش از متهم راجع به قبول یا رد اتهام انتسابی و استماع دفاعیات متهم و وکیل او که عیناً توسط منشی در صورت‌مجلس قید می‌شود.

ث- در صورت انکار یا سکوت متهم یا وجود تردید در صحت اقرار، دادگاه شروع به تحقیقات از متهم می‌کند و اظهارات شهود، کارشناس و اهل‌خبره‌ای که دادستان یا شاکی، مدعی خصوصی، متهم و یا وکیل آنان معرفی می‌کنند، استماع می‌نماید.

ج- بررسی وسایل ارتکاب جرم و رسیدگی به سایر ادله ابرازی از سوی طرفین و انجام هر نوع تحقیق و اقدامی که دادگاه برای کشف واقع، ضروری تشخیص می‌دهد.

نکته ۸۳۶: هرگاه متهم به‌طور صریح اقرار به ارتکاب جرم کند، به‌طوری که هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای در اقرار و نیز تردیدی در صحت و اختیاری بودن آن نباشد، دادگاه به استناد اقرار، رأی صادر می‌کند.

نکته ۸۳۷: دادگاه باید خلاصه اظهارات دادستان یا نماینده وی و عین اظهارات طرفین، شهود، کارشناس و اهل‌خبره را در صورت‌مجلس درج کند.

نکته ۸۳۸: دادگاه علاوه بر رسیدگی به ادله مندرج در کیفرخواست یا ادله مورد استناد طرفین، هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم است را با قید جهت ضرورت آن انجام می‌دهد.

نکته ۸۳۹: هرگاه در حین رسیدگی، جرم دیگری کشف شود که بدون شکایت شاکی قابل تعقیب باشد، دادگاه بدون ایجاد وقفه در جریان رسیدگی، حسب مورد، موضوع را به دادستان یا رییس حوزه قضایی مربوط اعلام می‌کند.

نکته ۸۴۰: در پرونده‌ای که دارای متهم اصلی، شریک و معاون است و همه در دادگاه حاضرند، تحقیقات از متهم اصلی شروع می‌شود.

نکته ۸۴۱: هرگاه در پرونده‌ای، متهمان متعدد باشند و یا متهم اصلی، شریک و معاون داشته باشد، حتی اگر به یک یا چند نفر از آنان دسترسی نباشد، دادگاه مکلف به رسیدگی و صدور رأی است، مگر این که رسیدگی غیابی جایز نباشد و یا نسبت به برخی از متهمان به هر دلیل نتوان رأی صادر کرد. در این صورت، دادگاه پرونده را نسبت به این متهمان مفتوح نگه می‌دارد.

نکته ۸۴۲: هرگاه رسیدگی به اتهامات متعدد متهم موجب طولانی شدن جریان دادرسی شود، دادگاه در مورد اتهاماتی که تحقیقات آن‌ها کامل است مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

نکته ۸۴۳: دادگاه برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم و شاهدی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و در صورت عدم دسترسی به او، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانت‌داری را رعایت کند. عدم اتیان سوگند سبب عدم پذیرش ترجمه مترجم مورد وثوق نیست.

نکته ۸۴۴: دادگاه برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم و شاهدی که ناشنوا است یا قدرت تکلم ندارد، فرد مورد وثوقی که توانایی بیان مقصود او را از طریق اشاره یا وسایل فنی دیگر دارد، به‌عنوان مترجم انتخاب می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانت‌داری را رعایت کند. چنانچه افراد مذکور قادر به نوشتن باشند، منشی دادگاه سؤال را برای آنان می‌نویسد تا به‌طور کتبی پاسخ دهند.

نکته ۸۴۵: پس از شروع محاکمه توسط دادگاه، محاکمه تا صدور حکم استمرار دارد و چنانچه محاکمه به طول انجامد، به‌قدر لزوم تنفس داده می‌شود.

نکته ۸۴۶: چنانچه دادگاه در جریان رسیدگی، احتمال دهد متهم حین ارتکاب جرم مجنون بوده است، تحقیقات لازم را از نزدیکان او و سایر مطلعان به عمل می‌آورد، نظریه پزشکی قانونی را تحصیل می‌کند و با احراز جنون، نسبت به اصل اتهام به صدور قرار موقوفی تعقیب مبادرت می‌کند و با رعایت اقدامات تأمینی برای متهم تصمیم می‌گیرد.

نکته ۸۴۷: قبل از ختم دادرسی، چنانچه شاکی یا مدعی خصوصی راجع به موضوع شکایت، مطلب جدیدی داشته باشد، استماع می‌شود و دادستان یا نماینده وی نیز می‌تواند عقیده خود را اظهار کند. دادگاه مکلف است پیش از اعلام ختم دادرسی، به متهم یا وکیل او اجازه دهد که آخرین دفاع خود را بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع مطلبی اظهار کند که در کشف حقیقت مؤثر باشد، دادگاه مکلف به رسیدگی است.

نکته ۸۴۸: قاضی دادگاه نباید پیش از اتمام رسیدگی و اعلام رأی، در خصوص برائت یا مجرمیت متهم اظهار عقیده کند.

نکته ۸۴۹: دادگاه پس از اعلام ختم رسیدگی، نمی‌تواند لوایح، اسناد و مدارک جدید را دریافت کند.

نکته ۸۵۰: دادگاه پس از اعلام ختم دادرسی با استعانت از خداوند متعال، با تکیه بر شرف و وجدان و با توجه به محتویات پرونده و ادله موجود، در همان جلسه و در صورت عدم امکان در اولین فرصت و حداکثر ظرف یک هفته به انشای رأی مبادرت می‌کند.

نکته ۸۵۱: رأی دادگاه باید مستدل، موجه و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن صادر شده است.

نکته ۸۵۲: تخلف از صدور رأی در مهلت مقرر موجب **محکومیت انتظامی تا درجه چهار** است.

نکته ۸۵۳: دادگاه باید در رأی، حضوری یا غیابی بودن و قابلیت وخواهی، تجدیدنظر و یا فرجام و مهلت و مرجع آن را قید کند

نکته ۸۵۴: اگر رأی قابل وخواهی، تجدیدنظر یا فرجام باشد و دادگاه آن را غیرقابل وخواهی، تجدیدنظر یا فرجام اعلام کند این امر، مانع وخواهی، تجدیدنظر یا فرجام وخواهی نیست.

نکته ۸۵۵: هرگاه رأی بر برائت، منع یا موقوفی تعقیب و یا تعلیق اجرای مجازات صادر شود و متهم در بازداشت باشد، بلافاصله به دستور دادگاه آزاد می‌شود.

نکته ۸۵۶: هرگاه متهم با صدور قرار تأمین در بازداشت باشد و به‌موجب حکم غیرقطعی به حبس، شلاق تعزیری و یا جزای نقدی محکوم شود، مقام قضایی که پرونده تحت نظر او است باید با احتساب ایام بازداشت قبلی، مراتب را به زندان اعلام کند تا وی بیش از میزان محکومیت در زندان نماند.

نکته ۸۵۷: رأی دادگاه باید حداکثر ظرف سه روز از تاریخ انشاء، پاک‌نویس یا تایپ شود. این رأی که «دادنامه» خوانده می‌شود با نام خداوند متعال شروع و موارد زیر در آن درج می‌شود و به امضای دادرسی یا دادرسان می‌رسد و به مهر شعبه ممهور می‌شود:

الف- شماره پرونده، شماره و تاریخ دادنامه و تاریخ صدور رأی؛

ب- مشخصات دادگاه و قاضی یا قضات صادرکننده رأی و سمت ایشان؛

پ- مشخصات طرفین دعوی و وکلای آنان؛

ت- گردش کار و متن کامل رأی.

نکته ۸۵۸: پیش از امضای دادنامه، اعلام مفاد و تسلیم رونوشت یا تصویر آن ممنوع است. متخلف از این امر، حسب مورد، به موجب حکم دادگاه انتظامی قضات یا هیأت رسیدگی به تخلفات اداری به سه‌ماه تا یک‌سال انفصال از خدمات دولتی محکوم می‌شود.

نکته ۸۵۹: دادنامه به طرفین یا وکیل آنان و دادستان ابلاغ می‌شود و در صورتی که رأی دادگاه حضوری به طرفین ابلاغ شود، دادن نسخه‌ای از رأی یا تصویر مصدق آن به طرفین الزامی است. در این صورت، ابلاغ مجدد ضرورت ندارد.

نکته ۸۶۰: مدیر دفتر دادگاه مکلف است حداکثر ظرف **سه روز** پس از امضای دادنامه، آن را برای ابلاغ ارسال نماید.

نکته ۸۶۱: در جرایم منافی عفت، چنانچه دادنامه حاوی مطالبی باشد که اطلاع شاکی از آن حرام است و همچنین در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، ابلاغ دادنامه حضوری بوده و ذینفع می‌تواند از مفاد کامل رأی اطلاع یافته و از آن استنساخ نماید.

نکته ۸۶۲: هرگاه در تنظیم و نوشتن رأی دادگاه، سهو قلمی مانند کم یا زیاد شدن کلمه‌ای رخ دهد و یا اشتباهی در محاسبه صورت گیرد، چنانچه رأی قطعی باشد یا به علت عدم تجدیدنظرخواهی و انقضای مواعد قانونی، قطعی شود یا هنوز از آن تجدیدنظرخواهی نشده باشد، دادگاه خود یا به درخواست ذی‌نفع یا دادستان، رأی تصحیحی صادر می‌کند. رأی تصحیحی نیز ابلاغ می‌شود. تسلیم رونوشت یا تصویر هر یک از آراء، جداگانه ممنوع است. رأی دادگاه در قسمتی که مورد اشتباه نیست، در صورت قطعیت اجرا می‌شود.

نکته ۸۶۳: در مواردی که اصل رأی دادگاه قابل وخواهی، تجدیدنظر یا فرجام است، **تصحیح** آن نیز در مدت قانونی، قابل وخواهی، تجدیدنظر یا فرجام می‌باشد.

نکته ۸۶۴: هرگاه رأی اصلی به واسطه وخواهی، تجدیدنظر یا فرجام نقض شود، رأی تصحیحی نیز بی‌اعتبار می‌شود.

نکته ۸۶۵: دادگاه کیفری یک فقط در صورت صدور کیفرخواست و در حدود آن مبادرت به رسیدگی و صدور رأی می‌کند، مگر در جرایمی که مطابق قانون لزوماً به‌طور مستقیم در دادگاه کیفری یک مورد رسیدگی واقع می‌شود. در این صورت، انجام تحقیقات مقدماتی مطابق مقررات بر عهده دادگاه کیفری یک است.

نکته ۸۶۶: در مواردی که پرونده به‌طور مستقیم در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود، پس از پایان تحقیقات مقدماتی، چنانچه عمل انتسابی جرم محسوب نشود یا ادله کافی برای انتساب جرم به متهم وجود نداشته باشد و یا به جهات قانونی دیگر متهم قابل تعقیب نباشد، دادگاه حسب مورد، قرار منع یا موقوفی تعقیب و در غیر این صورت قرار رسیدگی صادر می‌کند.

نکته ۸۶۷: پس از ارجاع پرونده به دادگاه کیفری یک، در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) ق.آ.د.ک و یا پس از صدور قرار رسیدگی در مواردی که پرونده به‌طور مستقیم در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود، هرگاه متهم وکیل معرفی نکرده باشد، مدیر دفتر دادگاه ظرف پنج روز به او اخطار می‌کند که وکیل خود را حداکثر تا ده روز پس از ابلاغ به دادگاه معرفی کند. چنانچه متهم وکیل خود را معرفی نکند، مدیر دفتر، پرونده را نزد رییس دادگاه ارسال می‌کند تا طبق مقررات برای متهم وکیل تسخیری تعیین شود.

نکته ۸۶۸: هر یک از طرفین می‌تواند حداکثر سه وکیل به دادگاه معرفی کند. استعفای وکیل تعیینی یا عزل وکیل پس از تشکیل جلسه رسیدگی پذیرفته نمی‌شود.

نکته ۸۶۹: در صورتی که هریک از اصحاب دعوی وکلای متعدد داشته باشد، حضور یکی از آنان برای تشکیل جلسه دادگاه کافی است.

نکته ۸۷۰: پس از تعیین وکیل، مدیر دفتر بلافاصله به متهم و وکیل او و حسب مورد، به شاکی یا مدعی خصوصی یا وکیل آنان اخطار می‌کند تا تمام ایرادها و اعتراض‌های خود را ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تسلیم کنند. تجدید مهلت به تقاضای متهم یا وکیل او برای یک نوبت و به مدت ده روز از تاریخ اتمام مهلت قبلی، به تشخیص دادگاه بلامانع است.

نکته ۸۷۱: متهم و شاکی یا مدعی خصوصی یا وکلای آنان باید تمام ایرادها و اعتراض‌های خود از قبیل مرور زمان، عدم صلاحیت، رد دادرسی یا قابل تعقیب نبودن عمل انتسابی، نقص تحقیقات و لزوم رسیدگی به ادله دیگر یا ادله جدید و کافی نبودن ادله را ظرف مهلت مقرر به دفتر دادگاه تسلیم کنند. پس از اتمام مدت مذکور، هیچ ایرادی از طرف اشخاص مزبور پذیرفته نمی‌شود، مگر آن که جهت ایراد پس از مهلت، کشف و یا حادث شود. در هر حال، طرح پرونده در جلسه مقدماتی دادگاه، پیش از اتمام مهلت ممنوع است.

نکته ۸۷۲: پس از اتمام مهلت اعم از آن که ایراد و اعتراضی واصل شده یا نشده باشد، مدیر دفتر، پرونده را به دادگاه ارسال می‌کند. رییس دادگاه، پرونده را شخصاً بررسی و گزارش جامع آن را تنظیم و یا به نوبت به یکی از اعضای دادگاه ارجاع می‌کند. عضو مذکور حداکثر ظرف ده روز، گزارش مبسوط راجع به اتهام و ادله و جریان پرونده را تهیه و تقدیم رییس می‌کند. دادگاه به محض وصول گزارش، جلسه مقدماتی اداری را تشکیل می‌دهد و با توجه به مفاد گزارش و اوراق پرونده و ایرادها و اعتراض‌های اصحاب دعوی به شرح زیر اقدام می‌کند:

الف- در صورتی که تحقیقات ناقص باشد، قرار **رفع نقص** صادر می‌کند و پرونده را نزد دادرسی صادرکننده کیفرخواست می‌فرستد تا پس از انجام دستور دادگاه، آن را بدون اظهارنظر اعاده کند.

ب- هرگاه موضوع، خارج از صلاحیت دادگاه باشد، قرار **عدم صلاحیت** صادر می‌کند.

پ- در صورتی که به دلیل شمول مرور زمان، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی و یا جهات قانونی دیگر، متهم قابل تعقیب نباشد، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌کند. در این صورت چنانچه متهم زندانی باشد به دستور دادگاه، فوری آزاد می‌شود.

نکته ۸۷۳: دادگاه می‌تواند در صورت ضرورت، دادستان یا نماینده او، شاکی یا مدعی خصوصی یا متهم و یا وکلای آنان را برای حضور در جلسه مقدماتی دعوت کند.

نکته ۸۷۴: قرار عدم صلاحیت از طرف دادستان و قرارهای مذکور در بند (پ) مذکور در فوق از طرف دادستان و شاکی یا مدعی خصوصی قابل تجدیدنظر است. در صورت نقض این قرار، پرونده برای طرح مجدد در جلسه مقدماتی و انجام سایر وظایف به دادگاه کیفری یک اعاده می‌شود.

نکته ۸۷۵: هرگاه دادگاه در جلسه مقدماتی، پرونده را کامل و قابل طرح برای دادرسی تشخیص دهد، بلافاصله دستور تعیین وقت رسیدگی و احضار تمام اشخاصی را که حضورشان ضروری است، صادر می‌کند.

نکته ۸۷۶: چنانچه در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲)، دادگاه جلب بدون احضار متهم را برای محاکمه لازم بداند، دستور جلب وی را برای روز محاکمه صادر می‌کند.

نکته ۸۷۷: مدیر دفتر دادگاه مکلف است پس از وصول پرونده به دفتر، حداکثر ظرف دو روز، وقت رسیدگی تعیین و مطابق دستور دادگاه اقدام کند.

نکته ۸۷۸: در هر مورد که دادگاه باید با حضور هیأت منصفه تشکیل شود، اعضای هیأت منصفه نیز طبق مقررات دعوت می‌شوند.

نکته ۸۷۹: هرگاه متهم متواری باشد یا دسترسی به وی امکان نداشته باشد و احضار و جلب او برای تعیین وکیل یا انجام تشریفات راجع به تشکیل جلسه مقدماتی یا دادرسی مقدور نباشد و دادگاه حضور متهم را برای دادرسی ضروری تشخیص ندهد، به تشکیل جلسه مقدماتی مبادرت می‌ورزد و در غیاب متهم، اقدام به رسیدگی می‌کند، مگر آن که دادستان احضار متهم را ممکن بداند که در این صورت دادگاه پس از تقاضای دادستان، مهلت مناسبی برای احضار یا جلب متهم به وی می‌دهد. مهلت مذکور نباید بیشتر از پانزده روز باشد.

نکته ۸۸۰: در هر مورد که دادگاه بخواهد رسیدگی غیابی کند، باید از قبل قرار رسیدگی غیابی صادر کند. در این قرار، موضوع اتهام و وقت دادرسی و نتیجه عدم حضور قید و مراتب دو نوبت به فاصله ده روز در یکی از روزنامه‌های کثیرالتنشار ملی یا محلی آگهی می‌شود. فاصله بین تاریخ آخرین آگهی و وقت دادرسی نباید کمتر از یک‌ماه باشد.

نکته ۸۸۱: هرگاه متهمان متعدد و بعضی از آنان متواری باشند، دادگاه نسبت به متهمان حاضر شروع به رسیدگی می نماید و در مورد غایبان به ترتیب فوق رسیدگی می کند.

نکته ۸۸۲: در دادگاه کیفری یک و نیز در تمام مواردی که رسیدگی مرجع قضایی با قضاوت متعدد پیش بینی شده باشد، رأی اکثریت تمام اعضاء ملاک است. نظر اقلیت باید به طور مستدل در پرونده درج شود. اگر نظر اکثریت به شرح فوق حاصل نشود، یک عضو مستشار دیگر توسط مقام ارجاع اضافه می شود.

نکته ۸۸۳: در دادگاه کیفری یک دادستان یا نماینده او کیفرخواست و منشی دادگاه، دادخواست مدعی خصوصی را قرائت می کند. سپس رییس دادگاه موضوع اتهام و تمام ادله آن را به متهم تفهیم و شروع به رسیدگی می نماید.

نکته ۸۸۴: قضاوت دادگاه کیفری یک می تواند با اجازه رییس دادگاه از طرفین و وکلای آنان، شهود، اهل خبره و دادستان پرسش کنند.

نکته ۸۸۵: هرگاه دادستان، متهم، شاکی، مدعی خصوصی یا وکلای آنان تحقیق از اشخاص حاضر در دادگاه را درخواست کنند، دادگاه در صورت ضرورت از آنان تحقیق می کند، هرچند از قبل احضار نشده باشند.

نکته ۸۸۶: هرگاه دادستان بار دیگر اجازه صحبت بخواهد، به متهم، شاکی، مدعی خصوصی یا وکلای آنان نیز اجازه صحبت داده می شود. پیش از اعلام ختم رسیدگی، رییس دادگاه یک بار دیگر به متهم یا وکیل او اجازه صحبت می دهد، آخرین دفاع را از متهم یا وکیل وی اخذ و سپس رسیدگی را ختم می کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع، مطالبی اظهار کند که در کشف حقیقت مؤثر باشد، دادگاه مکلف به رسیدگی است.

نکته ۸۸۷: محاکمات دادگاه کیفری یک، ضبط صوتی و در صورت تشخیص دادگاه، ضبط تصویری نیز می شود. انتشار آن ها ممنوع و استفاده از آن ها نیز منوط به اجازه دادگاه است.

نکته ۸۸۸: در مواردی که به جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک در خارج از حوزه قضایی محل وقوع جرم رسیدگی می شود، تمام وظایف و اختیارات دادسرا، از جمله شرکت در جلسه محاکمه و دفاع از کیفرخواست بر عهده دادرسی محل وقوع جرم است.

نکته ۸۸۹: در مواردی که دادگاه کیفری یک حسب مقررات قانونی صلاحیت رسیدگی به جرائم موضوع صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان را دارد رعایت مقررات مربوط به رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان الزامی است.

نکته ۸۹۰: دادگاه کیفری یک با رعایت صلاحیت ذاتی، پس از شروع به رسیدگی نمی تواند قرار عدم صلاحیت صادر کند و به هر حال باید رأی مقتضی را صادر نماید.

نکته ۸۹۱: اعضای دادگاه پس از اعلام ختم رسیدگی با استعانت از خداوند متعال، تکیه بر شرف و وجدان و با توجه به محتویات پرونده، مشاوره می نمایند و در همان جلسه مبادرت به صدور رأی می کنند. در صورتی که بین اعضای دادگاه اتفاق نظر حاصل نشود رأی اکثریت معتبر است.

نکته ۸۹۲: انشاء رأی به عهده رییس دادگاه است، مگر آن که وی جزء اکثریت نباشد که در این صورت، عضوی که جزء اکثریت است و سابقه قضایی بیشتر دارد، رأی را انشاء می کند. پس از صدور رأی، بلافاصله جلسه علنی دادگاه با حضور متهم یا وکیل او و دادستان یا نماینده او و شاکی تشکیل و رأی توسط منشی دادگاه با صدای رسا قرائت و مفاد آن توسط رییس دادگاه به متهم تفهیم می شود. هرگاه رأی بر برائت یا تعلیق اجرای مجازات باشد، متهم به دستور دادگاه فوری آزاد می شود.

نکته ۸۹۳: پس از ختم رسیدگی، اعضای دادگاه تا صدور رأی و اعلام آن در جلسه علنی نباید متفرق شوند. این حکم در مورد اعضای هیأت منصفه نیز جاری است.

نکته ۸۹۴: سایر ترتیبات رسیدگی در دادگاه کیفری یک همان است که برای سایر دادگاه های کیفری مقرر گردیده است.

نکته ۸۹۵: در تمام جرائم، به استثنای جرایمی که فقط جنبه حق الهی دارند، هرگاه متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشود یا لایحه دفاعیه نفرستاده باشد، دادگاه پس از رسیدگی، رأی غیابی صادر می کند.

نکته ۸۹۶: در رسیدگی غیابی چنانچه رأی دادگاه مبنی بر محکومیت متهم باشد، ظرف **بیست روز** از تاریخ ابلاغ واقعی، قابل **واخواهی** در همان دادگاه است و پس از انقضای مهلت واخواهی برابر مقررات حسب مورد قابل تجدیدنظر یا فرجام است. مهلت واخواهی برای اشخاص مقیم خارج از کشور، **دو ماه** است.

نکته ۸۹۷: هرگاه متهم در جلسه رسیدگی حاضر و در فاصله تنفس یا هنگام دادرسی بدون عذر موجه غایب شود، دادگاه رسیدگی را ادامه می‌دهد. در این صورت حکمی که صادر می‌شود، **حضور** است.

نکته ۸۹۸: حکم غیابی که ظرف مهلت مقرر از آن واخواهی نشود، پس از انقضای مهلت‌های واخواهی و تجدیدنظر یا فرجام به اجرا گذاشته می‌شود.

نکته ۸۹۹: هرگاه حکم غیابی دادگاه ابلاغ واقعی نشده باشد، محکوم‌علیه می‌تواند ظرف بیست روز از تاریخ اطلاع، واخواهی کند که در این صورت، اجرای رأی، متوقف و متهم تحت‌الحفظ به همراه پرونده به دادگاه صادرکننده حکم اعزام می‌شود. این دادگاه در صورت اقتضاء نسبت به اخذ تأمین یا تجدیدنظر در تأمین قبلی اقدام می‌کند.

نکته ۹۰۰: در جرایمی که فقط جنبه حق‌اللهی دارند، هرگاه محتویات پرونده، مجرمیت متهم را اثبات نکند و تحقیق از متهم ضروری نباشد، دادگاه می‌تواند بدون حضور متهم، رأی بر براءت او صادر کند.

نکته ۹۰۱: دادگاه پس از واخواهی، با تعیین وقت رسیدگی طرفین را دعوت می‌کند و پس از بررسی ادله و دفاعیات خواه، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید. عدم حضور طرفین یا هر یک از آنان مانع رسیدگی نیست.

نکته ۹۰۲: رییس دادگستری یا رییس کل دادگاه‌های شهرستان مرکز استان هر حوزه حسب مورد ریاست دادگاه‌های اطفال و نوجوانان را نیز بر عهده دارد.

نکته ۹۰۳: قضات دادگاه و دادرسی اطفال و نوجوانان را رییس قوه قضاییه از بین قضاتی که حداقل پنج سال سابقه خدمت قضایی دارند و شایستگی آنان را برای این امر با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند محرز بدانند، انتخاب می‌کند.

نکته ۹۰۴: مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از بین متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، جرم‌شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روانشناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته انتخاب می‌شوند.

نکته ۹۰۵: برای انتخاب مشاوران، رییس حوزه قضایی هر محل برای هر شعبه حداقل هشت نفر مرد و زن را که واجد شرایط مندرج در این ماده بدانند به رییس کل دادگستری استان پیشنهاد می‌کند. رییس کل دادگستری استان از بین آنان حداقل چهار نفر را برای مدت دو سال به این سمت منصوب می‌نماید. انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

نکته ۹۰۶: در صورت مؤنث بودن متهم طفل یا نوجوان، حداقل یکی از مشاوران باید زن باشد.

نکته ۹۰۷: هرگاه قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان به جهتی از جهات قانونی از انجام وظیفه باز بماند، رییس دادگستری می‌تواند شخصاً به جای او انجام وظیفه کند یا یکی از قضات واجد شرایط را به جای قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان به طور موقت مأمور رسیدگی نماید.

نکته ۹۰۸: دادگاه اطفال و نوجوانان وقت جلسه رسیدگی را تعیین و به والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان، وکیل وی و دادستان و شاکی ابلاغ می‌کند.

نکته ۹۰۹: هرگاه در موقع رسیدگی سن متهم هجده سال و یا بیشتر باشد، وقت دادرسی به متهم یا وکیل او ابلاغ می‌شود.

نکته ۹۱۰: در جرائم تعزیری درجه **شش، هفت و هشت** و همچنین در جرائم تعزیری که مجازات قانونی آن‌ها **غیر از حبس** است، هرگاه متهم و والدین یا سرپرست قانونی او و همچنین در صورت داشتن وکیل، وکیل او حاضر باشند و درخواست رسیدگی نمایند و موجبات رسیدگی نیز فراهم باشد، دادگاه می‌تواند بدون تعیین وقت، رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید.

نکته ۹۱۱: در دادگاه اطفال و نوجوانان، والدین، اولیاء یا سرپرست طفل و نوجوان، وکیل مدافع، شاکی، اشخاصی که نظر آنان در تحقیقات مقدماتی جلب شده، شهود، مطلعان و مددکار اجتماعی سازمان بهزیستی حاضر می‌شوند. حضور اشخاص دیگر در جلسه رسیدگی با موافقت دادگاه بلامانع است.

نکته ۹۱۲: هرگاه مصلحت طفل اقتضاء کند، ممکن است تمام یا قسمتی از دادرسی در غیاب او به عمل آید. رأی دادگاه در هر صورت **حضور** محسوب می‌شود.

نکته ۹۱۳: در جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت **دادگاه کیفری یک** است یا جرایمی که مستلزم پرداخت **دیه** یا **ارش** بیش از **خمس دیه کامل** است و در جرائم **تعزیری درجه شش و بالاتر**، دادسرا و یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می‌نماید که برای او وکیل تعیین کند. در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه، در مرجع قضایی برای متهم وکیل تعیین می‌شود. در جرائم **تعزیری درجه هفت و هشتم**، ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می‌تواند خود از وی دفاع و یا وکیل تعیین نماید. نوجوان نیز می‌تواند از خود دفاع کند.

نکته ۹۱۴: به دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم که در دادگاه اطفال و نوجوانان مطرح می‌گردد، طبق مقررات قانونی رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌شود.

نکته ۹۱۵: در هنگام رسیدگی به دعوی ضرر و زیان، حضور طفل لازم نیست، مگر در صورتی که توضیحات وی برای صدور رأی ضروری باشد.

نکته ۹۱۶: آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان علاوه بر شاکی، متهم و محکوم‌علیه، به ولی یا سرپرست قانونی متهم و محکوم‌علیه و در صورت داشتن وکیل به وکیل ایشان نیز ابلاغ می‌شود.

نکته ۹۱۷: در هر مرحله از رسیدگی کیفری، **احاله** پرونده از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر یک استان، حسب مورد، به **درخواست دادستان** یا **رییس حوزه قضایی مبدأ** و موافقت **شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان** و از حوزه قضایی یک استان به استان دیگر به تقاضای همان اشخاص و **موافقت دیوان عالی کشور** صورت می‌گیرد.

نکته ۹۱۸: در مورد جرایم در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح، احاله حسب مورد به درخواست **دادستان نظامی** یا **رییس سازمان قضایی استان** با موافقت **رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح** انجام می‌شود.

نکته ۹۱۹: احاله در موارد زیر صورت می‌گیرد:

الف- متهم یا بیشتر متهمان در حوزه دادگاه دیگری اقامت داشته باشند.

ب- محل وقوع جرم از دادگاه صالح دور باشد، به نحوی که دادگاه دیگر به علت نزدیک بودن به محل وقوع آن، آسان‌تر بتواند به موضوع رسیدگی کند.

نکته ۹۲۰: احاله پرونده نباید به کیفیتی باشد که موجب عسر و حرج شاکی و یا مدعی خصوصی شود.

نکته ۹۲۱: علاوه بر موارد مذکور در فوق، به منظور **حفظ نظم و امنیت عمومی**، بنا به پیشنهاد **رییس قوه قضاییه** یا **دادستان کل کشور** و **تجویز دیوان عالی کشور**، رسیدگی به حوزه قضایی دیگر احاله می‌شود.

نکته ۹۲۲: در جرائم در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح، رییس این سازمان می‌تواند به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی و رعایت مصالح نیروهای مسلح، پرونده را به حوزه قضایی دیگر احاله کند.

نکته ۹۲۳: دادرسی در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع کند و طرفین دعوی نیز می‌توانند در این موارد **رد دادرسی** کنند:

الف- قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرسی و یکی از طرفین دعوی یا شریک یا معاون جرم؛ وجود داشته باشد.

ب- دادرسی، قیم یا مخدوم یکی از طرفین دعوی باشد یا یکی از طرفین، مباشر امور دادرسی یا امور همسر وی باشد.

پ- دادرسی، همسر و یا فرزند او، وارث یکی از طرفین دعوی یا شریک یا معاون جرم باشند.

ت- دادرسی در همان امر کیفری قبلاً تحت هر عنوان یا سمتی اظهارنظر ماهوی کرده یا شاهد یکی از طرفین بوده باشد.

ث- بین دادرسی، پدر و مادر، همسر و یا فرزند او و یکی از طرفین دعوی یا پدر و مادر، همسر و یا فرزند او، دعوای حقوقی یا کیفری مطرح باشد یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور رأی قطعی، بیش از دو سال نگذشته باشد.

ج- دادرسی، همسر و یا فرزند او نفع شخصی در موضوع مطروحه داشته باشند.

نکته ۹۲۴: شکایت انتظامی از جهات رد دادرسی محسوب نمی‌شود.

نکته ۹۲۵: ایراد رد باید تا قبل از صدور رأی به عمل آید. هرگاه دادرسی آن را بپذیرد، از رسیدگی امتناع می‌کند و رسیدگی به دادرسی علی‌البدل یا شعبه دیگر ارجاع می‌شود. در صورت نبودن دادرسی علی‌البدل یا شعبه دیگر، پرونده برای رسیدگی به نزدیک‌ترین مرجع قضایی هم‌عرض فرستاده می‌شود.

نکته ۹۲۶: هرگاه دادرسی ایراد رد را قبول نکند، مکلف است ظرف **سه روز** قرار رد ایراد را صادر کند و به رسیدگی ادامه دهد. قرار مذکور ظرف **ده روز** از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در مرجع صالح است. به این اعتراض خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.

نکته ۹۲۷: مقامات قضایی دادسرا نیز باید در صورت وجود جهات رد دادرسی، از رسیدگی امتناع کنند. شاکی، مدعی خصوصی یا متهم نیز می‌توانند دادستان یا بازپرس را رد و مراتب را به صورت کتبی به او اعلام کنند. در صورت قبول ایراد، دادستان یا بازپرس از رسیدگی و مداخله در موضوع امتناع می‌نمایند و رسیدگی حسب مورد، به جانشین دادستان یا بازپرس دیگر محول می‌شود و در غیر این صورت، باید قرار رد ایراد صادر و به مدعی رد، ابلاغ شود. مدعی رد می‌تواند در مهلتی که برای اعتراض به سایر قرارها مقرر شده است، به دادگاه صالح برای رسیدگی به جرم اعتراض کند. رأی دادگاه در این مورد **قطعی** است.

نکته ۹۲۸: صدور قرار رد ایراد، مانع انجام تحقیقات مقدماتی نیست.

نکته ۹۲۹: در مواردی که دادگاه با تعدد قاضی تشکیل می‌شود، هرگاه نسبت به یکی از اعضاء ایراد رد شود و آن عضو از رسیدگی امتناع کند، دادگاه با حضور عضو دیگر تکمیل می‌شود و مبادرت به رسیدگی می‌کند. چنانچه ایراد رد مورد پذیرش قرار نگیرد، همان دادگاه بدون حضور عضو مورد ایراد در وقت اداری به اعتراض رسیدگی و قرار رد یا قبول ایراد را صادر می‌کند. هرگاه چند نفر از اعضاء دادگاه مورد ایراد واقع شوند و ایراد رد را قبول نکنند، چنانچه تعداد اعضاء باقیمانده شعبه اکثریت را تشکیل دهند، اکثریت اعضاء، بدون حضور اعضاء مورد ایراد و در وقت اداری به اعتراض رسیدگی و قرار رد یا قبول ایراد را صادر می‌کنند. هرگاه تعداد باقیمانده اعضاء شعبه در اکثریت نباشند و امکان انتخاب اعضاء علی‌البدل نیز برای رسیدگی به ایراد وجود نداشته باشد، رسیدگی به ایراد در شعبه دیوان عالی کشور به عمل می‌آید. هرگاه شعبه دیوان درخواست رد را وارد بدانند، پرونده جهت رسیدگی به دادگاه هم‌عرض ارجاع می‌شود.

نکته ۹۳۰: **دادگاه تجدیدنظر استان** مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از **کلیه آرای غیرقطعی** کیفری است جز در مواردی که در صلاحیت دیوان عالی کشور باشد.

نکته ۹۳۱: دادگاه تجدیدنظر استان در **مرکز هر استان**، با حضور رییس یا دادرسی علی‌البدل و عضویت دو مستشار تشکیل می‌شود.

نکته ۹۳۲: آرای دادگاه‌های کیفری جز در موارد زیر که قطعی محسوب می‌شود، حسب مورد در دادگاه تجدیدنظر استان همان حوزه قضایی قابل تجدیدنظر و یا در دیوان عالی کشور قابل فرجام است:

الف- **جرائم تعزیری درجه هشت باشد.**

ب- **جرائم مستلزم پرداخت دیه یا ارش، در صورتی که میزان یا جمع آن‌ها کمتر از یک‌دهم دیه کامل باشد.**

نکته ۹۳۳: در مورد مجازات‌های جایگزین حبس، معیار قابلیت تجدیدنظر، همان مجازات **قانونی اولیه** است.

نکته ۹۳۴: آراء قابل تجدیدنظر، اعم از محکومیت، براءت، یا قرارهای منع و موقوفی تعقیب، اناطه و تعویق صدور حکم است. قرار رد درخواست واخواهی یا تجدیدنظرخواهی، در صورتی مشمول این حکم است که رأی راجع به اصل دعوی، قابل تجدیدنظرخواهی باشد.

نکته ۹۳۵: آراء صادره درباره جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها **سلب حیات یا حبس ابد** یا «جرائم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن» و یا «جرائم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر» است و جنایات **عمدی** علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن‌ها **ثلث دیه کامل** مَجْنیْ عَلَیْهِ یا بیش از آن است و آراء صادره درباره **جرائم سیاسی و مطبوعاتی**، قابل فرجام‌خواهی در **دیوان عالی کشور** است.

نکته ۹۳۶: در مواردی که رأی دادگاه توأم با محکومیت به پرداخت دیه، ارش یا ضرر و زیان است، هرگاه یکی از جنبه‌های مزبور قابل تجدیدنظر یا فرجام باشد، جنبه‌های دیگر رأی نیز **به تبع آن**، حسب مورد قابل تجدیدنظر یا فرجام است.

نکته ۹۳۷: در صورتی که طرفین دعوی با توافق کتبی حق تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی خود را ساقط کنند، تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی آنان جز در خصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادرکننده رأی، مسموع نیست.

نکته ۹۳۸: مهلت درخواست یا دادخواست تجدیدنظر و فرجام برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ رأی یا انقضای مهلت وخواهی است.

نکته ۹۳۹: هرگاه تقاضای تجدیدنظر یا فرجام، خارج از مهلت مقرر تقدیم شود و درخواست‌کننده عذر موجهی عنوان کند، دادگاه صادرکننده رأی ابتدا به عذر او رسیدگی می‌نماید و در صورت موجه شناختن آن، قرار قبولی درخواست و در غیر این صورت قرار رد آن را صادر می‌کند.

نکته ۹۴۰: اشخاص زیر حق درخواست تجدیدنظر یا فرجام دارند:

الف- محکوم‌علیه، وکیل یا نماینده قانونی او؛

ب- شاکی یا مدعی خصوصی و یا وکیل یا نماینده قانونی آنان؛

پ- دادستان از جهت برائت متهم، عدم انطباق رأی با قانون و یا عدم تناسب مجازات.

نکته ۹۴۱: جهات تجدیدنظرخواهی به شرح زیر است:

الف- ادعای عدم اعتبار ادله یا مدارک استنادی دادگاه؛

ب- ادعای مخالف بودن رأی با قانون؛

پ- ادعای عدم صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی یا وجود یکی از جهات رد دادرسی؛

ت- ادعای عدم توجه دادگاه به ادله ابرازی.

نکته ۹۴۲: اگر تجدیدنظرخواهی به استناد یکی از جهات مذکور در این ماده به عمل آید، در صورت وجود جهت دیگر، به آن هم رسیدگی می‌شود.

نکته ۹۴۳: دادگاه تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور فقط نسبت به آنچه مورد تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی واقع و نسبت به آن رأی صادر شده است، رسیدگی می‌کند.

نکته ۹۴۴: تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی طرفین راجع به جنبه کیفری رأی با درخواست کتبی و پرداخت هزینه دادرسی مقرر صورت می‌گیرد و نسبت به ضرر و زیان ناشی از جرم، مستلزم تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی مطابق قانون آیین دادرسی مدنی است.

نکته ۹۴۵: تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی محکوم‌علیه نسبت به محکومیت کیفری و ضرر و زیان ناشی از جرم به صورت توأمان، مستلزم پرداخت هزینه دادرسی در امر حقوقی و رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست.

نکته ۹۴۶: هرگاه تجدیدنظرخواه یا فرجام‌خواه، مدعی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم شود، دادگاه صادرکننده رأی نخستین به این ادعا خارج از نوبت رسیدگی می‌کند.

نکته ۹۴۷: هرگاه تجدیدنظرخواه یا فرجام‌خواه زندانی باشد، حسب مورد از پرداخت هزینه دادرسی مرحله تجدیدنظر یا فرجام در امری که به موجب آن زندانی است، معاف می‌گردد.

نکته ۹۴۸: تجدیدنظرخواه یا فرجام‌خواه باید حسب مورد، درخواست یا دادخواست خود را به دفتر دادگاه صادرکننده رأی نخستین یا تجدیدنظر و یا دفتر زندان تسلیم کند.

نکته ۹۴۹: در خصوص نکته قبل دفتر دادگاه یا زندان باید بلافاصله آن را ثبت کند و رسیدی مشتمل بر نام تجدیدنظرخواه یا فرجام‌خواه و طرف دعوی او، تاریخ تسلیم و شماره ثبت به تقدیم‌کننده بدهد و همان شماره و تاریخ را در دادخواست یا درخواست تجدیدنظر و فرجام درج کند. تاریخ مزبور تاریخ تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی محسوب می‌شود. دفتر دادگاه تجدیدنظر استان یا زندان مکلف است پس از ثبت تقاضای تجدیدنظر یا فرجام، بلافاصله آن را به دادگاه صادرکننده رأی نخستین ارسال کند.

نکته ۹۵۰: در صورتی که تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی در مهلت مقرر صورت گیرد، دفتر دادگاه صادرکننده رأی نخستین، بلافاصله یا پس از رفع نقص، پرونده را حسب مورد، به دادگاه تجدیدنظر استان یا دیوان عالی کشور ارسال می‌کند.

نکته ۹۵۱: هرگاه درخواست یا دادخواست تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی فاقد یکی از شرایط قانونی باشد، مدیر دفتر دادگاه نخستین، ظرف **دو روز**، تقایص آن را به درخواست‌کننده یا دادخواست‌دهنده اعلام و اخطار می‌کند تا ظرف **ده روز** از تاریخ ابلاغ، تقایص مذکور را رفع کند.

نکته ۹۵۲: چنانچه در مهلت مقرر در نکته قبل، رفع نقص صورت نگیرد و در صورتی که درخواست یا دادخواست تجدیدنظر یا فرجام خارج از مهلت قانونی تقدیم شود، مدیر دفتر، پرونده را به نظر رییس دادگاه می‌رساند تا قرار مقتضی را صادر کند. این قرار حسب مورد قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان و یا دیوان عالی کشور است.

نکته ۹۵۳: هرگاه تجدیدنظرخواه یا فرجام‌خواه درخواست یا دادخواست تجدیدنظر یا فرجام را مسترد کند، دادگاه صادرکننده رأی نخستین، قرار رد درخواست یا ابطال دادخواست تجدیدنظر یا فرجام را صادر می‌کند. چنانچه پرونده به مرجع تجدیدنظر یا فرجام ارسال شده باشد، قرار رد درخواست یا ابطال دادخواست تجدیدنظر یا فرجام توسط دادگاه تجدیدنظر استان یا دیوان عالی کشور صادر می‌شود. در هر حال، درخواست یا دادخواست تجدیدنظر یا فرجام مجدد، پذیرفته نیست.

نکته ۹۵۴: در تمام محکومیت‌های تعزیری در صورتی که دادستان از حکم صادره درخواست تجدیدنظر نکرده باشد، محکوم‌علیه می‌تواند پیش از پایان مهلت تجدیدنظرخواهی با رجوع به دادگاه صادرکننده حکم، حق تجدیدنظرخواهی خود را اسقاط یا درخواست تجدیدنظر را مسترد نماید و تقاضای **تخفیف** مجازات کند. در این صورت، دادگاه در وقت فوق‌العاده با حضور دادستان به موضوع رسیدگی و **تایک چهارم** مجازات تعیین شده را کسر می‌کند. این حکم دادگاه **قطعی** است.

نکته ۹۵۵: آرائی که در مرحله تجدیدنظر صادر می‌شود، **قطعی** است.

نکته ۹۵۶: مرجع رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان، شعبه‌ای از دادگاه تجدیدنظر استان است که مطابق با شرایط مقرر در این قانون و با ابلاغ رییس قوه قضاییه تعیین می‌گردد. مرجع فرجام‌خواهی از آراء و تصمیمات دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان، دیوان عالی کشور است.

نکته ۹۵۷: آرای دادگاه اطفال و نوجوانان در **تمامی موارد** قابل تجدیدنظرخواهی است.

نکته ۹۵۸: درخواست تجدیدنظر از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان را می‌توان به دفتر دادگاه صادرکننده حکم یا دفتر دادگاه تجدیدنظر استان یا چنانچه طفل یا نوجوان در کانون اصلاح و تربیت نگهداری می‌شود به دفتر کانون اصلاح و تربیت تسلیم نمود.

نکته ۹۵۹: درخواست تجدیدنظر از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند توسط نوجوان یا ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا وکیل آنان به عمل آید. دادستان نیز هرگاه آراء و تصمیمات دادگاه را مخالف قانون بداند می‌تواند درخواست تجدیدنظر نماید. مدعی خصوصی می‌تواند فقط از حکم مربوط به ضرر و زیان یا براءت یا قرار منع یا موقوفی یا تعلیق تعقیب و یا قرار بایگانی کردن پرونده تجدیدنظرخواهی کند.

نکته ۹۶۰: دادگاه تجدیدنظر به ترتیب وصول پرونده‌ها به نوبت رسیدگی می‌کند، مگر در مواردی که به موجب قانون، رسیدگی خارج از نوبت ضروری باشد.

نکته ۹۶۱: به جرایمی که موجب جریحه‌دار شدن احساسات عمومی شود، با درخواست دادستان صادرکننده کیفرخواست و موافقت دادگاه تجدیدنظر استان، **خارج از نوبت** رسیدگی می‌شود.

نکته ۹۶۲: رییس شعبه، پرونده‌های ارجاعی را بررسی و گزارش جامع آن را تهیه می‌کند و یا به نوبت به یکی از اعضای دادگاه تجدیدنظر استان ارجاع می‌دهد. این عضو، گزارش پرونده را که متضمن جریان آن و بررسی کامل در خصوص تجدیدنظرخواهی و جهات قانونی آن است، تهیه و در جلسه دادگاه قرائت می‌کند. خلاصه این گزارش در پرونده درج می‌شود و سپس دادگاه به شرح زیر اتخاذ تصمیم می‌نماید:

الف- در صورتی که تحقیقات ناقص باشد، قرار **رفع نقص** صادر می‌کند و پرونده را نزد دادرسی صادرکننده کیفرخواست یا دادگاه صادرکننده رأی می‌فرستد تا پس از انجام دستور دادگاه تجدیدنظر استان، آن را بدون اظهارنظر اعاده کند و یا دادگاه تجدیدنظر می‌تواند خود مبادرت به انجام تحقیقات نماید.

ب- هرگاه رأی صادره از نوع قرار باشد و تحقیقات یا اقدامات دیگر ضروری نباشد و قرار مطابق مقررات صادر شده باشد، آن را تأیید و پرونده به دادگاه صادرکننده قرار اعاده می‌شود و چنانچه به هر علت دادگاه تجدیدنظر عقیده به نقض داشته باشد، پرونده برای رسیدگی به دادگاه صادرکننده قرار اعاده می‌شود و آن دادگاه، مکلف است خارج از نوبت رسیدگی کند.

پ- هرگاه رأی توسط دادگاهی که صلاحیت ذاتی یا محلی ندارد صادر شود، دادگاه تجدیدنظر استان، رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال و مراتب را به دادگاه صادرکننده رأی اعلام می‌کند.

ت- اگر عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده به فرض ثبوت، جرم نبوده یا به لحاظ شمول عفو عمومی و یا سایر جهات قانونی متهم قابل تعقیب نباشد، رأی مقتضی صادر می‌کند.

ث- در غیر از موارد مزبور در بندهای فوق، دادگاه تجدیدنظر بلافاصله دستور تعیین وقت رسیدگی و احضار طرفین و تمام اشخاصی را که حضورشان ضروری است صادر می‌کند. طرفین می‌توانند شخصاً حاضر شوند یا وکیل معرفی کنند. در هر حال عدم حضور یا عدم معرفی وکیل مانع از رسیدگی نیست.

نکته ۹۶۳: در مواردی که رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر استان، مستلزم تعیین وقت و احضار طرفین است، رسیدگی با حضور دادستان شهرستان مرکز استان یا یکی از معاونان یا دادیاران وی و با رعایت ماده (۳۰۰) به ترتیب زیر انجام می‌شود:

الف- قرائت گزارش پرونده و تحقیقات و اقدامات انجام شده توسط یکی از اعضای دادگاه؛

ب- طرح سؤالات لازم و تحقیق از طرفین توسط رییس یا مستشار و استماع دفاعیات آنان؛

پ- کسب اطلاع از شهود و مطلعان در صورت لزوم؛

ت- اظهار عقیده دادستان یا نماینده او و استماع اظهارات شاکی یا مدعی خصوصی و آخرین دفاعیات متهم یا وکلای آنان.

نکته ۹۶۴: قرار معاینه محل و تحقیق محلی توسط رییس دادگاه یا با تعیین او توسط یکی از مستشاران شعبه اجرا می‌شود. چنانچه محل اجرای قرار، خارج از حوزه قضایی مرکز استان باشد، دادگاه تجدیدنظر استان می‌تواند اجرای قرار را از دادگاه محل مربوط درخواست کند و در صورتی که محل اجرای قرار در حوزه قضایی استان دیگری باشد، با اعطای نیابت قضایی به دادگاه نخستین محل، درخواست اجرای قرار نماید.

نکته ۹۶۵: هرگاه دادگاه تجدیدنظر استان، حضور شخصی را که زندانی است لازم بداند، دستور اعزام او را به مسؤول زندان یا بازداشتگاه صادر می‌کند. چنانچه زندان یا بازداشتگاه در محل دیگری باشد، دادگاه می‌تواند با کسب موافقت مرجع قضایی که متهم تحت نظر وی زندانی است، دستور دهد که متهم زندانی به طور موقت تا پایان رسیدگی در زندان نزدیک محل دادگاه نگهداری شود.

نکته ۹۶۶: احضار، جلب، رسیدگی به ادله، صدور رأی و سایر ترتیبات در دادگاه تجدیدنظر استان مطابق قواعد و مقررات مرحله نخستین است.

نکته ۹۶۷: دادگاه تجدیدنظر استان پس از تشکیل جلسه رسیدگی و اعلام ختم دادرسی به شرح زیر اتخاذ تصمیم می‌کند:

الف- هرگاه رأی مورد تجدیدنظرخواهی مطابق ادله موجود در پرونده و طبق قانون صادر شده باشد، رأی را تأیید و پرونده را به دادگاه صادرکننده رأی اعاده می‌کند.

ب- هرگاه متهم به جهات قانونی قابل تعقیب نباشد یا دادگاه تجدیدنظر استان، به هر دلیل، براءت متهم را احراز کند، رأی تجدیدنظرخواسته را نقض و رأی مقتضی صادر می‌کند، هرچند محکوم علیه درخواست تجدیدنظر نکرده باشد و چنانچه محکوم علیه زندانی باشد، به دستور دادگاه فوری آزاد می‌شود.

پ- چنانچه رأی تجدیدنظرخواسته را مخالف قانون تشخیص دهد با استدلال و ذکر مبانی و مستند قانونی، آن را نقض و در ماهیت، انشاء رأی می‌کند.

نکته ۹۶۸: عدم رعایت تشریفات دادرسی، موجب نقض رأی نیست، مگر آنکه تشریفات مذکور به درجه‌ای از اهمیت باشد که موجب بی‌اعتباری رأی شود.

نکته ۹۶۹: هرگاه از رأی صادره درخواست تجدیدنظر شود و از متهم تأمین اخذ نشده باشد یا قرار تأمین با جرم و ضرر و زیان مدعی خصوصی متناسب نباشد، دادگاه تجدیدنظر استان در صورت اقتضاء رأساً یا به درخواست دادستان، شاکی یا مدعی خصوصی و یا متهم، تأمین متناسب اخذ می‌کند و این تصمیم قطعی است.

نکته ۹۷۰: اگر رأی تجدیدنظرخواسته از نظر تعیین مشخصات طرفین یا تعیین نوع و میزان مجازات، تطبیق عمل با قانون، احتساب محکوم‌به یا خسارت و یا مواردی نظیر آن، متضمن اشتباهی باشد که به اساس رأی، لطمه وارد نسازد، دادگاه تجدیدنظر استان، رأی را اصلاح و آن را تأیید می‌کند و تذکر لازم را به دادگاه نخستین می‌دهد.

نکته ۹۷۱: دادگاه تجدیدنظر استان نمی‌تواند مجازات تعزیری یا اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در حکم تجدیدنظرخواسته را **تشدید** کند، مگر در مواردی که مجازات مقرر در حکم نخستین برخلاف جهات قانونی، **کمتر از حداقل میزانی باشد که قانون مقرر داشته** و این امر مورد تجدیدنظرخواهی شاکی و یا دادستان قرار گرفته باشد. در این موارد، دادگاه تجدیدنظر استان با تصحیح حکم، نسبت به تعیین حداقل مجازاتی که قانون مقرر داشته است، اقدام می‌کند.

نکته ۹۷۲: هرگاه دادگاه تجدیدنظر استان، محکوم‌علیه را مستحق تخفیف مجازات بداند، ضمن تأیید اساس حکم می‌تواند به نحو مستدل مجازات او را در حدود قانون تخفیف دهد. هرچند محکوم‌علیه تقاضای تجدیدنظر نکرده باشد.

نکته ۹۷۴: دادگاه تجدیدنظر استان مکلف است پس از ختم رسیدگی، در همان جلسه و در صورت عدم امکان در اولین فرصت و حداکثر ظرف یک هفته، انشای رأی کند. تخلف از صدور رأی در مهلت مقرر موجب **محکومیت انتظامی تا درجه چهار** است.

نکته ۹۷۵: در مواردی که رأی دادگاه تجدیدنظر استان بر محکومیت متهم باشد و یا وکیل او در هیچ یک از مراحل دادرسی نخستین و تجدیدنظر حاضر نبوده و لایحه دفاعیه یا اعتراضیه هم نداده باشد، رأی دادگاه تجدیدنظر استان ظرف بیست روز پس از ابلاغ واقعی به متهم یا وکیل او، قابل واخواهی و رسیدگی در همان دادگاه است. رأی که در این مرحله صادر می‌شود، **قطعی** است.

نکته ۹۷۶: دیوان عالی کشور در تهران مستقر است و شعب آن از رییس و دو مستشار تشکیل می‌شود.

نکته ۹۷۷: دیوان عالی کشور به تعداد لازم عضو معاون دارد که می‌توانند وظایف مستشار را بر عهده گیرند.

نکته ۹۷۸: **جهات فرجام‌خواهی** به قرار زیر است:

الف- ادعای عدم رعایت قوانین مربوط به تقصیر متهم و مجازات قانونی او؛

ب- ادعای عدم رعایت اصول دادرسی با درجه‌ای از اهمیت منجر به بی‌اعتباری رأی دادگاه؛

پ- عدم انطباق مستندات با مدارک موجود در پرونده.

نکته ۹۷۹: پرونده‌ها به ترتیب وصول، در دفتر کل یا در صورت تأسیس واحد رایانه در این واحد با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی ثبت می‌شود و توسط رییس دیوان یا معاون او و در غیاب آنان، توسط یکی از رؤسای شعب دیوان به انتخاب رییس دیوان عالی کشور و از طریق سامانه رایانه‌ای با رعایت تخصص شعب و ترتیب وصول، به یکی از شعب دیوان ارجاع می‌شود.

نکته ۹۸۰: شعب دیوان عالی کشور به نوبت به پرونده‌ها رسیدگی می‌کنند، مگر در مواردی که به موجب قانون، رسیدگی خارج از نوبت مقرر باشد یا در جرایمی که به تشخیص رییس دیوان عالی کشور موجب جریحه‌دار شدن احساسات عمومی شود و رسیدگی خارج از نوبت ضرورت داشته باشد.

نکته ۹۸۱: رییس شعبه، پرونده‌های ارجاعی را خود بررسی و گزارش جامع آن‌ها را تنظیم می‌کند و یا به نوبت به یکی از اعضای شعبه به عنوان عضو ممیز ارجاع می‌دهد. عضو ممیز، گزارش پرونده را که متضمن جریان آن و بررسی کامل درباره فرجام‌خواهی و جهات قانونی آن است به صورت مستدل تهیه و به رییس شعبه تسلیم می‌کند.

نکته ۹۸۲: هرگاه رییس یا عضو ممیز در حین تنظیم گزارش از هر یک از قضاتی که در آن پرونده دخالت داشته‌اند، تخلف از مواد قانونی، یا عدم رعایت مبانی قضایی و یا اعمال غرض مشاهده کند، آن را به طور مشروح و با استدلال در گزارش خود متذکر می‌شود. به دستور رییس شعبه، رونوشتی از این گزارش برای دادستان انتظامی قضات ارسال می‌گردد.

نکته ۹۸۳: رسیدگی فرجامی در دیوان عالی کشور بدون احضار طرفین دعوی یا وکلای آنان انجام می‌شود، مگر آن که شعبه رسیدگی‌کننده حضور آنان را **لازم** بداند. عدم حضور احضار شونده‌گان موجب تأخیر در رسیدگی و اتخاذ تصمیم **نیست**.

نکته ۹۸۴: در موقع رسیدگی، عضو ممیز، گزارش پرونده و مفاد اوراقی را که لازم است قرائت می‌کند و طرفین یا وکلای آنان، در صورت حضور، می‌توانند با اجازه رییس شعبه، مطالب خود را اظهار دارند. همچنین دادستان کل یا نماینده وی با حضور در شعبه به طور مستدل، مستند و مکتوب نسبت به نقض یا ابرام رأی معترض‌عنه یا فرجام‌خواسته، نظر خود را اعلام می‌کند. سپس اعضای شعبه با توجه به محتویات پرونده و مفاد گزارش و مطالب اظهارشده، با درج نظر دادستان کل کشور یا نماینده وی در متن دادنامه، به شرح زیر اتخاذ تصمیم می‌کنند:

- الف- اگر رأی مطابق قانون و ادله موجود در پرونده باشد با **ابرام آن**، پرونده را به **دادگاه صادرکننده رأی** اعاده می‌نمایند.
ب- هرگاه رأی مخالف قانون، یا بدون توجه به ادله و مدافعات طرفین صادر شده باشد یا رعایت تشریفات قانونی نشده و آن تشریفات به درجه‌ای از اهمیت باشد که موجب بی‌اعتباری رأی شود، شعبه دیوان عالی کشور، رأی را **نقض** و به شرح زیر اقدام می‌کند:
- ۱- اگر عملی که محکوم‌علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده به فرض ثبوت، **جرم نبوده** یا به لحاظ شمول عفو عمومی و یا سایر جهات قانونی متهم قابل تعقیب نباشد، رأی صادره **نقض بلا ارجاع** می‌شود.
 - ۲- اگر رأی صادره از نوع قرار و یا حکمی باشد که به علت **ناقص بودن تحقیقات** نقض شده است، برای رسیدگی مجدد به **دادگاه صادرکننده رأی** ارجاع می‌شود.
 - ۳- اگر رأی به علت **عدم صلاحیت ذاتی** دادگاه نقض شود، پرونده به مرجعی که دیوان عالی کشور، صالح تشخیص می‌دهد، ارسال می‌شود و مرجع مذکور مکلف به رسیدگی است.
 - ۴- در سایر موارد، پس از نقض رأی، پرونده به **دادگاه هم‌عرض** ارجاع می‌شود.

نکته ۹۸۵: در مواردی که دیوان عالی کشور رأی را به علت نقص تحقیقات نقض می‌کند، مکلف است تمام موارد نقص تحقیقات را به تفصیل ذکر کند.

نکته ۹۸۶: مرجع رسیدگی پس از نقض رأی در دیوان عالی کشور به شرح زیر اقدام می‌کند:

الف- در صورت نقض رأی به علت ناقص بودن تحقیقات، باید تحقیقات موردنظر دیوان عالی کشور را انجام دهد و سپس مبادرت به صدور رأی کند.

ب- در صورت نقض قرار و ضرورت رسیدگی ماهوی، باید از نظر دیوان عالی کشور متابعت نماید و در ماهیت، رسیدگی و انشای حکم کند، مگر آنکه پس از نقض، جهت تازه‌ای برای صدور قرار حادث شود.

پ- در صورت نقض حکم در غیر موارد مذکور، دادگاه می‌تواند بر مفاد رأی دادگاه قبلی **اصرار** کند. چنانچه این حکم مورد فرجام‌خواهی واقع شود و شعبه دیوان عالی کشور پس از بررسی، استدلال دادگاه را بپذیرد، حکم را **ابرام** می‌کند و در غیر این صورت، پرونده در هیأت عمومی شعب کیفری مطرح می‌شود. هرگاه نظر دادگاه صادرکننده رأی مورد تأیید قرار گیرد، رأی ابرام می‌شود و در صورتی که نظر شعبه دیوان عالی کشور را تأیید کند، حکم صادره نقض و پرونده به شعبه دیگر دادگاه ارجاع می‌شود. **دادگاه مزبور بر اساس استدلال هیأت عمومی دیوان عالی کشور، حکم صادر می‌کند.** این حکم قطعی و غیرقابل فرجام است.

نکته ۹۸۷: هرگاه از شعب مختلف دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها نسبت به موارد مشابه، اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی، با استنباط متفاوت از قوانین، آراء مختلفی صادر شود، **رییس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور**، به هر طریق که آگاه شوند، مکلفند نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد **وحدت رویه** درخواست کنند. هر یک از قضات شعب دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها یا دادستان‌ها یا وکلای دادگستری نیز می‌توانند با ذکر دلیل از طریق رییس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، نظر هیأت عمومی را درباره موضوع درخواست کنند. هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رییس دیوان عالی یا معاون وی و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل **سه چهارم** رؤساء و مستشاران و اعضای معاون تمام شعب تشکیل می‌شود تا موضوع مورد اختلاف را بررسی و نسبت به آن اتخاذ تصمیم کنند. رأی اکثریت در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است؛ اما نسبت به رأی قطعی شده بی‌اثر است.

در صورتی که رأی، اجرا نشده یا در حال اجرا باشد و مطابق رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، عمل انتسابی جرم شناخته نشود یا رأی به جهاتی مساعد به حال محکوم علیه باشد، رأی هیأت عمومی نسبت به آرای مذکور قابل تسری است و مطابق مقررات قانون مجازات اسلامی عمل می‌شود.

نکته ۹۸۸: در کلیه مواردی که هیأت عمومی دیوان عالی کشور به منظور ایجاد وحدت رویه قضایی و یا رسیدگی به آراء اصراری و یا انجام سایر وظایف قانونی تشکیل می‌گردد، باید با حضور دادستان کل یا نماینده وی باشد. قبل از اتخاذ تصمیم، دادستان کل یا نماینده وی اظهار نظر می‌کند.

نکته ۹۸۹: آرای وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، فقط به موجب قانون یا رأی وحدت رویه مؤخری که مطابق قانون صادر می‌شود، قابل تغییر است.

نکته ۹۹۰: درخواست اعاده دادرسی در مورد احکام محکومیت قطعی دادگاه‌ها اعم از آن که حکم مذکور به اجرا گذاشته شده یا نشده باشد، در موارد زیر پذیرفته می‌شود:

- الف- کسی به اتهام قتل شخصی محکوم شود و سپس زنده بودن وی محرز گردد.
- ب- چند نفر به اتهام ارتکاب جرمی محکوم شوند و ارتکاب آن جرم به گونه‌ای باشد که نتوان بیش از یک مرتکب برای آن قائل شد.
- پ- شخصی به علت انتساب جرمی محکوم شود و فرد دیگری نیز به موجب حکمی از مرجع قضایی به علت انتساب همان جرم محکوم شده باشد، به طوری که از تعارض و تضاد مفاد دو حکم، بی‌گناهی یکی از آنان احراز گردد.
- ت- درباره شخصی به اتهام واحد، احکام متفاوتی صادر شود.
- ث- در دادگاه صالح ثابت شود که اسناد جعلی یا شهادت خلاف واقع گواهان، مبنای حکم بوده است.
- ج- پس از صدور حکم قطعی، واقعه جدیدی حادث و یا ظاهر یا ادله جدیدی ارائه شود که موجب اثبات بی‌گناهی محکوم علیه یا عدم تقصیر وی باشد.
- چ- عمل ارتكابی جرم نباشد و یا مجازات مورد حکم بیش از مجازات مقرر قانونی باشد.

نکته ۹۹۱: اشخاص زیر حق درخواست اعاده دادرسی دارند:

- الف- محکوم علیه یا وکیل یا نماینده قانونی او و در صورت فوت یا غیبت محکوم علیه، همسر و وراث قانونی و وصی او؛
- ب- دادستان کل کشور؛
- پ- دادستان مجری حکم.

نکته ۹۹۲: درخواست اعاده دادرسی به دیوان عالی کشور تسلیم می‌شود. این مرجع پس از احراز انطباق موضوع درخواست با یکی از جهات اعاده دادرسی، با تجویز اعاده دادرسی، رسیدگی مجدد را به دادگاه هم عرض دادگاه صادرکننده حکم قطعی، ارجاع می‌دهد و در غیر این صورت قرار رد اعاده دادرسی صادر می‌نماید.

نکته ۹۹۳: در صورتی که رییس قوه قضاییه رأی قطعی صادره از هر یک از مراجع قضایی را خلاف شرع بین تشخیص دهد با تجویز اعاده دادرسی، پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال تا در شعبی خاص که توسط رییس قوه قضاییه برای این امر تخصیص می‌یابد رسیدگی و رأی قطعی صادر نماید. شعب خاص مذکور مبنیاً بر خلاف شرع اعلام شده، رأی قطعی قبلی را نقض و رسیدگی مجدد اعم از شکلی و ماهوی بعمل می‌آورند و رأی مقتضی صادر می‌نمایند.

نکته ۹۹۴: آراء قطعی مراجع قضایی (اعم از حقوقی و کیفری) شامل احکام و قرارهای دیوان عالی کشور، سازمان قضایی نیروهای مسلح، دادگاه‌های تجدیدنظر و بدوی، دادسراها و شوراهای حل اختلاف می‌باشند.

نکته ۹۹۵: آراء شعب دیوان عالی کشور در باب تجویز اعاده دادرسی و نیز دستورهای موقت دادگاه‌ها، اگر توسط رییس قوه قضاییه خلاف بین شرع تشخیص داده شود، مشمول احکام مذکور در فوق می‌باشند.

نکته ۹۹۶: در صورتی که **رییس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح و یا رییس کل دادگستری استان** در انجام وظایف قانونی خود رأی قطعی **اعم از حقوقی یا کیفری** را خلاف بین شرع تشخیص دهند، می‌توانند با ذکر مستندات از رییس قوه قضاییه درخواست تجویز اعاده دادرسی نمایند. مفاد این حکم فقط برای **یک بار** قابل اعمال است، مگر اینکه خلاف شرع بین آن به جهت دیگری باشد.

نکته ۹۹۷: هرگاه رأی دیوان عالی کشور مبنی بر تجویز اعاده دادرسی باشد، یا طبق رأی خلاف بین شرع تشخیص داده شود توسط رییس قوه قضاییه، اجرای حکم تا صدور حکم مجدد به تعویق می‌افتد و چنانچه از متهم تأمین اخذ نشده و یا تأمین منتفی شده باشد یا متناسب نباشد، دادگاهی که پس از تجویز اعاده دادرسی به موضوع رسیدگی می‌کند، تأمین لازم را اخذ می‌نماید.

نکته ۹۹۸: در صورتی که مجازات مندرج در حکم، از نوع مجازات **سالب حیات** یا سایر مجازات‌های **بدنی یا قلع و قمع بنا** باشد، شعبه دیوان عالی کشور با وصول تقاضای اعاده دادرسی **قبل** از اتخاذ تصمیم درباره تقاضا، دستور توقف اجرای حکم را می‌دهد.

نکته ۹۹۹: پس از شروع به محاکمه جدید، هرگاه ادله‌ای که اقامه شده قوی باشد، قرار توقف آثار و تبعات حکم اولی، فوری صادر می‌شود و دادرسی مطابق قانون انجام می‌گیرد.

نکته ۱۰۰۰: هرگاه دادگاه پس از **رسیدگی ماهوی**، درخواست اعاده دادرسی را وارد تشخیص دهد، حکم مورد اعاده دادرسی را **نقض** و حکم مقتضی صادر می‌کند. در صورتی که درخواست اعاده دادرسی راجع به قسمتی از حکم باشد، فقط همان قسمت **نقض** یا اصلاح می‌شود. حکم دادگاه از حیث تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی تابع مقررات مربوط است.

نکته ۱۰۰۱: اگر جهت اعاده دادرسی، مغایرت دو حکم باشد، دادگاه پس از قبول اعاده دادرسی، هریک را که صحیح تشخیص دهد، تأیید و رأی دیگر را **نقض** می‌کند و چنانچه هر دو رأی را غیر صحیح تشخیص دهد، پس از **نقض** آن‌ها وفق مقررات رسیدگی می‌کند.

نکته ۱۰۰۲: نسبت به حکمی که پس از اعاده دادرسی صادر می‌شود، دیگر اعاده دادرسی از همان جهت پذیرفته نمی‌شود. مگر اینکه اعاده دادرسی از مصادیق خلاف بین شرع باشد و مغایرت رأی صادره با مسلمات فقهی به جهات دیگری غیر از جهت قبلی باشد و یا رأی جدید مجدداً همانند رأی قبلی مغایر با مسلمات فقهی صادر شده باشد.

نکته ۱۰۰۳: هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم **غیر قابل گذشت**، پس از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف‌نظر کند، محکوم‌علیه می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، درخواست کند در میزان مجازات او تجدیدنظر شود. در این صورت، دادگاه به درخواست محکوم‌علیه در وقت فوق‌العاده و با حضور دادستان یا نماینده او با رعایت مقررات ماده (۳۰۰) ق.آ.د.ک رسیدگی می‌کند و مجازات را در صورت اقتضاء در حدود قانون تخفیف می‌دهد یا به مجازاتی که مناسب‌تر به حال محکوم‌علیه باشد، تبدیل می‌کند. این رأی **قطعی** است.

نکته ۱۰۰۴: اجرای احکام کیفری بر عهده دادستان است و «معاونت اجرای احکام کیفری» تحت ریاست و نظارت وی در مناطقی که رییس قوه قضاییه تشخیص می‌دهد، در دادرسی عمومی عهده‌دار این وظیفه است.

نکته ۱۰۰۵: معاونت اجرای احکام کیفری، می‌تواند در صورت ضرورت دارای واحد یا واحدهای تخصصی برای اجرای احکام باشد.

نکته ۱۰۰۶: در حوزه قضایی بخش، اجرای احکام کیفری به عهده رییس دادگاه و در غیاب وی با دادرسی علی‌البدل است.

نکته ۱۰۰۷: معاونت اجرای احکام کیفری به تعداد لازم قاضی اجرای احکام کیفری، مددکار اجتماعی، مأمور اجرا و مأمور مراقبتی در اختیار دارد.

نکته ۱۰۰۸: قاضی اجرای احکام کیفری باید حداقل **سه سال** سابقه خدمت قضایی داشته باشد.

نکته ۱۰۰۹: قوه قضاییه به منظور انجام وظایف مددکاران اجتماعی، تشکیلات مناسبی تحت عنوان «مددکاری اجتماعی» را در **حوزه قضایی هر شهرستان** ایجاد می‌نماید.

نکته ۱۰۱۰: مددکاران اجتماعی از بین فارغ‌التحصیلان رشته‌های مددکاری اجتماعی، علوم تربیتی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی و حقوق استخدام می‌شوند.

نکته ۱۰۱۱: در رشته‌های مذکور، اولویت با فارغ‌التحصیلان رشته مددکاری اجتماعی است.

نکته ۱۰۱۲: در هر معاونت اجرای احکام کیفری، واحد سجل کیفری و عفو و بخشودگی برای انجام وظایف زیر تشکیل می شود:

الف- ایجاد بانک اطلاعاتی مجرمان خطرناک، متهمان تحت تعقیب و متواری و محکومان فراری؛

ب- تنظیم برگ سجل کیفری محکوم علیه در محکومیت های مؤثر کیفری با ثبت و درج مشخصات دقیق و اثرانگشت و تصویر وی به صورت الکترونیکی؛

پ- ثبت و ارسال درخواست عفو محکوم علیه و نیز پیشنهاد عفو یا تخفیف مجازات محکومان طبق مقررات.

نکته ۱۰۱۳: وظایف قاضی اجرای احکام کیفری عبارت است از:

الف- صدور دستور اجرای احکام لازم الاجرای کیفری و نظارت بر شیوه اجرای آن ها؛

ب- نظارت بر زندان ها در امور راجع به زندانیان؛

پ- اعلام نظر درباره زندانیان واجد شرایط عفو و آزادی مشروط مطابق قوانین و مقررات؛

ت- اعطای مرخصی به محکومان بر اساس قوانین و مقررات؛

ث- اتخاذ تصمیم درباره محکومان سالمند، مبتلایان به بیماری های روانی و بیماری های جسمی صعب العلاج و سایر افراد محکوم

نیازمند به مراقبت و توجه ویژه، از قبیل صدور اجازه بستری برای آن ها در مراکز درمانی بر اساس ضوابط و مقررات؛

ج- اجرای سایر وظایفی که به موجب قوانین و مقررات برای اجرای مجازات ها وضع شده یا بر عهده قاضی اجرای احکام کیفری یا ناظر زندان قرار گرفته است.

نکته ۱۰۱۴: آرای کیفری در موارد زیر پس از ابلاغ به موقع اجرا گذاشته می شود:

الف- رأی قطعی که دادگاه نخستین صادر می کند.

ب- رأیی که در مهلت قانونی نسبت به آن واخواهی یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام نشده باشد یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام آن رد شده باشد.

پ- رأیی که مرجع تجدیدنظر آن را تأیید یا پس از نقض رأی نخستین صادر کرده باشد.

ت- رأیی که به تأیید مرجع فرجام رسیده باشد.

نکته ۱۰۱۵: هرگاه قاضی اجرای احکام کیفری، رأی صادره را از لحاظ قانونی لازم الاجرا نداند، مراتب را با اطلاع دادستان به دادگاه

صادرکننده رأی قطعی اعلام و مطابق تصمیم دادگاه اقدام می کند.

نکته ۱۰۱۶: هرگاه رأی، در خصوص اشخاص متعدد صادر شده باشد و در موعد مقرر بعضی از آنان اعتراض و یا درخواست تجدیدنظر

یا فرجام کرده باشند، پس از گذشت مهلت اعتراض و یا تجدیدنظر یا فرجام در مورد بقیه لازم الاجرا است.

نکته ۱۰۱۷: اعتراض و یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام درباره یک قسمت از رأی، مانع از اجرای سایر قسمت های لازم الاجرای آن

نیست.

نکته ۱۰۱۸: عملیات اجرای رأی با دستور قاضی اجرای احکام کیفری شروع می شود و به هیچ وجه متوقف نمی شود، مگر در مواردی

که قانون مقرر نماید.

نکته ۱۰۱۹: آراء کیفری به دستور و تحت نظارت قاضی اجرای احکام کیفری اجرا می شود و در مواردی که طبق قانون، اجرای

رأی باید توسط وزارتخانه ها، مؤسسات و شرکت های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمان ها و نهادهایی که شمول قانون بر

آنان مستلزم ذکر یا تصریح نام است به عمل آید، قاضی اجرای احکام کیفری، ضمن صدور دستور اجرا و ارائه تعلیمات لازم، بر

چگونگی اجرا و اقدامات آن ها نظارت دارد.

نکته ۱۰۲۰: تمام ضابطان دادگستری، نیروهای انتظامی و نظامی، مقامات و مستخدمان وزارتخانه ها، مؤسسات و شرکت های دولتی

و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمان ها و نهادهایی که شمول قانون بر آنان مستلزم ذکر یا تصریح نام است، در حدود وظایف خود

مکلفند دستور قاضی اجرای احکام کیفری را در مقام اجرای رأی که مرتبط با اجرای آن است، رعایت کنند. متخلف از مقررات این

مقرره، علاوه بر تعقیب انتظامی و اداری، به مجازات مقرر قانونی نیز محکوم می شود.

نکته ۱۰۲۱: رفع ابهام و اجمال از رأی با دادگاه صادرکننده رأی قطعی است، اما رفع اشکالات مربوط به اجرای رأی با رعایت موازین شرعی و قانونی با قاضی اجرای احکام کیفری است که رأی زیر نظر او اجرا می‌شود.

نکته ۱۰۲۲: هرگاه شیوه اجرای رأی در دادنامه تعیین گردد، به همان ترتیب اجرا می‌شود و در صورت عدم تعیین شیوه اجرا، قاضی اجرای احکام کیفری مطابق مقررات قانونی، رأی را اجرا می‌کند.

نکته ۱۰۲۳: اجرای علنی مجازات ممنوع است، مگر در موارد الزام قانونی یا در صورتی که به لحاظ آثار و تبعات اجتماعی بزه ارتكابی، نحوه ارتكاب جرم و سوابق مرتکب و بیم تجری او یا دیگران، دادگاه خود یا به پیشنهاد دادستان اجرای علنی مجازات را ضروری تشخیص دهد و اجرای علنی مجازات را در رأی تصریح کند.

نکته ۱۰۲۴: محکوم‌علیه برای اجرای رأی احضار می‌شود و در صورت عدم حضور، به کفیل یا وثیقه‌گذار اخطار می‌شود تا محکوم‌علیه را برای اجرای رأی تسلیم کند. در این صورت، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند به طور هم‌زمان دستور جلب محکوم‌علیه را صادر کند.

نکته ۱۰۲۵: در صورتی که بیم فرار یا مخفی شدن محکوم‌علیه باشد، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند با ذکر دلیل در پرونده، از ابتدا دستور جلب محکوم‌علیه را صادر کند.

نکته ۱۰۲۶: اجرای مجازات در موارد زیر به تشخیص و دستور قاضی اجرای احکام به تعویق می‌افتد:
الف- دوران بارداری؛

ب- پس از زایمان حداکثر تا شش ماه؛

پ- دوران شیردهی حداکثر تا رسیدن طفل به سن دو سالگی؛

ت- اجرای مجازات شلاق در ایام حیض یا استحاضه.

نکته ۱۰۲۷: هرگاه محکوم‌علیه به بیماری جسمی یا روانی مبتلا باشد و اجرای مجازات موجب تشدید بیماری و یا تأخیر در بهبودی وی شود، قاضی اجرای احکام کیفری با کسب نظر پزشکی قانونی تا زمان بهبودی، اجرای مجازات را به تعویق می‌اندازد. چنانچه در جرائم تعزیری امیدوی به بهبودی بیمار نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری، پس از احراز بیماری محکوم‌علیه و مانع بودن آن برای اعمال مجازات، با ذکر دلیل، پرونده را برای تبدیل به مجازات مناسب دیگر با در نظر گرفتن نوع بیماری و مجازات به مرجع صادرکننده رأی قطعی ارسال می‌کند.

نکته ۱۰۲۸: هرگاه حین اجرای مجازات، بیماری حادث شود و تعویق اجرای مجازات فوریت داشته باشد، قاضی اجرای احکام کیفری، ضمن صدور دستور توقف اجرای آن، طبق مقررات مذکور در فوق اقدام می‌کند.

نکته ۱۰۲۹: هرگاه محکوم‌علیه در جرائم تعزیری، پس از صدور حکم قطعی، مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، اجرای حکم به تعویق می‌افتد؛ مگر در مورد مجازات‌های مالی که از اموال محکوم‌علیه وصول می‌شود.

نکته ۱۰۳۰: محکوم به حبس یا کسی که به علت عدم پرداخت جزای نقدی در حبس به سر می‌برد، در صورت جنون تا بهبودی در بیمارستان روانی یا مکان مناسب دیگری نگهداری می‌شود. این ایام جزء مدت محکومیت وی محاسبه می‌شود.

نکته ۱۰۳۱: در غیر مجازات حبس، هرگاه رییس قوه قضاییه با عفو یا تخفیف مجازات محکوم‌علیه برای پیشنهاد به مقام رهبری موافقت کند و دستور توقف اجرای حکم دهد، اجرای حکم متوقف می‌شود.

نکته ۱۰۳۲: در مواردی که مطابق مقررات، اجرای رأی موقوف می‌شود، قاضی اجرای احکام کیفری قرار موقوفی اجرا صادر می‌کند.

نکته ۱۰۳۳: موقوف شدن اجرای مجازات در حقوق شاکی یا مدعی خصوصی و اجرای احکام ضبط اشیاء و اموالی که وسیله ارتكاب جرم بوده و یا از ارتكاب جرم تحصیل شده است، تأثیری نخواهد داشت، مگر این که علت موقوف شدن اجرای مجازات، نسخ مجازات قانونی باشد.

نکته ۱۰۳۴: چنانچه اجرای مجازات مستلزم دسترسی به محکوم‌علیه به دفعات باشد و محکوم‌علیه در پرونده فاقد قرار تأمین بوده و یا قرار صادره متناسب نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری مطابق مقررات، قرار تأمین متناسب صادر می‌کند.

نکته ۱۰۳۵: قاضی اجرای احکام کیفری درباره درخواست محکوم‌علیه، کفیل یا وثیقه‌گذار مبنی بر **تبدیل قرار تأمین**، تغییر کفیل یا وثیقه‌گذار و یا جایگزینی وثیقه، تصمیم می‌گیرد.

نکته ۱۰۳۶: هرگاه اقدامات قاضی اجرای احکام کیفری منتهی به دسترسی به محکوم‌علیه نشود و بیم فرار وی از کشور باشد، می‌تواند **دستور منع خروج** او را از کشور صادر و به مراجع قانونی اعلام کند؛ اما به محض حضور یا دستگیری محکوم‌علیه نسبت به لغو این دستور اقدام می‌کند.

نکته ۱۰۳۷: هرگاه پس از صدور حکم معلوم شود محکوم‌علیه دارای محکومیت‌های قطعی دیگری است و اعمال مقررات تعدد، در میزان مجازات قابل اجرا مؤثر است، قاضی اجرای احکام کیفری به شرح زیر اقدام می‌کند:

الف- اگر احکام به طور قطعی صادر یا به لحاظ عدم تجدیدنظرخواهی قطعی شده باشند، در صورت تساوی دادگاه‌ها پرونده‌ها را به دادگاه صادرکننده آخرین حکم و در غیر این صورت به دادگاه دارای صلاحیت بالاتر ارسال می‌کند تا پس از نقض تمام احکام، با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم، حکم واحد صادر شود.

ب- اگر حداقل یکی از احکام در دادگاه تجدیدنظر استان صادر شده باشد، پرونده‌ها را به این دادگاه ارسال می‌کند تا پس از نقض تمام احکام با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم، حکم واحد صادر شود. چنانچه احکام از شعب مختلف دادگاه تجدیدنظر استان صادر شده باشد، شعبه صادرکننده **آخرین** حکم تجدیدنظرخواسته صلاحیت رسیدگی دارد.

پ- در سایر موارد و همچنین در صورتی که حداقل یکی از احکام در دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار گرفته باشد یا احکام متعدد در حوزه‌های قضایی استان‌های مختلف یا در دادگاه‌های با صلاحیت ذاتی متفاوت صادر شده باشد، پرونده‌ها را به دیوان عالی کشور ارسال می‌کند تا پس از نقض احکام، حسب مورد، مطابق بندهای (الف) یا (ب) اقدام شود.

نکته ۱۰۳۸: در موارد فوق، دادگاه در وقت فوق‌العاده بدون حضور طرفین به موضوع، رسیدگی و بدون ورود در شرایط و ماهیت محکومیت با رعایت مقررات تعدد جرم حکم واحد صادر می‌کند.

نکته ۱۰۳۹: هرگاه هنگام اجرای حکم معلوم شود محکوم‌علیه محکومیت‌های قطعی دیگری داشته است که در اعمال مقررات تکرار جرم مؤثر است، قاضی اجرای احکام کیفری، پرونده را نزد دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارسال می‌کند. در این صورت، چنانچه دادگاه، محکومیت‌های سابق را محرز دانست، مطابق مقررات اقدام می‌نماید.

نکته ۱۰۴۰: هرگاه حکم در دیوان عالی کشور تأیید شده باشد، پرونده به آن مرجع ارسال می‌شود تا چنانچه محکومیت‌های سابق را محرز دانست، حکم را نقض و پرونده را جهت صدور حکم به دادگاه صادرکننده آن ارسال کند.

نکته ۱۰۴۱: شخصی که به موجب حکم قطعی، برائت حاصل کند، می‌تواند حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی، از دادگاه صادرکننده حکم نخستین درخواست نماید که حکم برائت از محل اعتبارات مربوط به قوه قضاییه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر شود.

نکته ۱۰۴۲: اشخاص محکوم به حبس با ذکر مشخصات کامل، نوع جرم، میزان محکومیت، ایام بازداشت قبلی و مرجع صادرکننده حکم در برگه مخصوص، برای تحمل کیفر به زندان همان حوزه قضایی یا نزدیک‌ترین حوزه قضایی آن استان، حسب مورد، به همراه مأمور بدرقه زن و یا مرد و با رعایت موازین مراقبتی، اعزام و معرفی می‌شوند.

نکته ۱۰۴۳: زندان‌ها به زندان بسته، نیمه‌باز، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی از جمله کانون اصلاح و تربیت برای اطفال و نوجوانان تقسیم می‌شود.

نکته ۱۰۴۴: به جز مواردی که در قانون یا در حکم دادگاه تصریح شده است، محکومان با توجه به نوع و مدت محکومیت، پیشینه و شخصیتشان، بر اساس تصمیم شورای طبقه‌بندی و تأیید قاضی اجرای احکام در یکی از بخش‌های فوق نگهداری می‌شوند.

نکته ۱۰۴۵: در صورتی که محل اقامت محکوم به حبس، خارج از حوزه دادگاه صادرکننده حکم باشد، نامبرده برای تحمل ادامه حبس به زندان محل اقامت خود منتقل می‌شود. مگر اینکه این امر موجب مفسده باشد که در این صورت با تشخیص قاضی صادرکننده رأی قطعی به نزدیک‌ترین زندان به محل اقامت خود منتقل می‌شود. هزینه انتقال از محل اعتبارات قوه قضاییه پرداخت می‌شود.

نکته ۱۰۴۶: نگهداری محکومان و متهمان در یک مکان ممنوع است. نگهداری متهمان در بازداشتگاه‌ها و زیر نظر سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور صورت می‌گیرد.

نکته ۱۰۴۷: مدت تمام کیفرهای حبس از روزی شروع می‌شود که محکوم‌علیه به موجب حکم قطعی لازم‌الاجرا، حبس شود. چنانچه محکوم‌علیه پیش از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در همان پرونده مطرح بوده تحت نظر یا بازداشت شده باشد، مدت بازداشت قبلی از میزان حبس او کسر می‌شود.

نکته ۱۰۴۸: اگر مدت زمان تحت نظر یا بازداشت شدن متهم کمتر از بیست و چهار ساعت باشد، در احتساب ایام بازداشت، یک روز محاسبه می‌شود.

نکته ۱۰۴۹: در مورد محکومیت به مجازات‌های جایگزین حبس، شلاق و جزای نقدی، ایام بازداشت قبلی موضوع ماده فوق به شرح زیر محاسبه می‌شود:

الف- به ازای هرروز بازداشت قبلی، یک روز جزای نقدی روزانه، هشت ساعت خدمات عمومی و پنج روز از دوره مراقبت کسر می‌شود.

ب- در مورد محکومیت به شلاق به عنوان مجازات تعزیری به ازای هر روز بازداشت قبلی، سه ضربه از شلاق کسر می‌شود.

پ- در مورد محکومیت به جزای نقدی، مطابق مقررات فصل مربوط به نحوه اجرای محکومیت‌های مالی اقدام می‌شود.

نکته ۱۰۵۰: چنانچه قاضی صادرکننده حکم، ایام بازداشت قبلی را محاسبه نکرده باشد، قاضی اجرای احکام کیفری به احتساب این ایام، حسب ملاک‌های موضوع نکات فوق اقدام می‌کند.

نکته ۱۰۵۱: قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است دستور تعیین وقت پرونده محکوم به حبس را به گونه‌ای صادر کند که حداقل ده روز پیش از اتمام مدت حبس، پرونده تحت نظر قرار گیرد تا با تعیین تاریخ اتمام مدت حبس محکوم‌علیه، دستور آزادی وی را در تاریخ یاد شده صادر و به زندان اعلام کند. رییس زندان نیز مکلف است پس از اتمام مدت حبس چنانچه محکوم‌علیه به اتهام دیگری در بازداشت نباشد، فوری برای آزادی زندانی اقدام نماید و نتیجه اقدامات را بلافاصله به قاضی اجرای احکام کیفری اعلام کند.

نکته ۱۰۵۲: در صورتی که تخلف از نکته قبل منجر به حبس بیش از مدت مقرر در رأی گردد، قاضی اجرای احکام کیفری علاوه بر محکومیت انتظامی تا درجه چهار، طبق این قانون مسؤول پرداخت خسارت حبس اضافی به محکوم‌علیه است.

نکته ۱۰۵۳: رییس زندان مکلف است هرگونه انتقال یا اعزام زندانی به زندان یا حوزه‌های قضایی دیگر و نیز بازگشت وی را بلافاصله و حسب مورد، به قاضی اجرای احکام کیفری یا مرجع قضایی مربوط به طور کتبی و با ذکر ادله و سوابق اطلاع دهد.

نکته ۱۰۵۴: در صورتی که مجازات حبس با انفسال موقت از خدمت توأم باشد، اجرای مجازات انفسال موقت از زمان پایان یافتن مجازات حبس شروع می‌شود.

نکته ۱۰۵۵: مدت زمانی که محکوم‌علیه پیش از صدور حکم قطعی به موجب الزامات قانونی از خدمت معلق شده است، از میزان محکومیت وی به انفسال موقت کسر می‌شود.

نکته ۱۰۵۶: در صورتی که مداوای محکوم به حبس در خارج از زندان ضروری باشد، قاضی اجرای احکام کیفری، مدت زمان مورد نیاز برای مداوا را با توجه به نظر پزشکی قانونی تعیین می‌کند و با اخذ تأمین متناسب، اجرای حبس را به تعویق می‌اندازد و هرگاه محکوم‌علیه تأمین متناسب ندهد، معالجه وی در بیمارستان تحت نظر ضابطان صورت می‌گیرد و مدت معالجه جزء محکومیت وی محسوب می‌شود.

نکته ۱۰۵۷: اطفال تا سن دو سال تمام را نباید از مادری که محکوم به حبس یا تبعید شده است جدا کرد، مگر آن‌که مصلحت طفل اقتضاء کند. در این صورت کودک را به پدر و در صورت فقدان یا عدم صلاحیت وی به ترتیب به جد پدری یا وصی آن‌ها و یا نزدیکان وی با رعایت مراتب ارث و در صورت فقدان یا عدم صلاحیت آنان، به مؤسسات ذی صلاح سپرده می‌شود.

نکته ۱۰۵۸: در صورت ارتکاب تخلف انضباطی توسط زندانی، یکی از تئیهات زیر با رعایت تناسب از سوی شورای انضباطی تعیین و پس از تأیید قاضی اجرای احکام، اجرا می‌شود:

الف- انتقال از مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال به زندان بسته یا نیمه‌باز؛

ب- محرومیت از ملاقات حداکثر تا سه نوبت؛

پ- محرومیت از مرخصی حداکثر تا سه ماه؛

ت- محرومیت از پیشنهاد عفو و آزادی مشروط حداکثر تا شش ماه.

نکته ۱۰۵۹: کانون‌های اصلاح و تربیت، اماکنی هستند که برای نگهداری و تربیت اطفال و نوجوانان موضوع این قانون توسط سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، در مراکز استان‌ها و به تناسب نیاز و ضرورت با تشخیص رییس قوه قضاییه در سایر مناطق کشور ایجاد شده‌اند و یا ایجاد می‌شوند.

نکته ۱۰۶۰: قضاات دادگاه اطفال و نوجوانان مکلفند برای بررسی وضعیت قضایی مددجویان و طرز تعلیم و تربیت و پیشرفت اخلاقی آنان، حداقل هر ماه یک بار از کانون اصلاح و تربیت حوزه محل خدمت خود بازدید به عمل آورند. این امر مانع اجرای وظایف قانونی دادستان نیست.

نکته ۱۰۶۱: هرگاه حسب گزارش مدیران کانون، رفتار و اخلاق طفل یا نوجوانی، موجب فساد اخلاق اطفال و یا نوجوانان دیگر گردد، در صورت احراز موضوع توسط قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان و به دستور وی، طفل یا نوجوان مذکور در محل دیگری در همان قسمت نگهداری می‌شود و پس از اصلاح اخلاق و رفتارش با دستور دادگاه به محل قبلی بازگردانده می‌شود.

نکته ۱۰۶۲: هرکس به موجب حکم قطعی دادگاه به پرداخت جزای نقدی محکوم گردد و آن را نپردازد، اموال وی به وسیله مرجع اجرای حکم، شناسایی، توقیف و با رعایت مقررات راجع به مستثنیات دین از محل فروش آن‌ها نسبت به اجرای حکم اقدام می‌شود.

نکته ۱۰۶۳: در صورت فقدان مال یا عدم شناسایی آن، مرجع اجرای حکم می‌تواند با توقیف بخشی از حقوق طبق قانون اجرای احکام مدنی و یا تمام یا بخشی از سایر درآمدهای محکوم‌علیه برای وصول جزای نقدی اقدام مقتضی به عمل آورد. در صورت تقاضای تقسیط از جانب محکوم‌علیه و احراز قدرت وی به پرداخت اقساط، دادگاه نخستین که رأی زیر نظر آن اجرا می‌شود، می‌تواند با اخذ تضمین مناسب امر به تقسیط نماید.

نکته ۱۰۶۴: هرگاه اجرای حکم به طرق مذکور در فوق ممکن نگردد با رعایت مقررات مربوط به مجازات‌های جایگزین حبس به ترتیب زیر عمل می‌شود:

الف- در جزای نقدی تا پانزده میلیون ریال، هر سی هزار ریال به یک ساعت انجام خدمات عمومی رایگان تبدیل می‌شود.

ب- در جزای نقدی بالای پانزده میلیون ریال، همچنین در صورت عدم شرایط اجرای بند «الف» این ماده، هر سیصد هزار ریال به یک روز حبس تبدیل می‌شود.

نکته ۱۰۶۵: چنانچه محکوم‌علیه قبل از صدور حکم محکومیت قطعی به جزای نقدی، به دلیل اتهام یا اتهامات مطرح در پرونده در بازداشت بوده باشد، دادگاه پس از تعیین مجازات، ایام بازداشت قبلی را در ازای هر سیصد هزار ریال یک‌روز از مجازات تعیین شده کسر می‌کند. قضاات اجرای احکام موظف‌اند رعایت مراتب فوق را به هنگام اجرای حکم، مراقبت نمایند و در صورت عدم رعایت، خود اقدام کنند.

نکته ۱۰۶۶: صدور حکم تقسیط جزای نقدی با تبدیل آن به مجازات دیگر مانع استیفای مابه ازای بخش اجرای نشده آن از اموالی که بعداً از محکوم‌علیه به دست می‌آید، نیست.

نکته ۱۰۶۷: هرگاه محکوم‌علیه ظرف **ده روز** از تاریخ ابلاغ احضاریه قاضی اجرای احکام کیفری برای پرداخت جزای نقدی حاضر شود، قاضی اجرای احکام می‌تواند او را از پرداخت **بیست درصد** (۲۰٪) جزای نقدی معاف کند. دفتر قاضی اجرای احکام کیفری **مکلف** است در برگه احضاریه محکوم‌علیه معافیت موضوع این تبصره را قید کند.

نکته ۱۰۶۸: در صورت محکومیت اشخاص به جزای نقدی در مرحله بدوی، محکوم‌علیه می‌تواند قبل از قطعیت حکم از دادگاه صادرکننده تقاضای تقسیط کند. درخواست مذکور **به منزله اسقاط حق تجدیدنظرخواهی نیست.**

نکته ۱۰۶۹: دعوای تقسیط جزای نقدی در هر مورد باید به صورت **مستقل** مطرح شود.

نکته ۱۰۷۰: هرگاه محکوم‌علیه در زمان صدور حکم نخستین مبنی بر تقسیط از بابت مجازات بدل از جزای نقدی در حبس باشد بلافاصله به‌وسیله دادگاه صادرکننده رأی آزاد می‌شود. در هر صورت، قابلیت تجدیدنظرخواهی از رأی صادره درباره تقسیط مانع از اجرای رأی بدوی دایر بر تقسیط نیست.

نکته ۱۰۷۱: در صورت صدور حکم مبنی بر تقسیط جزای نقدی و عدم پرداخت به‌موقع اقساط از سوی محکوم‌علیه، با اعلام قاضی اجرای احکام، حکم تقسیط به‌وسیله دادگاه صادرکننده حکم قطعی لغو می‌شود و برای اجرای حکم اقدام قانونی مقتضی انجام می‌گیرد.

نکته ۱۰۷۲: پس از صدور حکم تقسیط، در صورت حصول تمکن مالی، محکوم‌علیه مکلف است مراتب را حداکثر ظرف سه‌ماه به قاضی مجری حکم اعلام نماید تا نسبت به وصول محکوم‌به اقدام شود. در غیر این‌صورت با اعلام قاضی اجرای احکام، دادگاه صادرکننده حکم قطعی نسبت به لغو حکم تقسیط اقدام می‌نماید.

نکته ۱۰۷۳: هرگاه محکوم‌علیه پیش از اتمام مهلت قانونی پرداخت دیه، به پرداخت تمام یا بخشی از آن اقدام کند، قاضی اجرای احکام کیفری ضمن پذیرش، مراتب را به محکوم‌له اعلام می‌کند.

نکته ۱۰۷۴: مهلت‌های پیش‌بینی شده برای پرداخت دیه جرائم شبه عمد و خطای محض مانع از پذیرش تقاضای اعسار و یا تقسیط نیست.

نکته ۱۰۷۵: هرگاه محکوم به پرداخت دیه فوت کند، قاضی اجرای احکام در صورت تقاضای محکوم‌له مطابق مقررات مربوط، دیه را از ماترک محکوم‌علیه استیفاء می‌کند.

نکته ۱۰۷۶: چنانچه حکم صادره متضمن بازگرداندن مال به شخص باشد و وی پس از شش ماه از تاریخ اخطاریه قاضی اجرای احکام کیفری، بدون عذر موجه برای دریافت مال منقول مراجعه نکند، قاضی اجرای احکام کیفری در صورت احتمال عقلائی فساد مال، می‌تواند دستور فروش مال را صادر کند. در این صورت مال به فروش می‌رسد و پس از کسر هزینه‌های مربوط در صندوق دادگستری تودیع می‌گردد.

نکته ۱۰۷۷: اجرای دستورهای دادستان و آراء لازم‌الاجرای دادگاه‌های کیفری در مورد ضبط و مصادره اموال، اخذ وجه التزام، وجه‌الکفاله یا وثیقه و نیز جزای نقدی، وصول دیه، رد مال و یا ضرر و زیان ناشی از جرم بر عهده **معاونت اجرای احکام کیفری** است.

نکته ۱۰۷۸: چنانچه اجرای دستور یا رأی در موارد فوق مستلزم توقیف و یا فروش اموال باشد، انجام عملیات مذکور مطابق مقررات **اجرای احکام مدنی** است.

نکته ۱۰۷۹: دادخواست تقسیط جزای نقدی از تاجر پذیرفته نمی‌شود. تاجری که متقاضی تقسیط محکوم‌به است باید مطابق مقررات قانون تجارت، **دادخواست ورشکستگی دهد**. کسبه جزء، مشمول این ماده نیستند.

نکته ۱۰۸۰: سایر مقررات و ترتیبات راجع به اجرای محکومیت‌های مالی تابع قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است.

نکته ۱۰۸۱: هرگاه **اجرای مجازات منوط به درخواست محکوم‌له باشد** و در تقاضای اجرای آن، بدون داشتن عذر موجه، تأخیر کند، به دستور قاضی اجرای احکام کیفری به وی ابلاغ می‌شود تا ظرف سه ماه تصمیم خود را درباره اجرای حکم اعلام کند. در صورت سپری شدن این مدت و عدم وصول درخواست اجرای حکم بدون عذر موجه، قاضی اجرای احکام کیفری، قرار تأمین صادره را لغو می‌کند. در این صورت، چنانچه محکوم‌علیه به علت دیگری در حبس نباشد، آزاد و پرونده به طور موقت بایگانی می‌شود.

نکته ۱۰۸۲: هرگاه محکوم به سلب حیات، در غیر جرایم مستوجب حد که قابل عفو نیستند و قصاص پس از لازم‌الاجرا شدن حکم و پیش از اجرای آن درخواست عفو کند، به دستور دادگاه صادرکننده حکم، اجرای آن فقط برای یک‌بار تا اعلام نتیجه از سوی کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین به تأخیر می‌افتد. کمیسیون مزبور مکلف است حداکثر ظرف دو ماه به این تقاضا رسیدگی و نتیجه را به دادگاه اعلام کند.

نکته ۱۰۸۳: قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است، حداقل یک هفته پیش از اجرای حکم سلب حیات موضوع نکته قبل مراتب را به محکوم‌علیه اعلام کند.

نکته ۱۰۸۴: پیش از اجرای حکم سلب حیات، مراسم مذهبی توسط اشخاص واجد صلاحیت اجرا می‌شود. هنگام اجرای حکم باید دادستان یا نماینده او، قاضی اجرای احکام کیفری، فرمانده نیروی انتظامی محل یا نماینده وی، پزشک قانونی یا پزشک معتمد و منشی دادگاه حضور داشته باشند. هرگاه اجرای حکم در محوطه زندان صورت گیرد، رییس زندان یا نماینده وی نیز حضور می‌یابد. وکیل محکوم‌علیه نیز می‌تواند برای اجرای حکم حاضر شود. پس از حاضر کردن محکوم‌علیه در محل اجرای حکم، منشی دادگاه، حکم را با صدای رسا قرائت می‌کند. سپس به دستور قاضی اجرای احکام کیفری، حکم اجرا شده، صورتمجلس تنظیم می‌شود و به امضای حاضران می‌رسد.

نکته ۱۰۸۵: احکام حدود و سایر احکام راجع به قصاص و دیات طبق مقررات مربوط اجرا می‌شود.

نکته ۱۰۸۶: شخصی که به تبعید یا اقامت اجباری محکوم شده است، به **دادسرای محل اجرای حکم** اعزام می‌شود.

نکته ۱۰۸۷: نظارت بر حضور و فعالیت محکومان در محل تبعید یا اقامت اجباری بر عهده **قاضی اجرای احکام کیفری محل اجرای حکم** است.

نکته ۱۰۸۸: اشخاصی که به منع از اقامت در نقطه‌ای معین محکوم می‌شوند، از محل تعیین شده اخراج می‌شوند و مراتب به نیروی انتظامی محل و سایر نهادها و مراجع مرتبط ابلاغ می‌شود.

نکته ۱۰۸۹: اجرای احکام **رفع تصرف عدوانی**، **مزاحمت و ممانعت از حق**، مطابق مقررات **اجرای احکام مدنی** است.

نکته ۱۰۹۰: در صورت تعلیق اجرای مجازات، قاضی اجرای احکام کیفری، محکوم‌علیه را احضار و در صورت عدم حضور بدون عذر موجه، جلب می‌کند و با حضور محکوم‌علیه، دستور یا دستورهای دادگاه، چگونگی اجرا و ضمانت عدم رعایت آن‌ها را به وی تفهیم و ابلاغ می‌نماید.

نکته ۱۰۹۱: هرگاه محکوم‌علیه پس از سپری شدن حداقل شش ماه از مدت تعلیق اجرای مجازات، به طور مستمر حسن اخلاق و رفتار نشان دهد، قاضی اجرای احکام کیفری، مراتب را با پیشنهاد کاهش مدت تعلیق یا لغو تمام یا برخی از دستورهای تعیین شده به دادگاه صادرکننده حکم اعلام می‌کند. دادگاه در وقت فوق‌العاده در مورد پیشنهاد قاضی اجرای احکام کیفری تصمیم می‌گیرد.

نکته ۱۰۹۲: در صورت عدم پذیرش پیشنهاد از سوی دادگاه، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند **هر دو ماه یک بار** تعلیق اجرای مجازات را به دادگاه پیشنهاد نماید.

نکته ۱۰۹۳: در جرایم مشمول نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند پس از وصول گزارش شورای طبقه‌بندی زندان و نظریه مددکاران اجتماعی معاونت اجرای احکام کیفری، مبنی بر آنکه اجرای یک فعالیت شغلی یا حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی و یا درمان پزشکی، از سوی محکوم‌علیه در خارج از محیط زندان، در فرایند اصلاح وی و یا جبران ضرر و زیان بزه‌دیده مؤثر است، به دادگاه صادرکننده حکم، پیشنهاد اجرای نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی را طبق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی دهد و مطابق تصمیم این دادگاه اقدام کند.

نکته ۱۰۹۴: قاضی اجرای احکام کیفری، پس از موافقت دادگاه با پیشنهاد موضوع ماده فوق، با اخذ تأمین متناسب از محکوم‌علیه، دستور اجرای تصمیم دادگاه را صادر و مراتب را به زندان اعلام می‌کند.

نکته ۱۰۹۵: صدور قرار تعلیق اجرای مجازات، حکم آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی طبق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی و دستور یا دستورهای قاضی اجرای احکام کیفری، آثار عدم تبعیت محکوم‌علیه یا متهم از آن‌ها و نیز آثار ارتکاب جرم جدید به شاکی یا مدعی خصوصی ابلاغ می‌شود. چنانچه محکوم‌علیه یا متهم در مدت مزبور بدون عذر موجه از دستور یا دستورهای قاضی اجرای احکام کیفری تبعیت نکند، یا مرتکب جرم عمدی شود، شاکی یا مدعی خصوصی می‌تواند مراتب را به قاضی اجرای احکام کیفری برای اجرای مقررات مربوط اعلام کند.

نکته ۱۰۹۶: محکوم علیه یا متهم مکلف است حسب مورد در طول دوره تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، تعویق صدور حکم و نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه های الکترونیکی، امکان نظارت مأمور مراقبتی را به شیوه ای که قاضی اجرای احکام کیفری مشخص می نماید، فراهم آورد و هرگونه اقدامی از قبیل تغییر شغل یا محل اقامت که اجرای کامل نظارت را با دشواری مواجه می سازد از قبل به اطلاع قاضی اجرای احکام کیفری برساند.

نکته ۱۰۹۷: شاکی باید هزینه شکایت کیفری را برابر قانون در هنگام طرح شکایت تأدیه کند. مدعی خصوصی هم که به تبع امر کیفری مطالبه ضرر و زیان می کند، باید هزینه دادرسی را مطابق مقررات مربوط به امور مدنی بپردازد. چنانچه شاکی توانایی پرداخت هزینه شکایت را نداشته باشد، به تشخیص دادستان یا دادگاهی که به موضوع رسیدگی می کند از پرداخت هزینه شکایت معاف می شود و هرگاه مدعی خصوصی توانایی پرداخت هزینه دادرسی را نداشته باشد، دادگاه می تواند او را از پرداخت هزینه دادرسی برای همان موضوعی که مورد ادعا است، به طور موقت معاف نماید. رسیدگی به امر کیفری را نمی توان به علت عدم تأدیه هزینه دادرسی از سوی مدعی خصوصی به تأخیر انداخت.

نکته ۱۰۹۸: پس از صدور حکم و هنگام اجرای آن، قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است هزینه دادرسی را از محل محکوم به استیفاء کند، مگر آنکه محکوم به از مستثنیات دین بوده و یا به میزانی نباشد که موجب خروج محکوم له از اعسار گردد.

نکته ۱۰۹۹: شاکی و متهم بابت هزینه انتشار آگهی، ایاب و ذهاب گواهان، حق الزحمه کارشناسان، مترجمان و پزشکان و سایر اشخاصی که به تشخیص مقام قضایی احضار می شوند، وجهی نمی پردازند و هزینه های مذکور از اعتبارات مربوط به قوه قضاییه پرداخت می شود، اما هرگاه اقدامات مذکور بنا به درخواست شاکی صورت گیرد، شاکی باید هزینه مقرر را مطابق قوانین و مقررات و تعرفه های مربوط، در مهلت تعیین شده، پرداخت کند. در صورتی که شاکی ملزم به پرداخت هزینه مذکور باشد و از پرداخت آن امتناع کند، هزینه مذکور از اعتبارات مربوط به قوه قضاییه پرداخت می شود و مراتب به اطلاع دادستان می رسد تا به دستور وی و از طریق اجرای احکام مدنی، با توقیف و فروش اموال شاکی، با رعایت مستثنیات دین، معادل هزینه پرداخت شده اخذ و به حساب مربوط در خزانه داری کل واریز شود. در هر صورت از متهم هیچ هزینه ای اخذ نمی شود.

نکته ۱۱۰۰: در صورتی که به تشخیص مقام قضایی، شاکی قادر به پرداخت هزینه های فوق نباشد، هزینه از اعتبارات قوه قضاییه پرداخت می شود.

نکته ۱۱۰۱: در موارد فوری به دستور مقام قضایی، اقدامات مذکور، پیش از پرداخت هزینه مربوط انجام می شود.

نکته ۱۱۰۲: میزان هزینه ایاب و ذهاب گواهان مطابق تعرفه ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می شود و به تصویب رییس قوه قضاییه می رسد.

نکته ۱۱۰۳: هزینه تطبیق رونوشت یا تصویر اسناد و تهیه آن ها برابر مقررات قانونی است.

نکته ۱۱۰۴: دادگاه مکلف است هنگام صدور حکم، تمامی هزینه هایی را که در جریان تحقیقات و محاکمه صورت گرفته است، به تفصیل تعیین و مسؤول پرداخت آن را معین کند.

نکته ۱۱۰۵: شاکی یا مدعی خصوصی می تواند در هر مرحله از دادرسی تمام هزینه های پرداخت شده دادرسی را از مدعی علیه طبق مقررات مطالبه کند. دادگاه پس از ذی حق شناختن وی، مکلف است هنگام صدور حکم، مدعی علیه را به پرداخت هزینه های مزبور ملزم کند.

نکته ۱۱۰۶: در صورت محکومیت متهم، پرداخت هزینه های دادرسی به عهده او است.

نکته ۱۱۰۷: هرگاه شخصی که به موجب حکم دادگاه مسؤول پرداخت هزینه دادرسی است، فوت کند، هزینه مذکور از **ماترک** وی وصول می شود.

توجه: با تغییر قانون آیین دادرسی کیفری ۱۰۰، ۹۲ سؤال تألیفی در این بخش آمده است.

۱- قانون جدید آیین دادرسی کیفری در چه تاریخی به تصویب رسیده است؟

الف) اسفند ۹۲ (ب) اردیبهشت ۹۲ (ج) اردیبهشت ۹۳ (د) خرداد ۹۳
۲- در نظام مختلط:

الف) تحقیقات مقدماتی بر عهده دادسرا و رسیدگی بر عهده دادگاه است.
ب) تحقیقات مقدماتی کتبی، غیرعلنی، سری و غیر ترافیعی و رسیدگی دادگاه علنی و ترافیعی است.
ج) تحقیقات مقدماتی به شیوه تفتیشی و رسیدگی دادگاه به صورت اتهامی است.
د) هر سه گزینه صحیح است.

۳- صدور قرار اناطه در دعوای مالکیت اموال غیرمنقول:

الف) مطلقاً ممنوع است. (ب) در صورت وجود سند عادی الزامی است.
ج) در صورت وجود سند رسمی الزامی است. (د) در صورت وجود سند عادی الزامی نیست.

۴- هرگاه ذی نفع ظرف مهلت مقرر از تاریخ صدور قرار اناطه برای اقامه دعوا به مرجع صالح مراجعه نکند، مرجع صادرکننده قرار چه اقدامی انجام می دهد؟

الف) پرونده را بایگانی می کند. (ب) به رسیدگی ادامه داده و تصمیم مقتضی اتخاذ می کند.
ج) به علت فقدان دلیل، قرار منع تعقیب صادر می کند. (د) رأساً از مرجع صالح تقاضای اتخاذ تصمیم مقتضی می نماید.

۵- هرگاه دادگاه کیفری متهم را از اتهام انتسابی تبرئه کند، نسبت به دعوای ضرر و زیان:

الف) در صورت تقدیم دادخواست، مکلف به رسیدگی است. (ب) در هر حال مکلف به رسیدگی است.
ج) ممنوع از رسیدگی است. (د) بین رسیدگی یا عدم رسیدگی مخیر است.

۶- هرگاه بر اثر ارتکاب جرم به اموال نیروهای مسلح خسارتی وارد شود، دادگاههای نظامی:

الف) حق رسیدگی به دعوای ضرر و زیان را ندارند.

ب) حتی بدون دادخواست به دعوای ضرر و زیان رسیدگی می کنند.

ج) در صورت تقدیم دادخواست به دعوای زیان رسیدگی می کنند.

د) هرگاه پرونده معد صدور رأی باشد به دعوای ضرر و زیان رسیدگی می کنند.

۷- طبق نظر اداره حقوقی قوه قضائیه اگر کسی شکوفه‌های درختان دیگری را از بین ببرد، وی حق مطالبه چه نوع ضرر و زیان را دارد؟

الف) ضرر و زیان مادی (ب) منافع ممکن‌الحصول

ج) ضرر و زیان مادی و منافع ممکن‌الحصول (د) ضرر و زیان معنوی

۸- ضابطین حق اخذ تأمین از متهم را.....

الف) مطلقاً ندارند. (ب) دارند.

ج) به دستور مقام قضایی دارند. (د) به دستور مقام قضایی و در برخی موارد دارند.

۹- در کدام یک از موارد زیر جرم مشهود نیست؟

الف) متهم بلافاصله بعد از وقوع جرم به آن اقرار کند. (ب) متهم بلافاصله بعد از وقوع جرم خودش را معرفی کند.

ج) صاحب خانه ورود مأموران را به داخل خانه تقاضا کند. (د) مجنی علیه بلافاصله بعد از وقوع جرم، متهم را معرفی کند.

۱۰- ضابطین حق تحت نظر نگهداشتن متهم را.....

الف) مطلقاً ندارند.

ب) در جرائم مشهود و پس از ابلاغ و تفهیم کتبی موضوع اتهام و ادله آن، حداکثر تا ۲۴ ساعت دارند.

ج) در جرائم مشهود و با اجازه مقام قضایی دارند.

د) در جرائم مشهود و حداکثر تا ۲۴ ساعت دارند.

۱۱- گذشت شاکی خصوصی چه تأثیری در اجرای احکام کیفری دارد؟

الف) مطلقاً بی تأثیر است. ب) مطلقاً باعث توقیف اجرای حکم است.

ج) اصولاً بی تأثیر است. د) در برخی جرائم (قابل گذشت) باعث توقف اجرای حکم است.

۱۲- در حوزه قضایی بخش وظایف بازپرس بر عهده چه کسی است؟

الف) رییس یا دادرس علی البدل ب) دادستان ج) رییس حوزه قضایی د) رییس و در صورت فقدان دادرسی علی البدل

۱۳- هرگاه دادستان تحقیقات بازپرس را ناقص بداند ولی بازپرس مخالف این موضوع باشد:

الف) حل اختلاف با دادگاه است.

ب) بازپرس مکلف به تکمیل تحقیقات است.

ج) بازپرس تکلیفی به تبعیت از نظر دادستان ندارد.

د) فقط در جرایمی که در صلاحیت دادگاه کیفری استان نیست، بازپرس مکلف به تکمیل تحقیقات است.

۱۴- تکلیف مقام صادرکننده قرار بازداشت به فک یا تمدید آن پس از یک یا دو ماه تا چه زمانی است؟

الف) پرونده منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نشده باشد. ب) کیفرخواست صادر نشده باشد.

ج) آخرین دفاع اخذ نشده باشد. د) ختم تحقیقات اعلام نشده باشد.

۱۵- تکلیف مقام صادرکننده قرار بازداشت به فک یا تمدید آن پس از یک یا دو ماه ناظر بر چه قرارهایی است؟

الف) فقط بازداشت موقت اجباری ب) بازداشت موقت اعم از اجباری و اختیاری

ج) بازداشت موقت اجباری و وثیقه منتهی به بازداشت د) کلیه قرارهای تأمین منتهی به بازداشت

۱۶- هرگاه بازپرس قرار بازداشت صادر کرده و دادستان مخالف باشد:

الف) حل اختلاف با دادگاه عمومی و انقلاب است. ب) حل اختلاف با دادگاه صالح است.

ج) نظر دادستان متبع است. د) نظر بازپرس متبع است.

۱۷- در کدامیک از موارد زیر قرار منع تعقیب صادر نمی شود؟

الف) عمل متهم متضمن جرمی نباشد. ب) جرم در مقام دفاع مشروع واقع شده باشد.

ج) دلیل کافی وجود نداشته باشد. د) شاکی در جرائم قابل گذشت، گذشت کرده باشد.

۱۸- شاکی خصوصی حق اعتراض به کدامیک از قرارهای زیر را دارد؟

الف) اناطه ب) تشدید تأمین ج) عدم صلاحیت د) تخفیف تأمین

۱۹- در جرایمی که در صلاحیت دادگاه کیفری یک است:

الف) دادستان دارای اختیارات بازپرس است.

ب) در زمان غیبت بازپرس، دادستان دارای اختیارات بازپرس است.

ج) دادستان و دادیاران او، مجاز به انجام تحقیقات نیستند و انجام تحقیقات منحصراً با بازپرس و در صورت غیبت او با دادرس دادگاه است.

د) دادستان در صورت غیبت بازپرس، می تواند انجام تحقیقات را به طور جزئی به یکی از دادیاران ارجاع کند.

۲۰- شخص الف متهم است به سرقت تعزیری در کرج، قتل عمدی در تهران که در قزوین دستگیر می شود،

رسیدگی به اتهامات او در صلاحیت چه دادگاه یا دادگاههایی است؟

الف) هر دو اتهام در دادگاه کیفری یک تهران.

ب) سرقت در دادگاه کیفری دو کرج و قتل در دادگاه کیفری یک تهران.

ج) قتل در دادگاه کیفری یک تهران و سرقت در دادگاه کیفری دو قزوین.

د) هر دو اتهام در دادگاه کیفری یک قزوین.

۲۱- در حقوق ایران غیر از دادسرا و دادگاه محل وقوع جرم، کدام یک از دادگاه‌های زیر نیز صلاحیت رسیدگی دارند؟

(الف) محل کشف جرم، محل اقامت شاکی، محل دستگیری متهم.

(ب) محل کشف جرم، محل دستگیری متهم، محل اقامت متهم یا مظنون.

(ج) محل اقامت شاکی، محل اقامت متهم، محل دستگیری متهم.

(د) محل کشف جرم، محل اقامت شاکی، محل اقامت متهم.

۲۲- هرگاه الف در تهران مرتکب جرمی شده و به خارج از کشور برود و در برگشت در فرودگاه شیراز دستگیر شود، رسیدگی به اتهام او در صلاحیت چه دادگاهی است؟

(الف) هرکدام از دادگاه‌های شیراز و تهران که زودتر شروع به تعقیب کرده باشند.

(ب) شیراز

(ج) تهران

(د) شیراز مگر جرم از جرائمی باشد که الزاماً باید در دادگاه‌های تهران رسیدگی شود.

۲۳- به جرائم شرکاء و معاونین جرم در دادگاه متهم اصلی رسیدگی می‌شود مگر مرتکب:

(الف) نظامی بوده و معاون او غیرنظامی باشد. (ب) روحانی بوده و معاون غیرروحانی باشد.

(ج) بزرگسال بوده و معاون او طفل باشد. (د) هر سه مورد.

۲۴- حدوث اختلاف بین دادسرای نظامی و دادگاه عمومی:

(الف) متصور بوده و مرجع حل آن دیوان عالی کشور است.

(ب) متصور بوده و مرجع حل آن رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح است.

(ج) متصور بوده و مرجع حل آن حسب مورد دادگاه تجدیدنظر یا دیوان عالی کشور است.

(د) متصور نبوده و نظر دادگاه برای دادسرا لازم‌الاتباع است.

۲۵- در کدام یک از موارد زیر اعطای نیابت قضایی ممنوع است؟

(الف) اقرار متهم مستند رأی دادگاه باشد. (ب) شهادت شاهد مستند رأی دادگاه باشد.

(ج) شهادت بر شهادت مستند رأی دادگاه باشد. (د) هر سه مورد.

۲۶- هرگاه دادسرا با اعطای نیابت درخواست تحقیق از متهمی را بنماید در مورد نوع تأمین:

(الف) مکلف است که نوع تأمین را مشخص کند و مرجع مجری نیابت نیز مکلف به پذیرش آن است.

(ب) می‌تواند نوع تأمین را مشخص کند و مرجع مجری نیابت نیز مکلف به پذیرش آن است.

(ج) می‌تواند نوع تأمین را مشخص کند و مرجع مجری نیابت نیز مکلف به پذیرش آن است، ولی در صورتی که مرجع مجری نیابت آن را

متناسب نداند، طبق نظر خودش، تأمین متناسبی اخذ می‌کند.

(د) حق مشخص کردن تأمین را ندارد.

۲۷- رسیدگی به جرائم دارندگان پایه‌های قضایی در صلاحیت چه مرجعی است؟

(الف) دادگاه کیفری یک تهران (ب) دادگاه مرکز استان محل وقوع جرم

(ج) دادگاه انتظامی قضات تهران (د) حسب مورد یکی از دادگاه‌های کیفری تهران

۲۸- رسیدگی به جرائم کدام یک از افراد زیر در صلاحیت دادگاه‌های کیفری تهران نیست؟

(الف) فرمانداران (ب) استانداران (ج) شهرداران (د) هر سه مورد هست.

۲۹- در حقوق ایران جلب، بدون احضار قبلی:

(الف) در هیچ موردی جایز نیست. (ب) در کلیه مواردی که قاضی تشخیص دهد جایز است.

(ج) فقط در جرائم مستوجب مجازات سالب حیات جایز است. (د) در برخی موارد مصرح در قانون جایز است.

۳۰- متهمی که علیرغم ابلاغ قبلی، نزد مرجع قضایی حاضر نشده است:

الف) باید جلب شود.

ب) در صورت نداشتن عذر موجه، جلب می شود.

ج) فقط برای یک بار دیگر، مجدداً احضار می شود.

د) اگر ابلاغ، قانونی بوده، می تواند مجدداً احضار شود ولی اگر ابلاغ واقعی بوده و عذر موجه نداشته باشد، جلب می شود.

۳۱- کدام یک از موارد زیر، عذر موجه محسوب نمی شود؟

الف) فوت عمو ب) فوت برادرزاده ج) فوت همسر د) هر سه مورد محسوب می شود.

۳۲- رسیدگی به کدام یک از جرائم زیر در صلاحیت دادگاه کیفری یک نیست؟

الف) جرمی که مجازات آن قصاص عضو باشد. ب) جرمی که مجازات آن قطع عضو باشد.

ج) جرائم سیاسی و مطبوعاتی د) جنایت موجب پرداخت دیه کامل

۳۳- رسیدگی به کدام یک از جرائم زیر در صلاحیت دادگاه کیفری دو است؟

الف) فراری دادن محکومان مواد مخدر ب) نگهداری مواد روان گردان

ج) اسیدپاشی د) هیچکدام

۳۴- در قوانین موضوعه ایران متهم حق سکوت:

الف) ندارد. ب) دارد و این موضوع در قانون تصریح شده است.

ج) دارد و این موضوع به طور ضمنی از قانون استنباط می شود. د) دارد و مقام قضایی مکلف به اعلام این حق به او می باشد.

۳۵- در قوانین موضوعه ایران متهم حق داشتن وکیل را در مرحله تحقیقات مقدماتی:

الف) در همه جرائم دارد.

ب) جز در جرائم امنیتی در همه جرائم دارد.

ج) جز در موارد محرمانه، جرائم امنیتی و مواردی که حضور غیرمتهم به تشخیص قاضی موجب فساد است، دارد.

د) ندارد.

۳۶- آیا بازپرس مکلف است که به متهم تذکر بدهد که مواظب اظهارات خود باشد؟

الف) خیر ب) بله در همه جرائم

ج) فقط در جرائم مهم د) فقط در جرائم داخل در صلاحیت دادگاه کیفری استان

۳۷- سوالات مطرح شده در مرحله تحقیقات مقدماتی باید:

الف) مفید و مرتبط با اتهامات انتسابی باشد. ب) تلقینی نباشد.

ج) مرتبط با پرونده باشد. د) هر سه مورد.

۳۸- متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی چند نفر وکیل می تواند داشته باشد؟

الف) یک نفر ب) دو نفر ج) نامحدود د) نمی تواند وکیل داشته باشد.

۳۹- جلب متهم....

الف) باید در روز باشد. ب) در موارد فوری در شب جایز است.

ج) در موارد ضرورت در شب جایز است. د) در کلیه مواردی که قاضی تشخیص دهد، در شب جایز است.

۴۰- هرگاه قاضی دادگاه قرار بازداشت موقت صادر کرده و رییس حوزه قضایی با آن مخالف باشد تکلیف چیست؟

الف) قانون ساکت است. ب) نظر رییس حوزه قضایی متبع است.

ج) پرونده برای حل اختلاف به دادگاه تجدیدنظر فرستاده می شود. د) هیچ کدام

۴۱- متهمی با سابقه محکومیت قطعی به سرقت مرتکب جعل شده است در مورد او چه قراری باید صادر شود؟

الف) وثیقه ب) كفالت ج) بازداشت موقت د) هر قراری که مقام قضایی صلاح بداند.

۴۲- نظارت قضایی هرگاه توسط بازپرس صادر شود احتیاج به موافقت دادستان.... و قابل اعتراض.....

الف) دارد - هست ب) ندارد - نیست ج) ندارد - هست د) دارد - نیست

۴۳- قرار نظارت قضایی هرگاه از سوی دادگاه صادر شود قابل اعتراض.....

الف) نیست ب) است ظرف مدت ۲۰ روز در دادگاه تجدیدنظر

ج) است ظرف مدت ۱۰ روز در دادگاه تجدیدنظر د) است نزد رییس حوزه قضایی

۴۴- در حال حاضر صدور دستور ضبط وثیقه با چه مرجعی است؟

الف) رییس حوزه قضایی ب) مقام صادرکننده قرار ج) رییس دادگستری یا قاضی دادگاه حسب مورد د) دادستان

۴۵- طبق ماده ۲۳۵ ق.آ.د. ک مرجع اعتراض نسبت به صدور دستور ضبط تأمین.....

الف) دادگاه کیفری دو یا انقلاب است. ب) دادگاه کیفری دو است.

ج) دادگاه تجدیدنظر استان است. د) دادستان است.

۴۶- در چه جرایمی می‌توان قرار نظارت قضایی صادر کرد؟

الف) در کلیه جرائم مالی ب) در کلیه جرائم با توجه به اهمیت جرم و دلایل جرم

ج) در جرائم مستوجب قصاص، اعدام، رجم، حبس ابد د) در جرائم مستوجب قصاص، اعدام، رجم و حبس‌های بیش از ۱۰ سال

۴۷- وثیقه اعم است از:

الف) وجه نقد یا مال غیرمنقول ب) وجه نقد، مال منقول، اوراق بهادار، اشیاء قیمتی

ج) وجه نقد یا ضمانت‌نامه بانکی یا مال منقول یا غیرمنقول د) وجه نقد که باید به صندوق دادگستری سپرده شود.

۴۸- بازداشت کفیل برای وصول وجه الكفاله...

الف) فاقد وجهت قانونی است. ب) در صورت تقاضای شاکی خصوصی جایز است.

ج) به ازای هر ۲۰ هزار تومان یک روز جایز است. د) به ازای هر ۳۰ هزار تومان یک روز جایز است.

۴۹- قرار کفالت قابل اعتراض است یا قرار وثیقه؟

الف) کفالت ب) وثیقه ج) هر دو د) هیچکدام

۵۰- کفیل یا وثیقه گذار..... با معرفی متهم می‌توانند تقاضای رفع مسئولیت خود را بنمایند.

الف) تا قبل از صدور حکم بدوی ب) تا قبل از صدور حکم قطعی

ج) در هر مرحله از تحقیقات و دادرسی د) تا قبل از صدور کیفرخواست

۵۱- در جرم صدور چک پرداخت نشدنی قرار تأمین.....

الف) فقط وثیقه یا کفالت است. ب) فقط وثیقه است.

ج) فقط وجه نقد یا ضمانت‌نامه بانکی است. د) هر قرار است که مقام قضایی تشخیص دهد.

۵۲- در پرونده‌ای با موضوع ۱۰۰ میلیون کلاهبرداری بازپرس ۲۰۰ میلیون قرار وثیقه صادر کرده و متهم خانه‌ای

به ارزش ۵۰۰ میلیون را جهت وثیقه معرفی کرده است حال چنانچه متهم تخلف کرده و در مواقع لزوم حاضر

نشود؟

الف) هر ۵۰۰ میلیون به نفع دولت ضبط می‌شود.

ب) ۱۰۰ میلیون به شاکی پرداخت شده و مابقی به نفع دولت ضبط می‌شود.

ج) ۱۰۰ میلیون به شاکی پرداخت شده و ۱۰۰ میلیون به نفع دولت ضبط می‌شود و مابقی برگردانده می‌شود.

د) هیچکدام.

۵۳- اگر دادیار قرار کفالت را به وثیقه تبدیل کند این قرار احتیاج به موافقت دادستان.... و قابل اعتراض.....

الف) دارد - هست ب) دارد - نیست ج) ندارد - نیست د) ندارد - هست

۵۴- در کدام یک از موارد زیر قرار تأمین ملغی الاثر نمی‌شود؟ صدور:

الف) قرار منع تعقیب (ب) قرار موقوفی تعقیب (ج) حکم برائت (د) حکم محکومیت

۵۵- قرار ترک تعقیب در چه مواردی صادر می شود؟

الف) دادستان تعقیب متهم را مقتضی نداند. (ب) دلایل کافی علیه متهم وجود نداشته باشد.

ج) در جرائم قابل گذشت، شاکی درخواست ترک محاکمه نماید. (د) عمل متهم متضمن جرمی نباشد.

۵۶- فاصله بین ابلاغ احضاریه و موعد احضار در دادسرا؛

الف) حداقل پنج روز است (ب) حداقل سه روز است مگر در موارد فوری.

ج) سه روز است. (د) یک هفته است مگر در موارد فوری.

۵۷- هرگاه متهم از دادگاه بدوی تقاضای تخفیف تأمین کند:

الف) دادگاه به این موضوع رسیدگی و قرار مقتضی صادر می کند، این رأی قطعی است.

ب) دادگاه به این موضوع رسیدگی و قرار مقتضی صادر می کند، این رأی قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر است.

ج) دادگاه فقط در صورتی حق رسیدگی دارد که تأمین را قبلاً خودش اخذ کرده باشد و در این صورت، رأی دادگاه قطعی است.

د) در صورت عدم مخالفت دادستان، تصمیم دادگاه مبنی بر تخفیف تأمین قطعی و گرنه قابل اعتراض از سوی دادستان است.

۵۸- به اتهامات متعدد متهم.....

الف) باید توأمأ و یکجا رسیدگی شود مگر آنکه رسیدگی به تمامی آنها موجب تعویق باشد که در این صورت رسیدگی متوقف می شود.

ب) باید توأمأ و یکجا رسیدگی شود حتی اگر در صلاحیت ذاتی دادگاههای مختلف باشند.

ج) باید توأمأ و یکجا رسیدگی شود مگر آنکه رسیدگی به تمام آنها موجب تعویق باشد که در این صورت دادگاه نسبت به اتهاماتی که

محیا برای صدور حکم است تصمیم می گیرد.

د) باید به صورت جداگانه رسیدگی و برای هر یک حکم جداگانه صادر شود.

۵۹- هرگاه پس از صدور حکم معلوم گردد محکوم علیه دارای محکومیت های قطعی دیگری بوده که مشمول

مقررات تعدد جرم است و یکی از احکام در دیوان عالی کشور تأیید شده باشد؛

الف) پرونده به آن شعبه دیوان فرستاده می شود تا کلیه احکام را نقض و پرونده را جهت صدور حکم واحه به دادگاه هم عرض ارسال

کند.

ب) پرونده به آن شعبه دیوان فرستاده می شود تا حکم آخر را تأیید و سایر احکام را نقض کند.

ج) پرونده به آن شعبه دیوان فرستاده می شود تا با نقض کلیه احکام پرونده را جهت صدور حکم واحد حسب مورد به دادگاه صالح

ارسال کند.

د) با توجه به قطعیت احکام هیچ اقدامی متصور نیست.

۶۰- متهم در مرحله ی رسیدگی دادگاه چند نفر وکیل می تواند همراه داشته باشد؟

الف) محدودیت ندارد. (ب) دو نفر (ج) سه نفر (د) حسب مورد حداکثر دو یا سه نفر

۶۱- در کدامیک از موارد زیر در مرحله دادرسی تعیین وکیل تسخیری برای متهم الزامی است؟

الف) مجازات جرم حبس ابد باشد. (ب) مجازات جرم اعدام باشد.

ج) مجازات جرم قصاص نفس باشد. (د) هر سه مورد.

۶۲- دادگاه مکلف است کدامیک از موارد زیر را در صورت مجلس قید کند؟

الف) عین اظهارات شود. (ب) عین اظهارات اهل خبره

ج) عین اظهارات طرفین (د) هر سه مورد

۶۳- پسر ۱۴ ساله ای با مقداری مواد مخدر که مجازات قانونی حمل آنها اعدام است دستگیر می شود. رسیدگی

به اتهام او در صلاحیت چه دادگاهی است؟

الف) کیفری یک (ب) انقلاب (ج) کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان (د) اطفال

۶۴- هرگاه در محلی به علت نبودن دادگاه نظامی ۲، دادگاه نظامی ۱ به جرائم داخل در صلاحیت دادگاه نظامی ۲ رسیدگی کرده باشد، در این فرض مرجع تجدیدنظر احکام دادگاه نظامی ۱ کجاست؟

الف) قابل اعتراض نیست (ب) شعبه هم‌عرض دادگاه نظامی ۱ (ج) دیوان عالی کشور (د) رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح
۶۵- کدام یک از اشخاص زیر حق تجدیدنظرخواهی ندارند؟

الف) محکوم‌علیه یا وکیل او (ب) شاکی خصوصی یا وکیل او (ج) دادستان عمومی و انقلاب (د) رییس حوزه قضایی
۶۶- کدام گزینه از جهات تجدیدنظرخواهی محسوب نمی‌شود؟

الف) مخالف بودن رأی با قانون (ب) عدم صلاحیت قاضی (ج) مخالف بودن رأی با شرع (د) عدم صلاحیت دادگاه

۶۷- تجدیدنظرخواهی محکوم‌علیه زندانی نسبت به محکومیت کیفری و ضرر و زیان مستلزم پرداخت هزینه.....

الف) امور کیفری است (ب) امور حقوقی است. (ج) نیست (د) امور حقوقی نیست.

۶۸- هرگاه درخواست تجدیدنظر ناقص باشد و پس از احضار مدیر دفتر، متقاضی، در مهلت مقرر، نقایص را برطرف نکند چه تصمیمی اتخاذ می‌شود؟

الف) قرار رد درخواست تجدیدنظر از دادگاه بدوی (ب) قرار ابطال درخواست تجدیدنظر از دادگاه بدوی

ج) قرار رد درخواست تجدیدنظر از دادگاه تجدیدنظر (د) قرار ابطال درخواست تجدیدنظر از دادگاه تجدیدنظر

۶۹- هرگاه طرفین دعوا یا توافق کتبی حق تجدیدنظرخواهی خود را ساقط کنند:

الف) این توافق معتبر نیست زیرا تجدیدنظر از قواعد آمره است. (ب) این توافق در صورت تأیید دادگاه معتبر است.

ج) این توافق معتبر بوده و قابل عدول نیست. (د) فقط اگر توافق به موجب سند رسمی باشد قابل عدول نبوده و معتبر است.

۷۰- آراء صادره از دادگاه فاقد صلاحیت ذاتی:

الف) درهرحال نقض می‌شود.

ب) درهر حال به قوت خود باقی است.

ج) فقط در صورتی که هر دو طرف به آن استناد نمایند، نقض می‌شود.

د) چنانچه هریک از طرفین دعوا در تجدیدنظرخواهی خود به آن ایراد نمایند، باعث نقض رأی است.

۷۱- کدام گزینه از مصادیق عدم صلاحیت ذاتی نیست؟

الف) صلاحیت دادگاه کیفری دو نسبت به دادگاه انقلاب (ب) صلاحیت دادگاه بالاتر نسبت به دادگاه پایین‌تر

ج) صلاحیت دادگاه انقلاب نسبت به دادگاه کیفری دو (د) صلاحیت دادگاه پایین‌تر نسبت به دادگاه بالاتر

۷۲- در مرحله تجدیدنظر برای رسیدگی ماهوی به اعتراض اصل بر:

الف) عدم تعیین وقت رسیدگی است مگر دادگاه تجدیدنظر حضور افراد را لازم بداند که در این صورت آنان را احضار می‌کند و عدم حضور افراد احضار شده، مانع رسیدگی نیست.

ب) عدم تعیین وقت رسیدگی است مگر دادگاه تجدیدنظر حضور افراد را لازم بداند که در این صورت آنان را احضار می‌کند و عدم حضور افراد احضار شده، باعث توقف رسیدگی است.

ج) تعیین وقت رسیدگی و احضار طرفین است ولی عدم حضور آن‌ها مانع رسیدگی نیست.

د) تعیین وقت رسیدگی و احضار طرفین است ولی عدم حضور آن‌ها باعث توقف رسیدگی است.

۷۳- کدام یک از موارد زیر در مرحله تجدیدنظر همانند مرحله بدوی است؟

الف) احضار (ب) جلب (ج) رسیدگی به دلایل (د) همه موارد

۷۴- هرگاه از حکمی درخواست تجدیدنظر شود و دادگاه تجدیدنظر متوجه شود که تأمین اخذ شده از متهم، متناسب نیست:

الف) با مشخص کردن نوع تأمین پرونده را به دادسرا می‌فرستد تا تأمین متناسب اخذ شود.

ب) طبق نظر خودش تأمین متناسبی اخذ می کند.

ج) پرونده جهت اخذ تأمین متناسب به دادگاه بدوی اعاده می شود.

د) پرونده با مشخص کردن نوع تأمین به دادگاه بدوی فرستاده می شود تا تأمین متناسب را اخذ کند.

۷۵- هرگاه عملی که متهم به اتهام ارتکاب آن محکوم شده به فرض ثبوت جرم نباشد دادگاه تجدیدنظر چه تصمیمی را اتخاذ می کند؟

الف) حکم برائت ب) قرار منع تعقیب ج) قرار موقوفی تعقیب د) هر یک حسب مورد

۷۶- هرگاه در دادگاه تجدیدنظر متهم مستحق تخفیف شناخته شود:

الف) فقط در صورتی که متهم تقاضای تجدیدنظر کرده باشد، دادگاه تجدیدنظر می تواند مجازات را تخفیف دهد.

ب) فقط در صورتی که متهم تقاضای تخفیف کرده باشد، دادگاه تجدیدنظر می تواند مجازات را تخفیف دهد.

ج) فقط در صورتی که رأی بدوی نقض و رأی جدیدی صادر شود، دادگاه تجدیدنظر می تواند مجازات را تخفیف دهد.

د) دادگاه تجدیدنظر ضمن تأیید اساس حکم بدوی می تواند مجازات را تخفیف دهد هر چند محکوم علیه تقاضای تجدیدنظر نکرده باشد.

۷۷- در کدام یک از موارد زیر دادگاه تجدیدنظر پس از نقض رأی، رأساً مبادرت به صدور رأی مقتضی می نماید؟

الف) نقض قرار ب) نقض به علت عدم صلاحیت ج) نقض به علت مخالفت رأی با قانون د) هر سه مورد

۷۸- در کدام یک از موارد زیر پس از نقض رأی در دیوان عالی کشور، پرونده به دادگاه هم عرض ارجاع می شود؟

الف) نقض به علت نقض تحقیقات ب) نقض به علت مخالفت رأی با قانون

ج) نقض قرار د) نقض به علت عدم صلاحیت

۷۹- در حوزه هایی که دادگاه کیفری یک تشکیل نشده است، به جرائم موضوع صلاحیت آن ...

الف) در نزدیک ترین دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی آن استان رسیدگی می شود.

ب) در نزدیک ترین دادگاه کیفری یک حوزه قضایی مجاور رسیدگی می شود.

ج) در دادگاه انقلاب با سیستم تعدد قاضی رسیدگی می شود.

د) در دادگاه کیفری دو با سیستم تعدد قاضی رسیدگی می شود.

۸۰- در کدام یک از دادگاه های زیر همواره تعدد قاضی وجود دارد؟

الف) کیفری دو ب) انقلاب ج) کیفری یک د) ویژه روحانیت

۸۱- مرجع تجویز اعاده دادرسی در امور کیفری کدام است؟

الف) دیوان عالی کشور ب) همان دادگاه صادرکننده حکم قطعی

ج) ریس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور د) شعبه تشخیص دیوان عالی کشور

۸۲- اعاده دادرسی نسبت به چه آراییی ممکن است؟

الف) کلیه آرا قطعی اعم از احکام و قرارها

ب) احکام قطعی اجرانشده

ج) احکام قطعی اعم از آنکه اجرا شده باشند یا نه

د) احکام محکومیت قطعی خواه اجرا شده باشند خواه اجرا نشده باشند

۸۳- کدام گزینه از جهات اعاده دادرسی نیست؟

الف) اثبات جعلی بودن اسناد مبنای صدور حکم

ب) اثبات دروغ بودن شهادت شهود

ج) اشتباه قاضی در تعیین کیفر.

د) گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم غیر قابل گذشت بعد از صدور حکم قطعی

۸۴- کدام یک از اشخاص زیر حق اعاده دادرسی ندارد؟

- الف) دادستان کل کشور (ب) ریس دیوان عالی کل کشور (ج) دادستان مجری حکم (د) وکیل محکوم علیه
- ۸۵- پس از تجویز اعاده دادرسی کدام مرجع مجدداً به موضوع رسیدگی می‌کنند؟
- الف) دادگاه هم‌عرض دادگاه صادرکننده حکم قطعی (ب) دادگاه صادرکننده حکم قطعی
- ج) دادگاه صادرکننده بدوی (د) دادگاه صادرکننده حکم بدوی

۸۶- صرف تقاضای اعاده دادرسی:

- الف) مطلقاً باعث توقف اجرای حکم است. (ب) در احکام اعدام و قصاص که باعث توقف اجرای حکم است.
- ج) مطلقاً باعث توقف اجرای حکم نیست. (د) در مجازات‌های بدنی باعث توقف اجرای حکم است.

۸۷- در صورت تجویز اعاده چنانچه از متهم تأمین اخذ نشده باشد چه مرجعی از متهم تأمین اخذ می‌کند؟

- الف) دادگاه صادرکننده حکم قطعی
- ب) دادگاه صادرکننده حکم بدوی

- ج) دادرسی که در معیت دادگاهی است که پس از تجویز اعاده بازرسی به موضوع رسیدگی می‌کند.
- د) همان دادگاهی که پس از تجویز اعاده دادرسی به موضوع رسیدگی می‌کند.

۸۸- در صورت تجویز اعاده دادرسی و شروع محاکمه ثانوی در چه صورت آثار و تبعات حکم اول متوقف می‌شود؟

- الف) در صورتی که دلایلی که محکوم علیه اقامه می‌کند قوی باشد. (ب) در هر صورت

- ج) در صورتی که دادگاه تشخیص می‌دهد. (د) در صورت تقاضای محکوم علیه و تشخیص دادگاه

۸۹- مرجع تجویز اعاده دادرسی در خصوص احکام دادگاه نظامی کجاست؟

- الف) دیوان عالی کشور (ب) ریس سازمان قضایی نیروهای مسلح

- ج) دادستان کل کشور (د) شعب تجدیدنظر ویژه نیروهای مسلح

۹۰- الف به اتهام قتل عمدی ب محکوم می‌شود ده روز بعد از ابلاغ این حکم که حضوری بوده معلوم می‌شود که

ب زنده است اکنون چه اقدامی برای الف متصور است؟

- الف) اعاده دادرسی (ب) تجدیدنظرخواهی (ج) واخواهی (د) فرجام خواهی

۹۱- کدام یک از احکام زیر لازم الاجرا نیست؟

- الف) حکم قطعی دادگاه بدوی

- ب) حکم غیابی دادگاه بدوی که مهلت واخواهی آن تمام شده باشد.

- ج) حکم دادگاه تجدیدنظر که پس از نقض رأی بدوی صادر می‌کند.

- د) حکم دادگاه بدوی که مورد تأیید مرجع تجدیدنظر قرار گرفته باشد.

۹۲- در صورت تعدد محکوم علیه هم هزینه دادرسی:

- الف) از تمامی آنها به طور مساوی وصول می‌شود.

- ب) از تمامی آنها بطور تضامنی وصول می‌شود.

- ج) تماماً از متهم اصلی وصول می‌شود.

- د) با توجه به مقصر اصلی و فرعی به تفصیل تعیین و مسئول پرداخت آن مشخص می‌شود.

۹۳- شاکی یا مدعی یا خصوصی تا چه زمانی می‌توانند هزینه‌های پرداخت کرده خود را مطالبه کنند؟

- الف) در هر مرحله از دادرسی (ب) قبل از اعلام ختم دادرسی

- ج) قبل از صدور حکم بدلی (د) قبل از صدور حکم قطعی

۹۴- هرگاه در جرائم غیر قابل گذشت شاکی خصوصی بعد از صدور حکم قطعی گذشت کند:

الف) دادگاه مکلف می‌شود به تخفیف مجازات

ب) چنانچه محکوم علیه از دادگاه تقاضای تخفیف کند دادگاه در وقت فوق العاده تشکیل جلسه داده و در صورت اقتضای مجازات در حدود قانون تخفیف داده خواهد شد.

ج) در صورت تقاضای محکوم علیه یا وکیل او دادگاه مکلف به تخفیف مجازات است.

د) در صورت تقاضای محکوم علیه دادگاه در وقت فوق العاده تشکیل جلسه داده و مجازات را تخفیف داده یا تبدیل به مجازات مساعدتر می‌کند.

۹۵- اعتراض نسبت به یک بخش از حکم:

الف) مانع اجرای بخش دیگری از آن نیست.

ب) باعث توقف اجرای کل حکم است.

ج) بستگی به نوع حکم دارد که کل آن متوقف می‌شود یا فقط بخشی که نصبت به آن اعتراض شده است.

د) مانع اجرای بخش دیگر آن نیست مگر دادگاه تشخیص دهد.

۹۶- کدام گزینه درست است؟

الف) در صورت فوت محکوم علیه جزای نقدی و هزینه دادرسی از ماترک او وصول می‌شود.

ب) در صورت فوت محکوم علیه هم جزای نقدی و هم هزینه دادرسی ساقط می‌شود.

ج) در صورت فوت محکوم جزای نقدی ساقط و هزینه دادرسی از ماترک او وصول می‌شود.

د) در صورت فوت محکوم هزینه دادرسی ساقط و جزای نقدی از ماترک او وصول می‌شود.

۹۷- رییس اجرای احکام کیفری..... است.

الف) رییس دادگستری ب) دادستان ج) رییس حوزه قضایی د) معاون دادستان

۹۸- اجرای احکام کیفری دادگاه کیفری یک با..... است.

الف) دادرسی محل وقوع ب) رییس شعبه دادگاه صادرکننده رأی

ج) دادگاه عمومی محل وقوع د) دادرسی شهرستان مرکز استان

۹۹- اجرای احکام کیفری در حوزه قضایی بخش با..... است.

الف) رییس دادگاه یا دادرسی علی البدل ب) فقط رییس حوزه قضایی

ج) رییس دادگاه و در صورت غیاب وی با دادرسی علی البدل د) دادستان شهرستان مربوطه

۱۰۰- اعاده دادرسی نسبت به احکام دادگاه ویژه روحانیت.....

الف) متصور نیست.

ب) ممکن است و مرجع تجویز آن دادستان منصوب یا (دادستان کل ویژه روحانیت) است.

ج) ممکن است و مرجع تجویز آن شعبه تجدیدنظر ویژه روحانیت است.

د) ممکن است و مرجع تجویز آن رییس قوه قضاییه است.

پاسخنامه سؤالات تألیفی آیین دادرسی کیفری منطبق با قانون ۱۳۹۲

- ۱- گزینه "الف" صحیح است. ماده ۵۷۰ ق.آ.د.ک
- ۲- گزینه "د" صحیح است. نظام مختلط همان نظام دادرسی- دادگاه است که ویژگی‌های دو نظام تفتیشی (در مرحله تحقیقات مقدماتی) و اتهامی (در مرحله دادگاه) را با هم دارد.
- ۳- گزینه "ب" صحیح است. صدور قرار اناطه در مورد اموال منقول ممنوع است.
- ۴- گزینه "ب" صحیح است. ماده ۲۱ ق.آ.د.ک
- ۵- گزینه "الف" صحیح است. ماده ۲۰ و ۱۷ ق.آ.د.ک
- ۶- گزینه "ب" صحیح است. ماده ۱۳۴ ق. مجازات جرائم نیروهای مسلح
- ۷- گزینه "ب" صحیح است. منافع ممکن‌الحصول که ماده ۱۴ ق.آ.د.ک و تبصره ۲ این ماده به آن اشاره کرده منافعی است که تحقق آن موکول به آینده است.
- ۸- گزینه "الف" صحیح است. ماده ۴۱ ق.آ.د.ک
- ۹- گزینه "ج" صحیح است. ماده ۴۵ ق.آ.د.ک
- ۱۰- گزینه "ب" صحیح است. ماده ۴۶ ق.آ.د.ک
- ۱۱- گزینه "د" صحیح است. طبق ماده ۱۲ و ۱۳ ق.آ.د.ک در جرائم قابل گذشت، با گذشت شاکی، اجرای حکم متوقف می‌شود.
- ۱۲- گزینه "د" صحیح است. ماده ۳۳۷ ق.آ.د.ک
- ۱۳- گزینه "ب" صحیح است. ماده ۲۶۶ ق.آ.د.ک
- ۱۴- گزینه "الف" صحیح است. ماده ۲۴۲ ق.آ.د.ک
- ۱۵- گزینه "د" صحیح است. ماده ۲۴۲ ق.آ.د.ک
- ۱۶- گزینه "ب" صحیح است. ماده ۲۴۰ ق.آ.د.ک
- ۱۷- گزینه "د" صحیح است. ماده ۲۶۵ ق.آ.د.ک
- ۱۸- گزینه "الف" صحیح است. ماده ۲۷۰ ق.آ.د.ک
- ۱۹- گزینه "ج" صحیح است. ماده ۹۲ ق.آ.د.ک و تبصره آن
- ۲۰- گزینه الف صحیح است. ماده ۳۱۰ و تبصره ۱ ماده ۳۱۴ ق.آ.د.ک
- ۲۱- گزینه ب صحیح است. ماده ۱۱۶ ق.آ.د.ک
- ۲۲- گزینه ج صحیح است. زیرا در تهران مرتکب جرم شده است و اصل بر صلاحیت مرجع محل وقوع جرم است (ماده ۳۱۰) و ماده ۳۱۶ ق.آ.د.ک در مورد جرایمی است که در خارج از کشور ارتکاب یافته باشند.
- ۲۳- گزینه ج صحیح است. اگر طفل با معاونت یا مشارکت بزرگسال مرتکب جرمی شود، به جرائم طفل در دادگاه اطفال رسیدگی می‌شود. ماده ۳۱۲. البته در این خصوص توجه به تبصره این ماده ضروری است.
- ۲۴- گزینه الف صحیح است. رأی وحدت رویه شماره ۶۶۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور؛ قسمتی از متن رأی: (با عنایت به منزلت دیوان عالی کشور و تشکیل آن به منظور نظارت بر حسن اجرای قوانین و ایجاد وحدت رویه قضائی (اصل ۱۶۱ قانون اساسی)، به نظر اکثریت قاطع اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور، اختلاف نظر دادستانی نظامی و دادگاه‌های عمومی در صلاحیت رسیدگی به جرائم، وفق ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، قابل طرح در دیوان عالی کشور بوده و رأی شعبه بیست و هفتم دیوان عالی کشور که متضمن این معنی است، صحیح تشخیص می‌گردد)
- ۲۵- گزینه د صحیح است. تبصره ۲ ماده ۱۱۹ ق.آ.د.ک
- ۲۶- گزینه ج صحیح است. ماده ۱۲۰ ق.آ.د.ک
- ۲۷- گزینه د صحیح است. ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک
- ۲۸- گزینه ج صحیح است. ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک

- ۲۹- گزینه د صحیح است. ماده ۱۸۰ ق.آ.د.ک
- ۳۰- گزینه د صحیح است. ماده ۱۷۹ ق.آ.د.ک و تبصره آن
- ۳۱- گزینه الف صحیح است. زیرا از طبقه سوم است و ماده ۱۷۸ ق.آ.د.ک فقط فوت اقربا تا طبقه ۲ را از جهات عذر موجه دانسته است.
- ۳۲- گزینه د صحیح است. ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک و به طور خاص بند پ این ماده.
- ۳۳- گزینه الف صحیح است.
- ۳۴- گزینه ب صحیح است. ماده ۱۹۷ ق.آ.د.ک
- ۳۵- گزینه الف صحیح است. ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک
- ۳۶- گزینه ب صحیح است. ماده ۱۹۵ ق.آ.د.ک
- ۳۷- گزینه د صحیح است. ماده ۱۹۵ ق.آ.د.ک
- ۳۸- گزینه ج صحیح است. باید توجه داشت که متهم هرچند نفر وکیل که بخواهد می‌تواند داشته باشد ولی فقط یک نفر را می‌تواند همراه خود به داخل جلسه بازپرسی ببرد. ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک
- ۳۹- گزینه ج صحیح است. ماده ۱۸۳ ق.آ.د.ک
- ۴۰- گزینه "د" صحیح است. در قانون جدید، صدور قرار بازداشت موقت توسط قاضی دادگاه نیازمند تأیید مقام و مرجع خاصی نیست. ماده ۲۴۶ ق.آ.د.ک
- ۴۱- گزینه "د" صحیح است. در قانون جدید صدور قرار بازداشت موقت اختیاری است و در هر صورت با رعایت تناسب، انتخاب هر یک از قرارهای تأمین به صلاحدید مقام قضایی بستگی دارد. ماده ۲۳۷ ق.آ.د.ک و تبصره آن.
- ۴۲- گزینه "ج" صحیح است. ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک و تبصره ۲ آن.
- ۴۳- گزینه "ج" صحیح است. تبصره ۲ ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک
- ۴۴- گزینه "د" صحیح است. ماده ۲۳۰ ق.آ.د.ک
- ۴۵- گزینه "ب" صحیح است. ماده ۲۳۵ ق.آ.د.ک
- ۴۶- گزینه "ب" صحیح است. ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک
- ۴۷- گزینه "ج" صحیح است. بند خ ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک
- ۴۸- گزینه "الف" صحیح است. زیرا کفیل متهم نیست.
- ۴۹- گزینه "د" صحیح است. زیرا قانون اشاره‌ای به قابل اعتراض بودن آن‌ها نکرده است. جز در فرض مذکور در ماده ۲۲۶ ق.آ.د.ک
- ۵۰- گزینه "ج" صحیح است. ماده ۲۲۸ ق.آ.د.ک
- ۵۱- گزینه الف صحیح است. ماده ۱۸ ق. صدور چک.
- ۵۲- گزینه "ج" صحیح است. مواد ۲۳۰، ۲۳۳ و ۵۳۸ ق.آ.د.ک
- ۵۳- گزینه "د" صحیح است. ماده ۹۲ و بند ب ماده ۲۷۰ ق.آ.د.ک
- ۵۴- گزینه "د" صحیح است. ماده ۲۵۱ ق.آ.د.ک
- ۵۵- گزینه "ج" صحیح است.. ماده ۷۹ ق.آ.د.ک
- ۵۶- گزینه "الف" صحیح است. ماده ۱۷۱ ق.آ.د.ک
- ۵۷- گزینه "الف" صحیح است.. ماده ۲۴۴ ق.آ.د.ک
- ۵۸- گزینه "ج" صحیح است.. ماده ۳۶۶ ق.آ.د.ک
- ۵۹- گزینه "ج" صحیح است.. بند پ ماده ۵۱۰ ق.آ.د.ک
- ۶۰- گزینه "د" صحیح است.. تبصره ماده ۳۴۶ و ماده ۳۸۵ ق.آ.د.ک
- ۶۱- گزینه "د" صحیح است.. ماده ۳۴۸ ق.آ.د.ک

- ۶۲- گزینه "د" صحیح است.. ماده ۳۶۱ ق.آ.د.ک
۶۳- گزینه "ج" صحیح است.. ماده ۳۱۵ ق.آ.د.ک
۶۴- گزینه "ب" صحیح است. تبصره ماده ۳ ق. تجدیدنظر آراء دادگاهها مصوب ۱۳۷۳
۶۵- گزینه "د" صحیح است. ماده ۴۳۳ ق.آ.د.ک
۶۶- گزینه "ج" صحیح است. ماده ۴۳۴ ق.آ.د.ک
۶۷- گزینه "ج" صحیح است. ماده ۴۳۸ ق.آ.د.ک
۶۸- گزینه "الف" صحیح است. ماده ۴۴۰ ق.آ.د.ک (منظور از تصمیم مقتضی در این ماده قرار رد درخواست است.)
۶۹- گزینه "ج" صحیح است. ماده ۴۳۰ ق.آ.د.ک
۷۰- گزینه "الف" صحیح است. بند پ ماده ۴۳۴ و بند پ ماده ۴۵۰ ق.آ.د.ک
۷۱- گزینه "ب" صحیح است. صلاحیت دادگاههای بالاتر نسبت به دادگاههای پایین تر ذاتی نیست مثلاً دادگاه کیفری یک می تواند به جرایمی که در صلاحیت دادگاه کیفری دو است رسیدگی کند یا دادگاه نظامی ۱ می تواند به جرایمی که در صلاحیت دادگاه نظامی ۲ است رسیدگی کند.
۷۲- گزینه "ج" صحیح است. بند ث ماده ۴۵۰ ق.آ.د.ک
۷۳- گزینه "د" صحیح است. ماده ۴۵۴ ق.آ.د.ک
۷۴- گزینه "ب" صحیح است. ماده ۴۵۶ ق.آ.د.ک
۷۵- گزینه "الف" صحیح است. بند ب ماده ۴۵۵ ق.آ.د.ک
۷۶- گزینه "د" صحیح است. ماده ۴۵۹ ق.آ.د.ک
۷۷- گزینه "ج" صحیح است. بند پ ماده ۴۵۵ ق.آ.د.ک
۷۸- گزینه "ب" صحیح است. بند ۴ قسمت ب ماده ۴۶۹ ق.آ.د.ک
۷۹- گزینه "الف" صحیح است. تبصره ۱ ماده ۲۹۶ ق.آ.د.ک
۸۰- گزینه "ج" صحیح است. ماده ۲۹۶ ق.آ.د.ک
۸۱- گزینه "الف" صحیح است. ماده ۴۷۶ ق.آ.د.ک
۸۲- گزینه "د" صحیح است. ماده ۴۷۴ ق.آ.د.ک
۸۳- گزینه "د" صحیح است. ماده ۴۸۳ ق.آ.د.ک
۸۴- گزینه "ب" صحیح است. ماده ۴۷۵ ق.آ.د.ک
۸۵- گزینه "الف" صحیح است. ماده ۴۷۶ ق.آ.د.ک
۸۶- گزینه "د" صحیح است. ماده ۴۷۸ ق.آ.د.ک
۸۷- گزینه "د" صحیح است. ماده ۴۷۸ ق.آ.د.ک
۸۸- گزینه "الف" صحیح است. ماده ۴۷۹ ق.آ.د.ک
۸۹- گزینه "الف" صحیح است.
۹۰- گزینه "د" صحیح است. زیرا حکم هنوز قطعی نشده است و از حیث مجازات جرم مشمول ماده ۳۰۲ قرار می گیرد لذا مرجع اعتراض دیوان است که در قانون جدید فرجام خواهی نامیده می شود.
۹۱- گزینه "ب" صحیح است. زیرا ممکن است قابل تجدید نظر باشد
۹۲- گزینه "د" صحیح است. ماده ۵۶۲ ق.آ.د.ک
۹۳- گزینه "الف" صحیح است. ماده ۵۶۳ ق.آ.د.ک
۹۴- گزینه "ب" صحیح است. ماده ۴۸۳ ق.آ.د.ک
۹۵- گزینه "الف" صحیح است. ماده ۴۹۳ ق.آ.د.ک

- ۹۶- گزینه "ج" صحیح است. جزای نقدی مجازات است و با فوت ساقط می‌شود و هزینه دادرسی طبق ماده ۵۶۵ ق.آ.د.ک از ماترک وصول می‌شود
- ۹۷- گزینه "ب" صحیح است. ماده ۴۸۴ ق.آ.د.ک
- ۹۸- گزینه "د" صحیح است.
- ۹۹- گزینه "ج" صحیح است. تبصره ۳ ماده ۴۸۴ ق.آ.د.ک
- ۱۰۰- گزینه "ج" صحیح است.

نکات مهم مهم پایانی

- * باید مسائل وسوسه‌انگیز (همچون تلفن همراه، تلویزیون و ...) در اطرافمان را کنترل کنیم. آنچه به طور معمول اتفاق می‌افتد این است که ما بی‌اختیار به سمت آنها می‌رویم. یک تلفن همراه ساده تهیه کنید؛ باور کنید که در سه/چهار ماه آخر، کلی وقت کم می‌آید.
- * شما [برای موفقیت] باید [مدتی] از آسایش دور باشید؛ ممکنه برخی از دوستانتون رو از دست بدید؛ مجبور بشید شب‌بیداری بکشید. هرچند که بسیاری از مردم حاضر نیستند چنین کاری را انجام دهند ...
- * ۳۰ تا ۴۵ دقیقه مطالعه کنید سپس ۴ تا ۵ دقیقه استراحت. در استراحت‌ها از موبایل، تلویزیون و وسایل ارتباطی دوری کنید. مراقب دزدهای زمان باشید! در زمان‌های استراحت بین مطالعه، اگر فعالیت سرگرم‌کننده را شروع کنید، ممکن است زنگ تفریح شما طولانی‌تر از زمان درس خواندن باشد.
- * در زمان‌های استراحت بین مطالعه: کمی راه بروید؛ دست‌ها، انگشتان، شانه‌ها، گردن و چشمانتان را نرمش بدهید. سعی کنید در این بازه زمانی از فعالیت‌های فکری دوری کنید.
- * بدانید که حتی در آرام‌ترین محیط، حداکثر دقت و تمرکز انسان بر روی یک متن درسی، ۲۵ دقیقه است.
- * یک مطالعه مطلوب سه ساعته باید شامل ۴ مطالعه چهل دقیقه‌ای با فاصله ۴ تا ۵ دقیقه‌ای در میان آنها باشد. این روش، علاوه بر اینکه دقت شما را در بالاترین حد خود نگاه می‌دارد باعث می‌شود از نظر جسمی خسته نشوید.
- * یک هدف را انتخاب کنید و فقط به سوی آن حرکت کنید؛ رویاهای خود را مکتوب کنید؛ در رویاهایتان زندگی کنید! و نهایتاً رویاهایتان را دنبال کنید و یقین داشته باشید که رویاهایتان راه را بلد هستند.
- * زمان مطالعه خود را به صورت ترکیبی از ساعت و تعداد فصل‌های کتاب برنامه‌ریزی کنید. مثلاً اگر مطالعه فصلی از کتاب تا بعد از ساعت ۶ کامل می‌شود تنها با به پایان رسانیدن آن فصل، مطالعه خود را متوقف کنید.
- * در هنگام درس خواندن، باید یک لیوان آب بر روی میز خود بگذارید و به یاد داشته باشید که گه‌گاه جرعه‌ای از آن بنوشید ...
- * همواره قبل از مطالعه، مقدار درسی که باید خوانده شود را تعیین کنید و نه مدت زمان درس خواندن را. برای به پایان رساندن مقدار مطلبی که برای مطالعه مشخص کرده‌اید شتاب‌زده عمل نکنید! در عین حال، اهداف غیر واقعی را هم برای خود در نظر نگیرید.
- * خوردن یک صبحانه سالم، یعنی فراهم کردن انرژی کافی برای فعالیت در پرتحرک‌ترین و ثمربخش‌ترین ساعات روز؛ یعنی صبح‌ها!
- * یکی از تکنیک‌های مطالعه، مطالعه اجمالی قبل از خواندن دقیق است. ابتدا باید با تندخوانی (روزنامه‌ای خوانی)، موضوع را به سرعت مطالعه کرد. این کار به ذهن شما کمک می‌کند تا اطلاعات شاخص را جمع‌آوری کرده و پیش‌زمینه مناسبی برای درس خواندن مؤثر فراهم آورد. تندخوانی (روزنامه‌ای خوانی)، را نمی‌توان جایگزین مطالعه معمولی کرد بلکه این روش، صرفاً تمرینی است که برای مؤثر ساختن مطالعه به کار گرفته می‌شود. در تندخوانی باید از انگشتان خود کمک بگیرید و به چشمان خود یاد دهید که حرکت انگشتان را تعقیب کنند.
- * از افرادی که سعی دارند بلندپروازی‌هایتان را کوچک شمارند دور شوید.

* یادداشت‌برداری در جریان مطالعه، به شما کمک می‌کند تا تأثیرات آنچه در جریان مطالعه گذشته است را ثبت کنید. یادداشت‌کردن نکات مهم، تأثیر بسزایی در تثبیت آن در ذهن دارد. به یاد داشته باشید مغز حدود هفتاد و پنج درصد آنچه را که فراگرفته پس از یک روز فراموش می‌کند.

* شما به هیچ کس نیاز ندارید که رؤیایان را تأیید کند! رؤیای شما برای شماست ... اگر دیگران رؤیای شما را تأیید نمی‌کنند به این دلیل است که: این رؤیای آنها نیست و آن را درک نمی‌کنند.

* اگر انگیزه مطالعه و درس خواندن به اندازه کافی جذاب نباشد یقیناً با جدیت تلاش نخواهید کرد. برای خود آرزوی بزرگی را تصور کنید. همانا که داشتن آرزوی بزرگ، انگیزه‌ای برای این خواهد شد که با اراده‌ای استوار به مطالعه ادامه دهید.

* از قدیم به ما می‌گفتند: «آزمون وکالت یا قضاوت نص‌محور است.» به عبارت دیگر، متن قوانین و آرای وحدت رویه، مورد سؤال قرار می‌گیرد. این گفته، تاحدودی فریب‌دهنده است و متأسفانه عده‌ای از داوطلبان در دام این معنی می‌افتند و صرفاً به متن قوانین اکتفا می‌کنند. یک داوطلب ناچار است برای فهم ابعاد یک ماده قانونی، علاوه بر متن ساده قوانین، کتاب‌های کم‌حجم و جزوات را نیز مطالعه کند.

* دنده‌ای با برنامه‌تمرینی‌اش توانست بزرگترین، سریعترین و با استعدادترین دنده جهان شود. او می‌گوید: من صبح‌ها ۱۰ کیلومتر و شب‌ها ۲۰ کیلومتر می‌دوم. وقتی به او گفتند که برنامه‌تمرینی‌اش خیلی ساده است، گفت: برنامه‌تمرینات من ساده است، ولی من ۳۶۵ روز در سال این کار را می‌کنم. علت اینکه بعضی‌ها به خواسته‌هایشان نمی‌رسند، این نیست که برنامه ساده‌ای دارند، بلکه آنها نمی‌توانند این برنامه ساده را دنبال کنند.

* وضع نشستن برای افرادی که زیاد مطالعه می‌کنند بسیار مهم است. نباید به صورت خمیده و یا مایل به سمت طرفین مطالعه نمود؛ ستون فقرات به هنگام مطالعه باید راست باشد. باید ضمن مطالعه و در وقت‌های استراحت چشم‌ها و وضع نشستن خود را تغییر داد. مختصری حرکت نمایند تا از رکود خون در پاها جلوگیری شود. مطالعه در حال دراز کشیدن برای چشم مناسب نیست چراکه روشنائی کتاب تأمین نمی‌شود و خستگی زودتر فرا می‌رسد.

* اگر بخواهی اصلاحات مهمی در زندگی‌ات ایجاد کنی، باید دلیلی داشته باشی و برای اینکه بخواهی تغییرات ضروری را در زندگی‌ات بدهی، چراییت باید در نظرت انگیزه‌بخش باشد و تو را برای دست زدن به هر اقدام لازمی به هیجان آورد. تو باید بخواهی که بلند شوی، و برای سال‌های متمادی ... بروی و بروی و بروی ...

* بد نیست که یک همراه موفقیت پیدا کنید. مثلاً به دوستی که هدفش قبولی در آزمون و به اندازه کافی انگیزه قوی برای قبولی در آزمون دارد! اینایی که باشگاه ورزشی می‌زن یک حریف تمرینی دارند که بهشون انگیزه می‌ده و به موقع‌های سرشون داد می‌زنه و بعضی اوقان هم می‌تونن باهات درد دل کنند. کلاً این رو می‌دونید که هم‌نشینا و معاشران خیلی - یعنی خیلی - مهم هستند. با همراه موفقیت‌تان راجع به مخمصه‌ها و اشتباهاتان صحبت کنید.

* موفقیت در سایه سخت‌کوشی، نظم و عادت‌های خوب به دست می‌آید؛ نباید در انتظار کسب نتایج آنی باشیم؛ این داستان‌هایی که مطرح می‌شود که به نفر یک‌شبه میلیارد شده، یک در میلیون! و موفقیت، مایکروویوی و فست‌فودی نیست!

* درس‌ها رو متنوع بخونید مثلاً در یک روز، دو درس را بخوانید؛ آدمی از بکنواخت بودن به زودی ملول می‌شود.

* کتاب قانونی را که با آن کار می‌کنید و انس می‌گیرید هرگز عوض نکنید چون ذهن شما تصویر صفحات مطالعه‌شده را نیز حفظ می‌کند (مثلاً من می‌دونم که توی قانون ماده فلان در بالای صفحه سمت چپه! این مزیت حافظه تصویری، وقتی که حافظه علمی در آزمون کار نمی‌کنه معجزه می‌کنه! به پیشنهاد دیگه: از مجموعه قوانین «معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری» به نشانی dotic.ir استفاده کنید.

* دو راه مفید برای مواجهه با صداهای مزاحم هنگام مطالعه وجود دارد:

یک: استفاده از صدای «نویز سفید» هنگام مطالعه: صدای «White noise» - شبیه صدایی که توی این تلویزیون قدیمی‌ها هم‌زمان با دیدن برفک پخش می‌شد - رو دانلود کنید و موقع درس خواندن پخش کنید. دو: گذاشتن گوش‌گیرها (محافظ گوش): برای رفع عامل صدای محیط، صداگیرهای اسفنجی کوچک ارزان‌قیمتی در داروخانه‌ها قابل تهیه هستند و داخل مجرای گوش قرار می‌گیره و بی‌نظیره.

* جزوات و کتاب‌ها تون رو حتماً سیمی کنید که باهاش یک سال کَلنجار نرید. از نگهدارنده‌های کتاب که هنگام مطالعه از خم کردن سر و گردن و پایین‌نگاه داشتن چشم‌هایتان جلوگیری می‌کند استفاده کنید. این Book Holder ها با جنس‌های مختلف در بازار موجوده.

* همیشه اوون آمده باش که نه می‌گه! هم‌رنگِ جماعت شدن افتخاری نداره!

* اگه تا به حال به جایی نرسیدید دیگران را مقصر ندونید چون «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست «وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى» و [نتیجه] کوشش او به زودی دیده خواهد شد.

* روانشناسان می‌گویند چیزی تبدیل به عادت نمی‌شود مگر اینکه آن را سه هفته مکرر انجام دهید. این حرف علمی نیست اما من ازش جواب گرفتم!

* موفقیت واقعی و ماندگار، نیازمند کارکردن است - و البته کار زیاد!

* برایان تریسی می‌گه: «افراد موفق هدف‌های خیلی روشنی دارند. آنها می‌دانند که کی هستند و می‌دانند که چه می‌خواهند. آنها هدفشان را روی کاغذ می‌نویسند و برای رسیدن به آن برنامه‌ریزی می‌کنند. از نظر من هدفی که نوشته نشده فقط خیال است!»

* یه چیز دیگه هم بگم: در آزمون‌های آزمایشی مؤسسات شرکت نکنید چون روحیه‌تون خراب می‌شه چرا که سوالات این آزمون‌ها کاملاً غیراستاندارد و در اغلب موارد بسیار دشوار و بی‌ارتباط با آزمون اصلی است.

* افراد سست‌اراده همیشه منتظر معجزه‌ها و رویدادهای شگفت‌انگیزند اما افراد قوی، خود آفریننده معجزه‌ها و رویدادهای شگفت‌انگیزند.

* و هر که بر خدا توکل کند خدا او را کفایت خواهد کرد (آیه ۳ سوره طلاق) منظور از «توکل» سپردن کارها به خدا، اعتماد بر لطف اوست زیرا «توکل» از ماده «وکالت» به معنای انتخاب وکیل نمودن و اعتماد بر دیگری کردن است. بدیهی است هر قدر وکیل توانایی بیشتر و آگاهی فزون‌تر داشته باشد، شخص موکل احساس آرامش بیشتری می‌کند و از آنجا که علم خدا بی‌پایان و توانایی‌اش نامحدود است، هنگامی که انسان، توکل بر او می‌کند، آرامش فوق‌العاده احساس می‌کند چه آنکه حتی اگر از بدی هم بر او برسد «خیر» است. آیه ۲۱۶ سوره بقره می‌گه: «و چه بسا چیزی را خوش نداشتید و آن برای شما خیر است، و چه بسا چیزی را دوست دارید و آن برای شما بد است؛ و خدا [مصلحت شما را در همه امور] می‌داند و شما نمی‌دانید.» و در آخر هم آیه ۲۸ سوره رعد رو همیشه گوشه ذهن داشته باشد که با دل‌تون بازی می‌کنه: «و دل‌ها تنها با یاد خدا آرام می‌گیرد.»

در پایان اینکه کلی رسانه‌ها رو در مدتی که درس می‌خونید بذارید کنار! چون بخشی از ظرفیت ذهن شمار رو اخبار اشغال می‌کنه و این سمه! و این رو بدونید که ۹۹ درصد از کل اخبار هیچ اثر شخصی روی زندگی ما، یا هدف‌ها، رویاها و بلندپروازی ما نداره! البته استثنائاً رسانه‌هایی که روی حوزه رشد فردی کار می‌کنن و رسانه‌های ملاکریمی رو دنبال کنید!

یه توصیه مخلصانه: از بهترین راه‌های دستیابی به اهداف این است که انرژی‌مان را در بخشش به دیگران متمرکز کنیم. اگر می‌خواهیم اعتماد به نفس خودمان بیشتر شود، سعی کنیم اعتماد به نفس اطرافیان‌مان را بالا ببریم. اگر حس امیدواری و مثبت‌اندیشی می‌خواهیم باید در شخص دیگری این‌ها را القا کنیم و اگر موفقیت را برای خودمان می‌خواهیم برای دیگران هم بخواهیم. این «اثر دیگران» است بر زندگی ما! اثر موجی کمک به دیگران و بخشیدن سخاوتمندانه وقت و انرژی‌مان به آنها این است که خودمان بزرگ‌ترین ذینفع این «نوع‌دوستی» خواهیم بود. وقتی هم آموختیم یکی از تأثیرگذارترین بخش‌ها بر زندگی هر کس اطرافیان‌ش می‌باشد، لذا با بهبود وضع اطرافیان در واقع زندگی خودمان را به سمت خوبی تغییر داده‌ایم. اثر دیگران یعنی اینکه اگر دوستم جزوه حقوق مدنی را خوانده است و از آن متأثر شده، آن را به من هدیه کند، من به دیگری هدیه کنم یا با نوشتن مطالبی درباره این جزوه، دیگران را تشویق به خواندن آن کنم تا هم خودم لذت ببرم، هم جامعه و اطرافیانم هم موجی از لذت و تغییر مثبت را احساس کنند. من متوجه شده‌ام بهترین راه برای به دست آوردن چیزهایی که در زندگی‌ام می‌خواهم این است که انرژی‌ام را روی بخشش به دیگران متمرکز کنم. اگر این جزوه به تو کمک کرده اوون رو برای پنج نفر بفرست: چون بدون تو حتی ممکن نبود آن را پیدا کند.

از حضرت امیر (ع) نقل است: «نوکِ قلم‌های خود را تیز بتراشید و خطوط را نزدیک به هم بنویسید، عبارت‌های اضافی را حذف و اصلی سخن را مورد توجه قرار دهید؛ بهره‌زید از زیاده‌روی و مصرف بیش از حد که اموال مسلمانان، تحمّل ضرر و زیان را ندارد»؛ انتخابِ قلم، چینش و آماده‌سازی این جزوه با هدف استفاده و صرفه‌جویی حداکثری از کاغذ انجام شده؛ امید داریم چنانچه احتمالاً از سهولت استفاده از مجموعه کاسته شده، خوانندگان عزیز من را بخشنند و همچنین شایان ذکر است که: اگر در حین مطالعه با موارد سهو قلم و یا خطاهای انسانی دیگر که ما از آن غافل مانده‌ایم، مواجه شدید؛ از طریق ایمیل mollakarimi.omid@gmail.com یا شماره ۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ با ما در میان بگذارید تا اصلاح نماییم. لازم به ذکر است در نگارش برخی از قسمت‌های

این جزوه از کتاب دکتر خالقی استفاده شده است. آخرین به‌روزرسانی جزوه: ۱۴۰۰ اینستاگرام نویسنده **omid_mollakarimi**



امید ملاکریمی هستم؛ یه حواس‌پرِت متولدِ دهه ۶۰ توو تهران! ارزش اصلی من در زندگی، کمک به دیگران و تأثیرگذاری بر زندگی آنهاست. به یادگیری و اشتراک گذاشتن آموخته‌هایم با دیگران علاقه‌ی زیادی دارم. البته همه تلاشم را می‌کنم تا روش‌هایی را که به افزایش کیفیت یادگیری کمک می‌کنند یاد بگیرم و بعد از افزودن تجربیات خودم، آنها را به دیگران هم انتقال بدهم. در حوزه آموزش و نویسندگی در رشته حقوق با روش «ساده‌نویسی» و «به کار بردن نمودار» متفاوتم! من به این جمله ایمان دارم: «اگر موفقیت بیشتری می‌خواهی باید به دیگران کمک کنی تا به موفقیت بیشتری دست یابند.»

داستان نویسنده: بعد از اینکه لیسانس رو گرفتم مثل خیلی از دانش‌آموخته‌های حقوق وارد دوره کارشناسی ارشد شدم؛ البته باید بگم که یه کار ثابت هم داشتم که ماهانه یه حقوق ثابت از اوون می‌گرفتم. رفته رفته به این نتیجه رسیدم که اگه بخوام اینجوری ادامه بدم دست آخر بعد از دریافت مدرک کارشناسی ارشد و یا حتی دکتری در بهترین حالت می‌خوام یه کارمندِ سطح بالا توو یه اداره بشم که نهایتاً یه حقوق خوب دریافت کنم. شاید برای خیلی‌ها رسیدن به یه حقوق کارمندی خوب نقطه اوج آرزوهاشون محسوب بشه اما من رسیدن به یه حقوق ثابت خوب رو مطلوب نمی‌دیدم. همیشه دوست داشتم مثل قهرمانای این فیلما به آدمایی که توو موقعیت‌های بد قرار گرفتن کمک کنم و با کلی غرور و کمال رضایت از مفید بودن خودم یه نفس عمیق بکشم و بگم «تونستم!». از این فیلما که بگذریم ذات زندگی آدمیزاد اینه که باید بجنگه و از «یه جا نشستن» یا همون «صبح به صبح کارت زدن توو یه محیط اداری» فراری باشه. خلاصه اواخر اسفند ماه بود که تصمیم گرفتم عطای حقوق ثابت را به لقاییش ببخشم و از اول فروردین شروع کنم به خوندن! البته این اشتیاق سوزان باید اول اول توو خود آدم ایجاد بشه و حتی اگه دوستان و اطرافیان با تمسخر بهت بگن: «تو که کار ثابت داری، می‌خوای بشینی و بخونی که چی!»، یا بگن: «صد و ده هزار تا شرکت می‌کنی و نهایتاً سه هزار تا ور می‌دارن و تو بدون سهمیه عمراً شانس نداری!» اطمینان نداشتیم که به موفقیت برسیم اما با خودم عهد کردم که اول فروردین «بسمه‌الله» بگم و با همه توانم پیش برم؛ البته قبلش از خانواده‌ام خواستم که توو این مسیر کمک کنن و این هشت ماه یه کم توقع و انتظارشون رو از من کم کنن. من ریسک شیرین بلندپروازان‌های رو آغاز کرده بودم؛ خلاصش کنم برات: «با وجود تمام ترسی که از شکست داشتم، از تصمیمم راضی بودم!». جمله یه بنده‌ی خدا اوومد توو ذهنم که می‌گفت اگر آرزوت اینه که یه ماشین بخری، اول برو یه جاسوییچی برای ماشینی که توو روایته تهیه کن و یقین داشته باش که به ماشینه می‌رسی! منم بدون معطلی، رفتم یک سنجاق‌سینه کوچولو که رووش آرم کانون رو داره و وکیل‌های کانون همیشه روی گت یا مانتوشون می‌زنن تهیه کردم. تا شروع کردم کمک‌های خدا رو دیدم که یکی یکی برام می‌اومد. مثلاً با مسؤل یه کتابخونه صحبت کردم و با وجود اینکه ساعت کار اوونجا تا ۶ بعد از ظهر بود بهم گفت: می‌تونی با نگرهبان مجموعه هماهنگ کنی و تا ۱۱ شب هم از کتابخونه استفاده کنی! خلاصه اینکه ایمان داشتم اگر امروز زحمت بکشم فردا از نتیجه و میوه شیرین اوون زحمات بهره‌مند می‌شم؛ به فرموده قرآن: «فان مع العسر، یُسرا». خوشحالم از اینکه که امروز که این متن رو نوشتم در وضعیتی هستم که در تمامی آزمون‌های حقوقی (وکالت، قضاوت، ارشد، دکتری) قبول شدم و به عضویت «هیأت علمی» رسیدم و می‌خوام متنم رو با یه جمله تموم کنم: «تووی سکوت تلاش کن و اجازه بده صدای موفقیت همه جا بیچه!»

چشم‌انتظار خواندن داستان موفقیت‌تان هستیم. به امید موفقیت تو؛ امید ملاکریمی

پایان گفتار ما: حمد و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است.

Telegram Channel: @OmidMollakarimi Instagram: @vekalatyar web: mollakarimi.ir

به شماره ۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ واتس‌آپ بدین و جزوات رایگان آزمون‌های وکالت و قضاوت را از من بخواهید تا برایتان ارسال کنم!